



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# تفسیر قرآن و حدیث

مجمع جهانی شیعه شناسی

مؤلف: سید عمران ہاشمی شہرستانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تفسیر متقین در قرآن و حدیث

نویسنده:

سید عمران هاشمی شهرستانی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی شیعه شناسی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۲	تفسیر متقین در قرآن و حدیث
۱۲	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۸	فهرست مطالب
۳۱	مقدمه ناشر
۳۳	مقدمه مؤلف
۳۶	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۳۶	اشاره
۳۷	آثار پیروی از قرآن
۳۹	حدود تفسیر قرآن
۳۹	منابع تفسیر
۴۰	حقیقت تفسیر
۴۱	منع از تفسیر به رأی
۴۲	فرق تفسیر، تأویل و ترجمه
۴۲	نزول قرآن
۴۳	محتوای قرآن
۴۳	معانی وحی
۴۳	اشاره
۴۴	الف) وحی به زنبور عسل
۴۴	ب) وحی به امور آسمانها
۴۴	ج) وحی شیاطین به دوستان خود
۴۴	د) وحی به مادر حضرت موسی علیه السلام
۴۷	نامتناهی بودن قرآن

۴۸	قرآن برای همه نسل ها و عصرها
۴۸	معنای حروف مقطعه در قرآن
۵۲	فرق مؤمن بامسلمان
۵۲	جایگاه حقیقی علم نزد متقین
۵۴	نکات تفسیری
۵۷	هدایت الهی عمومی یا مخصوص متقین
۵۸	ویژگی های سوره حمد
۵۸	مقدمه
۶۱	ثواب قرائت فاتحه الكتاب
۶۲	جمع علوم قرآن در سوره حمد
۶۲	برترین سوره قرآن
۶۵	شروع سوره با حمد الهی
۶۸	فرق رحمن با رحیم
۷۶	معانی ربّ
۷۶	رُبوبیت عامّه
۷۷	رُبوبیت خاصّه
۷۸	سبّ اختصاص مالکیت به روز جزا
۸۰	ارجاع مُتشابه به مُحکم
۸۱	تفسیر بعض قرآن با بعض دیگر آن
۸۱	شفاعت قرآن
۸۲	قرآن برترین پند
۸۳	هدایت قرآن
۸۴	قرآن بهار قلب ها
۸۵	حفاظت از قرآن
۸۸	جدا کردن قرآن از عترت
۹۰	طهارت در خلقت عترت

۹۱	فصل دوم: امتیازهای متقین از نظر قرآن و معصومین علیهماالسلام
۹۱	اشاره
۹۲	قبولی اعمال از متقین
۹۲	متقین و عبادت أحرار
۹۳	متقین؛ دعوت شدگان به بهشت
۹۴	متقین و عاقبت به خیری
۹۴	متقین و عبرت ها
۹۴	متقین، مصداقی از ابرار
۹۷	متقین مصداق بارز «کونوا مع الصادقین»
۹۸	متقین و هدایت قرآنی
۱۰۲	متقین برخوردار از قلب سلیم
۱۰۵	متقین و مغفرت الهی
۱۰۶	ایمان واقعی در متقین
۱۰۸	نیکو بودن خانه متقین
۱۰۹	بشارت قرآن به متقین و مؤمنین
۱۱۲	فلسفه خلود متقین در بهشت
۱۱۳	متقین مشمول شفاعت الهی
۱۱۳	مقدمه
۱۱۶	متقین مشمول شفاعت اهل بیت علیهم السلام
۱۱۸	متقین شایسته هدایت و رستگاری
۱۲۰	تجلی نیکوکاری در متقین
۱۲۳	متقین جامع کمالات الهی
۱۲۴	نشانه های متقین
۱۲۵	برادری متقین و آثار آن
۱۲۷	متقین مشمول عنايات ملائکه و انبياءعليه السلام
۱۳۰	اعتلای روحی برای متقین

- ۱۳۲ ..... متقین شایسته روزی حلال و حساب شده -
- ۱۳۳ ..... متقین و مشاهده حقایق -
- ۱۳۶ ..... نگاه رحمت به متقین در قیامت -
- ۱۴۷ ..... نفخه صور در قرآن -
- ۱۵۷ ..... تفسیر آیات ده گانه -
- ۱۶۴ ..... متقین مستحق اجر بی حساب -
- ۱۷۴ ..... ورود بی حساب متقین به بهشت -
- ۱۷۵ ..... مرگ و حشر غیرمستقین -
- ۱۸۳ ..... ولایت جواز عبور از صراط -
- ۱۸۳ ..... ولایت امام علی علیه السلام شرط عبور از پل صراط -
- ۱۸۴ ..... بحث وجود و عدم -
- ۱۸۴ ..... تفسیر آیه اول -
- ۱۸۵ ..... تفسیری از آیه دوم -
- ۱۸۷ ..... چهره های اهل بهشت -
- ۱۸۸ ..... سرمایه اهل بهشت -
- ۱۹۱ ..... متقین وارثان بهشت -
- ۱۹۲ ..... ثمره اطاعت از خدا و رسولش برای متقین -
- ۱۹۳ ..... آثار خوف از خدا برای متقین -
- ۱۹۵ ..... متقین مخلص در مسیر مخلصین -
- ۱۹۹ ..... متقین و نعمت های بهشتی -
- ۲۰۱ ..... متقین و همسران در بهشت -
- ۲۰۲ ..... اقسام نعمت های بهشتی برای متقین -
- ۲۰۷ ..... ویژگی های همسران بهشتی متقین -
- ۲۰۹ ..... ساقیان متقین در بهشت -
- ۲۱۷ ..... متقین پاک دل -
- ۲۱۷ ..... متقین مشمول بشارت الهی -



- ۲۱۹ ..... متقین طرف معامله با خدا
- ۲۲۰ ..... متقین برتر از فرشتگان
- ۲۲۲ ..... عظمت متقین در نزد خدا
- ۲۲۳ ..... دستاورد دعا برای متقین
- ۲۲۴ ..... امتداد
- ۲۲۷ ..... فصل سوم : کارکردهای رفتاری متقین از نگاه قرآن و معصومین علیهم السلام
- ۲۲۷ ..... اشاره
- ۲۲۸ ..... توجه متقین به معارف قرآن
- ۲۲۹ ..... سهم متقین از رحمت الهی
- ۲۳۰ ..... بهره مندی عمومی از قرآن با زبان مشترک
- ۲۳۰ ..... متقین و آغاز کارها با نام خدا
- ۲۳۲ ..... متقین و تدبیر در قرآن
- ۲۳۴ ..... متقین و انتخاب درست
- ۲۳۷ ..... متقین و حمد خداوند متعال
- ۲۳۸ ..... متقین؛ عاملین به علم
- ۲۴۰ ..... متقین و ذکر کثیر
- ۲۴۲ ..... متقین و صراط مستقیم
- ۲۴۹ ..... تقدّم هدایت بر ضلالت
- ۲۵۳ ..... عبادت متقین در قرآن
- ۲۵۵ ..... ذکر متقین
- ۲۵۷ ..... متقین و مراتب قرآن
- ۲۵۹ ..... متقین و عبادت خالصانه
- ۲۶۰ ..... متقین و مهجوریت زدائی از قرآن
- ۲۶۶ ..... قلوب متقین، مجرای امتحان الهی
- ۲۶۷ ..... ایمان متقین به خدا و غیب
- ۲۶۸ ..... متقین، برپادارندگان نماز

- ۲۶۹ ..... متقین و انفاق در راه خدا
- ۲۷۰ ..... متقین و ایمان به کتب آسمانی و آخرت
- ۲۷۱ ..... متقین و دوری از ربا
- ۲۷۲ ..... متقین و خوراک پاک
- ۲۷۴ ..... لقمه حلال و استجابت دعا
- ۲۷۵ ..... متقین و همنشینی با فقرا
- ۲۷۶ ..... متقین و وفای به عهد
- ۲۷۷ ..... قصاص مصداق عدالت اجتماعی
- ۲۷۸ ..... متقین، مجریان عدالت اجتماعی
- ۲۸۲ ..... روزه تکلیف متقین
- ۲۸۷ ..... روزه نماد تساوی و تکامل
- ۲۸۸ ..... متقین و دعوت به تسلیم در برابر اوامر الهی
- ۲۹۴ ..... متقین پایبند به قانون جنگ
- ۲۹۵ ..... هجرت و جهاد متقین
- ۲۹۶ ..... متقین و دستور به انفاق
- ۲۹۹ ..... عدم حزن و اندوه نتیجه انفاق دائم
- ۳۰۱ ..... متقین و دوری از ربا
- ۳۰۲ ..... حرمت ربا
- ۳۰۴ ..... متقین و مکتوب کردن دین
- ۳۰۷ ..... ایمان کامل متقین
- ۳۱۰ ..... ایمان متقین به غیب
- ۳۱۱ ..... متقین و رسالت انذار
- ۳۱۹ ..... شرایط اجابت دعای متقین
- ۳۳۳ ..... متقین و زیارت پیشوایان دینی
- ۳۳۶ ..... متقین و آداب زیارت
- ۳۳۸ ..... فصل چهارم: جایگاه متقین در قرآن و عترت

۳۳۸	..... اشاره
۳۳۹	..... متقین در آینه آیات قرآن
۳۳۹	..... اشاره
۳۳۹	..... متقین و توفیق الهی
۳۳۹	..... قبولی أعمال متقین
۳۳۹	..... متقین تابع قرآن
۳۳۹	..... آسانی در کارهای متقین
۳۴۰	..... همراهی خداوند با متقین
۳۴۰	..... نجات متقین
۳۴۰	..... آثار قلب سلیم در متقین
۳۴۲	..... تأثیر قرآن بر متقین
۳۴۳	..... پیامبر صلی الله علیه وآله و دعوت از متقین برای زیارت
۳۵۰	..... نصایح امام علی علیه السلام در باره متقین
۳۵۴	..... خصلت های متقین در کلام امام صادق علیه السلام
۳۵۵	..... غربت متقین از نگاه معصومین علیهم السلام
۳۵۶	..... دنیا زندان متقین
۳۵۶	..... بی توجهی به متقین
۳۵۷	..... استقامت متقین از منظر امام صادق علیه السلام
۳۵۷	..... تکالیف متقین به اندازه وسع
۳۶۶	..... استقامت متقین از منظر امام صادق علیه السلام
۳۶۶	..... توصیف متقین از نگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام
۳۷۰	..... فهرست منابع و مأخذ (کتابنامه)
۳۷۳	..... درباره مرکز

## تفسیر متقین در قرآن و حدیث

### مشخصات کتاب

سرشناسه: هاشمی شهرستانی، سیدعمران، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور: تفسیر متقین در قرآن و حدیث / مولف سیدعمران هاشمی شهرستانی؛ [به سفارش] مجمع جهانی شیعه شناسی.

مشخصات نشر: قم: دارالتهدیب، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۹۳ص.

شابک: ۱۶۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۱۵-۳-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع: Qur'an -- Shiite hermeneutics -- ۲۰th century

موضوع: تقوا -- جنبه های قرآنی

موضوع: Piety -- Qur'anic teaching

موضوع: تقوا -- احادیث

موضوع: Piety -- Hadiths

شناسه افزوده: مجمع جهانی شیعه شناسی

شناسه افزوده: The World Center for Shite Studies

رده بندی کنگره: BP۱۰۴/ت۷۵ ۲۰ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۰۰۴۳۵

ص: ۱

اشاره









بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(إِنَّمَا وَثِّقْتُكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ).

سرپرست شما، فقط خدا و رسولش و آن مؤمنانی اند که نماز به پا دارند و در حال رکوع به فقیران زکات می دهند. (مائده:

۵۵)

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ - وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ).

ای اهل ایمان! از خدا بپرهیزید و به راستگویان پیوندید. (توبه: ۱۱۹)

(وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ).

آن کسانی که وعده صدق بر ایشان آمد و آن را تصدیق کردند. همان ها اهل تقوایند. (زمر: ۳۳)

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ).

آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند آن ها به حقیقت بهترین خلق اند. (بینه: ۷)

ص: ۵

## فهرست مطالب

مقدمه ناشر ۱۳

مقدمه مؤلف ۱۵

فصل اول- مفاهیم و کلیات ۱۸

آثار پیروی از قرآن ۱۹

حدود تفسیر قرآن ۲۱

منابع تفسیر ۲۱

حقیقت تفسیر ۲۲

منع از تفسیر به رأی ۲۳

فرق تفسیر، تأویل و ترجمه ۲۴

نزول قرآن ۲۴

محتوای قرآن ۲۵

معانی وحی ۲۵

الف) وحی به زبور عسل ۲۶

ب) وحی به امور آسمانها ۲۶

د) وحی به مادر حضرت موسی علیه السلام ۲۶

نامتناهی بودن قرآن ۲۹

قرآن برای همه نسلها و عصرها ۳۰

معنای حروف مقطعه در قرآن ۳۰

فرق مؤمن بامسلمان ۳۴



نکات تفسیری ۳۶

هدایت الهی عمومی یا مخصوص متقین ۳۹

ویژگی های سوره حمد ۴۰

مقدمه ۴۰

ثواب قرائت فاتحه الکتاب ۴۳

جمع علوم قرآن در سوره حمد ۴۴

برترین سوره قرآن ۴۴

شروع سوره با حمد الهی ۴۷

فرق رحمن با رحیم ۵۰

معانی ربّ ۵۸

رُبُوبیت عامّه ۵۸

رُبُوبیت خاصّه ۵۹

سِرِّ اختصاص مالکیت به روز جزا ۶۰

ارجاع مُتشابه به مُحکم ۶۲

تفسیر بعض قرآن با بعض دیگر آن ۶۳

شفاعت قرآن ۶۳

قرآن برترین پند ۶۴

هدایت قرآن ۶۵

قرآن بهار قلبها ۶۶

حفاظت از قرآن ۶۷

جدا کردن قرآن از عترت ۷۰

طهارت در خلقت عترت ۷۲

فصل دوم: امتیازهای متقین از نظر قرآن و معصومین علیهم السلام ۷۳

قبولی اعمال از متقین ۷۴

مستقیم و عبادت أحرار ۷۴

ص: ۷

متقین؛ دعوت شدگان به بهشت ۷۵

متقین و عاقبت به خیری ۷۶

متقین و عبرتها ۷۶

متقین، مصداقی از ابرار ۷۶

متقین مصداق بارز «کونوا مع الصادقین» ۷۹

متقین و هدایت قرآنی ۸۰

متقین برخوردار از قلب سلیم ۸۴

متقین و مغفرت الهی ۸۷

ایمان واقعی در متقین ۸۸

نیکو بودن خانه متقین ۹۰

بشارت قرآن به متقین و مؤمنین ۹۱

فلسفه خلود متقین در بهشت ۹۴

متقین مشمول شفاعت الهی ۹۵

مقدمه ۹۵

متقین مشمول شفاعت اهل بیت علیهم السلام ۹۸

متقین شایسته هدایت و رستگاری ۱۰۰

تجلی نیکوکاری در متقین ۱۰۲

متقین جامع کمالات الهی ۱۰۵

نشانه های متقین ۱۰۶

برادری متقین و آثار آن ۱۰۷

متقین مشمول عنایات ملائکه و انبیاء علیه السلام ۱۰۹

اعتلای روحی برای متقین ۱۱۲

متقین شایسته روزی حلال و حساب شده ۱۱۴

متقین و مشاهده حقایق ۱۱۵

نگاه رحمت به متقین در قیامت ۱۱۸

ص: ۸

نسخه صور در قرآن ۱۲۹

تفسیر آیات ده گانه ۱۳۹

متقین مستحق اجر

بی حساب ۱۴۶

ورود بی حساب متقین به بهشت ۱۵۶

مرگ و حشر غیر متقین ۱۵۷

ولایت جواز عبور از صراط ۱۶۵

ولایت امام علی علیه السلام شرط عبور از پل صراط ۱۶۵

بحث وجود و عدم ۱۶۶

تفسیر آیه اول ۱۶۶

تفسیری از آیه دوم ۱۶۷

چهره های اهل بهشت ۱۶۹

سرمایه اهل بهشت ۱۷۰

متقین وارثان بهشت ۱۷۳

ثمره اطاعت از خدا و رسولش برای متقین ۱۷۴

آثار خوف از خدا برای متقین ۱۷۵

متقین مخلص در مسیر مخلصین ۱۷۷

متقین و نعمت های بهشتی ۱۸۱

متقین و همسران در بهشت ۱۸۳

اقسام نعمت های بهشتی برای متقین ۱۸۴



ویژگی های همسران بهشتی متقین ۱۸۹

ساقیان متقین در بهشت ۱۹۱

مقین پاک دل ۱۹۹

مقین مشمول بشارت الهی ۱۹۹

مقین طرف معامله با خدا ۲۰۱

مقین برتر از فرشتگان ۲۰۲

ص: ۹

عظمت متقین در نزد خدا ۲۰۴

دستاورد دعا برای متقین ۲۰۵

امتداد ۲۰۶

فصل سوم - کارکردهای رفتاری متقین از نگاه قرآن و معصومین علیهم السّلام ۲۰۹

توجه متقین به معارف قرآن ۲۱۰

سهم متقین از رحمت الهی ۲۱۱

بهره مندی عمومی از قرآن با زبان مشترک ۲۱۲

مقین و آغاز کارها با نام خدا ۲۱۲

مقین و تدبر در قرآن ۲۱۴

مقین و انتخاب درست ۲۱۶

مقین و حمد خداوند متعال ۲۱۹

مقین؛ عاملین به علم ۲۲۰

مقین و ذکر کثیر ۲۲۲

مقین و صراط مستقیم ۲۲۴

تقدّم هدایت بر ضلالت ۲۳۱

عبادت مُتقین در قرآن ۲۳۵

ذکر مُتقین ۲۳۷

مقین و مراتب قرآن ۲۳۹

مقین و عبادت خالصانه ۲۴۱

مقین و مهجوریت زدائی از قرآن ۲۴۲

قلوب متقین، مجرای امتحان الهی ۲۴۸

ایمان متقین به خدا و غیب ۲۴۹

متقین، برپادارندگان نماز ۲۵۰

متقین و انفاق در راه خدا ۲۵۱

متقین و ایمان به کتب آسمانی و آخرت ۲۵۲

ص: ۱۰

متقین و دوری از ربا ۲۵۳

متقین و خوراک پاک ۲۵۴

لقمه حلال و استجابت دعا ۲۵۶

متقین و همنشینی با فقرا ۲۵۷

متقین و وفای به عهد ۲۵۸

قصاص مصداق عدالت اجتماعی ۲۵۹

متقین، مجریان عدالت اجتماعی ۲۶۰

روزه تکلیف متقین ۲۶۴

روزه نماد تساوی و تکامل ۲۶۹

متقین و دعوت به تسلیم در برابر اوامر الهی ۲۷۰

متقین پایبند به قانون جنگ ۲۷۶

هجرت و جهاد متقین ۲۷۷

متقین و دستور به انفاق ۲۷۸

عدم حزن و اندوه نتیجه انفاق دائم ۲۸۱

متقین و دوری از ربا ۲۸۳

حُرمت ربا ۲۸۴

متقین و مکتوب کردن دین ۲۸۶

ایمان کامل متقین ۲۸۹

ایمان متقین به غیب ۲۹۲

متقین و رسالت انذار ۲۹۳

شرایط اجابت دعای متقین ۳۰۱

متقین و زیارت پیشوایان دینی ۳۱۵

متقین و آداب زیارت ۳۱۸

فصل چهارم- جایگاه متقین در قرآن و عترت ۳۲۰

متقین در آینه آیات قرآن ۳۲۱

ص: ۱۱

متقین و توفیق الهی ۳۲۱

قبولی اعمال متقین ۳۲۱

متقین تابع قرآن ۳۲۱

آسانی در کارهای متقین ۳۲۱

همراهی خداوند با متقین ۳۲۲

نجات متقین ۳۲۲

آثار قلب سلیم در متقین ۳۲۲

تأثیر قرآن بر متقین ۳۲۴

پیامبر صلی الله علیه و آله و دعوت از متقین برای زیارت ۳۲۵

نصایح امام علی علیه السلام در باره متقین ۳۳۲

خصلت های متقین در کلام امام صادق علیه السلام ۳۳۶

غربت متقین از نگاه معصومین علیهم السلام ۳۳۷

دنیا زندان متقین ۳۳۸

بیتوجهی به متقین ۳۳۸

استقامت متقین از منظر امام صادق علیه السلام ۳۳۹

تکالیف متقین به اندازه وُسع ۳۳۹

استقامت متقین از منظر امام صادق علیه السلام ۳۴۸

توصیف متقین از نگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام ۳۴۸

فهرست منابع و مآخذ (کتابنامه) ۳۵۲

صلوات الله و برکاته علی الذی أنزل علیه القرآن لیكون للعالمین نذیراً، وللذین آمنوا و عملوا الصالحات بشیراً، وعلی آله واهل بیته الذین هم خیره خلقه و حافظ رسالاته.

قرآن؟! نزول آن از عالم اعلای قدرت، ظهور آن در حلیه عباراتی برتر از بلاغت، و تأثیر حکیمانه آن در هدایت، بسی شگفت انگیز و خیره کننده است؟! کتابی که پرتو هدایت آن زوایای روح و فکر و نفسیات و روابط حدود و حقوق خلق را با یکدیگر و همه را با خالق و اعمال را با نتایج روشن ساخت و نفوس را رو به صلاح و اصلاح به پیش برد.

قرآن؟! که در احادیث و فرمایشات امامان معصوم ما، از آن به عنوان بهار دل ها نام برده شده است و سفارش به نیکو فرا گرفتن آن که چه نیکوترین حدیث است، و به نور آن بهبودی جویند چه بهبوددهنده درون سینه ها است، و آن را نیکو تلاوت کنید، زیرا گواراترین و شیرین ترین داستان ها می باشد...

تفسیر قرآن از قدیم ترین ایام حتی از عصر ائمه هدی علیهم السّلام مورد توجه بوده و علماء و دانشمندان اسلام در این زمینه کتاب ها و تفسیرهای نوشتن و زحمات و تلاش های فراوانی کرده اند حتی در

زمان معاصر گام های جدیدی در این موضوع برداشته اند و لکن در این زمینه و موضوع هنوز مجال تحقیق و بررسی وجود دارد.

و معنای جامع تفسیر قرآن «پرده برداشتن» چیزی از قرآن است، به طوری که هیچ چیز از آن مبهم و نامفهوم نماند. و دروازه ی ورود به تدبر و اندیشه در قرآن همین فهم آغازی، ابتدایی و بی پرده ی آن است، و برای آگاهی و آمادگی ذهنی خوانندگان قرآن مخصوصا نسل جوان که سازندگان و

نگهبانان مجد و عظمت اسلامند مناسب و مورد فایده می باشد.

در پایان از مؤلف محترم جناب آقای سید عمران هاشمی شهرستانی و همکاران مجمع در انجام کار کتاب تفسیر متقین در قرآن و حدیث تشکر کرده و خداوند را سپاس گذاریم که معارف دینی را همواره از رهگذر همت مؤلفان حقیقت جو یاری رسانده است. کثر الله امثالهم.

والسلام علیکم و علی جمیع اخواننا المؤمنین بولایه علی بن ابی طالب فی اقطار العالم و رحمه الله و برکاته.

مدیر مجمع جهانی شیعه شناسی

ص: ۱۴



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَرَادَ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَلْيَتَوَرَّ الْقُرْآنَ؛ هر کس خواهان علم پیشینیان و آیندگان از اول تا آخر دنیا است در قرآن جستجو نماید. (۱)

طبق نظر مفسرین و تجربه تاریخ نویسان قرآن، سخن گفتن درباره قرآن بسیار مشکل است؛ شروع وحی با آیات آغازین سوره مبارکه علق مثل «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِقْرَأْ يَا سَمِ رَبُّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» ویژگی های انسان در قرآن را بیان می کند؛ واضح است که این ویژگی ها هرگز قابل شمارش و درک عقول بشر نیست، ولی تا جرحه ای از اقیانوس بیکران معارف قرآن نصیب اولاد آدم نشود، کمال و تکامل محقق نخواهد شد.

ادب و ایمان اقتضاء می کند تمام دانشمندان در محضر این کتاب جاویدان اظهار عجز و تواضع نمایند. درباره فهم کامل کلام وحی همه آحاد بشر ناتوانند.

ص: ۱۵

قرآن جلوه گاه انوار هدایت از عصر نزول تا پایان جهان هستی است. بعد از انبیاء و اوصیای الهی قلوب پیروان انبیاء در همه اعصار از قرآن نورانی خواهند گشت.

قرآن مرجع همه امور است و تبعیت از آن برای تمام آحاد بشر امری ضروری می باشد، ولی تا موانع برطرف نشود، هدایت کلام وحی نصیب کسی نخواهد شد.

خداوند در آیه ۱۵۵ سوره انعام می فرماید: (وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ)؛ این کتابی خجسته و پربرکت است که فرو فرستادیم، پس از آن پیروی کنید و از مخافت با آن بپرهیزید تا مشمول رحمت شوید.

پیامبر صلی الله علیه وآله درباره قرآن می فرماید: كَلَامُ اللَّهِ غِضٌّ جَدِيدٌ طَرِيٌّ؛ (۱) قرآن همیشه نور باطراوت است.

با تَتَّبِعْ و مراجعه به روایات در می یابیم که همه انبیاء و امامان درباره قرآن سفارش نموده اند؛ امام سجاده علیه السّلام درباره جایگاه قرآن می فرماید: «لَوْ مَاتَ مِنْ بَيْنِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَيْتَوْحَشْتُ بَعِيدًا أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ»؛ (۲) اگر همه آدمیان شرق و غرب عالم بمیرند، احساس وحشت نمی کنم چرا که قرآن با من است».

ص: ۱۶

---

۱- مستدرک، ج ۴، ص ۲۳۷.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۲.

ضرورت دارد عقلاء عالم پیرامون کلام امام زین العابدین علیه السّلام تفکر و تعقل نمایند. ژرف کلام امام در مورد عظمت قرآن، قابل درک نیست. عجز و غفلت بشر مانع معرفت به قرآن است. در صورت عدم شناخت، پیروی از قرآن امکان ندارد و کسی که با قرآن آشنا نیست، در نزد خداوند جایگاهی نخواهد داشت. وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بِأَقْبَلُ، پاداش و ثواب نزد خداست. (۱) وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟ و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است، آیا نمی اندیشید؟ (۲)

ص: ۱۷

---

۱- نحل: ۹۶.

۲- قصص: ۶۰.

## فصل اول: مفاهيم و کلیات

اشاره

ص: ۱۸

با پیروی از قرآن عبادت و رسیدن به کمال ممکن و باقی خواهد بود. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ أَمْرَنَا مِنْ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَّكِبْ الْفِتْنَةَ» (۱) بدون معرفت به قرآن رهایی از فتنه ها و رسیدن به مقام معنوی امکان ندارد». مسیر شناخت حق جز قرآن و سیره معصومان نیست. با مراجعه به سخنان معصومین و قرآن درمی یابیم که رابطه قرآن و عترت ابدی می باشد؛ از طریق عترت به امر و حیانی دسترسی پیدا می کنیم.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند: «نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ»؛ ما ائمه تفسیر و تأویل قرآن را می دانیم». (۲)

خداوند در آیه ۷ سوره آل عمران می فرماید: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛ تأویل درست و حقیقی آنها را جز خدا و ثابت قدمان در دانش نمی دانند». به تعبیر کلام وحی «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (۳) بشر خاکی از آسمان ها و ملکوت چه می داند؟ درک قرآن جز با بیان معصوم امکان ندارد.

ص: ۱۹

---

۱- الجواهر فی القرآن، ج ۱، ص ۱۲.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۶۱، ح ۹.

۳- ابراهیم: ۲۴.

افسوس که از عنایات و هدایت های قرآن اکثر انسان ها محرومند. حسرت بی پایان درباره عدم معرفت و پیروی از قرآن و گرفتار شدن بشر در تاریکی ها و فتنه ها، فاجعه بار است. قلم از شرح غافلین از قرآن خجل می باشد. ما در طول تاریخ راجع به کلام وحی چه خدمتی کرده ایم؟ عَلَیْكُمْ الْقُرْآنُ فَاِنَّهُ شَافِعٌ مُّشَفِّعٌ (۱) آن شفیع‌ی که شفاعتش در نزد خدا قبول هست، مورد غفلت ماست.

خدا می فرماید: قرآن بیان کننده مسائل برای بشر است. هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ؛ (۲) این قرآن بیان گر حوادث برای پرهیزکاران است. با وجود مانع و مخالف در هیچ عصر و زمانی معارف قرآن برای بشر) به صورت کامل بیان نشده است؟ لَتُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ اِلَيْهِمْ؛ (۳) برای مردم آنچه را که سبب هدایت شود بیان کنید. آیا عذر و برهانی درباره بی توجهی به قرآن داریم؟

قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بگو اگر راستگوید، دلیل خود را بیاورید (۴).

ما چه دلیلی در پیشگاه خداوند درباره عمل نکردن به قرآن خواهیم داشت؟

ص: ۲۰

---

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۵۹۹.

۲- آل عمران: ۱۳۸.

۳- نحل: ۴۴.

۴- بقره: ۱۱۱.

مفسّرین به طور محدود قادر به تفسیر همه قرآن هستند. بدیهی است که تفسیر تمام وجوه قرآن برای غیر معصوم علیه السلام ممکن نیست، ولی ظواهر کلام وحی قابل تفسیر هست. اقسام تفسیر مثل تفسیر لغات و مفردات، تفسیر موضوعی، تفسیر ترتیبی، تفسیر ارتباطی و تفسیر کلی، هر یک مورد توجه و تحقیق مفسران قرار گرفته است.

### منابع تفسیر

بهترین نوع تفسیر، تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر روایی است. به اعتراف احادیث و تاریخ، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان به جهت مبارزات پیاپی و مخالفت دشمنان در زمان حیات بابرکتشان، فرصت کافی پیدا نکردند که پرده ها و نقاب ها را از تمام آیات قرآنی کنار زده، معارف بی پایان قرآن را در عرصه ی زندگانی بشر بیشتر متجلی سازند.

بنابراین تفسیر قرآن از طریق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام موانع و مشکلات فراوانی را در پی داشته است به طوری که نقل حدیث پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ۴۰ سال ممنوع بود و برخی از صحابه خاصّ پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به ضبط و نگهداری حدیث می پرداختند. در مقابل جاعلان حدیث هزاران سخن دروغ را به عنوان حدیث به پیامبر و امامان نسبت می دادند. به عنوان نمونه عبدالکریم بن ابی العوجا، به جعل چهل هزار حدیث اعتراف کرده است. (۱)

ص: ۲۱

جهت جلوگیری از جعل احادیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السّلام تاکید کرده اند که سخنان ما به قرآن ارائه شود و هر چه مخالف آن باشد، کلام ما نیست. در این باره احادیث فراوان وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

پیامبر فرمودند: «إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقِيقَةٍ وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَفَّقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَمَدْعُوهُ»؛ (۱) برای هر حقیقت و ثواب، نوری است، پس هر چه از کلام ما موافق کتاب الله بود، بگیریید و اگر مخالف کتاب الله بود، واگذارید. منظور حضرت ردّ احادیث جعلی می باشد.

امام صادق علیه السّلام فرمودند: ... وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ؛ (۲) هر کلام مخالف قرآن از ما نقل شود، باطل است.

قرآن سند رسالت و امامت می باشد.

ما بدون بیان معصوم تفصیل و تقسیم نماز های واجب را نمی دانیم، چه رسد که عدل، معاد و امور غیبی را بدون تفسیر معصوم بفهمیم؟ نتیجه ی سخن آن است که بدون بیان معصوم علیهم السّلام فهم همه قرآن برای ما ممکن نیست، ولی فهم تمام قرآن را مثل اخباریون در انحصار اهل عصمت نمی دانیم. از نظر اکثر اخباریون تفسیر قرآن برای غیر معصوم منع شده و انسان حق تفسیر ندارد.

در این جا به دو نمونه از تفسیر قرآن به قرآن اشاره می کنیم: امام علی درباره دوران بارداری به مدت ۶ ماه و مدت ۲۴ ماهه شیرخوارگی، از آیات ۲۳۳ سوره

ص: ۲۲

---

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۶۹.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۶۹.



بقره و ۱۵ سوره احقاف استفاده کرده اند. همچنین امام جواد علیه السلام با ضمیمه کردن آیه ی ۱۸ سوره جن به آیه ۳۸ سوره مائده حکم شرعی مربوط به حد سارق را تبیین و تفسیر کردند(۱) در نتیجه تفسیر قرآن به قرآن و قرآن با حدیث در زمان ائمه واقع شده است.

### منع از تفسیر به رأی

تفسیر، ظاهر کردن مراد متکلم با توجه به اصول و قواعد زبان و دانستن شأن نزول آیات است. آنچه را که پیامبر و امامان منع کرده اند، تفسیر به رأی است.

تفسیر به رأی به این معنا است که انسان آرا و نظریاتی را به عنوان پیش فرض های تردیدناپذیر قبول کرده، سپس به قرآن کریم مراجعه نماید تا براساس مفهوم آیات الاهی بر نظریات خود مهر تأیید بزند و نظر خود را به وحی و قرآن نسبت دهد که چنین چیزی در اصطلاح علوم قرآنی تفسیر به رأی نامیده می شود.

فضیل بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل کرده که امام درباره تأویل قرآن فرمودند: «تأویل قرآن را کسی نمی داند به غیر از خدا و راسخون در علم ما أئمه».(۲)

ص: ۲۳

---

۱- تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۶۹.

۲- تفسیر عیاشی سمرقندی، ج ۱، ص ۱۱؛ بحار، ج ۱۹، ص ۹۴.

## فرق تفسیر، تأویل و ترجمه

ترجمه قرآن یعنی برگرداندن لغات عربی به زبان دیگر و تفسیر قرآن یعنی روشن نمودن مقصود و مراد خداوند، با توجه به اصول و قواعد زبان و ظاهر کلام.

تأویل، از ماده «أول» و به معنای «رجوع» و در باب تفعیل، به معنای برگرداندن است. تأویل مأخذی است که معارف قرآن از آن جا گرفته می شود. این حقیقت، نه از سنخ الفاظ است و نه از سنخ معانی، بلکه امری عینی، واقعیت دار و خارجی است که از آن حقیقت عینی، به «امّ الکتب»، «کتاب مکنون»، «لوح محفوظ»، «عندالله» و «لدى الله» یاد شده و دست یابی به این مقام رفیع، تنها در اختیار راسخان در علم و اهل بیت عصمت و طهارت است و نصیب افراد غیر معصوم نمی شود (۱).

## نزول قرآن

قرآن به اتفاق علمای امت اسلام اعم از خاص و عام، تماماً یک دفعه در شب قدر از لوح محفوظ به بیت المعمور - آسمان چهارم - نازل شده و جبرائیل علیه السّلام در مدّت ۲۳ سال به صورت تدریجی آن را به نبی اکرم نازل کرده است. قرآن به همین معنا اشاره دارد و می فرماید: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ).

برای نزول تدریجی قرآن دلایلی ذکر شده از جمله اینکه اگر قرآن یک مرتبه نازل می شد مردم تحمل نداشتند و مثل بنی اسرائیل گرفتار مشکل می شدند.

ص: ۲۴

آیاتی از قرآن مثل «یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم»، همه بشر را مخاطب قرار داده است. با حفظ این اصل، تقسیم بندی دیگری نیز وجود دارد: امام باقر علیه السلام فرمودند:

«نَزَلَ الْقُرْآنُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَرْبَاعٍ، رُبْعٌ فِينَا وَرُبْعٌ فِي عَدُوِّنَا وَرُبْعٌ فِي فَرَايِضٍ وَ أَحْكَامٍ وَرُبْعٌ سُنَنٌ وَ أَمْثَالٌ وَ لَنَا كَرَامَاتُ الْقُرْآنِ؛ (۱) قرآن شامل چهار گروه است: یک ربع آن در شأن ما «ائمه» است، یک ربع دیگر درباره ی دشمنان ماست، ربع سوم قرآن سُنَن و امثال است و ربع چهارم واجبات و احکام است و مفاخر و شرافت قرآن برای ماست»

این کلام امام علیه السلام جامع افراد و مانع اغیار می باشد، همه انبیاء، امامان، مؤمنان و پیروان اسلام یک طرف، مخالفان پیام آوران و هادیان راه حق در طرف دیگر به عنوان دو محور در کلام امام محسوب می شوند، احکام قرآن بین اهل حق و باطل محصور است. «نَزَلَ الْقُرْآنُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَرْبَاعٍ، رُبْعٌ فِينَا وَرُبْعٌ فِي عَدُوِّنَا وَرُبْعٌ فِي فَرَايِضٍ وَ أَحْكَامٍ وَرُبْعٌ سُنَنٌ وَ أَمْثَالٌ وَ لَنَا كَرَامَاتُ الْقُرْآنِ».

## معانی وحی

### اشاره

وحی در لغت عبارت است از: اشارات، کتابت، نوشته، رساله، پیغام، سخن پوشیده، کلام خفی و اعلام در خفا. وحی غالباً از نوع علم و ادراک است. معانی یاد شده بعداً به آنچه خداوند به پیامبران علیهم السلام خود اعلام کرده، غلبه یافته است.

وحی در قرآن در جاهای مختلفی به کار رفته است که به چند نمونه از آن اشاره می کنیم معنا آمده است:

ص: ۲۵

---

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹، نضر بن محمد مسعود بن عیاش سلمی سمرقندی.

## الف) وحی به زنبور عسل

«وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ؛ بِرُورِدِ الْغَارِ بِه زنبور عسل وحی کرد». وحی در اینجا به عنوان یک امر غریزی و فطری نسبت به زنبور عسل مطرح می شود؛ زنبور عسل به موجب فطرت، راه خود را طی می کند و از طریق غریزه خود، راهنمایی می شود. (۱) عسل زنبور، بهترین خوراک و شفاءبخش دردهاست.

## ب) وحی به امور آسمانها

«وَ أَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا؛ و در هر آسمانی کار آن را وحی کرد». (۲)

## ج) وحی شیاطین به دوستان خود

«وَ أَنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ؛ (۳) و در حقیقت شیطانها به دوستان خود وسوسه می کنند». در این آیه خطاب شیاطین به اولیاءشان با عنوان وحی مطرح شده است.

## د) وحی به مادر حضرت موسی علیه السلام

«وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ؛ (۴) و ما به مادر موسی علیه السلام وحی کردیم».

در اینجا خداوند متعال به غیر پیامبر که مادر موسی است، وحی کرده است. البته محور وحی خطاب به پیامبران است و حقایق و مسائل از طریق وحی به پیامبران ابلاغ شده است؛ مانند «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا

ص: ۲۶

---

۱- نحل: ۶۸.

۲- فصلت: ۱۲.

۳- انعام: ۱۲۱.

۴- قصص: ۷.

إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنُ؛(۱) ما بهترین داستانها را به وسیله ی این قرآن که به تو وحی کردیم، بر تو حکایت می کنیم. در اینجا وحی خطاب به پیامبر صلی الله علیه وآله است. وحی حجت بالغه و قاطعه خداوند هست. بعد از اتمام حجت بسبب وحی هیچ گونه عذری از هیچ کسی در نزد پروردگار قبول نخواهد شد؛ خداوند رحمان می فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَ يَنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَعَزَّيْتَهُمُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرُونَ؛(۲) ای گروه جن و انس آیا برای شما از جنس خودتان پیامبرانی نیامدند که همواره آیات مرا بر شما می خواندند و شما را از دیدار امروزتان هشدار می دادند؟ می گویند: ما به زبان خود گواهی می دهیم که آمدند ولی ما تکذیبشان کردیم و جلوه های پر زرق و برق زندگی دنیا آنان را فریفت و اکنون در این عرصه هول انگیز به زبان خود گواهی می دهند که در دنیا کافر بودند»

آیه دیگر درباره خطاب وحی به پیامبر صلی الله علیه وآله می فرماید: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا؛(۳) و همین گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم». این آیه از طریق الهام و گفتار فرشته نزول، قرآن و شریعت را به پیامبر صلی الله علیه وآله بیان می کند.

اولین وحی بر پیامبر از طریق رؤیای صادقه بود. در واقع رؤیا مقدمه نزول وحی از جانب خداوند، توسط جبرائیل علیه السلام به قلب منور پیامبر محسوب

ص: ۲۷

۱- یوسف: ۳.

۲- انعام: ۱۳۰.

۳- شوری: ۵۲.

می شود؛ حضرت در غار خلوت کرده، به عبادت مشغول بود تا اینکه فرشته وحی نازل شد و گفت بخوان به نام پروردگارت که آفرید: «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱)»... سپس در آیه دیگری فرمود: «أَنَا سَيُنْقَلِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا؛ (۲) ما گفتار سنگینی را به تو القاء می کنیم

شایان ذکر است که وحی از نوع علم حضوری هست نه علم حصولی. رموز فراوان درباره وحی وجود دارد. البته رمز از نوع ابهام و اجمال نیست. از زمان رسول الله تا عصر حاضر، آنچه را صحابه، حافظان و محققان علوم قرآنی بیان نمودند، با جرئت می توان گفت که قطره ای از دریای معارف قرآن به صورت رمز است و هیچ دلیل و حجتی وجود ندارد که تفسیر و تفضیل قرآن به پایان برسد. قرآن نهایت ناپذیر است و استخراج علوم قرآنی کار غیر معصوم علیه السّلام نیست، گرچه علوم اسلامی تماماً خوشه چین بوستان قرآن است، اما شناخت خدا، شناخت انبیاء، شناخت مبدأ و معاد بدون تفسیر، امکان ندارد؛ به بیان دیگر بین مبدأ و معاد جهان ظلمانی و قرارگاه انسانی وجود دارد. بین قرارگاه و جایگاه واقعی انسان تفاوت فراوان خواهد بود.

دل به دنیا دادن عین خود فروشی است. قرآن و مبلغان دین خدا، انسان و جامعه بشری را به جایگاه عالی راهنمایی و دعوت می کنند. اگر انسان به دعوت قرآن توجه و عمل نماید، خود را در این جهان مسافر می داند و مسافر تا به منزل و مأوای خود نرسد، بیقرار و بیچاره است. جهان عرصه عمل و تلاش برای

ص: ۲۸

---

۱- علق: ۱.

۲- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۷؛ مزمل: ۴.

آخرت هست به همین جهت امام حسین علیه السلام می فرماید: «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ». آخرت ثمره دنیاست.

این کلام نورانی در روز عاشورا برای کوفیان بیان شد، ولی کسانی که دنیا را جایگاه طغیان و جولان میدانند به نصایح قرآن توجه ندارند تا چه رسد که سخنان مبلغان قرآن را پیروی نمایند.

کتاب جهان آفرینش با یک دید جامع دو جلوه و دو صفحه دارد: جهان شریعت و جهان طبیعت. قرآن هر دو را سفارش کرده است تا انسان هدایت و تربیت بشود، انسان تنها موجود مخیر در بین مخلوقات جهان هستی می باشد. به همین جهت متقین به سبب عمل صالح و تقوایشه گی مورد عنایت قرآن و اهل بیت می باشند. راه و رسم پرهیزکاران معامله با خداست و آخرت از آن پرهیزکاران است. وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ. (۱)

### نامتناهی بودن قرآن

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره بی پایان بودن قرآن می فرماید: «لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ظَاهِرُهُ آيَاتٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ... لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ لَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ فَهِيَ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَمَنَارُ الْحِكْمَةِ» (۲) برای قرآن یک ظاهر و یک باطن است؛ ظاهر آن دستور است و باطن آن دانش و معانی عمیق آن در قالب الفاظ زیبا ریخته شده) شگفتی های آن بی پایان و حقایق آن همیشه زنده است، آیات آن مشعل های هدایت و سرچشمه ی حکمت می باشد». وصف قرآن در کلام

ص: ۲۹

---

۱- زخرف: ۱۳۵.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۵۹۹، کتاب القرآن.

پیامبر صلی الله علیه وآله مثل درک قرآن خیلی مشکل است. امام علی علیه السلام درباره وصف بی نهایت بودن قرآن می فرماید: «أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تَطْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَ سِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوْقِدُهُ وَ بَحْرًا لَا يَدْرِكُ قَعْرُهُ... وَ بَحْرُهُ لَا يَنْزِفُهُ الْمُنْتَزِفُونَ وَ عُيُونٌ لَا يَنْضِئُ بِهَا وَ...» (۱) قرآن مشعل هدایتی است که خاموش نمی گردد و چراغی است که از افروختگی فرو نمی نشیند، دریایی است که عمق آن ناپیدا و آب آن هرگز کم نمی شود.

## قرآن برای همه نسل ها و عصرها

امام رضا علیه السلام درباره سؤال شخصی درباره قرآن فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لَزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ عَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (۲)

خداوند قرآن را برای زمان معین و مردم خاصی فرو نفرستاده است، قرآن در هر زمان و در نزد همه ی ملل جهان تا روز رستاخیز تازه است». سخنان پیامبر صلی الله علیه وآله و امامان علیهم السلام درباره ی قرآن همچون خود قرآن عمیق و موجب هدایت بشر خواهد بود. در بلندای معارف این کتاب الهی، اندیشه و فکر عالمان پرواز نمی تواند.

## معنای حروف مقطعه در قرآن

این حروف از کلمات اسرار آمیز قرآن است و در آغاز تعدادی از سوره قرار دارد.

ص: ۳۰

---

۱- شرح نهج البلاغه عبده، ج ۲، ص ۲۰۲، به نقل از منشور جاوید، ج ۱، ص ۸ (آیت الله سبحانی).

۲- تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۲۸.



امام صادق علیه السّلام فرمودند: «الْمَ هُوَ حَرْفٌ مِنْ حُرُوفِ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ، الْمَقْطَعُ فِي الْقُرْآنِ الَّذِي يُؤَلِّفُهُ النَّبِيُّ أَوْ الْإِمَامُ، فَإِذَا دَعَا بِهِ أَجِيبَ؛ (۱) الم اسم الله الاعظم، مَقْطَعٌ در قرآن است که نبی صلی الله علیه وآله و امام هرگاه به سبب آن ها دعا کنند، اجابت می شود». اقوال تفسیری درباره حروف مقطعه به صورت منتخب بیان می شود:

۱- مراد آن است که قرآن از حروف مقطعه ساخته شده است؛

۲- در اول هر سوره، حروف مقطعه نام آن سوره است؛

۳- حروف مقطعه اسم اعظم الهی است؛

۴- حروف مقطعه سوگند و قسم است؛

۵- حروف مقطعه از اسرار و رموز بین خدا و پیامبر هست؛

۶- حروف مقطعه مختصری از مجموعه سوره ی دارای حروف مقطعه است؛

۷- حروف مقطعه وسیله إسکات مخالفین قرآن است.

شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی در جلد ۲ از ص ۱۵۷ تا ص ۱۶۱، تفسیرش ۲۶ قول را درباره ی حروف مقطعه ذکر کرده است.

امام علی علیه السّلام فرمودند: «إِنَّ الْحُرُوفَ الْمَقْطَعَةَ فِي الْقُرْآنِ اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمِ لَا نَعْلَمُ إِلَّا أَنَا نَعْرِفُ تَأْلِيفَهُ مِنْهَا؛ (۲) حروف مقطعه در قرآن اسم الله الاعظم است کسی جز ما ترتیب و رمز آن را نمی داند». حاصل بحث آن که این حروف از رموز کلام وحی می باشد.

ص: ۳۱

---

۱- معانی الاخبار باب معنی الحروف المقطعه و اوایل السور، ص ۲۳. (تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۳، تسنیم، ج ۲، ص ۱۱۱).

۲- جامع الاحکام قرآن، ج ۱، ص ۱۵۱، نقل ما از تسنیم، ج ۲، ص ۱۱۱.

حروف مقطعه در ۲۷ سوره مکی و در ۲ سوره مدنی آمده است. این حروف از خصوصیات قرآن است و در دیگر کتب آسمانی سابقه ندارد. حروف مقطعه پس از حذف مکررات آنها ۱۴ حرف است [ا، ح، ر، س، ص، ط، ع، ق، ک، ل، م، ن، و، ی]. در تمام ۲۹ سوره ای که حروف مقطعه وجود دارد در آغاز یا متن آنها سخن از وحی، نبوت و کتاب است. (۱)

همه این حروف در قرآن به صورت جداگانه از لسان مقدس نبی اکرم و امامان علیهم السّلام رمزگشایی و تفسیر شده است. [جهت استفاده مفصل به تفسیر تسنیم، ج ۲،

مراجعه شود].

امام سجاده علیه السّلام درباره الم ذالک الکتاب... می فرمایند: این کتابی که بر تو پیامبر) نازل کرده ایم، از همین حروف تهجی است که با آن سخن می گوئید، پس اگر مخالفین) راست می گویند، مانند آن را بیاورند! (۲)

امام رضا علیه السّلام فرمودند: همانا خدا این قرآن را با همین حروف متداول در میان شما نازل کرد و سپس فرمود: اگر جن و انس دست به دست هم دهند که مثل این قرآن را بیاورند، هرگز نخواهند توانست. (۳)

نام سوره ی مبارکه بقره به جهت ذبح گاوینی اسرائیلی و زنده کردن مقتول به سبب دُم آن به اذن خداوند - که معجزه ی حضرت موسی علیه السّلام بود - از آیه ۶۷ اتخاذ شده است: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبِحُوا بَقَرَةً...».

بهترین وجه درباره حروف مقطعه نظریه کسانی است که حروف مقطعه را

ص: ۳۲

---

۱- تفسیر تسنیم، ج ۲.

۲- تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳.

۳- بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۱۸.

سرّ بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته اند. این نظریه احتمال دارد اقتباس از حدیث امام علی علیه السّلام باشد که فرمودند: «إِنَّ لِكُلِّ كِتَابٍ صِفَةً وَ صِفَتَهُ هَذَا الْكِتَابِ حُرُوفُ التَّهْجِي؛ (۱) برای هر کتاب گزیده ای است و گزیده این کتاب قرآن) حروف تهجی است».

در این جا لازم می دانم به نظر بعض مفسرین درباره الم اشاره نمائیم.

الف: جمعی از مفسرین گفته اند: که الف اشاره است به اظهار وحدت مطلقاً هم از حیث ذات و هم از حیث صفات و تفرد به وجود حقیقی خدا در ازل و ابد. در حالی که هیچ

موجود دیگری وجود نداشت و پس از پیدایش موجودات باز هم بر همان گونه بود نه در وجود فی نفسه. در وضع وجود و در ذات و صفاتش خدا یکی است و به استقامت و عدم تغییر اشاره دارد.

ب: نکته دیگر اینکه حروف مقطعه مصدر و منبع جمیع حروف است، اما لام به دو معنا اشاره دارد: نفی و اثبات. از نظر نفی وجود حقیقی تنها برای خداست نه برای اشیاء دیگر. خدا ایجاد کننده جهان است، اما از نظر اثبات لام اشاره است به لام تملیک. تنها مالکیت حقیقی در انحصار خداست. آنچه در آسمان ها و زمین است مِلْكَاً و مُلْكَاً، فِعْلاً و صُيُنْعاً همه برای خداست. غیر خدا مالک اعتباری است آن هم فقط در دنیا نه در آخرت. میم نیز دو معنا دارد: نفی و اثبات. میم نفی اشاره دارد به وجود حقیقی خدا. غیر خدا وجود ذاتی ندارد و همه ممکن الوجودند، اما میم اثبات اشاره دارد به اسم قیوم پروردگار که قائم به نفس است و لا غیر. غیر خدا قیام و وجودش از جانب خداست

و دلیل این

ص: ۳۳

تأویل حروف مقطعهٔ اول سوره آل عمران و آیه دوم این سوره و دیگر سُور که حروف مقطعه دارد و بعد آن خدا و اوصاف خدا قرار دارد می باشد.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ؛ خداوند با بیان این آیه پرده از سرّ مکتوم این حروف برداشته است.

آیهٔ شریفه ۳ سوره حدید به بیان پنج ویژگی خداوند سبحان که با موضوع مطرح شده مرتبط است، پرداخته و می فرماید: هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ الْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

### فرق مؤمن با مسلمان

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «مَنْ أَقَرَّ بِدِينِ اللَّهِ فَهُوَ مُسْلِمٌ وَمَنْ عَمَلَ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ؛ کسی که به دین خداوند اقرار و اعتراف کند، مسلمان است و کسی که به آنچه که خداوند به آن امر نموده است، عمل کند، مؤمن است. (۱)»

### جایگاه حقیقی علم نزد متقین

فراگیری علم و یا تعلیم و تعلّم در بین هیچ جامعه ای مثل جامعه اسلامی مورد تأکید و اهتمام قرار نگرفته است. در قرآن کریم «عِلْمٌ وَإِعْلَمُوا بَدَانِيدِ» ۲۷ مرتبه آمده است و همچنین عقل، قلب، روح، نفس، ذکر، فکر، فقه، شعور، بصیرت و درایت در خیلی آیات و روایات مطرح شده است. ضمن تأکید قرآن و حدیث درباره فراگیری علم و دانش، از نظر تجربه و تاریخ نیز ثابت شده است که ارزش علم فقط در نزد مؤمنان و متّقیان جایگاه حقیقی دارد، در اکثر جامعهٔ جهانی از علم به عنوان یک ابزار منفی

ص: ۳۴

---

۱- کتاب جهاد با نفس علامه حرّ عاملی، ترجمه علی افراسیای، ص ۱۷.

استفاده می شود ولی مکتب اسلام علم منهای عمل و بدون تقوا را به منزله جهل و نادانی می داند. مواردی را در اینجا ذکر می کنیم:

۱- وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ بدانید خداوند، شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

۲- وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ بدانید خداوند بر هر چیزی آگاه است. (۲)

۳- وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْلَمُونَ بَصِيرٌ؛ بدانید خداوند به هر کاری انجام می دهد آگاه است. (۳)

۴- إِغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ بدانید خداوند زمین را بعد از مردنش زنده می کند. (۴)

۵- وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ بدانید شما به سوی خدا محشور می شوید. (۵)

۶- إِغْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ؛ بدانید زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی است. (۶)

با استفاده از قرآن و حدیث به وضوح معلوم و مشهود است که منشاء همه خیرات و برکات جهان علم و عالمان عاملین هستند.

ص: ۳۵

---

۱- بقره: ۲۰۹.

۲- سوره بقره، آیه ۲۳۱.

۳- سوره بقره، آیه ۲۳۳.

۴- سوره حدید، آیه ۱۷.

۵- سوره بقره، آیه ۲۰۳.

۶- سوره حدید، آیه ۲۰.

نخستین معلم خداوند است وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا؛ خداوند تمام اسماء علم اسرار آفرینش) را تماماً به آدم تعلیم داد.

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ آن خدایی که علم نوشتن به قلم را به انسان آموخت. (۱)

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛ به آدم آنچه را که نمی دانست آموخت. (۲)

علم موجب تقرب به خدا، ایمان به حقایق، یقین به آخرت و رسیدن به کمال می شود. براساس علم و تقوا آینده جهان رقم خواهد خورد و اهل ایمان و رهبران منتخب از جانب ولی اعظم حجه بن الحسن [برای مدیریت جهان به فرمان خدا] انجام وظیفه خواهند کرد. ان شاء الله

علم سرچشمه ایمان و رسیدن به تقوا را به مؤمنان و متقیان نوید می دهد. إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از اوترس و خشیت دارند. (۳)

### نکات تفسیری

الف- آیه اول، دوم و سوم به ذات خدا و صفات حضرت اعم از صفات ذاتی و صفات فعلی اشاره دارند.

ب- در آیه پنجم بحث قیامت و رستاخیز مطرح شده است.

ث- در آیه ششم سخن از نبوت و وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله است.

ص: ۳۶

۱- سوره علق، آیه ۴.

۲- سوره علق، آیه ۵.

۳- سوره فاطر، آیه ۲۸.

ج- در آیه هفتم سخن از احکام عملی اسلام می باشد. غیر از موارد یاد شده، تمام آنچه مربوط به عقائد و اعمال است همراه با خطاب «اعلموا» مورد توجه و امر قرار گرفته است. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ آموختن علم در هر حالی فریضه و واجب است». (۲)

علم منشاء تفکر است: أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ؛ آیا تفکر نمی کنید. (۳)

بشر بر اساس فطرت، دارای تفکر و تعقل می باشد، زمینه ی فکر و تعقل را کتب آسمانی و رهبران الهی آماده کردند. اَوْلَمَ يَتَفَكَّرُوا؛ آیا آنها فکر و اندیشه خود را به کار نینداختند؟ (۴)

طبق بیان آیات و روایات هدف بعثت پیامبران تعلیم و تربیت عنوان شده است و این مسأله درباره پیامبر بیشتر مورد تأکید قرآن قرار گرفته است.

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ... همانا رسولی در میان شما از خودتان فرستادیم، تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد. (۵)

ص: ۳۷

---

۱- در حدیثی معروف پیامبر فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ طلب عمل بر هر مسلمانی واجب است». بحار الانوار ج ۱، ص ۱۱۷.

۲- بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۷۲.

۳- سوره انعام، آیه ۵۰.

۴- سوره روم، آیه ۸.

۵- سوره بقره، آیه ۱۵۱.

همین معنی در آیه ۱۲۹ بقره ، ۱۶۴ آل عمران و در آیه ۲ سوره جمعه آمده است. پرواضح است که شناخت و معرفت برای بشر ممکن و لازم است. اگر چنین نمی بود این مسأله مهم از اهداف پیامبران عنوان نمی شد.

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ؛ آیا آنها در قرآن تدبر نمی کنند؟(۱)

اسلام با دعوت به علم برنامه های جهان گسترش را آغاز کرد. «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ».

شناخت حقیقت و اسرار جهان هستی بدون علم ممکن نیست و رسیدن به حقیقت جز از طریق قرآن و عترت امکان پذیر نخواهد بود.

امتیاز انسان به علم و افتخار مؤمنان عمل به تکلیف و داشتن علم سالم و مفید است.

يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ خداوند کسانی را که از میان شما ایمان آورده اند و آنها که از علم بهره دارند به درجات عظیمی بالا میبرد.(۲)

همه انبیاء و اولیای الهی به اهل علم احترام می کردند و این سنت حسنه همچنان ساری و جاری خواهد بود.

حضرت موسی علیه السلام به حضرت خضر گفت: آیا من از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده است و مایه رشد و هدایت است به من بیاموزی؟(۳)

ص: ۳۸

---

۱- سوره محمد، آیه ۲۴.

۲- سوره مجادله ، آیه ۱۱.

۳- (قال له موسی و...) سوره كهف، آیه ۶۶.



حضرت موسی علیه السلام مقام عالی و شرح صدر داشت و از پیامبران اولوالعزم بود، باز مأمور می شود که در برابر خضر زانو بزند و همچون یک شاگرد از او درس بیاموزد.

امام علی علیه السلام می فرماید: «الْعِلْمُ مِيرَاثُ الْأَنْبِيَاءِ؛ علم میراث پیامبران است».<sup>(۱)</sup>

### هدایت الهی عمومی یا مخصوص متقین

در آیه ۲ سوره بقره یعنی «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» خداوند قرآن را هدایت برای متقین معرفی می فرماید، ولی در آیه ۱۸۵ این سوره یعنی «هُدًى لِّلنَّاسِ» هدایت قرآن را برای همه معرفی می فرماید. چگونه جمع بین این دو آیه و آیات مانند این دو ممکن است؟

واقعیت این است که کفار و منافقین مورد خطاب و مکلف به انجام تکالیف الهی واجبات و محرمات) هستند، ولی به خاطر دشمنی آنان با حق) و قبول نکردن حق) و همچنین با توجه به مخیر بودن انسان، انذار و عدم انذار آنها تأثیری در هدایتشان نخواهند شد: «ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ».<sup>(۲)</sup>

انذار برای اتمام حجت است نه اجبار در عمل. پر واضح است که تا انسان در محضر قرآن قرار نگیرد، مورد هدایت و عنایت قرآن واقع نخواهد شد. خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»؛ ای انسان به چه

ص: ۳۹

---

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۵، تفسیر پیام قرآن ج ۱، ص ۶۸.

۲- بقره: ۶.

۳- انفطار: ۶.

سبب غرور داری و پروردگارت را عبادت نمی کنی؟ انسان های مغرور، متکبر، خونخوار، ظالم، منافق و کافر از رحمت و هدایت خداوند به دورند؛ آنان به خاطر طغیان و غرورشان جنبه ی هدایت را در مرحله دوم که هدایت خاصه است و مخصوص متقین است را از دست داده اند.

## ویژگی های سوره حمد

### مقدمه

واژه ویژگی به معنای آن است که آن معنا و خصوصیت در غیر نباشد؛ مثل تفکر و تعقل که ویژه انسان است و در بین ملائکه و موجودات زمینی وجود ندارد. فلذا ویژگی سوره حمد در دیگر سُور قرآن وجود ندارد. ویژگی سوره ی حمد در قرآن و احادیث فراوان بیان شده که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف- خداوند متعال در این سوره شیوه مناجات و عبادت را به پیامبر صلی الله علیه و آله می آموزد و مسلمانان نیز باید در این امر از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کنند. سوره ی حمد بین خداوند و بندگان مشترک است و تمام حمد های جهان هستی با شمول بشر، ملائکه، جن و همه چیز به خدا اختصاص دارد و زبان حمد و ستایش جزء خلقت و فطرت موجودات عالم است، ولی حمد بشر با دیگر حمد های حامدان مثل حمد ملائکه و اجنه تفاوت ماهوی دارد.

ب- امام صادق علیه السلام فرمودند: «زمان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و هنگام نزول سوره حمد، ابلیس به شدت ناراحت شد».

ج- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند در حدیث قدسی فرموده است که سوره حمد را بین خود و بنده ام تقسیم کرده ام».

د- و ایضاً نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مانند سوره حمد در تورات، انجیل، زبور و در جای دیگر قرآن نیامده است». خدا می فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ؛ ما سوره حمد و قرآن عظیم را به تو پیامبر (عطا کردیم)» (۱). امام صادق علیه السلام فرمودند: «لِأَنَّهَا يَثْنِي فِي الرَّكْعَتَيْنِ؛ این سوره در دو رکعت نماز، دو بار خوانده می شود». تفسیر دیگری می گوید: سوره حمد دو بار نازل شده؛ یک بار در مکه و بار دیگر در مدینه. به این خاطر به آن سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي گویند که دارای هفت آیه بوده و دو بار نازل شده است.

ه- - جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که حضرت درباره سوره حمد فرمودند: «هِيَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامُ» (۲). سوره حمد برای هر دردی شفاء است جز مرگ».

قرآن با سوره حمد آغاز شده است. آشنایی با خدا در درجه اول قرار دارد و این سوره، آغازگر آن است. آغاز جهان آفرینش با بسم الله است و بسم الله آیه اول سوره حمد و دیگر سوره هاست.

طبق بیان روایات اسلامی بر هر مسلمانی واجب است که در هر نماز سوره حمد را بخواند، در غیر این صورت نماز باطل خواهد بود.

و- در حدیث شریف می گوید: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ؛ نماز بدون سوره حمد نماز نیست» (۳).

ز- نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر هفتاد مرتبه این سوره را بر مرده خواندید و

ص: ۴۱

---

۱- حجر: ۸۷.

۲- تفسیر جامع الجوامع، ج ۱، بحث سوره حمد.

۳- مستدرک، ج ۱، ص ۳۶۵.

زنده شده، تعجب نکنید».(۱)

ح- امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس که سوره حمد به او شفا ندهد، چیز دیگری او را شفا نمی دهد».(۲)

ط- امام صادق علیه السلام فرمود: «سوره ی حمد از گنج های عرش پروردگار است».(۳)

ی- رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «لَوْ أَنَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَضَعَتْ فِي كَفِّهِ الْمِيزَانَ وَوَضَعَ الْقُرْآنُ فِي كَفِّهِ لَرَجَحَتْ فَاتِحَتَهُ الْكِتَابَ سَبْعَ مَرَّاتٍ؛(۴) اگر سوره فاتحه در یک طرف و قرآن در طرف دیگر میزان قرار گیرد، فاتحه کتاب ۷ برابر کُلُّ قرآن است».

ک- امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: «اگر در گریبان پیراهن مریض، هفت مرتبه، سوره ی حمد را قرائت کنید، اگر درد ساکت نشد، هفتاد مرتبه قرائت کنید، تا ساکت شود».(۵)

ل- امام صادق علیه السلام فرمودند: «السُّورَةُ الَّتِي أَوْلَاهَا تَمَجِيدٌ وَأَوْسَطُهَا إِخْلَاصٌ وَآخِرُهَا دُعَاءٌ، سُورَةُ الْحَمْدِ؛ سوره ای که اول او حمد، وسط آن اخلاص و آخر آن دعاء است، سوره حمد است».(۶)

ص: ۴۲

---

۱- بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۵۷.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۶.

۳- تفسیر برهان، ج ۱ ص ۵۱، حدیث ۲۹.

۴- مستدرک الوسایل ج ۴ [این حدیث در موسوعه کلمات رسول الله صلی الله علیه وآله در جلد اول ص ۱۸۷ ذکر شده است].

۵- تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۳.

۶- بحار ج ۱، ص ۵۸.

م- امام علی علیه السلام فرمودند: «جَمِيعُ الْعُلُومِ فِي الْقُرْآنِ وَ الْعُلُومُ الْقُرْآنِ فِي الْفَاتِحَةِ مِنْهُ وَ الْعُلُومُ الْفَاتِحَةِ فِي الْبَاءِ مِنَ الْبِسْمَلَةِ؛(۱) همه علوم در قرآن و علوم قرآن در فاتحه کتاب و علوم فاتحه کتاب در باء بسم الله الرحمن الرحيم قرار دارد». امام در ادامه حدیث فرمودند: «أنا

النُّقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ؛ من به منزله آن نقطه تحت باء هستم».

### ثواب قرائت فاتحه کتاب

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِعِدَدِ كُلِّ آيَةٍ أَنْزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ فَيَجْزِي بِهَا ثَوَابًا؛(۲) هر کس فاتحه کتاب را قرائت کند خداوند به عدد کل آیات قرآن که از آسمان نازل کرده، جزا و پاداش به قاری آن عنایت می کند».

و نیز فرمود: «أَيُّمَا الْمُسْلِمِ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلْثِي الْقُرْآنِ كَأَنَّمَا عَلِيَ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؛(۳) هر مسلمانی که فاتحه کتاب را قرائت کند اجر کسی را دارد که ثلث قرآن را تلاوت کرده به او اجر تلاوت ثلث قرآن عطا می شود».

امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند قرائت سوره حمد را در نمازها به مردم امر فرمود تا قرآن ترک نشود.(۴) نماز و قرائت قرآن دو عمل لاینفک از زندگی متقین است.

ص: ۴۳

۱- مشارق الانوار الیقین ص ۲۳ و تفسیر یاد شده.

۲- موسوعه کلمات رسول الله صلی الله علیه و آله جلد ۱ ص ۱۸۷.

۳- مجمع البیان ج ۱، ۸۸.

۴- تفسیر جامع ج ۱، ص ۱۶۵ (آیت الله سید ابراهیم بروجردی).

در عقود المرجان فی تفسیر القرآن روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده که امام فرمودند: جَمِيعُ الْعُلُومِ فِي الْقُرْآنِ وَ الْعُلُومُ الْقُرْآنِ فِي الْفَاتِحَةِ مِنْهُ وَ الْعُلُومُ الْفَاتِحَةِ فِي الْبَاءِ مِنَ الْبِسْمِ لَهُ؛ (۱) همه علوم در قرآن و علوم قرآن در فاتحه الكتاب و علوم فاتحه الكتاب در باء بسم الله الرحمن الرحيم قرار دارد. امام در ادامه حدیث فرمودند: اَنَا النُّقْطَةُ تَحْتَ الْبَاءِ؛ من به منزله آن نقطه تحت باء. این حدیث در ینابیع الموده قندوزی حنفی در اول ج ۱ آمده است.

امام رضا علیه السلام فرمودند: وَ الْأَجْهَارِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي الصَّلَاةِ سُنَّةٌ؛ بلند گفتن بسم الله در نمازها واجب و مستحب (سنت) است.

ابن عباس از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمودند: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ أَكْبَرُ؛ بسم الله الرحمن الرحيم از اسماء بزرگ خداوند است. (۲)

### برترین سوره قرآن

پیامبر صلی الله علیه و آله به جابر بن عبدالله فرمودند: «أَلَا أَعْلَمُكَ أَفْضَلَ سُورَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ؟ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِيهَا قَالَ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ أُمَّ الْكِتَابِ؛ (۳) پیامبر خدا به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند: آیا بهترین سوره ای را که خداوند متعال در قرآن نازل کرده است، به تو یاد بدهم؟ عرض کرد: بله.

ص: ۴۴

۱- مشارق الانوار الیقین ص ۲۳ و تفسیر یاد شده.

۲- منهج الدعوات ص ۳۱۹ و تفسیر کنز الدقائق ج ۱، ص ۱۶.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۱، بحث سوره حمد.

فرمود: آن سوره «الحمد لله» که نام دیگرش «ام الكتاب» است، می باشد.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَإِذَا قَرَأْتُمُوهُ فَابْكُوا... قرآن با حزن نازل شده است، هرگاه قرآن را تلاوت کردید، باگریه و حزن تلاوت کنید. (۱)

پیامبر خداصلی الله علیه وآله در حدیث دیگری میفرماید: تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَاحِبُهُ فِي صُورِهِ شَابٍ جَمِيلٍ؛ قرآن را بیاموزید. قرآن در قیامت به قاری و معلم خود به صورت جوان زیبا نظر می کند. (۲)

همچنین در نورانیت تلاوت قرآن می فرماید: نَوِّرُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ؛ خانه هایتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید. (۳)

و نیز می فرماید: أَفْضَلُ عِبَادَةٍ أُمَّتِي قِرَائِهِ الْقُرْآنِ؛ بهترین عبادت امت من تلاوت قرآن است. (۴)

در کلام دیگری می فرماید: النَّظْرُ فِي الْمَضِيحِ مِنْ غَيْرِ قِرَائِهِ عِبَادَةٌ؛ نگاه کردن به قرآن بدون تلاوت عبادت است. (۵) صرف ارتباط داشتن با قرآن سعادت است.

رسول خاتم صلی الله علیه وآله در جای دیگر می فرماید: مَنِ قَرَأَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَرْفَ أَرْبَعَةِ آلاَفٍ حَسَنَةً؛ هر کس بسم الله الرحمن الرحيم بگوید

ص: ۴۵

---

۱- جامع الاخبار ۱۳۱ حدیث ۲۶۵، تفسیر مجمع البیان ج ۱، ص ۸۶ و موسوعه کلمات رسول الله صلی الله علیه وآله ج ۱، ص ۱۶۷ حدیث کامل آورده نشده است.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۶۰۲؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۷۹، ح ۷۶۷۴.

۳- کافی، ج ۲، ص ۶۱۰؛ عدّه الداعی، ص ۳۲۸؛ بحار، ج ۹۲، ص ۲۰۰.

۴- مختصر تفسیر.

۵- جامع الاحادیث، ص ۱۲۶؛ و موسوعه کلمات پیامبر صلی الله علیه وآله، ج ۱، ص ۷۹.

خداوند برای هر حرف آن چهار هزار حسنه عنایت میکند. (۱)

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله درباره ام الكتاب بودن سوره حمد بیان می کند: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أُمَّ الْقُرْآنِ وَأُمَّ الْكِتَابِ وَ السَّبْعِ الْمَثَانِي. (۲) و ایضاً قال إذا وضعت جبتك على الفراش و قرأت فاتحة الكتاب و قل هو الله أحد فقد أمنت من كل شيء إلا الموت؛ هرگاه در بستر خواب فاتحه الكتاب و قل هو الله احد را بخوانید از هر شری در امانید جز مرگ. (۳)

رسول خدا صلی الله علیه وآله سوره حمد را با فضیلت ترین دعا می داند: أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَفْضَلُ الدُّعَاءِ الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ (۴) بهترین ذکر لا إله إلا الله و بهترین دعا الحمد لله گفتن است.

همچنین در اهمیت این سوره در نماز می فرماید: لا صلوة لمن لم يقرأ بفاتحة الكتاب؛ (۵) نماز بدون خواندن سوره قبول نیست. و درباره صراط مستقیم می فرماید:

۱. الصُّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ كِتَابُ اللَّهِ؛ (۶) صراط مستقیم قرآن است.

۲. أَهْدِنَا الصُّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، هُوَ الْإِسْلَامُ؛ (۷) اهدنا الصراط المستقیم همان

ص: ۴۶

۱- جامع الاخبار، ص ۱۲۰، ح ۲۱۶؛ بحار، ج ۹۲، ص ۲۵۸.

۲- تفسیر ابن کثیر قرشی.

۳- این حدیث را انس بن مالک از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده و در تفسیر ابن کثیر دمشقی بیان شده است در دیگر منابع تفسیری نیز مذکور است.

۴- این حدیث را جابر بن عبدالله از رسول الله صلی الله علیه وآله نقل کرده. در تفسیر ابن کثیر و دیگر منابع ذکر شده است.

۵- این حدیث در صحیحین (مسلم و بخاری) نقل شده و در منابع روایی و تفسیری شیعه با سلسله روایان روایت بیان شده است (تفسیر ابن کثیر).

۶- تفسیر ابن کثیر دمشقی [حارث اعور از امام علی علیه السلام و از نبی اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده است].

۷- محمد بن عقیل از جابر از رسول الله نقل کرده [تفسیر ابن کثیر].



اسلام است. انجام فرامین خدا صراط مستقیم و دستور

اسلام است.

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: هر کس دچار مرضی شود، در گریبان پیراهن او هفت مرتبه، سوره حمد را قرائت کنید، اگر درد ساکت نشد، هفتاد مرتبه قرائت کنید، تا ساکت شود. (۱)

امام صادق علیه السلام نیز در اهمیت این سوره فرمودند: **السُّورَةُ الَّتِي أَوْلَاهَا تَمْحِيدٌ وَأَوْسَىٰ طُهَا إِخْلَاصٌ وَآخِرُهَا دُعَاءُ سُورَةِ الْحَمْدِ؛** (۲) سوره ای که اول او حمد، وسط آن اخلاص و آخر آن دعا است، سوره حمد است.

و نیز فرمودند: **مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ كِتَابًا إِلَّا وَفَاتِحَتُهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛** (۳) خداوند از آسمان کتابی را نازل نکرد، مگر اینکه اول آن بسم الله الرحمن الرحيم بود.

### شروع سوره با حمد الهی

در سوره حمد انسان با بسم الله الرحمن الرحيم سخن آغاز می کند و از غیر خدا قطع رابطه می نماید و با اقامه نماز با تمام وجود در محضر خدا قرار می گیرد. درباره بسم اله الرحمن الرحيم مفسران و محققان معانی و تفسیرهایی بیان کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می شود. (۴)

ص: ۴۷

---

۱- تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۳.

۲- بحار، ج ۱، ص ۵۸.

۳- بحار، ج ۱۸، ص ۳۳۶.

۴- اسم جمع آن اسماء و مصغّر آن سَمَى بر وزن فَعِيلٌ وَفُضِيلٌ است، (بنایی تفسیر لغت و معانی حروف را نداریم، فقط اشاره لازم است).

امام صادق علیه السّلام فرمودند: بسم الله الرحمن الرحيم، سرلوحه کارهای انبیاء بود. در منابع حدیثی این مسأله مفصل بررسی شده که به برخی از موارد آن اشاره می شود:

۱- طبق آیه ۴۱ سوره هود حضرت نوح علیه السّلام هنگام سوار شدن بر کشتی گفت: بسم الله مجریها و مرسیها.

۲- حضرت سلیمان علیه السّلام بر اساس آیه ۳۰ نمل، وقتی ملکه سباء را به خداوند

دعوت کرد، با بسم الله الرحمن الرحيم کار را آغاز نمود.

۳- امام رضا علیه السّلام فرمودند: إِنَّ بَسْمَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَبُ إِلَى اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سُودِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا؛ بسم الله ... به اسم اعظم الهی از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک تر است. (۱) این بیان امام خیلی عمیق و پرمعناست، همان طور که اسم اعظم قابل درک نیست. معنای بسم الله نیز چنین خواهد بود.

۴- از پیشوایان رسیده که بسم الله ... را بلند بگویند. امام باقر علیه السّلام درباره کسانی که بسم الله ... را در نماز نمی خوانند، فرمودند: سَرَقُوا أَكْرَمَ آيَةٍ. بهترین آیه قرآن را به سرقت بردند. (۲)

۵- مفسر بزرگ اهل سنت فخر رازی در تفسیر خویش ۱۶ دلیل آورده که بسم الله ... جزء سوره است. در مسند

احمد حنبل بسم الله جزء سوره شمرده شده است. (۳)

۶- امام علی علیه السّلام فرمودند: تمام علوم قرآن در سوره فاتحه الکتاب هست و

ص: ۴۸

---

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲؛ البرهان ج ۱، ص ۴۲؛ و تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱.

۳- مستند احمد حنبلی، ج ۳، ص ۱۷۷.

آنچه در بسم الله الرحمن الرحيم است در باء او و آنچه در باء است در نقطه زیر آن باء است و منم

نقطه تحت آن باء. (۱) امام از تفسیر و عظمت قرآن پرده برداشته اند.

۷- امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: معنی بسم الله الرحمن الرحيم این است که به نام خدا آغاز می کنم و یاری از خدا می جویم. این سخن در اعمال متقین تجلی دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدای تعالی صد و چهار کتاب از آسمان نازل فرمود و چهار کتاب از آنها را برگزید و علوم یکصد کتاب دیگر را در آن چهار کتاب قرار داد و آن چهار کتاب زبور، تورات، انجیل و قرآن می باشند و بعد از آن بار دیگر از میان چهار کتاب یکی را اختیار فرمود و آن قرآن است و تمام علوم و برکات و ثواب تورات، انجیل و زبور را در قرآن قرار داده آن گاه تمام علوم قرآن را در سوره های مفضّل و کلیه سوره های مفصل را در سوره حمد قرار داد و هر کس سوره حمد را بخواند مانند آن است که یکصد و چهار کتاب آسمانی را قرائت کرده است (۲) و هیچ یک از کتاب های آسمانی بدون بسم الله نبوده است.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که ایشان درباره بسم الله الرحمن الرحيم فرمودند: فقال الباء بها الله و السین سناء الله و المیم مجد الله؛ با رمز عظمت خدا، سین ثنا و ذکر خدا و میم مجد و بزرگواری خداوند تفسیر شده است. (۳)

ص: ۴۹

---

۱- خزینه الجواهر، ص ۵۷۴، این حدیث در منابع اهل سنت نیز آمده است.

۲- تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۲۹؛ نقل از تفسیر جامع، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳- تفسیر برهام، ج ۱، ص ۴۵؛ و تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲.

امام جعفر صادق علیه السّلام فرمودند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ آيَةٌ مِنَ الْفَاتِحَةِ وَ مِنْ كُلِّ سُورَةٍ يَجْمَعُنَا وَ نُصَوِّصِنَا؛ (۱) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ در فاتحه الكتاب و در همه سوره قرآن جز اولین آیه آن سوره می باشد».

امام باقر علیه السّلام فرمود: «أَكْرَمَ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ گرامی ترین آیه در قرآن بسم الله الرحمن الرحيم است» (۲).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا مَرَّ الْمُؤْمِنُ عَلَى الصَّرَاطِ فَيَقُولُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ (۳) مؤمن هنگام عبور از پل صراط، بسم الله الرحمن الرحيم می گوید».

طبق بیان روایات و منابع تفسیری پل صراط هم اکنون نیز وجود دارد؛ نه اینکه در آخرت وجود پیدا کند. راه اسلام و عمل به دستورات قرآن، همان صراط است.

### فرق رحمن با رحیم

رحمان برای مؤمن و کافر و رحیم برای مؤمنین تفسیر شده است. این بیان با دعای یا رحمان الدنيا و الآخرة و رحیمهما در دعای عرفه و آیه ۱۴۳ بقره و ۶۶ اسراء هماهنگ نیست و نیاز به بحث دارد.

رحیم صفت فعل است و رحمان فیض کمال معنوی مخصوص نوع انسان است.

ص: ۵۰

---

۱- تفسیر معین علامه آقای سید عبدالله شبّر.

۲- تفسیر عیاشی سمرقندی، ج ۱، ص ۱۹.

۳- حدیث از امام صادق علیه السّلام، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴.

کلمه جلاله ی الله مختص یگانه معبود جهان است. با بسم الله ... گفتن ارتباط بنده با خدا آغاز می گردد. با گفتن الرحمن که مبالغه است رحمت فراگیر خداوند مورد یادآوری و توجه اهل ایمان قرار می گیرد. طبق بیان حدیث از امام صادق علیه السلام رحمانیت خداوند، جمیع خلائق را پوشش می دهد و در جهان هستی موجودی نیست که از رحمانیت و لطف عام خداوند بهره مند نشوند. در جلد اول المیزان در صفحه ۱۹ علامه طباطبایی می گوید: إِنَّ الرَّحْمَنَ عَامٌّ لِلْمُؤْمِنِ وَالْكَافِرِ، وَالرَّحِيمُ خَاصٌّ بِالْمُؤْمِنِ؛ رحمانیت برای همه و رحیمیت فقط برای مؤمن اختصاص دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: وَاللَّهُ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ، الرَّحْمَنُ بِجَمِيعِ خَلْقِهِ، الرَّحِيمُ بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً (۱) خداوند پروردگار همه است، رحمانیت برای همه و رحیمیت برای مؤمنین اختصاص دارد و همچنین الرَّحْمَانُ اسْمٌ خَاصٌّ بِهِ صِفَتِ عَامٌّ است برعکس الرَّحِيمِ که اسم عام و صفت خاص برای خداست. رحیم بودن خداوند مخصوص مؤمنان به جهت ایمان آنان است. هر یک از الرَّحْمَانِ وَالرَّحِيمِ صفت الله می باشد. خداوند

رحمان و رحیم است. طبق بیان قرآن و روایات صفات خدا عین ذات اقدس الهی می باشد.

طبق آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، ستایش هر ستایش گر و حمد هر حامدی مخصوص خداست. الْحَمْدُ لِلَّهِ در اول سوره ی حمد، اول سوره ی انعام، اول سوره ی کهف، اول سوره ی نساء و اول سوره ی فاطر آمده است، اما الْحَمْدُ لِلَّهِ در سوره ی فاتحه، جامع ترین آنهاست و محوریت خاصی در قرآن دارد. گرچه

ص: ۵۱

---

۱- المیزان، ج ۱، ص ۲۳، به نقل از تفسیر عیاشی.

به ظاهر در خیلی از کارها از دیگران سپاس‌گزاری می‌شود، ولی در واقع تمام سپاس‌ها و حمد‌ها به خداوند بر می‌گردد، جز ذات واجب‌الوجود، هیچ کس سزاوار حمد نیست. اگر کسی از پدر، مادر، معلم، دکتر و مردم حمد و سپاس‌گزاری کند. در واقع حمد و سپاس از خداوند است. خدا از طریق دیگران به انسان خیر و رزق می‌رساند. پدر، مادر و دیگران را خدا محبوب قرار داده است. انسان‌ها با اختیار همدیگر را مورد لطف قرار می‌دهد و این لطف از طرف خدا به انسان عنایت شده؛ فلذا سپاس‌گزاری از هم‌نوعان در واقع سپاس از خداست نه جبر و نه تفویض. خداوند رَبُّ الْعَالَمِينَ است و هر موجودی را در حد ظرفیت آن موجود به تکامل و ترقی می‌رساند. ادامه حیات موجودات بدون لطف خداوند غیر ممکن است. لام حمد را اکثر مفسران استغراقی می‌دانند و تمام حمدها مخصوص خداست. برخی الف و لام حمد را، لام جنس و لام عهد دانسته‌اند.

عقل بشر عقیم از درک حقایق است. به جهت درک نکردن حقایق عده‌ای جبری مذهب شدند و گفتند: ما از خود اراده و اختیاری نداریم و تمام کارها و افعال بشر به اراده خداوند بستگی دارد، اگر ما گناه می‌کنیم، اراده خدا است. اگر کار خوب انجام می‌دهیم باز اراده خداوند است. در این گونه عقاید بیان تکلیف و بهشت و جهنم معنای واقعی نخواهد داشت. انسان غیرمختار به جبر منتهی می‌شود که باطل است.

جبریون می‌گویند: تمام جنایات و اعمال خیر براساس اراده خدا انجام می‌شود و بشر از خود اراده‌ای ندارد. این قول و نظر با معارف قرآن و کلمات پیشوایان دین کاملاً در

تضاد است. جبریون اختیار و انتخاب را از قاطبه‌ی افراد

بشر سلب نمودند. طبق بیان قرآن و حدیث امتیاز و افتخار بشر در انتخاب بشر است نه در جبر و تفویض.

فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا(۱) طبق نظر و عقیده جبریون هیچ گونه تفاوت و امتیاز در بین اعمال خیر و اعمال شرّ بشر وجود ندارد. بنا بر مسلک و مذهب جبریون، هدایت ها، بشارت ها، توکل ها و از طرفی انزال کتب و ارسال رسول برای انذار و هدایت جامعه، بی فائده و بدون نتیجه خواهد بود. با این بیان، بشر در جهان تکلیفی ندارد؛ چون اختیار ندارد و طبق نظر اهل جبر اختیار فقط در دست خداست.

مذهب و مسلک دیگر به عنوان مُفَوِّضَه در مقابل احکام و حقایق اسلام ظهور نموده و جمعیتی را به انحراف و انزوا کشانده است. آنها عقیده دارند و می گویند: جهان به حال خود رها شده و خداوند کاری به اعمال و کردار جهان و بشر ندارد. این مذهب و مسلک نیز مثل جبریون، کاملاً مخالف نظر اسلام است. بر اساس این دو دیدگاه جبر مطلق و تفویض مطلق در جهان وجود دارد. واقعیت آن چیزی است که در مکتب اسلام در مسیر حرکت بشر، پیامبر، قرآن و امامان معصوم علیهم السّلام نورافشانی نموده و حقایق را برای جامعه به صورت مطلوب بیان فرمودند.

همان طور که اشاره شد مسأله جبر و تفویض از نظر اسلام مردود است. ریشه اسلامی منطبق با متون اسلامی ندارد و با عقل و فطرت توحیدی نمی سازد. نفی جبر و تفویض اوّلاً در قرآن در سوره روم آیه ۳۰ و دیگر سُور و ثانیاً در

ص: ۵۳

مکتب و سخنان پیامبر و امامان علیهم السّلام به صورت شفاف مطرح شده است. جهت اثبات ادّعا به چند حدیث در نفی و رد جبر و تفویض اشاره می کنیم تا اهل ایمان از شرّ این دو جریان در امان باشند.

امام علی علیه السّلام جهت رد و بطلان جبر فرمودند:

«وَ كَانَ كَذَلِكَ لِبَطَلِ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ وَ الْمَأْمُورِ النَّهْيِ وَالزَّجْرِ وَالسَّقَطِ مَعْنَى الْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ وَلَمْ تَكُنْ عَلَى مُسَيِّءٍ لَإِيْمَةٍ وَ لَا لِمُحْسِنٍ مُحَمَّدَةً وَ لَكَانَ الْمُحْسِنُ

أَوْلَا بِالْإِيْمَةِ مِنَ الْمُذْنِبِ وَ الْمُذْنِبِ أَوْلَى بِالْإِحْسَانِ مِنَ الْمُحْسِنِ تِلْكَ مَقَالَهُ عَبْدُهُ الْوَأْتَانِ وَ خُصِيَهُ مَاءِ الرَّحْمَنِ؛ امام می فرماید: اگر جبر درست بود، آن گاه ثواب و عقاب، امر و نهی و باز داشتن از کارهای زشت پوچ می بود و وعده و وعید از معنا می افتاد و بدکار سرزنش و نیکوکار تشویق نمی شد که نیکوکار به سرزنش سزاوارتر می بود تا بدکار و بدکار به پاداش و احسان سزامندتر می شد تا نیکوکار. عقیده ی جبر مثل گفتار بت پرستان و دشمنان خدای رحمان باطل است. (۱) امام صادق علیه السّلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَهُ جَمِيعاً مُسْلِمِينَ أَمْرَهُمْ وَ نَهَاهُمْ وَ الْكُفْرَ بِأَسْمِ يَلْحِقُ الْفِعْلُ حِينَ خَلَقَهُ كَافِرًا؛ خداوند همه ی آفریدگان خود را مسلمان آفرید، به آنان امر و نهی کرد. کفر نامی است که با کفر ورزیدن بنده فعلیت می یابد. (۲) از این بیان نورانی نتیجه می گیریم که فطرت انسان پاک و

خداجو است.

امام صادق علیه السّلام در جواب مفضل بن عمر درباره ی جبر و تفویض فرمودند:

ص: ۵۴

---

۱- بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۳، و سفینه البحار.

۲- بحار، ج ۵، ص ۱۹.



«لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِيضَ وَ لَكِنْ أَمْرَيْنِ أَمْرَيْنِ. مفضل: قُلْتُ: مَا أَمْرُ بَيْنَ أَمْرَيْنِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَثَلُ

ذَلِكَ مَثَلُ رَجُلٍ رَأَيْتُهُ عَلَى مَعْصِيَةٍ بِهِ فَلَيْسَ حَيْثُ لَمْ يَقْبَلْ مِنْكَ فَتَرَكْتَهُ، كُنْتُ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالْمَعْصِيَةِ»؛ (۱) امام صادق علیه السلام درباره ی جبر و تفویض در پاسخ مفضل فرمود: «لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِيضَ». او گفت: امر میان این دو امر چیست؟ فرمود: برای مثال مردی را در حال گناه می بینید و تو او را از آن باز می داری، اما او نمی پذیرد و به حال خود رهاش می کنی. او گناه انجام می دهد، پس چون او به نهی تو اعتنایی نکرده و در نتیجه به حال خود رهاش کرده ای، نباید گفت: که تو او را به گناه دستور داده ای.

با بیان قرآن و احادیث معتبر مسأله اختیار و اقتدار انسان یک حقیقت لاینفک از وجود بشر است. نظر اسلام اختیار انسان را تأیید می کند. اگر اختیار نباشد، اعمال و عبادت فائده و معنایی ندارد؛ مثلاً کسی جبراً شب و روز قرآن تلاوت کند و یا نماز بخواند و یا کسی را به اجبار به زیارت خانه خدا «مکه» و یا زیارت قبور مطهر «پیامبران و امامان» ببرد. عمل جبری از نظر قرآن و مکتب اسلام هیچ گونه ارزشی ندارد. فرضاً تفویض، حقیقت می داشت، تکلیف از انسان برداشته بود، تمام کارها و اعمال خیر به اراده خدا و انتخاب انسان قابل تحقّق و پاداش است. معجزه های پیامبران و امامان و نشر معارف قرآن و کارهای خوب مؤمنان و صالحان همه و همه به اذن خداوند انجام می شود. انسان نه کاملاً مختار است و نه امور به انسان واگذار گردیده و نه اجباری در کار است. به سبب جهل و حسادت، به جهت انحراف از حق، صدها مذهب و مسلک به وجود آمده و

ص: ۵۵

مسلمین جهان را گرفتار کرده است. بر فرض قبول جبر و تفویض چه نیازی به انبیاء و انزال کتب آسمانی وجود داشت؟ ای همسفر روحانی قبل از انتقال از این جهان ظلمانی با تلاش به مکتب قرآن بیشتر آشنا شویم تا حقیقت عبادت و بندگی را درک نماییم. فردای بعد از مرگ جز عمل خیر و حقیقت هیچ چیزی دست من و شما را نخواهد گرفت. مُرَجَّه، زیدیه، قدریه، احمدیه و علی‌الهی‌ها، از فرق منحرف هستند و هر گروه به سبک مخصوص خودشان جاهلان را دعوت می‌کنند. عبادت باید معیار قرآنی و ولایی داشته باشد. اگر عبادت طبق دستور خدا انجام نشود، ارزش و بهایی در پیشگاه خداوند نخواهد داشت. بدین جهت انحراف جبریه و مفوضه مورد اشاره قرار گرفت تا جوانان مؤمن و جامعه قدر عبادت و بندگی خالصانه شان را بدانند و در دام انحرافات قرار نگیرند. گرچه عبادت واقعی خیلی مشکل است، همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا عَيَّدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَمَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ»؛ (۱) ما آن گونه که شایسته ی عبادت تو است، تو را عبادت نکرده ایم و آن گونه که شایسته ی معرفت تو است، تو را نشناخته ایم.

ما به عنوان تکلیف باید بین خوف و رجاء زندگی کنیم. خداوند همه را یکسان تکلیف نفرموده است. عمل خالصانه و عالمانه ارزش دارد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ جامع ترین و مقدس ترین سخن خداوند و شکر انسان از حضرت احدیت است. حمد و مدح مثل هم است (۲) و ثناء بر نعمت های

ص: ۵۶

---

۱- مرأت العقول، ج ۸، ص ۱۴۶، (علامه مجلسی).

۲- حمد آخض از مدح و شکر است، بین حمد و مدح از نسب اربعه عموم و خصوص مطلق است. شکر به خاطر نعمت است، پس هر شکری حمد است ولی هر حمد و ثنایی شکر نیست.

جمیل و غیر آن گفته می شود، امّا شکر بر نعمت خاص اختصاص دارد و حمد بر لسان تنها گفته می شود. حمد قلبی در اصطلاح جود ندارد، اما شکر به سبب قلب، زبان و جوارح تحقّق پیدا می کند.

امام صادق علیه السّلام فرمودند: الْحَمْدُ رَأْسُ الشُّكْرِ؛ حمد اساس شکر است. این حدیث در تفسیر جوامع الجامع از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است. (۱)

رجاء بن ضحاک گوید: امام رضا علیه السّلام وقتی سوره حمد را تمام می فرمود، می گفت: الحمد لله رب العالمین.

مرحوم محمد باقر مجلسی در جلد ۹۲ ص ۲۱۸ بحار می نویسد: معنی حمد در شکر و عبادت خداوند تحقّق یافته است. پس جای حمد خداست. به استناد کلام رسول الله صلی الله علیه و آله حق حمد خداوند منان را جز معصومان کسانی دیگر نمی توانند به جا آورند.

ملائکه، انسان، موجودات، جمادات، حیوانات و همه از حمد خدا عاجزند. مُفضّل بن عمر از امام صادق علیه السّلام نقل کرده که ایشان فرمودند: برای خدا هزار عالم است. هر عالم بزرگتر از این عالم آسمان و زمین است) و اهل هر عالمی نمی دانند که آیا جز عالم آنها، خداوند عالم دیگری را آفریده و موجودات دیگری در آن می باشد.

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السّلام روایت می کند که امام علیه السّلام فرمودند: غیر از کره شما «زمین» چهل کره آفتاب دیگر موجود است و فاصله میان هر آفتاب تا آفتاب دیگر چهل سال راه است و در آنها

ص: ۵۷

مخلوقات زیادی وجود دارند و آنها نمی دانند که خدا آدمی را خلق کرده و غیر از کره ماه که شما می بینید، چهل کره ی ماه دیگر است که فاصله میان هر یک از کرات چهل سال است و در هر یک از آنها موجودات و مخلوقات زیادی می باشند. (۱)

ما هر گاه اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ می گوئیم گویا با همه عوالم هم صدا می شویم.

### معانی ربّ

کلمه رب در منابع لغوی و روایی به معنایی ثابت، سید، مالک، صاحب، غالب و قاهر آمده است. اگر به معنای مالک، صاحب، غالب و یا قاهر مدنظر باشد، از اسمای صفاتی است و اگر به معنای مربّی، مُنْعِم و مُعَمَّم باشد از اسمای افعالیه هست. ربّ را باید از اسماء صفات گرفت و اگر مقصود عالم ملک است که تدریجی الحصول و الکمال است. مراد از آن اسم فعل است ... مقصود اسم ذات نیست. (۲) آیات آخر سوره حشر به این مطلب اشاره دارد.

### رُبُوبیت عامّه

به تربیت و تکامل تکوینی یا به عبارت دیگر هدایت تکوینی خداوند ربوبیت عامّه گفته می شود. تمام موجودات و مخلوقات را شامل می گردد و خداوند هر موجودی را در حدّ کمال به تکامل لازم می رساند. ربوبیت خداوند خارج از عالم خاکی، آسمان ها و دیگر عوالم را پوشش می دهد. طبق هدایت

ص: ۵۸

---

۱- تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۷، چاپ قدیم.

۲- تفسیر قرآن کریم، برگرفته از آثار امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۱۶۹.

تکوینی، آسمانها، شب و روز و کرات دیگر عالم به حیات و فعّالیت منظم ادامه داده و از حدود معین تجاوز نمی کنند. بر فرض محال اگر هدایت تکوینی ذره ای از حدود مشخص انحراف پیدا نماید، تمام جهان زیرو رو می گردد و آسمان ها فرو می ریزد. دیگر حیات و زندگانی در کره ی زمین و دیگر کرات عالم ادامه نخواهد بود. بر اساس هدایت تکوینی مهر و محبت، نوع دوستی، حسّ راحتی و خواسته های نفسانی در وجود همه ی حیوانات و مخلوقات زمینی جود دارد. اگر انسان در حسّ خستگی،

تشنگی، درد و راحتی و محبت به حیوانات دقت کند، متوجه می شود همان طور که انسان فرزندی، جان و مال را دوست دارد، حیوانات نیز جان و بچه و انواع خوراکی ها را دوست دارند. امتیاز انسان در بُعد روحانی اوست به همین خاطر انسان کامل و به تبع او انسان مؤمن عنوان خلیفه الله را به خود اختصاص داده است.

اگر این انسان فرمانبر خدا نباشد و به وظیفه انسانی خود عمل نکند، چه فرقی با دیگر حیوانات خواهد داشت؟

در جنبه حیوانی و شهوات امتیازی وجود ندارد، مگر برای چاقی و شهوترانی.

### رُبُوبیت خاصّه

رُبُوبیت خاصّه برای بشر اختصاص دارد و از طریق شریعت ارسال رُسل و انزال کُتب) دستورات خداوند به افراد بشر ابلاغ گردیده است؛ این را هدایت تشریحی نیز گویند. بر اساس این هدایت تکالیف و وظایفی به عهده ی انسان قرار گرفته و حجّت خداوند بر بشر تمام گردیده است. بر این اساس قاطبه ی جامعه ی بشری بدون استثناء مخاطب قرآن است.

اسماءِ حسِنای «الله»، «رب»، «الرَّحْمَن» و «الرَّحِيم» به حصر «حمد» برای خداوند رحمان اختصاص دارد، پس حمد و ستایش انحصار به ذات اقدس الهی خواهد داشت. حقیقتاً حمد فقط برای خدا شایسته هست و اما حصر مالکیت به «یوم الدین» به جهت خروج شمس از حجاب اُفقِ تَعینات می باشد و دیگر شب و روز و یومی «جز یوم الدین» وجود ندارد. هر موجودی از موجودات در ظلّ اسم مناسب خود، فانی می شود و چون نَفَخَهُ صور دمیده گردد از آن اسم ظهور پیدا می کند و با توابع آن اسم قرین گردد. «فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ؛ گروهی در بهشت و گروهی در آتش اند» (۱) در قیامت مالکیت های اعتباری وجود ندارد و در عرصه ی ظهور قیامت، یک حاکم و یک مالک به همه ی امور حاکم است و قدرت نمایی می فرماید.

«وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ؛ همه ی نعمت ها با واسطه یا بی واسطه از آن خداست، پس او مالک یوم الدین است. در دنیا مالکیت برای رسیدن به کمال برای افراد بشر به صورت اعتباری وجود داشت و دارد، ولی در آخرت مالکیت و حاکمیت به هیچ عنوان برای غیر خدا امکان ندارد.

قُلْ مَنِ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ؛ به مشرکان بگو خالق آسمان ها و زمین کیست؟ خود بی درنگ بگو: خدای یکتاست. (۲) در دنیا مُلْكُكَ و مَمْلُوكُكَ مالِ مولا است و در آخرت این معنا به صورت جامع و کامل فقط برای خداست.

ص: ۶۰

---

۱- شوری: ۷، این سوره مکی و ۵۳ آیه، ۸۴۳ کلمه و ۳۶۴۵ حرف دارد.

۲- رعد: ۱۶، شیء به تمام موجودات گفته می شود و جمع اشیاء است.

خالق یگانه، مالک یگانه خواهد بود. در قیامت خطاب از مالک عَلَى الاطلاق آید و مخاطبی جز ذات اقدس الهی نیست. لِمَنْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ؛ امروز ملک از آن کیست؟ و چون جوابی نیست خدای سبحان خود فرماید: لِلّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ؛

ملک از آن خدایی یگانه قهار است. (۱) قهار علیه کفار و منافقان مکار. رحمت برای متقین و اهل ابرار.

انسان حامد، عابد، مؤمن و مُخلص باید گوش به فرمان خدا باشد تا وعده ها و نصرت های خالق محقق گردد، گرچه دنیا پرستان منافق به زبان، حمد و شکر خدا را اظهار می کنند، ولی در اعمال آنان اثری از حمد الهی و صداقت واقعی دیده نمی شود و هرگاه لازم بدانند، هزاران خلاف و ظلم را مرتکب می شوند. طبق باورهای دینی و آموزه های مذهبی اعمال و افعال انسان دو صورت دارد: واقعی و ظاهری). خداوند به سبب هادیان طریق معرفت الله، بندگی واقعی را به بشر سفارش نموده و براساس اعمال انسان نتیجه می بیند. یکی از فرق های مؤمن و منافق در واقع بینی و ظاهر بینی می باشد. اگر اعمال عبادی انسان صورت واقعی مطابق با دستور اسلام نداشته باشد. پر واضح است که نتیجه مطلوب نخواهد داشت. انسان های ضعیف الایمان و منافق در ظاهر عمل ممکن است چیزی از مؤمنان کم نداشته باشند، ولی در واقع عبادت را برای رسیدن به دنیا و ضربه زدن به مؤمنین انجام می دهند کما اینکه این مطلب مهم در قرآن درباره منافقین مدینه و درباره ی مسجد ضرار به صورت شفاف طرح شده است. بیان حقایق به

ص: ۶۱

---

۱- غافر: ۱۶، این سوره مکی دارای ۸۵ آیه و ۱۱۹۴ کلمه و ۵۲۶۵ حرف می باشد.

عنوان حکایت نیست. بل برای الگوه و عبرت بیان شده است. امروز قرآن به انسان اخطار می دهد که فردا با مخالفت خویش با دستورات خداوند منسوخ و به شکل غیر انسان وارد محشر نشود. صورت خلاف کاران در قیامت به سیرت واقعی تبدیل می گردد و کافران و منافقان و گناه کاران به صورت خوک، میمون و... ظاهر می شوند. اگر انسان اکنون گوش حق شنو، چشم حق بین، دل حق جو و زبان حق گو، نداشته باشد، هم اکنون زندگی جهنمی خویش را شروع کرده اند.

### ارجاع متشابه به مُحکَم

این موضوع را با بیان دو آیه از قرآن دنبال می کنیم:

۱- در آیه ۵ سوره طه می خوانیم: **الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى**؛ خدای رحمان بر تخت مسلط هست.

۲- آیه ۲۲ سوره فجر می فرماید: **وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا**؛ و فرمان) پروردگارت و فرشته ها صف در صف آیند.

ظاهر این دو آیه و آیات مشابه در جسمیت دلالت دارد، ولی از این دو آیه و آیه ۱۱ سوره شوری: **لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ** هو السَّمِيعُ الْبَصِيرُ و از آیات هم موضوع معلوم می شود که مراد از قرار گرفتن در تخت و آمدن خدا معنایی غیرظاهر می باشد. استقرار در مکان مستلزم جسم است و این با وحدانیت **لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ** کاملاً مغایر و مخالف هست. این گونه آیات تأویل و تفسیر خلاف ظاهر را می طلبد؛ لذا ارجاع متشابهات به محکّمات در تفسیر ضروری خواهد بود.

ص: ۶۲



پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: **وَإِنَّ الْقُرْآنَ لَمْ يَنْزَلْ لِيَكْذِبْ بَعْضُهُ بَعْضًا وَلَكِنْ نَزَلَ يَصْدُقُ بَعْضُهُ بَعْضًا فَمَا عَرَفْتُمْ بِهِ وَ مَا تَشَابَهَ عَلَيْكُمْ فَأَمَنُوا بِهِ؛** به درستی قرآن نازل نشده که برخی از آن برخی دیگر را تکذیب کند، ولی نازل شده که برخی از آن برخی دیگر را تصدیق نماید، پس آنچه را که فهمیدید، به آن عمل کنید و به آنچه بر شما متشابه است، ایمان بیاورید. (۱)

### تفسیر بعض قرآن با بعض دیگر آن

امام علی علیه السلام می فرمایند: **يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ وَ يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ؛** شهادت می دهد برخی از قرآن بر بعض دیگر و به نطق در می آید برخی از آن به سبب برخی دیگر. (۲)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: **الْمُحْكَمُ مَا يَعْمَلُ بِهِ وَ الْمُتَشَابِهُ مَا أَشْبَهَ عَلَى جَاهِلُهُ؛** محکم قرآن آن است که بتوان به آن عمل کرد، متشابه آن است که به کسی که نداند، مشتبه شود. (۳) در متشابهات توقف لازم است تا تفسیر بیان شود. از ظاهر آیات متشابه خیلی ها اشتباه برداشت نمودند و قائل به جسمیت خداوند شدند.

### شفاعت قرآن

امام علی علیه السلام می فرماید: **«مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَعَ فِيهِ»**

ص: ۶۳

- 
- ۱- تفسیر در المنثور، ج ۲، ص ۸.
  - ۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.
  - ۳- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۲، [لفظ تأویل در سه جای قرآن (آل عمران: ۷، اعراف: ۵۳، یونس: ۳۹) آمده است].

وَمَنْ مَحَلَّ بِهِ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صُدِّقَ عَلَيْهِ؛ كَسَىٰ رَا كَه قُرْآنٍ دَر قِيَامَتِ شَفَاعَتِ كَنَد، شَفَاعَتَش قَبُولِ وَ كَسَىٰ رَا كَه قُرْآنٍ اَز اَو شَكَايَتِ نَمَايَدِ شَكَايَتَش پَذِيرَفْتَه مِي شُود» (۱).

## قرآن برترین پند

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۴۷ نهج البلاغه می فرماید: أَيَهَا النَّاسِ إِنَّهُ مِنْ أَسْتَنْصَحَ اللَّهُ وَفَّقَ وَ مَنْ اتَّخَذَ قَوْلَهُ دَلِيلًا هُدَىٰ لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ ای مردم کسی که از خدا پند و خیر خودش را مسألت نماید، موفق می گردد و هر کس که کلام خدا را برای خود راهنما اتخاذ کند، به آن طریقه ای که محکم تر است هدایت شود.

حضرت علی علیه السلام در جای دیگر می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعْظُ أَحَدًا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ، فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ سَبَبُهُ الْأَمِينُ وَ فِيهِ رِبْعُ الْقَلْبِ وَ يَنْبِيعُ الْعِلْمِ وَ مَا لِلْقَلْبِ جَلَاءٌ غَيْرُهُ» (۲) خدا هیچ کس را به چیزی چون قرآن اندرز نداده؛ زیرا آن ریسمان استوار خدا واسطه ی امین، بهار دل و چشمه های دانش برای دل است».

آن حضرت همچنین می فرماید: «تَمَسَّكَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ وَ اسْتَنْصَحَهُ وَ أَحَلَّ حَلَالَهُ وَ حَرَّمَ حَرَامَهُ» (۳) به ریسمان قرآن چنگ بزن و از آن پند گیر، حلالش را حلال و حرامش را حرام بدان».

ص: ۶۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۳- به نقل از نامه ۶۹ مولا علی علیه السلام این نامه خطاب به حارث همدانی نوشته شده است.

امام علی علیه السلام درباره آثار حیات بخش قرآن می فرماید: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ، فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ وَ أَحْسِنُوا تَلَاوَتَهُ، فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ وَ إِنَّ الْعَالِمَ الْعَامِلَ بِغَيْرِ عِلْمِهِ

كَالْجَاهِلِ الْهَائِلِ الَّذِي لَا يَشْتَفِيكَ مِنْ جَهْلِهِ يَلِ الْحُجَّةَ عَلَيْهِ أَعْظَمُ وَ الْحَسْرَةَ لَهُ أَلْزَمُ...» (۱) قرآن را بیاموزید که بهترین گفته هاست و در آن تفقه کنید که آن بهار قلبهاست؛ از روشنایی آن شفاعت بجوید که شفابخش سینه هاست. آن را به خوبی تلاوت کنید که سودبخش ترین داستان هاست و دانشمندی که به غیر علمش عمل کند چون نادان سرگردانی است که از جهالت به هوش نمی آید بلکه حجت و دلیل بر او عظیم تر و حسرت و افسوس برای او ثابت و سرزنش او در پیشگاه خداوند بیشتر است».

## هدایت قرآن

قرآن تجلی خاص خداست. فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مَنْ غَيْرَ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْه؛ قرآن عین هدایت است. اگر قرآن با انسان باشد و به آن عمل کند، هیچ گونه گمراهی حقیقتاً در زندگی انسان راه ندارد. (۲)

امام علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه می فرماید: كِتَابَ رَبِّكُمْ فِيكُمْ مُبِينًا حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ وَ فَرَائِضَهُ وَ فَضَائِلَهُ وَ نَاسِخَهُ وَ مَنْسُوخَهُ وَ رُخْصَهُ وَ عَزَائِمَهُ وَ خَاصَّهُ وَ عَامَّهُ وَ عِبَادَهُ وَ أَمْثَالَهُ وَ مَرْسِيَلَهُ وَ مَحِيدُودَهُ وَ مُحْكَمَهُ وَ مُتَشَابِهَهُ؛ کتاب پروردگار شما در میان شماست. حلال و حرام آن آشکار، واجبات و مستحبات،

ص: ۶۵

---

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷.

ناسخ و منسوخ، مباح و ممنوع، خاص و عام، پندها و مثلها، مطلق و محدودها، محکمت و متشابهات آن همه معلوم است.

## قرآن بهار قلب ها

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه می فرماید: جَعَلَهُ اللهُ رِيَا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ وَ رِبِيْعاً

لِقُلُوْبِ الْفُقَهَاءِ وَ مَحَاجِّ لِطُرُقِ الصُّلَحَاءِ ... خداوند متعال قرآن را سیراب کننده ی تشنگی دانشمندان و بهاری برای دل های فقهاء و راه های واضح برای صالحان قرار داده است.

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۶۹ نهج البلاغه می فرماید: لَكُمْ عَلَيْنَا الْعَمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَسِيرِهِ رَسُولِ اللَّهِ وَالْقِيَامُ بِالْحَقِّهِ وَالنَّعْشُ لِسَيِّئَتِهِ؛ حق شما مردم) بر ما اهل بیت این است که به کتاب خدا و و روش پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کنیم و به حق او قیام کرده و احکام او را بر پا نگهداریم. در خطبه ۱۲۱ می فرماید: آيْنَ الْقَوْمُ الَّذِيْنَ دُعُوا إِلَى الْإِسْلَامِ فَقَبِلُوهُ وَ قَرَأُوا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ؛ کجافتند آن قومی که دعوت به اسلام شدند، آن را پذیرفتند، قرآن را خواندند و با کمال قدرت و استقامت عمل کردند.

اگر به سخنان معصومین و این کلمات نورانی امام در مورد قرآن توجه و عمل بشود واقعاً سعادت نصیب می گردد. باید دقت نمود که عالم در صورت عمل صالح و هدایت قاطع از بهترین متقین و مورد عنایت خداوند خواهد بود. امام باقر علیه السلام می فرماید: عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ؛ عالمی که از علمش خوب استفاده نماید و مردم را هدایت کند، افضل از هفتاد هزار عابد

می باشد. (۱)

روشن است عالم اصطلاحی مراد نیست؛ عالم و عامل به حلال منظور است؛ چرا که اِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ خشوع و ترس از پروردگار از خصوصیات متقین است. طبق آیه ۱۰۱ سوره توبه خدا از اهل تقوا و آنها از خدا راضی هستند رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ).

از هر جای قرآن سخن گفته شود، برگشت به یک ذات بی نهایت و شناخت خداوند جهانیان خواهد بود. با این بیان که شناخت خدا و معارف اسلامی مراتب و مراحل مختلف دارد. به غیر از پیامبر و عترت طاهرين عليهم السلام دیگران توان و درک گوهرها و معارف ژرف قرآنی را ندارند و از طرفی اگر تمام انس و جن از اولین و آخرین اجتماع نمایند و با قرآن مخالفت کنند، توان آوردن مثل قرآن یک سوره و حتی توان آوردن یک آیه مانند قرآن را ندارند.

### حفاظت از قرآن

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۲)؛

این قرآن را ما نازل کردیم و به طور قطع آن را حفظ خواهیم کرد. خدا چگونه قرآن را حفظ می فرماید؟!!

پر واضح است اگر قرآن از جانب خداوند حفظ نمی شد، لاجرم هیچگونه تکلیف، هیچ گونه حجت و هیچ گونه هدف و انگیزه ای در جهان آفرینش و جهان بعد از مرگ به اثبات نمی رسید. رسالت و سرنوشت پیامبران از یک سو و سرگذشت امم گذشته از سوی دیگر، باید از لسان قرآن بازگو گردد. برفرض نبود

ص: ۶۷

---

۱- بحار الانوار، ج ۲، ص ۵۲.

۲- حجر: ۹.

قرآن نه تنها از امت اسلام که از همه ی اُمم خبری نبود. قرآن شرایع قبل از اسلام و سفیران و هادیان را بیان می کند و خود را هدایت دهنده برای عالمیان معرفی می نماید: هُدًى لِّلْعَالَمِينَ وَ نُورًا مُّبِينًا وَ تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ (۱) اگر قرآن نبود هدایت کجا بود؟ معاد و قیامت و دیگر مسائل اعتقادی چگونه شناخته می شد؟ و چگونه حجت خداوند بر همگان تمام بود؟

نور مبین و نجات از ظلمت کجا بود؟ و اگر تبیین و بیان همه ی مخلوقات و موجودات در قرآن نمی بود، شناخت جهان آفرینش چگونه ممکن بود؟

اگر قرآن حفظ نمی شد، شناخت خدا و مبدأ چگونه قابل درک بود؟ اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲) باز گشت به سوی خدا چه معنا داشت؟ اگر قرآن مبین حقایق و مسائل جهان آفرینش نمی بود، مجازات دشمنان و پاداش پیروان حق و متقین چگونه تصور می شد و آنکه امر به معروف و نهی از منکر، ثواب مجاهدان و کیفر مخالفان چگونه محاسبه می گردید؟ همه مجاری امور به دست صاحب قرآن می چرخد، او همه جهان هستی را در قرآن بیان فرموده و شناسنامه جهان خلقت را در این کتاب معرفی فرموده و در تحت نظارت و اشراف قرآن کارنامه انبیاء و جهان را معرفی فرموده است.

اگر قرآن نبود از هیچ پیامبری خبری نبود و هیچ دینی باقی نمی ماند. به همین جهت قرآن کامل ترین کتاب عالم امکان و عالم وجود است.

وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؛ (۳) ما کتاب قرآن را بر تو نازل

ص: ۶۸

---

۱- به ترتیب آل عمران: ۹۶، نساء: ۱۷۶، و نحل: ۸۹.

۲- بقره: ۲۸.

۳- نحل: ۴۴.

کردیم تا برای مردم بیان کنی که چه چیزی برای آنان نازل شده است.

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ؛ قرآن می فرماید: خدا جبرائیل علیه السّلام را بر قلب تو نازل کرد (۱) هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ (حدید ۴). اگر باور کنیم خداوند رحمان همیشه به ما نظر دارد و هیچ گاه ما تنها نخواهیم بود، این باور اعمال خیر و سعادت آخرت را به همراه خواهد داشت.

اهل تقوا با این باور و یقین به حیات دنیوی ادامه می دهند و با کیاست علیه هواهای نفسانی پیروز می شوند. امام باقر علیه السلام می فرماید: از رسول خدا سؤال شد: کدام یک از مؤمنین باکیاست تر و بافراست ترند؟

حضرت فرمودند: أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا لِلْمَوْتِ وَأَشَدَّهُمْ لَهُ اسْتِعْدَادًا، آن کسی که بیشتر یاد مرگ کند و بهتر خود را برای آن آماده سازد. (۲)

متقین در سلوک و عمل از علم الیقین به عین الیقین و به حق الیقین مرحله به مرحله در حال صعودند. علم الیقین قبول برنامه های است که از جانب انبیاء به ما رسیده و قبول آخرت را به همراه دارد. اگر گناهان مانع نشود، صورت عالم ملک و شهود امکان خواهد داشت. الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ. (۳) ظاهر متقین و مؤمنین شاد و حزن در قلبشان مخفی می باشد. اهل ایمان رغبت به دنیا ندارند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُورِثُوا الْغَمَّ وَالْحُزْنَ؛ میل به

ص: ۶۹

---

۱- شعراء: ۱۹۴.

۲- اصول کافی، ج ۵، ص ۶۳۵، باب النوارد، ح ۱۲۶.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳.

دنیا غم و اندوه به بار می آورد. (۱) متقین با مهار کردن هوای نفس مورد عنایت خداوند واقع می شود. شهوات موجب شقاوت می گردد و ثمره ای ندارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: رَبُّ شَهْوَهٍ سَاعَهُ تُؤْرِثُ حُزْنَ طَوِيلًا؛ چه بسا لحظه ای شهوترانی موجب غم و اندوهی طولانی می گردد. (۲)

## جدا کردن قرآن از عترت

مَعَ الْأَسْفِ بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن و عترت را در عرصه اجتماع از هم جدا کردند و در امور سیاسی و اجتماعی به سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله درباره قرآن و عترت علیهم السّلام که فرمودند: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي؛ من دو چیز گرانبها در میان شما می گذارم: کتاب خدا و خاندانم را. (۳) توجه و عمل نکردن به قرآن و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله مثل جسم بی روح می ماند. چقدر جای تأسف و خسارت جبران ناپذیر است که قرآن را از طریق غیر عترت کسانی یا کسی تفسیر و برای جامعه تبیین نمایند. آیا کسانی که در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله حضور نداشتند مگر اندک زمانی از معارف لا متناهی قرآن بهره ای بردند می توانند قرآن را تفسیر نمایند؟

طبقه اول مفسرین، جمعی از صحابه، طبقه دوم تابعین مثل مجاهد و... بودند. صحابه و تابعین بر سر سفره اهل بیت نشستند. بعضی استفاده ی سیاسی، مذهبی، فلسفی، تاریخی، بیانی، کلامی و دیگر استفاده های غیر واقعی از قرآن

ص: ۷۰

---

۱- تحف العقول، ص ۳۵۸.

۲- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۲.

۳- بحار، ج ۲، ص ۱۰۰.



نمودند. مقدمه تفسیر المیزان علامه سید محمد حسین طباطبایی و مقدمه تفسیر ابن کثیر دمشقی گویای این واقعیت است. هر یک به دو نظر، حق محوری و احقاق حق در اول و ظلم به حق در دوم روشن می باشد. در خیلی از تفاسیر که نام بردنشان لازم نیست، به روایات ضعیف و برخی به روایات دروغ استناد کردند و از راسخون در علم قرآن هیچ حدیثی مطرح نشده است. به نظر مخالفین اهل بیت گویا بعد از پیامبر عترتی وجود نداشته است.

قرآن را بدون قرآن تفسیر کردن و یا عترت پیامبر صلی الله علیه و آله را از قرآن جدا کردن نتیجه اش آن می شود که دنیا گرفتار آن است و مسلمین جهان در بین خون و آتش می سوزند. کسی نیست که نجاتشان بدهد. حرف آخر بازگشت به قرآن و عترت است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَاُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای اهل ایمان فرمان خدا و فرمان رسول و فرمانداران از طرف خدا و رسول را اطاعت کنید. در ادامه آیه می فرماید: فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ؛ در چیزی چون کارتان به گفتگو و نزاع بکشد، به حکم خدا و رسول باز گردید، اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید. (۱)

أُولِي الْأَمْرِ کسانی هستند که آیات قرآن آنان را به عنوان عترت پیامبر معرفی کرده و پاکی آن بزرگواران را تایید نموده است. این موضوع مورد اجماع شیعه و اهل سنت قرار دارد. جهت روشن شدن موضوع به کتب فریقین مراجعه شود.

ص: ۷۱

---

۱- نساء: ۵۹؛ این سوره مدنی، ۱۷۶ آیه، ۱۶۵۳۰ حرف و ۳۷۴۵ کلمه دارد.

إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛ خدا چنین می خواهد که هر آلایشی را از خانواده ی نبوت ببرد و شما را از هر عیبی پاک و منزّه گرداند. (۱) این آیه شریفه مطابق اخبار و اقوال، راجع به شخص مبارک پیامبر، امام علی، فاطمه، امام حسن و امام حسین و بقیه امامان علیهم السّلام نازل و تفسیر شده است.

شواهد و مدارک درباره فضایل عترت در منابع تفسیری و راوی فریقین شیعه و سنی موج می زند. جهت پیگیری موضوع به جلد اول ینابیع المودّه قندوزی حنفی و دیگر منابع مراجعه شود. این عالم سنی حق مطلب را درباره ی خاندان عترت مثل جمعی از علماء اهل سنت بیان کرده است.

ص: ۷۲

---

۱- احزاب: ۳۳؛ این سوره مدنی و شامل ۷۳ آیه می باشد.

## فصل دوم: امتیازهای متقین از نظر قرآن و معصومین علیهاالسلام

اشاره

ص: ۷۳

## قبولی اعمال از متقین

إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ (۱) خدا فقط از اهل تقوا می پذیرد. مردم جهان تا تسلیم برنامه های قرآن نشوند از هلاکت و پستیها نجات پیدا نخواهند کرد. بشارتها و عنایت های قرآن و عترت، بشر را به اعمال صالح دعوت می کنند و آخرین منجی عالم برنامه های جهان گستر قرآن را اجرا و عدالت واقعی را برپا می نماید؛ از این رو برای رسیدن به سعادت، پیروی از قرآن و عترت لازم است؛ همان طور که خدا، خالق همه است، قرآن هم کتاب همه بشر است و همان طور که جهان به نور خورشید نیاز دارد، به انوار قرآن و عنایت آل پیامبر صلی الله علیه وآله نیازمند است. آخرین حجت خدا با زمینه سازی مُتَّقِينَ و مؤمنان، احکام قرآن را جهانی خواهد کرد. تحقق این آرمان وعده قرآن است با ظهور مهدی (عج) تمام جهان گلستان خواهد شد؛ او احکام قرآن و سنت پیامبر اسلام را دوباره وارد زندگی بشر خواهد نمود؛ انقلاب حضرت مثل نور خورشید جهان گیر و تمام زمین خرم و سرسبز خواهد شد؛ صلح واقعی و جهانی با اجرای احکام قرآن توسط مهدی صاحب زمان (عج) کام مردم عالم را شیرین خواهد کرد.

## متقین و عبادت أحرار

امام علی علیه السلام عبادت را به عبادت تجار، عبادت عبد «بنده» و عبادت أحرار تقسیم فرمودند: إِنَّ

قَوْمًا عَبَدَ اللَّهَ رَغْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَأَنَّ قَوْمًا عَبَدَ اللَّهَ

ص: ۷۴

رَهْبَهُ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ؛ (۱) گروهی خدا را به امید بخشش پرستش می کنند، این عبادت بازرگانان است و گروهی خدا را از روی ترس از جهنم و عذاب عبادت می کنند که این عبادت بردگان است و گروهی خدا را از جهت عظمت خدا می پرستند؛ این پرستش آزادگان است». این سه نوع عبادت در همه زمان ها و در بین افراد مختلف وجود داشته و دارد، در این کلام نورانی مراحل عبادت از جهت عبادت خالصانه و غیر آن تقسیم شده، عبادت احرار مخصوص خواص انبیاء و اولیاء الهی و مؤمنان است.

### متقین؛ دعوت شدگان به بهشت

هر شیء حامد و ساجد خداوند است، ولی زبانها و گفتار مخلوقات قابل تفهیم نیست. اولین دعوت شدگان به بهشت بعد از انبیا و معصومین متقین هستند. در زیر پرچم متقین، عابدان، مجاهدان، عالمان، شهیدان، و همه پاکان قرار دارند آنان عمرشان را به عبادت و جهاد و شهادت سپری کردند.

پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: «كُلُّ كَلَامٍ لَا يَبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ فَهُوَ أَقْطَعُ؛ (۲) هر کلامی که در ابتدایش حمد نباشد منقطع خواهد بود». حامد ان همان مؤمنان هستند. مردی از امام علی علیه السلام درباره تفسیر الحمد لله رب العالمین سؤال کرد. فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ هِيَ أَنْ عَرَفَ عِبَادُهُ بَعْضَ نِعْمَةٍ عَلَيْهِمْ جُمْلًا أَوْ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى مَعْرِفَتِهِ جَمِيعًا بِالتَّنْفِيزِ؛ (۳) حمد خداوند آن است که بنده به

ص: ۷۵

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷.

۲- بحار، ج ۹۰، ص ۲۲۶.

۳- تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۵.

قدر معرفت خود بعضی نعمت هایی را که به او داده شده، شکر نماید؛ زیرا بنده قدرت و معرفت شکر همه نعمت ها را ندارد».

## متقین و عاقبت به خیری

سعادت ابدی برای متقین جز عاقبت به خیری نیست. (۱) متقین با توبه عاقبت به خیری را در پی دارند.

متقین ترس از خداوند را در همه جهات ملاحظه میکنند و خیلی از موانع را برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر از جامعه برطرف مینمایند. باید دستورات مقدس اسلام مجموعاً آئینه رفتار و کردار متقین باشد. خیلی از افراد مؤمن یکجهدی فکر میکنند و می گویند: عیسی علیه السلام به دین خود موسی علیه السلام به دین خود. ما نماز می خوانیم چه کار داریم به دیگران و جامعه. این طرز تفکر مورد تأیید اسلام نیست، اسلام هدایت و عبادت را برای همه می خواهد و از طرفی دین حضرت عیسی علیه السلام و حضرت موسی دین یکتا پرستی است نه دو دین. روش ها و زمانها متفاوت هستند نه راه رسیدن به حق و یکتا پرستی ...

## متقین و عبرت ها

### متقین، مصداقی از ابرار

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا؛ (۲) به یقین ابرار و نیکان از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است. طبق بیان روایات مراد

ص: ۷۶

---

۱- اعراف: ۱۱۸.

۲- انسان: ۵.

از ابرار در این آیه و آیات بعدی این سوره و سُور دیگر به صورت اتم و اکمل اهل بیت پیامبر، انبیاء و متقین هستند. منابع حدیثی و تفسیری به این موضوع تصریح دارند. اهل بیت علیهم السلام سه روز، روزه گرفتند و افطاریشان را به یتیم و مسکین و اسیر دادند، این سه روز روزه به عنوان نذر جهت سلامتی حسنین علیه السلام منظور شده بود. این نذر و احسان به دیگران فقط برای رضایت خدا بود. خداوند این سوره را درباره ایثارخاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل فرمود. این سوره فقط درباره اهل بیت علیهم السلام نازل شده و هیچ گونه تردید در این مورد وجود ندارد. (۱)

واقعیت امر این است که افراد مؤمن نیز از انفاق اموال در راه خدا به تبعیت از دستور خداوند و اهل بیت علیهم السلام کوتاهی نمی کنند.

متقین کسانی هستند که راه و سیره رهبران مقدس و آسمانی را انتخاب می کنند و اعمال معصومان در رفتار آنان تجلی پیدا می نماید و با بصیرت و صداقت در جامعه فعالیت می کنند. مولای متقیان می فرماید: **إِنْبَاهُ الْعُيُونِ لَا يَنْفَعُ مَعَ غَفْلَةِ الْقُلُوبِ (۲)؛** بیداری چشم ها با غفلت قلب ها بی فایده است. اگر بصیرت و کیاست در زندگی لحاظ نشود در مقابل دشمنان و ناهلان حفظ ایمان امکان ندارد. متقین از عوامل غفلت با نصرت الهی و تلاش با موفقیت عبور می کنند؛ امام باقر علیه السلام می فرماید: **«إِيَّاكَ وَالْغَفْلَةَ فَبِهَا تَكُونُ قِسَاوَةُ الْقَلْبِ؛** بپرهیز از غفلت که در آن قساوت قلب و سنگدلی است. (۳) بیداری قلب بزرگترین عنایت خالق به اهل ایمان است. اگر تمام دنیا در مقابل دین متقین

ص: ۷۷

---

۱- الغدير، ج ۳، ص ۱۰۷.

۲- غررالحکم، حدیث ۱۸۹۲.

۳- تحف العقول، ص ۲۸۵؛ میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۶۷.

قرار گیرند، افراد باتقوا هیچ گاه دین را به دنیا نمی فروشند. جهاد اکبر تلاش همیشگی می طلبد و فقط متقین به این صفت مُتَّصِف هستند. نبی اکرم بعد از بازگشت مجاهدین از نبرد فرمودند: «مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ، فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ فَقَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ؛ آفرین به گروهی که جهاد اصغر را تمام کردند و باقی ماند بر آنها جهاد بزرگتر، پس گفته شد: یا رسول الله این همه سختی و مجروح و کشته در جنگ چه چیزی بالاتر از این است؟ فرمودند: جهاد و مبارزه بانفس. (۱) معنای

جهاد بانفس آن است که برای حفظ ایمان باید همیشه تلاش نمود. امام علی علیه السلام فرمودند: «عِظْمُ الْخَالِقِ عِنْدَكَ تُصَعَّرُ الْمَخْلُوقُ؛ بزرگی خالق در نزد تو مخلوق را کوچک می کند. دنیا با همه زرق و برقش در نزد متقین بی ارزش خواهد بود. ثبات قدم در راه دین مخصوص اهل یقین و اعمال خیر موجب سعادت و حیات طیبه آنان می باشد. خدای کریم در مورد حیات طیبه می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ کسی که عمل صالح انجام دهد خواه مرد یا زن مؤمن باشد او را زنده می کنیم به زندگی پاکیزه. (۲)»

امام علی علیه السلام می فرماید: «مراد از این زندگی که خدا در پاداش اعمال صالح مرد و زن می دهد، قناعت است. (۳) بدون قناعت زندگی

ص: ۷۸

---

۱- شرح نهج البلاغه مرحوم آیه الله آقای خوئی، ج ۶، ص ۱۳۲.

۲- نحل: ۹۷.

۳- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۵۲، واژه ی قنع.



پاک امکان ندارد؛ متقین با امکانات کم همیشه امورشان را اداره می کنند و ایمانشان را از آلودگی ها

حفظ می نمایند. صعود روح به سوی خدا با عمل غیر صالح امکان ندارد؛ «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (۱).

### متقین مصداق بارز «کونوا مع الصادقین»

خداوند در آیه ۱۱۹ سوره توبه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.

بعد از صدور این آیه شریفه، به مؤمنان دستور داده شد که با صادقین باشند، به این بیان که اهل ایمان واقعی نمی توانند با غیر صادقین باشند. در مقابل ایمان، کفر و در مقابل متقین، منافقین قرار دارند. متقین با تمام وجود با منکرات مبارزه می کنند و منافقین با تمام توان جنایت می نمایند. منتهای آرزوی اهل ایمان، مرگ با ابرار است. «وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ \* إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۲)»؛

نیکان در انواع نعمت اند» (۳).

پیام آوران الهی رهبری اهل ابرار و توفیق خدمت به آنان را از خدا درخواست می کردند: «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان» (۴). امامت و رهبری متقین بالاترین ارزش برای انبیاء و اولیای خداوند

ص: ۷۹

۱- فاطر: ۱۰.

۲- آل عمران قسمتی از آیه ۱۹۳.

۳- مطففین: ۲۲.

۴- فرقان: ۷۴.

عنوان شده است. «اماماً» اشاره به رهبری یک رهبر می باشد. امام علی علیه السلام می فرماید: «لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّتْ أَهْلُهُ (۱)؛ وحشت و ترس در طریق هدایت و راه حق از قَلَّت و کمی افراد نداشته باشید».

### متقین و هدایت قرآنی

خداوند متعال در سوره اعراف، آیه ۱۳۸ می فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَ يَبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ قطعاً این قرآن به آیینی که خود پایدارتر است راهنمایی می نماید و به مؤمنانی که کارهای شایسته می کنند مژده و بشارت می دهد؛ امام علی علیه السلام می فرماید: «از قرآن سخنانش را طلب کنید».

ما نمی دانیم چگونه طلب کنیم. رمز ورود به محضر قرآن، طهارت نفس می خواهد؛ از این رو غیر مؤمنین و متقین نمی توانند از هدایت و نور قرآن بهره مند شوند. کلید حل مشکلات در امور عبادی، اعتقادی، فردی و اجتماعی قرآن است. با این قید که بدون معلم قرآن قابل درک نیست. معلم قرآن کسانی هستند که از سرچشمه زلال وحی سیراب گردیدند و علم قرآن را به فرمان الهی از پیامبر صلی الله علیه و آله گرفتند.

تمام علوم و حیانی به پیامبران به نوعی وراثتی و عنایتی از جانب خداوند است نه ذاتی. علم ذاتی مخصوص خداوند است و لا غیر. به جهت جاری شدن احکام و معارف الهی در بستر جامعه بشری قرآن بر قلب آخرین پیامبر آسمانی نازل شد و خدای متعال فرمود: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ...».

پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب خداوند وظیفه داشت که قرآن را برای جامعه بخواند و

ص: ۸۰

بفهماند. از پی خواندن و فهماندن، عمل به دستورات احکام قرآن بر انسان واجب خواهد بود. اگر عبادت انسان و مجموعه برنامه های وحیانی مقصد و مراد برای سعادت و ترقی بشر نمی بود، پیامبر صلی الله علیه و آله برای چه بخواند و برای که بخواند؟ پر واضح است که با تعالیم عالی الهی و با بیان رسای نبوی، باید کتاب قرآن مورد معرفت و شناخت بشر قرار گیرد.

مگر بشر قابلیت درک معارف قرآنی را دارد؟ پاسخ این سوال روشن است. اگر درک معارف الهی برای بشر ممکن نمی بود، کتاب و معلم از جانب خدا برای هدایت و سعادت بشر منظور نمی گردید و پیمودن صراط مستقیم برای انسان از جانب خدای سبحان تکلیف نمی شد.

و عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم (علق/۵). این گونه آیات به عنوان امتیاز برتری انسان کامل نسبت به ملائکه از جانب خدا صادر شده و از طرفی بشارت و ترس برای انسان دو مفهوم پرمعنا دارد. از باب مثال با اینکه هزاران نعمت بعد از ولادت طفل در زندگی او خود نمایی می کند و جهان پرزرق و برق چشم نوزاد را می آزارد و کم کم جذب خود می نماید. این همه نعمت دنیا قبل از تولد به جنین از جانب خدا الهام و گفته نشده است. نعمت های دنیا با هزاران مانع و مشکل نصیب انسان می گردد. گاهی در اولین لحظه های زندگی بچه، یتیم، نابینا یا فلج می شود، ولی نعمت آخرت بی درد و بی پایان و بی منت در اختیار انسان قرار می گیرد، ولی دسترسی به نعم الهی در آخرت گذر از مشکلات و موانع دنیا را می طلبد. تا انسان در مکتب قرآن و اهل بیت علیهم السلام تربیت نشود و تا زمینه ترقی و سعادت خویش

را فراهم نکند، هیچ گاه دسترسی به نعمتهای ابدی پیدا نخواهد کرد. گرچه رحمت خداوند بی پایان است، ولی حکمت الهی اقتضا دارد که بشر بهای سعادت را بپردازد و قدردان نعمت های معنوی و مادی باشد. قدردانی بدون عمل معنا ندارد. کسی بگوید من

قرآن را دوست دارم، ولی وقت فراگیری ندارم، دروغ می گوید. امید به رحمت خداوند بدون عمل مثل آن می ماند که کسی بدون اسلحه به نبرد دشمن برود.

تمام بشارت های قرآن برای کسی است که اهل عمل خیر باشد. مؤمنان، مجاهدان و شهیدان به جهت اعمال صالح مورد بشارت قرآن هستند.

همسفران ما در این نوشتار قافله اهل ایمان است به کفّار و فُجّار در اینجا کاری نداریم. ما باید بار سفر خویش را آماده کنیم و از خداوند رحمان می خواهیم که در دنیا و آخرت با مؤمنان همسفر باشیم. خیر و سعادت مؤمنین را از خداوند مسألت می نماییم. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «الَّذِي عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ (۱)؛ ارشادکننده به کار خیر مثل انجام دهنده آن است. خدا می فرماید: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (۲) انسان در برابر مشکلات و شهوات جنسی ناتوان آفریده شده است». انسان ضعیف بدون هادی و راهنما چگونه به هدف و سعادت می رسد؟

بهترین ادب اقرار به ضعف در پیشگاه صاحب قرآن است. واقع مطلب آن است که قرآن سراسر نُورٌ عَلٰی نُورِ است و احصاء ویژگی های اهل قرآن

ص: ۸۲

---

۱- تفسیر معین موضوع هدایت.

۲- نساء: ۲۸.

مثل خود کلام وحی غیر ممکن خواهد بود، ولی توجه به قانون جهان شمول کلام وحی در همه امور عالم کون و مکان) ضروری و موجب سعادت انسان می باشد. در این سفر روحانی اوصاف و وظایف مؤمنین را پی می گیریم. از صاحب قرآن و راسخین کلام وحی مدد می جوییم.

قرآن جهت آمادگی بیشتر برای نماز، مؤمنان را به ذکر و یاد خداوند سبحان فراوان سفارش فرموده و ذکرهای انبیاء در قرآن بیان شده است: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلدِّينِ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ خَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ (۱) من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان ها و زمین را آفریده، من در ایمان خود خالصم و از مشرکان نیستم». وقتی پیام آور خدا این گونه می فرماید ما چگونه باید باشیم؟ این ذکر حضرت ابراهیم با مخالفت قوم او مواجه شد و آنها هرگز نمی گذاشتند حضرت، خدا را با آرامش عبادت کند این گونه دشمنی برای همه انبیاء از ناحیه مخالفان وجود داشت. مخالفین با تمام رسولان و جانشینان آنها برخورد نادرست می کردند، ولی سفیران الهی هیچ گاه از دایره عبادت خارج نشدند و از دعوت به یکتاپرستی دست برنداشتند؛ مؤمنین و متقین را می بینیم که عامل به ارزش ها و گفتار پاکان می باشند. ذکر عظمت خدا و ذکر احوال و معجزه های پیامبران و امامان ذکر خوبیها و عبرتها، ذکر قیامت و پیش گویی های قرآن و ذکر عرصه های مختلف زندگانی پیشوایان و امتهای هر یک درس و آگاهی برای افراد بشر خصوصاً برای متقین می باشد و موجب آمادگی بیشتر اهل ایمان

ص: ۸۳

---

۱- انعام: ۷۹.

در مقابل مشکلات و در برابر دشمنان خواهد بود.

### متقین برخوردار از قلب سلیم

۱- لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ؛ در قلب سلیم جز محبت خدا چیزی نیست. (۱)

۲- قلب سلیم تسلیم حق است. (۲)

۳- قلب سلیم از حبّ دنیا خالی و سالم است. (۳)

۴- قلب سلیم به یاد خدا آرام می گیرد. (۴)

۵- امام باقر علیه السلام می فرمایند: نَحْنُ وَسَيَلْتَهُ؛ وسیله حق ما ائمه هستیم. خداوند به سبب ما مردم را هدایت می کند. این پیام امام در قلب سلیم ظهور دارد.

صاحبان قلب سلیم هدایت یافتگانند. این هدایت بدون وحی و پیروی از رهبران الهی ممکن نیست.

در آیات ۲ و ۳ سوره اعلی می خوانیم: الَّذِي خَلَقَ فَسْوَى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى.

هدایت مطلق آن هدایتی است که در مقابل آن ضلالت وجود ندارد. آیه شریفه اشاره به همین مطلب دارد. آیه ۵۰ سوره طه می فرماید: رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى. بر اساس این گونه هدایت، جهان هستی به حیات ادامه می دهد و هیچ گونه بی نظمی در جهان مشاهده نمی شود. مثلاً گردش و حرارت ده میلیون سال قبل خورشید با امروز فرقی نکرده است. اما هدایت نسبی آن هدایتی است که در مقابل آن ضلالت وجود دارد. این هدایت همان ارائه قانون

ص: ۸۴

۱- نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴.

۳- تفسیر نور، ج ۱، ص ۵۰.

۴- فتح: ۴.

شریعت است و سعادت منوط به پیروی انسان از دستورات شرع مقدس اسلام می باشد. انبیاء برای اجرای قانون هدایت از جانب خداوند آمده اند تا به پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند. إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ \* عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱)

اگر انسان هدایت انبیاء را قبول کند به سعادت می رسد. در آیه ۳ سوره انسان می خوانیم: إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا. قبول وظیفه و اجرای احکام از شاخص ترین ویژگی متقین محسوب می شود.

فقط خداوند هادی محض و حق محض است. کما اینکه تنها دین هستی اسلام است.

طبق آیه ۱۹ آل عمران دین واقعی، اسلام است: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛ مسلماً دین واقعی که همه پیامبران مبلّغ آن بودند، نزد خدا اسلام است. متقین با این اعتقاد در مصاف با دشمنان همیشه در نبردند و جانشان را در راه اسلام فدا می کنند.

طبق آیه ۲۱۳ بقره یعنی وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، هدایت خدا در صراط مستقیم با عمل و تلاش متقین محقق می گردد. رهبران دینی به امر خداوند هدایت می کنند به شرط آن که انسان قابل هدایت باشد.

بر اساس آیه ۷۳ انبیاء که می فرماید: وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا، هدایت به امر پروردگار محقق می شود، ولی انتخاب راه درست شرط هدایت است. انسان اگر قدرت خودشناسی نداشته باشد، تکلیف شرعی از او برداشته

می شود. در اصطلاح به این فرد مجنون گفته می شود. عقل ندارد تا خود را بشناسد. بعد از

ص: ۸۵

خودشناسی، خداشناسی محقق خواهد شد. در حل مشکلات فکری و اعتقادی، عروه الوثقی معصومین می باشند. افراد باتقوا هیچ گاه از رهبران دینی فاصله نمی گیرند و در سایه عنایت کلام وحی سعادت می طلبند و در مقابل دشمنان برای حفظ حرمت قرآن واکنش صریح نشان می دهند.

پیامبر صلی الله علیه وآله می فرماید: **إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَيْنَامًا وَ سَيْنَامُ الْقُرْآنِ سُورَةُ الْبَقَرَةِ**؛ برای هر چیزی قلّه رفیع است و قلّه رفیع قرآن سوره بقره است ... سید قرآن به سوره بقره هم گفته شده است. (۱)

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: سوره های طولانی قرآن به جای تورات به من عطاء شده است. (۲)

برتری سوره ها هریک به جهتی است و تفاوت سوره ها در بیان احکام و مسائل معرفتی ملحوظ می باشد. نهایتاً قرآن بیان کننده جامع اصول، معارف، حقوق و احکام فقهی فراوانی خواهد بود. از این جهت سوره مبارکه بقره در بین سوره های قرآن بی همتاست. خلافت انسان فقط در این سوره درباره آدم عنوان گردیده است. از سنت و سیره عملی معصومین استفاده می شود که خیلی از تلاوت کنندگان به سبب عمل نکردن به دستورات قرآن مورد لعن کلام وحی واقع شدند و واقع می شوند. اگر به این مهم توجه نشود، بعد از عمری حسرت، فائده ای نخواهد داشت.

لَيْسَ الْقُرْآنُ بِالتَّلَاوَةِ وَ لَا الْعِلْمُ بِالرُّوَايَةِ وَ لَكِنَّ الْقُرْآنَ بِالْهُدَايَةِ وَ الْعِلْمُ بِالدَّرَايَةِ:

ص: ۸۶

---

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۱۱؛ و تسنیم، ج ۲، ص ۲۵.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵؛ و تسنیم، ج ۲، ص ۱۵.



چه بسا تلاوت کنندگان قرآن که مورد لعن قرآن قرار می گیرند. قرآن به تلاوت تنها حَقَش ادا نمی شود؛ قرآن به هدایت است و عمل هم به علم. اگر کسی به دستور قرآن و علم خویش عمل نکند، نه قاری قرآن است و نه عالم واقعی.

امام علیه السلام می فرماید: إِنَّ الْقُرْآنَ وَالْعُتْرَةَ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا، نُؤْمِنُ بِهِمَا وَ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَهُمَا لِأَنَّهُمَا لَنَا يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ؛ قرآن و عترت از جانب خداست. ما ایمان به هر دو داریم و فرق بین قرآن و عترت نمی گذاریم. بین قرآن و عترت افتراق و جدایی نیست تا بر رسول خدا در کنار حوض کوثر وارد شوند. (۱)

### متقین و مغفرت الهی

مسلمین عموماً و متقین خصوصاً نیاز مبرم به فراگیری احکام قرآن دارند، پس آشنایی بیشتر با حوزه قرآنی یک مسأله حیاتی و ابدی و از بزرگترین برکات و نعم خداوند برای متقین خواهد بود. با تقویت امور قرآنی در بین مسلمین، زمینه ی نابودی دشمنان درونی و بیرونی فراهم خواهد شد.

مؤمنین قدرت بازدارندگی و مقابله با دشمن را دارند، نباید غفلت کرد که مبارزه بی امان و همه جانبه در مصاف با دشمن بدون شناخت و حمایت قرآن امکان ندارد. گرچه اهل تقوا و مؤمنان سختی های بسیاری در پیش دارند، ولی عنایت و مغفرت خداوند شامل حال متقین و مؤمنین می گردد. بعد از توبه و تکرار نکردن گناه مورد رحمت و لطف خداوند قرار خواهند گرفت. قبول توبه از بزرگترین نعمت خالق برای متقین است. واقعیت امر این است که اعمال قلیل

ص: ۸۷

متقین بدون توبه و عنایت پروردگار ماندگار و باقی نخواهد بود. «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ» (۱) بدانید که خدا آمرزنده و بردبار است».

پرواضح است که متقین و مؤمنین مرتکب گناه می شوند، ولی با توبه و بازگشت به طرف خدا مورد مغفرت الهی قرار می گیرند. طبق آیه ۹ سوره سجده، از روح الهی در انسان دمیده شده است. به همین اعتبار انسان کامل اشرف مخلوقات است و انسان متقی پیرو انسان کامل هست کما اینکه این مطلب را در آیات و روایات و آیه الکرسی می خوانیم. اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...؛ خروج مؤمنین از ظلمات به سوی نور و سعادت، از عنایات خداست.

### ایمان واقعی در متقین

حدود ۹۰ آیه در قرآن با «یا ایها المؤمنین آمنوا» آمده است. خداوند در این خطابات بالیقین از مؤمنان انجام وظیفه می خواهد. طبق روایات شیعه و سنی هر جای قرآن که «یا ایها المؤمنین آمنوا» آمده، در رأس مؤمنین حضرت علی علیه السلام قرار دارد. (۲) به ظاهر ادعاکنندگان ایمان، فراوان هستند؛ همان ها که تا آخرین درجه به قرآن و اهل بیت ظلم کردند، خویش را پیروان دین اسلام می خواندند؛ به سوی قبله نماز خوانده، به دستور اسلام ازدواج و مرده هایشان را به دستور اسلام دفن و کفن می کردند، ولی حقیقت ایمان و عمل به دستور اسلام در

ص: ۸۸

---

۱- بقره: ۲۳۵.

۲- در المنشور سیوطی، ج ۱، ص ۵۰، ذیل آیه ۱۰۴ بقره.

رفتار و کردار آنان مشاهده نمی شود. جنگ های داخلی علیه مولا علی علیه السلام و علیه امامان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله سندی روشن در این مورد است. اگر ایمان به معنای واقعی در زندگی کسی وجود داشته باشد، تجلی ایمان مثل معجزه قرآن در حیات و ممات انسان ظهور می کند و اختصاص به اصحاب کهف و زنده شدن حضرت عزیر علیه السلام و امثالهم ندارد. از این رو وجود ایمان واقعی در غیر متقین محال است. برای اثبات این ادعا یک معجزه ی قرآن را بیان می کنیم.

مشهور است که علامه مفسر مرحوم طبرسی بر اثر سکنه، چشم از جهان فرو بست. مردم او را غسل دادند و وی را دفن کردند. بعد از مدتی در قبر به هوش می آید، متوجه می شود که در قبر قرار دارد و زنده است. او نذر می کند که اگر خداوند او را از قبر نجات دهد، یک دوره تفسیر قرآن بنویسد. خداوند مسبب الاسباب و نجات دهنده همه است. یک نفر دزد معروف به فکر می افتد که شب به قبرستان رفته و قبر جدید را برای برداشتن کفن بشکافد. سرانجام دزد قبر طبرسی را می شکافد و به لحد می رسد، سنگ را کنار می گذارد که کفن را بردارد ناگهان شیخ طبرسی او را می گیرد. دزد وحشت می کند. شیخ با او شروع به صحبت می نماید و وحشت کفن دزد بیشتر می شود. شیخ می گوید: نترس من زنده ام به علت سکنه مرا در قبر گذاشته اند. اکنون به هوش آمده ام و خداوند تو را وسیله نجاتم قرار داده است. شیخ با همکاری دزد به خانه می آید و مال زیادی به دزد می دهد. دزد نزد شیخ توبه کرده و از نبش قبر دست می کشد.

شیخ طبرسی طبق نذری که کرده بود شروع به نوشتن تفسیر قرآن می کند و سرانجام مجمع البیان را تحویل جامعه می دهد. الحق و الانصاف این تفسیر یکی از بهترین تفسیرهاست. (۱) قبر این مفسر بزرگوار در جوار امام علی بن موسی الرضا علیه السلام قرار دارد.

علم با ایمان و عالم با عمل همیشه حیا و میتاً چراغ هدایت برای جامعه است.

علم چندانی که بیشتر خوانی

چون عمل در تو نیست نادانی

نه محقق بود نه دانشمند

چارپای بر او کتابی چند سعدی

### نیکو بودن خانه متقین

از مؤمنین راجع به نزول قرآن سؤال می شود که چرا نازل شده است، جواب آنها در قرآن این گونه مطرح شده است: و قیل للذین اتقوا ماذا أنزل ربکم قالوا خیراً للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسبه و لدار الآخرة خیر و لنعیم دار المتقین؛ (۲) به اهل تقوا گفته می شود که خدا چه آیاتی فرستاد؟ آنها گویند نیکو آیاتی فرستاد؛ آنان که نیکو کارند در حیات دنیا نیکو و خوشی بینند و هم در آخرت، برای آنها بهترین منزل است و البته خانه اهل تقوی بسیار مجلل و نیکو خواهد بود».

نعمت های معنوی و مادی در مورد آخرت با علم به غیبت و ایمان قوی همراه است. این آیه شریفه مثل دیگر آیات مربوط به متقین و مؤمنین، از اهل تقوا و اعتماد بنیادین متقین سخن می گوید. وقتی از کفار و منافقین

درباره ی نزول

ص: ۹۰

---

۱- به نقل از کتاب مردان علم در میدان عمل، ج ۱، ص ۳۵۲، با تلخیص و تصرف.

۲- نحل: ۳۰.

قرآن سوال می شود، قرآن از قول آنان می فرماید: **مَاذَا أَنْزَلَ رَبِّكُمْ قَالُوا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ (۱)** و هرگاه به این مردم متکبر کفار و منافقین گفته شود که خدا چه آیات بزرگی از آسمان برای هدایت شما فرستاده، گویند این آیات وحی خدا نیست، بلکه همه افسانه های پیشینان است.

در محاسبه بین مؤمن و کافر جایگاه مؤمن خود را نشان می دهد و کفار و منافقین در قیامت به صورت انسان محشور نمی شوند. حقیقت انسان نفس رحمانی است نه نفس شیطانی. انسان متقی به زبان خدا قرآن) و به زبان انبیاء و ائمه معصومین علیهم السّلام سخن می گوید، کما اینکه منافقین به زبان شیاطین سخن می گویند. شیاطین فساد و منکر را برای منافقین و انسان های ضعیف الایمان خوب نشان می دهند و برای پیروانشان وسوسه ایجاد می کنند. تمام انبیاء و اولیاء الهی با وسواس مبارزه کردند و جامعه را رهبری نمودند.

طبق آیه ۲۷ اعراف شیطان ولی کفار و منافقین است نه ولی متقین و مؤمنین. خدا، انبیاء و اولیای الهی، ولی متقین و مؤمنین هستند.

### بشارت قرآن به متقین و مؤمنین

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَاتٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ (۲) به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، بشارت ده که باغهایی از

ص: ۹۱

۱- نحل: ۲۴.

۲- بقره: ۲۵.

بهشت برای آنهاست که نهرها چشمه ها) از زیر درختانش جاری است. هر زمان که میوه ای از آن به آنان داده می شود، می گویند: این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده بود، ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالی تر است و میوه هایی که برای آنها آورده می شود، همه از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است و جاویدان در آن بهشت) خواهند بود.

شأن نزول آیه ۲۵ «سوره بقره» درباره امام علی علیه السلام، حضرت حمزه، جعفر و عبیده بن حارث بن عبدالمطلب بیان شده است. (۱)

باید توجه داشت که شأن نزول مخصص حکم نیست و شامل دیگران هم می شود. اولین سخن در این آیه بشارت و هدایت اهل ایمان به بهشت است. بشارت دهنده: خداوند، مبلغ: پیامبر، مخاطب بشارت: مؤمنین، بشارت دادن به: بهشت و نعمتهای مورد نظر مثل همسران [حور العین و همسران مؤمنه دنیا] مطهر با این توضیح که حور العین مانند لؤلؤ و باکره هستند و در همان آخرت آفریده می شوند و همسران مؤمن دنیایی، با چهره های زیبا و نورانی در کنار همسران بهشتی قرار می گیرند [و مَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمْ]. (۲)

امام صادق علیه السلام در جواب سؤال، راجع به مطهر فرمودند: الْأَزْوَاجُ الْمُطَهَّرَةُ اللَّعَاتِي لَا - يَخْضَنَ وَلَا - يَحْرَثَنَ؛ (۳) همسران بهشتی آلوده به حیض و حدث نمی شوند.

بشارت خداوند مقید به زمان نیست و نعمت های بهشتی به خاطر اعمال

ص: ۹۲

۱- تفسیر فرات، ج ۱، ص ۵۳.

۲- تفسیر راهنما و درّ المنثور، ج ۱.

۳- تفسیر درّ المنثور، ج ۱، ص ۹۷؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۰، ح ۴، باب ۲۰.

خیر اهل ایمان شامل حال متقین و مؤمنین می شود، با این قید که اعمال صالح زمینه استفاده، کردن از نعمت های بهشت را فراهم می نماید. الصّالِحَاتِ بِالْفِ وَ لَامِ بِيَانِكُمْ أَنْ أَسْتَكْمِلَ لَكُمْ فِيهَا مَا كُنْتُمْ تَسْتَعِينُونَ. البته طبق بیان آیات و روایات بهشت و جهنم هر دو ابدی خواهد بود و درجات و درکات هریک متفاوت می باشند [أَعْلَىٰ عَلَيْهِمْ وَأَسْفَلَ سَافِلِينَ] هر دو به اختیار و انتخاب انسان است. در دنیا بستگی دارد که انسان چگونه عمل نماید. حسن انتخاب یا قبح انتخاب هر دو به دست انسان است. بقاء از ویژگی های مؤمن است. روح از مدار وجود به هیچ عنوان فاصله نمی گیرد، این خصوصیت بین فرشتگان و انسان مشترک می باشد، اما تغییر انسان در آیات و روایات برای مخالفین انبیاء و احکام الهی بیان شده است که می توان به آیات نساء/۱۱۹، انفال/۵۳، قصص/۹۶، فاطر/۲۲، و نمل ۸۰ و ۸۱ اشاره کرد.

اینکه چرا چهره ی غیر مسلمان تغییر می کند، جواب این است که غیر مسلمان به چهره انسان وارد محشر نمی شود تا تغییر کند، چهره های مخالفین اسلام قبل از آخرت تغییر کرده است.

قرآن در سوره بینه آیه ۸، می فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ» رضایت خدا از مؤمن بالاترین نعمت بی نظیر است.

خداوند از مؤمنین خشنود و آنها از خداوند خشنودند، عزت و لذتی بالاتر از رضایت «خداوند» قابل تصور نیست؛ گرچه مراتب پائین تر نعمت مثل همسران بهشتی و نهرها و میوه ها اهمیت فراوان دارد، ولی عالی ترین مقام، قرب و جوار

### فلسفه خلود متقین در بهشت

پرسش این است که آیا اعمال مؤمنین و متقین آن قدر عالی و اعمال مشرکین و منافقین آن قدر بد و سنگین هستند که هر دو گروه به طور دائمی در بهشت و جهنم می باشند؟

در پاسخ به این پرسش دلایل و روایات فراوانی وجود دارد که به یک روایت در اینجا اشاره می کنیم. امام صادق علیه السلام راجع به مؤمن و اهل جهنم فرمودند: «إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ، فِي النَّارِ، لِأَنَّ نِيَاتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَعُصُوا اللَّهَ أَبَدًا وَ إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا، أَنْ يَطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا».<sup>(۱)</sup>

خلاصه پیام کلام امام علیه السلام این است که اگر اهل جهنم دائم در دنیا بودند، نیت و اعمال آنان معصیت بود و اهل بهشت اگر دائم در دنیا می ماندند، نیت آنها انجام دستورات خدا و اعمال خیر بود. بر فرض آن که مؤمنین و مشرکین به دنیا برگردند، همچون گذشته راهشان را ادامه خواهند داد. دلیل روشن وجود دارد که مشرکین و منافقین با حجت های الهی و کتب آسمانی دشمنی و مبارزه کردند و اهل ایمان با تمام وجود به فرمان و دستورات خداوند عمل نموده و با دشمنان خداوند جهاد نمودند و جهاد می نمایند.

ص: ۹۴



سخن آخر درباره آیه مورد بحث، در تفسیر تبیان (۱) این است: «هذه الآية متناوَلته لِمَن آمَنَ بالله وَصَدَّقَ بِهِ، وَصَدَّقَ النَّبِيَّ وَعَمَلَ الصَّالِحَاتِ الَّتِي أَوْجَبَهَا اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ، فَإِنَّهُ يَسْتَحِقُّ بِهَا الْجَنَّةَ خَالِدًا أَبَدًا». خلاصه پیام و معنا آن است که اگر کسی به خدا ایمان آورده و صدق در ایمان خود دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله را تصدیق نموده و عمل صالح آن چنانی انجام داده [که موجب رضایت خدا گردیده]، مستحق بهشت است.

## متقین مشمول شفاعت الهی

### مقدمه

آیه ۱۲۳ سوره مبارکه بقره می فرماید: «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»؛ از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی کند و هیچ گونه عوضی از او قبول نمی شود و شفاعت به او سود نمی دهد و از هیچ سوی یاری نمی شود. تقوا، قیامت، جزا و شفاعت در این آیه مطرح شده است. به تناسب بحث شفاعت و جزا را در اینجا مطرح می کنیم.

[تقوا در گذشته مطرح شد] مقصود از یوماً، روز «قیامت» است و نکره آوردن آن حکایت از عظمت آن دارد. «اتقوا» به معنای برگرفتن و تدارک دیدن و وسیله ای برای محافظت از چیزی هولناک و خطرناک است. باید برای مصون ماندن از خطر، وسیله ای برای حفظ جان فراهم کرد. (۲) حفظ جان از نظر شرع و

ص: ۹۵

۱- تفسیر التبیان، ج ۲، ص ۳۵۶.

۲- تلخیص از تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۳۸۸.

عقل واجب است. توهم وجود مدافعانی در قیامت از پندارهای بنی اسرائیل است و آیه یاد شده، این خیال خام را بی اساس می داند. واژه ی عدل در آیه به معنای فِدیة و عَوْض است که برای آزادی یا مورد دیگر منظور می گردد. امام صادق علیه السلام فرمودند: مراد از عدل در آیه، فریضه واجب است. (۱)

موضوع شفاعت در قرآن و روایات یک بحث بسیار عمیق و اساسی و از طرفی مورد سوء برداشت برخی از گروه های وهابیت قرار گرفته است. هرگاه آیات قرآن مرتبط با هم دیگر، مورد تحقیق قرار نگیرد، قطعاً انحراف و سوء برداشت از قرآن وجود دارد، کما اینکه این مسأله را تاریخ و روایات گواهی می دهند. علماء وهابی دربارهٔ «لا یَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ؛ در قیامت از هیچ کس شفاعت قبول نمی شود»، معتقدند وعده ی شفاعت که از ناحیه ی پیامبران و مبلغان دین تبلیغ می گردد، موجب جُرأت مردم بر گناه است تا بدون اضطراب مرتکب معصیت گردند. وهابیت علیرغم فساد اعتقادی فراوان در مورد قیامت، شفاعت، زیارت، و ... بدون بررسی آیات شفاعت در قرآن حکم عدم شفاعت را صادر نمودند و قائلین به شفاعت را مشرک می دانند در حالی که با تصریح قرآن به بحث شفاعت جای تردید در آن وجود ندارد.

از مجموع آیات و روایات مربوط به شفاعت استفاده می شود که شفاعت مخصوص افرادی است که با ایمان وارد صحنه ی قیامت شوند کما اینکه در دنیا هم نجات از زندان شامل حال کسانی می شود که گناهشان سنگین و اعدام نباشد، شفاعت در دنیا هم نصیب مؤمنین می شود و اختصاص به قیامت ندارد. به شرط

ص: ۹۶

---

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵۷، ح ۸۵.

آن که اهل ایمان در صدد درمان برآیند. شفاعت برای افراد مریض مؤمن ممکن است نه برای مرده و افراد فاسد.

شفاعت مکمل اعمال افراد نیکوکار است. آیاتی که شفاعت را نفی می کند، مراد از آنها، نفی شفاعت از افراد ظالم [فاسد، ستمگر، کافر، تارک الصلاة است. آیاتی که شفاعت را اثبات می کند، شفاعت را مربوط به اذن و اجازه خدا می داند. آیه ۴۴ سوره زمر می فرماید: «قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا؛ بگو شفاعت بطور کلی مربوط به خداست». در آیه ۳ سوره یونس می خوانیم: «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ؛ چه کسی بدون اذن خدا می تواند شفاعت کند؟ سوره های انسان آیه ۲۷، مدثر آیات ۹ و ۱۰، مزمل آیه ۱۷، نحل آیه ۱۱۱، بقره آیه ۲۸۱، مرسلات آیه ۳۸، واقعه ۴۹ و ۵۰، هود آیه ۱۰۳، عبس آیه ۳۷، انعام ۹۴، مؤمنون ۱۰۱ و... این آیات تقوا، غفران، یوم مشهود، اخوت و شفاعت را بیان فرموده است. نتیجه آنکه مورد شفاعت، متقین و مؤمنین گناهکارند نه مفسدین، و بی نماز های از خدا بی خبر. از آیات و روایات یاد شده به دست می آید که در قیامت روابط خویشاوندی و نسبی وجود ندارد. به همین جهت خداوند به طور مکرر، گمان ها و خیالهای باطل را به صراحت

رد می فرماید. نتیجه بحث آنکه اهل تقوا و مؤمنین مورد شفاعت قرار می گیرند. با شرایط یاد شده در آیات و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الشَّفَاعَةُ لَا تَكُونُ لِأَهْلِ الشُّكِّ وَ الشَّرِكِ وَلَا لِأَهْلِ الْكُفْرِ وَ الْجُحُودِ، بَلْ يَكُونُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ؛ شکاکان، مشرکان و کافران و منکران مورد شفاعت

قرار نمی گیرد، شفاعت مخصوص مؤمنان یکتاپرست است.<sup>(۱)</sup>

باز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّمَا الشَّفَاعَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِمَنْ عَمِلَ الْكِبَائِرَ مِنْ أُمَّتِي ثُمَّ مَاتُوا عَلَيْهَا؛ شَفَاعَتِي فِي قِيَامَتِكُمْ لَكُمْ مِنْ دَسْتِكُمْ مِنْ أُمَّتِكُمْ» (۲) از این کلام نورانی فهمیده می شود که توبه کردن نوعی شفاعت و نجات انسان است. پیامبر صلی الله علیه و آله در جای دیگر فرمودند: «مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِشَفَاعَتِي فَلَا أَنَا لَهُ اللَّهُ شَفَاعَتِي؛ كَيْسِي كَيْسِي بِشَفَاعَتِي كَيْسِي» (۳) شفاعت مثل معاد و عدالت از نگاه اسلام مسلم می باشد.

همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله راجع به شفاعت می فرمایند: «الشَّفَاعَةُ لِأَنْبِيَاءِ وَأَوْلِيَاءِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةِ؛ شَفَاعَتِي فِي قِيَامَتِكُمْ لَكُمْ مِنْ دَسْتِكُمْ مِنْ أُمَّتِكُمْ» (۴) حضرت درباره ی شفاعت قرآن می فرماید: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ شَافِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ الْقُرْآنُ رَافِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۴).

### متقین مشمول شفاعت اهل بیت علیهم السلام

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَا أَحْيِدُ مِنَ الْعَاقِلِينَ وَالْآخِرِينَ إِلَّا وَهُوَ يَحْتَاجُ إِلَى شَفَاعَتِي مُحَمَّدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ مِنْ أَوْلَادِي وَبَنَاتِي وَوَجَدَانِي» (۵) آخرین انسان ها نیست، مگر آنکه به

ص: ۹۸

۱- بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۸.

۲- کنز العمال، ح ۳۹۵۴۹.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳۶.

۴- مسند احمد بن حنبل، ج ۸، ص ۲۷۳.

شفاعت محمدصلی الله علیه وآله در روز قیامت نیاز دارد».(۱)

امام علی علیه السلام می فرماید: «الشَّفِيعُ جَنَاحُ الطَّالِبِ؛ میانجی گر، پر و بال خواهنده نیازاست».(۲)

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند: «شِفَاعَتِي لِأُمَّتِي مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي؛ شفاعت من شامل حال آن کس می شود که اهل بیت مرا دوست داشته باشد».(۳)

وهمچنین رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند: «لَا شَفِيعَ أَنْجَحُ مِنَ التَّوْبَةِ؛ شفیع کارآمدتر از توبه نیست».(۴)

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند: «ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ... فَيَشْفَعُونَ الْأَنْبِيَاءَ، ثُمَّ الْعُلَمَاءَ، ثُمَّ الشُّهَدَاءَ، يَشْفَعُ الشَّهِيدُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِهِ؛(۵) انبیاء و علماء شفاعت می کنند و شهید تا هفتاد نفر از اهل خود را شفاعت می کند. فرزند صالح هم شفیع والدین می شود. از آیات و روایات درباره ی شرایط شفاعت استفاده می شود که از مهم ترین شرایط برای شفاعت، ایمان به خدا، معاد، رسالت انبیاء و امامت [دوازده امام معصوم] و عمل خیرخواهد بود. این بحث بنیادین به عنوان یک رکن اساسی بعد از ایمان به خدا در قرآن مطرح شده و گستره ی شفاعت در دو جهان باید مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

ص: ۹۹

---

۱- محاسن، ج ۱، ص ۲۹۲.

۲- حکمت ۶۳.

۳- کنز العمال، ج ۵۷، ص ۳۹۰.

۴- بحار، ج ۸، ص ۸.

۵- بحار، ج ۸، ص ۳۴.

آیه ۵ سوره بقره می فرماید: «أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ آنان متقین) بر هدایتی از پروردگار خویش استوارند و هم اینان رستگارند».

این آیه از هدایت خاص خداوند سخن می گوید؛ هدایت پیامبران الهی. ارائه الطریق می باشد، ولی «هدایت» خدا، ایصال و رسیدن به مطلوب است، این گونه «هدایت» سعادت انسان را تضمین می کند و بعد از آن فلاح و رستگاری خواهد بود. واژه فلاح به معنی «رستگاری» است. هر کس خویش را از گناه باز دارد، حقیقتاً فلاح و رستگاری و عاقبت بخیری نصیبش می گردد.

«أُولَئِكَ» و «هُم» به یک معنا برگشت دارد. یکی کافی بود، چرا هر دو ذکر شده است؟ جواب این است که «هُم» برای تاکید آمده، فلاح و رستگاری منحصرأً برای متقیان است. در دنیا همراه بودن دوستان، اقوام و هم مسلکان در خیلی جاها مشکل ندارد، اما در آخرت همراهی کاملاً ممنوع خواهد بود. انسان فقط با عمل خویش در آخرت مورد رسیدگی و محاسبه قرار می گیرد و جز عمل خیر چیزی موجب سعادت انسان نمی شود. وسیله ی رسیدن به فلاح و رستگاری تنها عبادت و بندگی خدا می باشد نه اموال و اقوام. مُتَّقِينَ دَائِمُ الذِّكْرُ و دَائِمُ الْحَمْدُ هستند. اگر در ظاهر در حال حمد و ذکر مشغول نباشند، باطناً و واقعاً، قوه ایمان از درون، اهل تقوا را به حمد و ذکر خداوند مسبحان) فرا می خواند. چه بسا افراد متقی به ظاهر در بین بی فکران [غافل از قیامت و معاد] قرار داشته باشند ولی از درون ارتباط آنان با خداوند برقرار است. مگر غیر آن است که افراد مؤمن و

متقی از هر گونه کاری «خلاف» در جلاء و «خفا» خودداری می کنند؟ این جز یاد خدا چیز دیگری نیست. مگر غیر آن است که متقین در جلسات

«گناه» و غیبت و شنیدن لہو و لعب و گفتار نادرست شرکت نمی کنند. مگر غیر این است که افراد «متقی» از نعمت های مادی و معنوی به صورت مطلوب استفاده نموده و از اسراف در همه امور خودداری می نمایند. معنای تقوا، ترس از خدا و نگهداری خویشتن از گناه می باشد؛ شخص متقی مثل انسانی می ماند که با پای برهنه از بیابان پر خار عبور نماید، برای عبور از بین خارهای بیابان با پای برهنه نهایت دقت لازم است تا انسان به مقصد برسد، دنیا با تعابیر روایی، بدتر از بیابان پر خار و خس می باشد، در اطراف انسان برای رسیدن به نوش، هزاران نیش و مانع وجود دارد. انسان متقی با تکیه به نصرت الهی از نوش ها و نیش های دنیا می گذرد تا به سعادت اخروی نائل گردد.

به قول امام حسن مجتبی علیه السلام بهشت بهای مبارزه با هوای نفس است. در این مبارزه بی امان جز متقین و مؤمنین همه از میدان خارج خواهند شد، کما اینکه این واقعیت در همه ی زمانها به تجربه ثابت شده است. جِهَادُ الْهَوَى ثَمَنُ الْجَنَّةِ. (۱)

امام علی می فرمایند: «أَعَجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ إِصْلَاحِ نَفْسِهِ» (۲) ناتوان ترین مردم کسی است که از اصلاح نفس خویش عاجز و ناتوان باشد». در کلامی دیگری فرماید: «اشجعُ الناسِ من غلبَ هواهُ» (۳) شجاع ترین مردم کسی

ص: ۱۰۱

---

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۳۰۷.

۲- غررالحکم، ج ۱، ص ۳۶۴.

۳- همان.

است که بر هوای نفس خود مسلط باشد».

این کلام امام علیه السلام معیار شجاعت را تسلط بر خواسته های نفسانی می داند. گاهی به خاطر خواسته های نفسانی دو جهان از دست انسان می رود، گرچه دنیا طلبان و دنیا پرستان بعضی به دنیا رسیدند، ولی در اندک زمانی دنیا و آخرت از دست آنان خارج خواهد شد. متقین هم به دنیا رسیدند و هم به آخرت خواهند رسید. همین متقین بودند و هستند که هزاران مسجد، مدرسه و حسینیه درست کردند و درست می کنند و هزاران یتیم و مظلوم را به خاطر انجام امر خداوند اطعام و کمک می نمایند، گرچه عده ی زیادی از مردم در موسم خاص مثل ایام عاشورا، یا مرگ عزیزشان گریه و ناله دارند، این گریه ها مثل گریه های متقین و مؤمنین خالصانه و از خوف خدا نیست. گرچه گریه بر ای امام حسین علیه السلام ثواب فراوان دارد و این مطلب مهم در کلمات پیامبر و امامان بیان شده. اما گریه از خوف خدا اختصاص به متقین دارد. این جا به کلام امام صادق علیه السلام درباره گریه اشاره می کنیم تا حقیقت گریه روشن تر شود: «لَا يُعْرَنُكَ بُكَاءُهُمْ، فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْقَلْبِ»؛ (۱) بالاترین درجه تقوا و تقرب به خدا، مخصوص انبیاء، اوصیاء و متقین خواهد بود». با این بیان براساس تقوای الهی درجات، محاسبه می گردد.

### تجلی نیکوکاری در متقین

«... وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنُ

ص: ۱۰۲



السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ  
الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (۱)

اول این آیه شریفه تا کلمه لَكِنَّ می فرماید: نیکی تنها این نیست که به هنگام نماز روی خود را به سوی مشرق و یا مغرب کنی و تمام گفتگوی شما درباره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصرف آن سازی، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز رستخیز و فرشتگان و کتابهای آسمانی و پیامبران ایمان آورده و مال خود را با همه علاقه ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان انفاق می کند و نماز را بر پا می دارد و زکات را می پردازد و همچنین کسانی که به عهد خود [به هنگامی که عهد

بستند] وفا می کنند و در برابر محرومیت ها و بیماری ها و در میدان جنگ استقامت به خرج می دهند، اینها راست می گویند و گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است و اینها پرهیزگاران هستند.

در این آیه شریفه به ترتیب بعد از قسمت اول آیه بَرَّ، ایمان به خدا، ایمان به آخرت معاد (ایمان به ملائکه، ایمان به همه ی کتاب های آسمانی، ایمان به همه ی انبیاء، اعطای مال به خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، واماندگان، سائلان و بردگان مطرح شده است. نماز، پرداخت زکات، وفای به عهد، استقامت در برابر محرومیت ها، صبر در میدان جنگ و سختی ها و گفتار مطابق اعتقاد از خصوصیات مؤمنین می باشد. اختلاف یهود و نصارا را نیز درباره ی تغییر قبله از

ص: ۱۰۳

۱- بقره: ۱۷۷.

بیت المقدس به مکه معظمه در آغاز آیه مطرح می کند و ادعای یهود و نصارا را رد می نماید.

مشاجرہ یهودی ها و نصرانی ها با مسلمانان بر سر تغییر قبله طبق تفسیر مجمع البیان از شأن نزولی که درباره آیه ی مورد بحث آمده، استفاده می شود. بعد از تغییر قبله گفتگو پیرامون آن در بین یهود و نصارا بالا گرفت. طبق بیان تفاسیر یهود و نصارا اصل دین را به فراموشی سپرده و به مسائل فرعی از جمله تغییر قبله می پرداختند. خداوند در این آیه ارکان مسائل دین را بیان نموده و ایمان به خدا، به قیامت، به فرشتگان، به کتاب های آسمانی، پیامبران و پرداخت مال [برای رفع نیازمندیها و...] را از مسائل اساسی دین بیان فرموده است.

۱- قبله اول فی الجملة ارزش بود نه بالجمله؛ زیرا بزّ و خیر فقط در قبله خلاصه نمی شود؛

۲- تغییر قبله با دستور خداوند بود، کما اینکه امتیازهای معنوی دیگر در بین یهودی ها و نصارا وجود داشت، ولی به خاطر ناسپاسی آنها، از بین رفت؛ مثل نزول مائده های آسمانی و آرامش به خاطر تابوت و...؛

۳- ضرورت ایمان به خدا، کتابهای آسمانی و ایمان به همه ی پیامبران به عنوان یک نظام پیوسته، در بین انبیاء به عنوان یک سنت الهی می باشد؛

۴- دستگیری از خویشاوندان و صرف مال برای رفع گرفتاری های نیازمندان لازم است؛

۵- لزوم کمک و دستگیری از یتیمان، درماندگان و فقیرانی که تقاضای کمک نمایند؛

ص: ۱۰۴

۶- صرف مال و وفای به عهد باید به دستور خدا باشد؛

۷- مالکیت اشخاص در اسلام اعتبار دارد؛

۸- صبر و استقامت در هنگام گرفتاری ها و ناهنجاری ها از خصوصیات متقین در قرآن و حدیث بیان شده است؛ لذا وظیفه شناسی اهل تقوا از محورهای بحث این آیه است.

یهودی ها و نصرانی ها با زبان طعنه به مسلمانان می گفتند: شما از برّ و خیر محروم شدید. خداوند این سخن آنان را رد می کند. در واقع ارکان برّ و خیر را در ادامه این آیه بیان می فرماید؛ از نظر قرآن برّ جامع، ایمان به خدا، قیامت، کتاب های آسمانی و پیامبران، عقاید حق، انفاق مال در راه خدا و صبر در مشکلات، مبارزه با دشمنان اسلام و وفای به عهد و تقوای الهی می باشد. هدف قرآن تربیت انسان است نه ارائه مفاهیم و قواعد دینی و مذهبی.

بر در عقیده همان ایمان به مبداء، معاد، ایمان به همه فرشتگان و تمام کتاب های آسمانی و پیامبران است و یهود و نصارا فاقد این امر هستند. اهل ابرار در همه ی امور اعتقادی، اخلاقی، فردی و اجتماعی صادق اند. (۱)

### متقین جامع کمالات الهی

«أُولَئِكَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»؛ اهل تقوا همه ی کمال های اعتقادی، گفتاری، رفتاری و اخلاقی را دارند و مهم تر از همه درباره عبادت، ظرف وجودشان مملو از معارف است و آثار عبادت خالصانه، سیمای اهل ایمان را مثل ستاره های شفاف نشان می دهد.

ص: ۱۰۵

---

۱- استفاده از تفسیر تسنیم، ج ۹، ص ۷۸ و بعد آن.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ی برّ و نیکی فرمودند:

فَوْقَ كُلِّ بُرِّ بُرٌّ حَتَّى يَقْتُلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا قَتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بُرٌّ؛<sup>(۱)</sup> بالاتر از هر کاری نیکی، کار نیک دیگری است ، مگر آن که کسی در راه خدا شهید شود، هیچ کار و مقامی در بین انسان ها برتر از شهادت نیست. امام صادق علیه السّلام فرمودند: «حُبُّ الْأَبْرَارِ لِأَبْرَارٍ ثَوَابٌ لِأَبْرَارٍ وَ حُبُّ الْفُجَّارِ لِأَبْرَارٍ فَضِيلَةٌ لِأَبْرَارٍ...»<sup>(۲)</sup> دوست داشتن متقابل نیکان، پاداشی است برای نیکوکاران و مهرورزی بدکاران به نیکان، فضیلتی است برای نیکوکاران.

با یک نگاه کلی ایمان به خدا، شامل اعتقاد کامل و سالم به همه ی دستورات خداوند، در باب اصول دین، فروع دین، واجبات و محرمات می گردد. بالاترین درجه برای اهل ایمان شهادت در راه خداوند است.

### نشانه های متین

تمام اقشار مردم مسلمان و غیر مسلمان علامت و نشانه یا نشانه هایی دارند که آن نشانه و یا نشانه ها، معرفی افراد می باشد. فلذا شرایط و نشانه های اهل ایمان فراوان است.

تمام آنچه در آیه بیان شد به اضافه بیان دیگر آیات و روایات راجع به ایمان سه تا شرط را امام رضا علیه السّلام برای اهل ایمان بیان فرمودند: «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثٌ خِصَالٍ سِنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ... وَ أَمَّا أَلْسَنَةٌ مِنْ وَلِيِّهِ فَالْصَّبْرُ فِي الْبُؤْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَ يَقُولُ اللَّهُ

ص: ۱۰۶

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰، کلمه ی (ذی) در بعضی روایات نیامده است.

۲- الاختصاص، ص ۲۳۹ و ۲۲۶.

جَلَّ جَلالُه وَ الصَّابِرِينَ فِي البَأْسَاءِ وَ الضَّرِّ رَا...» (۱) قوله «والصابرين في البأساء...» قال: «فِي الجُوعِ وَ العَطَشِ وَ الخَوْفِ وَ المَرَضِ». (۲)

رسول خدا خلیفه خدا در جهان هستند و وصی انبیاء نیز خلیفه خدایند و مؤمنین هم به منزله ی خلیفه ی پیامبران و امامان می باشند. بنابراین در خلافت پیامبران و خلافت امامان و خلافت مؤمنان شک و ریب وجود ندارد. مؤمنین از جهت آن که انسان های صالح هستند، خلیفه ی خدا هستند و باید سنتی از سنت های خدا و رسول خدا و سنتی از سنت های امامان را دارا باشند.

### برادری متقین و آثار آن

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «استکثروا مِنَ الاخوانِ، فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ شَفَاعَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بِرِشْمَارِ بَرَادِرَانِ يَفْزَائِدُ؛ زِيْرًا فِي قِيَامَتِ هَرِّ مُؤْمِنِي شَفَاعَتِ مِي كَنْد». (۳)

امام علی علیه السلام فرمودند: «اخوانُ الدِّينِ أَبْقَى مَوَدَّةً؛ (۴) برادران دینی دوستیشان پایدارتر است».

امام حسین علیه السلام فرمودند: «الْأَخْوَانُ أَرْبَعَةٌ: فَأَخٌ لَكَ وَ لَهُ، وَ أَخٌ عَلَيْكَ وَ أَخٌ لَكَ وَ لَا لَهُ؛ (۵) برادران را امام به ترتیب در چهار گروه بیان فرمودند: برادری که به سود تو و خود اوست و برادری که به سود دوست و برادری که به

ص: ۱۰۷

۱- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۹.

۲- تفسیر ابراهیم قمی، ج ۱، ص ۶۴.

۳- کنز العمال و میزان الحکمه، ج ۱، ص ۶۶.

۴- غرر و میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۰.

۵- تُحَفِّفَ العُقُولَ، باب سخنان امام حسین علیه السلام.

زیان دوست و برادری که نه به سود دوست و نه به سود طرف است».

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَى مَنْ أَهْدَى عُيُوبِي إِلَيَّ؛ (۱) دوست داشتنی ترین برادرم کسی است که عیب هایم را به من پیشکش کند». عین این روایت از امام حسن عسکری علیه السلام نیز نقل شده است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حَرَمَتَهُ مِنَ الْكَعْبَةِ؛ (۲) حرمت مؤمن از کعبه بیشتر است».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ مَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ؛ مؤمن نزد خدا گرامی تر از فرشتگان مقرب خداست» (۳).

باز حضرت فرمودند: «الْمُؤْمِنُ بِخَيْرٍ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ (۴) مؤمن در هر حال در خیر و خوبی به سر می برد».

شور حال عاشقان بازیچه یا افسانه نیست

وادی عشق است این جا، جای هر بیگانه نیست

مکتب ما عشق را تفسیر و معنا می کند

در مسیر معرفت گفتار خودخواهانه نیست

هیچ گنجی پر بها نبود، چو گنج اهل بیت علیهم السلام

این چنین سرمایه ای پنهان به هر ویرانه نیست

ص: ۱۰۸

---

۱- بحار، ج ۷۴، ص ۱۸۸، ج ۱۵، ص ۲۸۲.

۲- خصال شیخ صدوق، ۲۷/۹۵.

۳- خصال شیخ صدوق (ره)، ص ۲۷.

۴- کنز العمال و میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۰۹.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا أَنْفُسَهُمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ (۱) بگو ای بندگانم که اِسراف به نفس خود کردند، هرگز از رحمت خدا ناامید مباشید، البته خدا همه گناهان شما را خواهد بخشید که او خدای بسیار آمرزنده و مهربان است».

ضمن تلاش و جبران گناهان، مؤمنان و متقیان از عنایات انبیاء و دعا و استغفار ملائکه نیز بهره مند می شوند. (۲) با وجود وعده مکرر و رحمت قطعی خداوند درباره مؤمنان و جهاد و هجرت اهل ایمان، باز خطرها و خطوات شیطان اهل ایمان را تهدید می کند و مؤمنان همواره مورد غضب و تیررس شیطان قرار دارند. شک در تحقق تقوا، شک در ثواب هجرت و جهاد و شک در اخلاص و گفتار و رفتار همیشه مؤمنین را مورد هجوم تردید و فشار قرار می دهد و شیطان با وسوسه مؤمنین را در انجام اعمال خیر مردد می کند. مسأله هجرت و جهاد دو رکن اساسی در مکتب اسلام شناخته شده است. هجرت از شهری به شهری، از کشوری به کشوری، از روستایی به شهری، از مردم در بین مردم دیگر، هجرت از مردم به سوی خدا و جبهه، هر یک مشکلات فراوان را در پی دارد و فقط هجرت از خلق به سوی خالق، انسان را به سعادت می رساند. امید و رجاء به رحمت خداوند اهل ایمان را از غفلت و خود خواهی دور می کند. رجاء به رحمت، رجاء به

ص: ۱۰۹

۱- زمر: ۵۳.

۲- غافر: ۷؛ ابراهیم: ۴۱.

معاد، رجاء به ثواب اعمال و غفران الهی، رجاء به آینده خوب و عاقبت بخیری، یأس و ناامیدی را از قلب مؤمنین برطرف می نماید. تکرار اَلَّذِينَ در آیه بیانگر آن است که اهل ایمان مورد رحمت خدا قرار می گیرند. عطف «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا» به «الَّذِينَ آمَنُوا»، همه مؤمنان، مهاجران و مجاهدان را به رحمت الهی بشارت می دهد، اما امید و رجاء بدون عمل صالح و توبه مشکل غیر مؤمنین را حل نخواهد کرد.

«أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ»؛ بیان سخن الهی به لحاظ قابل است نه فاعل، قابلیت عفو پروردگار لامتناهی هست، ولی فاعلیت اهل ایمان ممکن است حُسن عاقبت نداشته باشد. یا آن همه پاداش خداوند به خاطر عمل صالح نباشد از باب تَفْضُل عنایت شود. رجاء و امید توأم با اعمال صالح پاداش متقین خواهد بود. امید و عمل خیر هر دو لازم است. خوف ابطال اعمال خیر، خیلی زیاد است.

آیه «حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»<sup>(۱)</sup> بیانگر کفر و ارتداد بعد از ایمان است. [قابل توجه آن که هجرت از مکه به مدینه طبق دستور خداوند به پیامبر و مسلمانان واجب بود]. رحمت خداوند در آیه به صورت عام مطرح شده، ولی شرایط مثل هجرت و جهاد و آنچه در سوره صف آمده رحمت خاص خداوند مراد است که نصیب مؤمنان مهاجر و مجاهدان راه خدا می گردد. آیه ۱۰ تا ۱۳ سوره صف رحمت خاص خدا مثل عفو گناهان و ورود به بهشت را بیان می کند.

ص: ۱۱۰



امام صادق علیه السلام درباره خوف و رجاء فرمودند: «لا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ خَائِفًا رَاجِيًا وَ لَا يَكُونُ خَائِفًا رَاجِيًا حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا لِمَا يَخَافُ وَ يَرْجُو» (۱) مؤمن بین خوف و رجاء، بین امید و ترس است، در حال خوف و رجاء به سر می برد و عمل می کند». امتیاز مهاجرت بعد از ایمان است. مهاجر مؤمن باید از نهیو منع خدا دوری نماید.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ؛ مهاجر کسی است که از هر چه خداوند نهی کرده دوری نماید» (۲).

حضرت درباره ایمان و عمل فرمودند: «لَا يَقْبَلُ إِيْمَانٌ بِلا عَمَلٍ وَ لَا عَمَلٌ بِلا إِيْمَانٍ؛ ایمان بدون عمل و عمل بدون ایمان پذیرفته نمی شود» (۳) و نیز حضرت فرمودند: «الْمُؤْمِنُ مِنْ أَهْلِ الْإِيْمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ؛ نسبت مؤمن به اهل ایمان همانند سر است نسبت به بدن» (۴).

همچنین حضرت درباره مؤمن فرمودند: «الْعَلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَ الْحِلْمُ وَ زِيْرُهُ وَ الْعَقْلُ دَلِيلُهُ وَ الْعَمَلُ قَائِدُهُ وَ الرَّفْقُ وَالِدُهُ وَ الْبِرُّ أَخُوهُ وَ الصَّبْرُ أَمِيرُ جُنُودِهِ؛ دانش دوست مؤمن، بردباری وزیر او، عقل راهنمای او، عمل صالح سردار او، ملایمت پدر او، نیکی برادر او و شکیبایی امیر سپاه اوست» (۵) درباره جهاد حضرت فرمودند: «إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ تَحْتَ ضَلَالِ السُّيُوفِ؛ در

ص: ۱۱۱

---

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۷۱؛ و بحار، ج ۸۹، ص ۲۵.

۲- نهج الفصاحه، کلمه هه، ص ۶۳۶.

۳- نهج الفصاحه، ص ۱۱۱.

۴- نهج الفصاحه، ص ۱۱۴.

۵- نهج الفصاحه، ص ۶۱۱.

کلام امام علی علیه السلام را حسن ختام بحث آیه ۲۱۸، درباره جهاد قرار می دهیم. حضرت می فرمایند: «أَمَّا بَعْدُ! فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصِّهِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةِ وَجُنَّتَهُ الْوَثِيقَةُ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الذُّلِّ وَشَمَلَهُ الْبَلَاءُ؛ همانا جهاد در راه خدا، لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می پوشاند و دچار بلا و مصیبت می شود».

### اعتلای روحی برای متقین

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (۲)

کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و نماز برپاداشتند و زکات را پرداختند، مزدشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند.

تفسیر و تفصیل: آیات ۲۷۵ و ۲۷۶ سوره بقره درباره ربا و کيفر رباخواران مطرح شده است. طبق آیه ۲۷۶ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ؛ خداوند مردم سخت بی ایمان و گنه پیشه رادوست ندارد. آیه ناسپاسان و کفران کنندگان را بیان میکند (۳) و اثم کسی است که گناه بسیار مرتکب می -

ص: ۱۱۲

۱- نهج الفصاحه و دیگر منابع حدیثی.

۲- . بقره: ۲۷۷.

۳- کفار از ماده کفور بر وزن فجور به کسی گویند که بسیار ناسپاس و کفران کننده باشد.

شود. طبق بیان آیات، ربا خواران نه تنها با ترک انفاق و عمل قرض الحسنه نیازمندی های عمومی را برطرف نمی کنند، بلکه با ناسپاسی شکر نعمتی که خداوند به آنها ارزانی داشته، بجا نمی آورند و اموال خود را وسیله هرگونه ظلم و ستم و گناه و فساد قرار می دهند. در برابر رباخواران کسانی که در پرتوایمان خود پرستی را ترک گفته و عواطف فطری خود را زنده کرده و علاوه بر ارتباط با پروردگار و برپاداشتن نماز، به کمک نیازمندان می شتابند و بدنبال آن از جنایت جلوگیری می نمایند، آنها پاداش خود را نزد خداوند خواهند داشت و بالاخره از آرامش کامل برخوردار بوده و هیچ گونه اضطراب و مشکلی نخواهند داشت. «و لا خوف علیهم ولا هم یحزنون». فرق لَهُمْ أَجْرُهُمْ در این آیه با فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ در آیه ۲۷۴ همین سوره در این است که «فاء» در فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ

دلالت بر این دارد که در انفاق مال استحقاق پاداش وجود دارد، ولی بدون «فاء» چنین نیست (۱) و معنای دیگری هم دارد.

در پرتو صدقات با اخلاص رشد و اعتلای روحی برای اهل ایمان وجود دارد. نشانه ارزش ایمان و عمل شایسته، برپایی نماز و پرداخت زکات است. پاداش منفقان مخلص و موفق به امور خیر، نزد خدای شان محفوظ است و افزون بر پاداش انفاق، هیچ بیمی بر آنان نیست. نشانه متصدقان این است که خدا آنها را اهل عبادت و خدمت رسانی به مردم قراردادده است. قرآن در صدد بیان افزایش واقعی انفاق است. (۲) کمک در راه

ص: ۱۱۳

---

۱- تفسیر نمونه، ج ۲، آیه مورد بحث.

۲- تفسیر تسنیم، ج ۱۱، ص ۵۶۰.

خدا از بزرگترین سرمایه اهل ایمان است و این آیه سیمای واقعی مؤمنان را ترسیم می کند که عمل صالح انجام داده و نماز برپاداشته و زمینه برچیده شدن ربا در جامعه را برطرف نمودند. می توان گفت: مردم چهار گروهند:

۱- گروهی ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند؛

۲. گروهی نه ایمان و نه کار شایسته دارند که کافرند؛

۳- گروهی ایمان ندارند ولی اظهار ایمان می کنند و کار نیک انجام می دهند؛

۴- گروهی ایمان دارند، ولی عمل صالح ندارند. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره انفاق فرمودند: خَيْرُ النَّاسِ مُؤْمِنٌ فَقِيرٌ يُعْطَى جُهْدَهُ؛ بهترین مردم، مؤمن نداری است که به قدر توانایی خود انفاق می کند. (۲)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ؛ خداوند شما را آفرید و شما را روزی داد. (۳)

#### متقین شایسته روزی حلال و حساب شده

«أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ أَنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ؛ آیا آن کسی که شما را روزی می دهد، اگر روزیش را باز دارد. کیست که به شما روزی دهد؟! (۴)

به تصریح قرآن خالق و رازق یکی است.

«هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ آیا آفریننده ای جز خدا هست که شما را از

ص: ۱۱۴

۱- . تفسیر نور، ج ۱، ص ۴۴۶ و ۴۴۷.

۲- نهج الفصاحه، ص ۱۰۱.

۳- . روم: ۴۰.

۴- ملک: ۲۱.

آسمان وزمین روزی دهد؟! (۱) خیر!!

«اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ؛ خدا روزی را برای هر کس شایسته بداند وسیع می کند و برای هر کس بخواهد تنگ قرار می دهد.» (۲)

«وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا؛ و از نعمت های حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما داده است بخورید.» (۳)

از اول تا آخر قرآن و از سخنان پیامبران و امامان استفاده می شود که فقط مؤمنین و متقین هستند که به امر و نهی و به حق و باطل توجه نموده و پیروی شان را از حق در عرصه های مختلف به اثبات رسانده اند.

### متقین و مشاهده حقایق

از برخی تفاسیر و روایات استفاده می شود که بعضی حقایق برای مؤمنان و اولیای خدا [به جهت تقوا و ورع شان] در طول تاریخ کشف گردیده و پرده ها کنار رفته است.

هر قدر ایمان و یقین انسان بالا-رود، حجاب ها و موانع برطرف می گردد و حقایق بیشتری از جهان و معارف برای انسان مکشوف و مفتوح خواهد شد. علاوه بر تأیید قرآن و حدیث، این موضوع در گذر تاریخ هم ثبت و تجربه شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ إِلَى الْقُلُوبِ بَنَى آدَمَ

ص: ۱۱۵

۱- فاطر: ۳.

۲- رعد: ۲۶.

۳- مائده: ۸۸.

لَنْظُرُوا إِلَى الْمَلَكُوتِ؛ اگر شیاطین دلهای فرزندان آدم را احاطه نکنند، می توانند به جهان ملکوت نظر افکنند» (۱).

ذعلب یمانی از یاران امام علی علیه السلام بود. روزی او از حضرت این سؤال را کرد: «هَلْ رَأَيْتَ رَبَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا هَرَّكَزِ بَرُورِدِ گارت را دیده ای، ای امیر مؤمنان؟» امام فرمودند: «أَفَاعْبُدُ مَا لَا أَرَى؟ آیا پرستش کنم کسی را که نمی بینم؟»

عرض کرد: «وَكَيْفَ تَرَاهُ، چگونه او را می بینی؟» امام فرمود: «لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهِدَةِ الْعَيَانِ، وَلَكِنْ تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ؛ چشم های ظاهر با مشاهده حسی او را درک نمی کنند و لکن دلها با حقایق ایمان او را درک می کنند و می بینند. سپس افزود: قَرِيبٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ غَيْرَ مُلَابِسٍ، بَعِيدٌ مِنْهَا غَيْرَ مُبَايِنٍ، خدا به همه چیز نزدیک است همان گونه که با آنها چسبیده باشد و از همه چیز دور است، نه آنچنان که از آنها بیگانه باشد» (۲). منظور امام پی بردن به وجود مقدس خداوند از روی دلایل عقلی نیست، چرا که این برای همه وجود دارد. پس منظور درک و دیدی است مافوق عقل و شهود. آن درک در روان و بصیرت اهل ایمان وجود دارد.

در حدیث معروف دیگری امام علی علیه السلام فرمودند: «لَوْ كَشِفَ الْغُطَاءُ لَمَا ازْدَدْتُ يَقِينًا؛ اگر پرده ها کنار رود به ایمان من افزوده نخواهد گشت.»

برای همه پیروان حق معلوم است که امام علی علیه السلام حقایق را مثل

ص: ۱۱۶

۱- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۵۹، باب القلب، ح ۳۹.

۲- نهج البلاغه از خطبه ۱۷۹.

پیامبر صلی الله علیه و آله نمایان می دیدند و همه چیز به اذن الله برای حضرت مکشوف می باشد، فلذا کشف در جایی است که چیزی نامعلوم و یا در پشت پرده ای قرار داشته باشد. کشف حقایق برای اهل ایمان تحقق پیدا کرده و مؤمنان با کشف حقایق به مقام عالی رسیدند. چه رسد که همچون مولا علی علیه السلام برایش حقایق و رسیدن به معارف پشت پرده مشکلی داشته باشد.

امام صادق علیه السلام از پیامبر حدیث می فرماید که پیامبر با یکی از یارانش به نام حارثه روبه رو شد و فرمود: حالت چطور است ای حارثه؟ عرض کرد: «یا رسول الله مؤمن حقا: ای رسول خدا من به راستی مؤمنم!!» حضرت فرمود: لِكُلِّ شَيْءٍ حَقِيقَةٌ وَ مَا حَقِيقَةُ قَوْلِكَ، هر چیزی واقعیت و نشانه ای دارد، واقعیت و نشانه این سخن تو چیست؟

عرض کرد: نشانه این است که من نسبت به دنیا بی اعتنا هستم، شب بیدار می مانم عبادت می کنم (و در گرمای سخت تشنه ام روزه می گیرم) گویی می بینم عرش پروردگارم برای حساب آماده است و گویی اهل بهشت را می بینم که در بهشت با یکدیگر ملاقات می کنند و گویی صدا و ناله فریاد اهل دوزخ را در دوزخ می شنوم!!

رسول خدا فرمود: «عَبْدُ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ، أَبْصَرَتْ فَأَثْبَتْ؛ این بنده ای است که خداوند قلبش را نورانی ساخته و حقیقت را دیده، ثابت قدم باش.»

عرض کرد: «یا رسول الله أَدْعُ اللَّهَ لِي أَنْ يَرْزُقَنِي الشَّهَادَةَ مَعِكَ؛ ای رسول خدا! از خدا برای من بخواه که در طریق یاری تو شهید شوم.»

حضرت فرمودند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْ حَارِثَةَ الشَّهَادَةِ؛ خداوندا شهادت را

روزی حارثه کن.

بعد مدتی پیامبر گروهی را به جنگ فرستاد که حارثه در میان آنها بود. او بعد از پیکار و کشتن ۸ نفر از دشمن شربت شهادت نوشید. (۱)

### نگاه رحمت به متقین در قیامت

در عرصه قیامت نگاه رحمت به مؤمنین و مجازات برای منافقین و کفار وجود دارد. مجازات هر کس به خاطر اعمال نادرست او فقط متوجه شخص خلاف کار خواهد شد.

وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا؛ (۲) از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی پذیرد.

هیچ کس مالک دیگری نیست. يَوْمَ لَا يَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا؛ (۳) روزی که هیچ کس قادر بر انجام کاری به سود دیگری نیست.

روز قیامت روز تجسم اعمال است. فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ؛ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ (۴) هر کس بقدر ذره ای کار نیک کرده باشد آن را خواهد دید و هر کس بقدر ذره ای کار بد کرده باشد آن را خواهد دید.

تمام واسطه ها منقطع و اسباب همکاری ناپدید خواهد شد.... تَقَطَّعَتْ

ص: ۱۱۸

---

۱- اصول کافی، ج ۲، باب حقیقه الایمان و الیقین، ح ۳.

۲- بقره: ۴۸.

۳- انفطار: ۱۹.

۴- زلزال: ۷ و ۸.



بِهِمُ الْأَسْبَابُ؛<sup>(۱)</sup> هر گونه وسیله و اسباب از آنها قطع شده و هیچ روابط باطل به جا نماند.

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ؛<sup>(۲)</sup> ثروت و اولاد در قیامت مفید نخواهد بود.

یک روز قیامت شگفت آور است. يَوْمَ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ؛<sup>(۳)</sup> روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است.

يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا؛<sup>(۴)</sup> در قیامت کودکان، پیر می شوند!!

شهود و گواهان در قیامت، خداوند سبحان، اعضاء بدن، ملائکه و انبیاء و زمین و زمان خواهند بود<sup>(۵)</sup>. خداوند این مطلب بسیار مهم را در سوره مؤمن آیه ۵۱، حج/۱۷، نحل/۸۹، نساء/۴۱، بقره/۱۴۳ و زلزال / ۴ و در دیگر سُور قرآن بیان فرموده است.

اشعار مردم در قیامت به فرموده پیامبر، لا اله الا الله است.<sup>(۶)</sup>

پیامبر می فرماید: كُلُّ مَنْ وَرَدَ فِي الْقِيَامَةِ عَطْشَانٌ؛ تمام کسانی که در قیامت وارد می شوند، تشنه هستند.<sup>(۷)</sup>

از همه افراد و از همه اعمال در قیامت سؤال می شود. اعراف/۶، نحل/۹۳، احزاب/۸

ص: ۱۱۹

۱- بقره: ۱۶۶.

۲- شعراء: ۸۸.

۳- معراج: ۴.

۴- مزمل: ۱۷.

۵- المیزان، ج ۸، ص ۱۲، بحار، ج ۸، ص ۲۷۸؛ و کافی، ج ۳، ص ۶۵.

۶- کنز العمال، حدیث ۳۹۹۳۸.

۷- کنز العمال، حدیث ۳۹۹۳۹.

خداوند در قیامت حسابرس اعمال است. **ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ؛** آنگاه حساب و جزای اعمال بد و نیک شان بر ما خواهد بود. (۱)

**وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا؛** خداوند برای حسابرسی و پاداش اعمال همه کافی است. (۲)

**وَ هُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ؛** و او سریعتر از هر محاسبی به حساب خلق رسیدگی می کند. (۳)

**فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ\* فَسَوْفَ يَحْسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا؛** حساب اهل ایمان آسان و سریع خواهد بود. (۴) حساب کفار سخت خواهد بود. **وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيهِ؛** و من هرگز از اعمالم آگاه نمی شدم. (۵)

در روایات اسلامی از لسان نورانی پیامبران و امامان حسابرسی بسیار سفارش شده و مؤرد تأکید قرار گرفته است. پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: «لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحْسِبَ نَفْسَهُ؛ انسان از پرهیزگاران نیست مگر آن که حساب رسی کند». امام علی علیه السلام در این باره فرمودند: «مَنْ حَسَبَ نَفْسَهُ رِبْحٌ وَ مَنْ غَفَلَ خَسْرٌ وَ مَنْ خَافَ أَمِنَ؛ هر کس به حساب نفسش رسد سود برد و هر کس غفلت ورزد زیان و هر کس بترسد در امان است». (۶)

ص: ۱۲۰

۱- غاشیه: ۲۶.

۲- احزاب: ۲۹.

۳- انعام: ۶۲.

۴- انشقاق: ۷ و ۸.

۵- حاقه: ۲۶.

۶- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۷۵؛ و بحار، ج ۷۰، ص ۷۳.

باز حضرت می فرمایند: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَّ عَلَى عُيُوبِهِ وَ أَحَاطَ بِذُنُوبِهِ وَ اسْتَقَالَ الذُّنُوبَ وَ أَصْلَحَ الْعُيُوبَ؛ هر کس به حساب نفس خود رسیدگی کند، بر عیب های خود مطلع می شود و به گناهان خود احاطه پیدا می کند و درصدد بر می آید، تا گناهان خود را از بین ببرد و عیب های خود را اصلاح نماید».(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «حَسِّنْ خُلُقَكَ، يَخَفِّفُ اللَّهُ حِسَابَكَ؛ اخلاق خود را نیکو گردان، خداوند حساب را بر شما آسان می کند».(۲)

شخصی به نام توبه بن صمّه برنامه ی محاسبه نفس داشت. روزی عمر شصت ساله خویش را در تعداد ایام سال ۳۶۵ روز محاسبه کرد و با خود گفت: اگر در هر روز یک گناه می کردم بیش از بیست هزار گناه انجام داده ام. سپس آهی کشید و از دنیا رفت.

کلمه «قبر» در قرآن ذکر شده است: «وَإِذَا الْقُبُورُ بُعِثَتْ؛ و هنگامی که خلائق از قبرها برانگیخته شوند».(۳) در احادیث اسلامی قبر با خصوصیات متفاوت بیان شده است. امام زین العابدین سید الساجدین علیه السلام درباره قبر فرمودند:

«الْقَبْرُ أَمِيَا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّيرانِ؛ روح در عالم برزخ یا در بوستانی از بوستان های بهشت است یا در گودالی از گودال های آتش به سر می برد».(۴)

ص: ۱۲۱

---

۱- غرر الحکم، ۸۹۲۷؛ و یکصد و پنجاه موضوع از قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۳۲.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۳.

۳- انقطاع: ۴.

۴- بحار، ج ۶، ص ۲۱۴.

[این کلام امام تفسیر و تفصیل می خواهد. عمل انسان مثل خون رگها، بسترو وجود انسان را کاملاً احاطه کرده است].

در اصول کافی ج ۳، ص ۲۴۲ از امام صادق علیه السلام حدیث نقل شده است. حضرت فرمودند: در قیامت همه شما شیعیان با شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت هستید. «وَلَكِنِّي وَاللَّهِ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكُمْ فِي الْبَرْزَخِ؛ ولی به خدا سوگند در عالم برزخ از شما ترس دارم».

سعد بن معاذ از یاران پیامبر در مدینه) بود و در جنگ های بدر، احد و خندق شرکت داشت. پیامبر به هنگام مرگ او حضور داشتند. حضرت فرمودند: سوگند به کسی که جانم در دست اوست، هفتاد هزار ملائکه جنازه سعد را تشییع کردند. مادر سعد به کنار قبر آمد و گفت: هَنِيئًا لِمَكَ الْجَنَّةِ يَا سَعْدُ؛ ای سعد بهشت گوارایت باد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به مادر سعد فرمودند: چیزی را به طور جزم بر خدا حکم نکن. «فَإِنَّ سَعْدًا قَدْ أَصَابَتْهُ؛ همانا اکنون فشار قبر سعد را گرفت. از علت آن پرسیدند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فشار قبر به خاطر کج خلقی سعد با خانواده اش بود. «إِنَّهُ كَانَ فِي خُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ سُوءٌ». برزخ به معنای حایل در میان دو چیز است، از اینکه قبر بین دنیا و آخرت قرار دارد، برزخ گفته شده است. در هر جا فاصله و مانع بین دو چیز و یا دو نفر باشد حالت برزخی گفته می شود و در آیه ۲۰ سوره رحمان خدا می فرماید: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ؛ در میان آن دو برزخی است که مانع رسیدن به هم می شود. همان طور که اشاره رفت، حیات برزخی انسان ها متفاوت خواهد بود و طبق حدیث از محضر مبارک

پیامبر صلی الله علیه و آله ثواب اعمال مانند خیرات و نذورات برای اموات در خانه قبر که برزخ گفته شده است نصیب می گردد و سه عمل بعد از مرگ انسان همچنان تداوم خواهد داشت: اعمال خیر خود انسان مانند کتاب مفید و ساختن مسجد و خیرات بازماندگان به نیت میت و اعمال خیر فرزندان برای قیامت مثل قرائت قرآن و...

درباره برزخ به احادیثی اشاره خواهیم کرد:

وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ (۱) و پشت سر آنها برزخی است تا روزی که برانگیخته می شوند.

حیات برزخی با دلایل عقلی و [آیات و روایات] و عقلی برای آحاد افراد بشر به اثبات رسیده است ولی گفتار قرآن و احادیث فقط برای اهل تقوا مؤثر است، سوره آل عمران / ۱۶۹ و ۱۷۰، بقره / ۱۵۴، مؤمن / ۴۶ و ۴۷، نوح / ۲۵، یس / ۲۶ و ۲۷، روم / ۵۵ مسأله عالم برزخ را مورد بحث قرار داده، با تأویل و تفسیر انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام این قضیه را تشریح نمودند. مطالب و آیات متفاوت ولی در موضوع واحد خواهد بود؛ چون برخی آیات احوال اهل بهشت و برخی آیات احوال اهل جهنم را بیان می کنند و از مجموع آیات درباره عالم برزخ استفاده می شود که میان دنیا و آخرت عالم برزخ قرار دارد. تربیت و تقویت مؤمنین در عالم برزخ [طبق بیان احادیث وجود دارد].

ارتباط برزخیان با دنیا یک اصل مسلم و مورد تأیید احادیث می باشد.

ص: ۱۲۳

۱- پیامبر بعد از جنگ بدر به اجساد کشتگان مشرکان مکه فرمودند: يَا أَهْلَ الْقَتِيلِ هَلْ وَحَدَّثْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا؟ فَإِنِّي وَجَدْتُ مَا وَعَدَنِي رَبِّي حَقًّا؟ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَلْ يَسْمَعُونَ؟ قَالَ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعٍ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ وَلَكِنَّ الْيَوْمَ لَا يَجِئُونَ؛ ای کشته های در چاه بدر) آیا آنچه را که پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟ من که وعده پروردگرم را در مورد پیروزی حق یافتم. گروهی عرض کردند: ای رسول خدا! آیا آنها می شنوند؟ حضرت فرمودند: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعٍ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ غَيْرَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ جَوَابًا؛ (۱) حضرت صلی الله علیه وآله فرمودند: سوگند به کسی که جانم به دست اوست، شما نسبت به آنچه

می گویم از آنها شنواتر نیستید، آنها نمی توانند پاسخی بگویند.

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند: «الْبِرْزَخُ الْقَبْرِيُّ وَهُوَ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ برزخ همان عالم قبراست و ثواب و عقابی در میان دنیا و آخرت قبر) وجود دارد.

۳- باز حضرت فرمودند: «إِنَّ الْمَيِّتَ يَفْرَحُ بِالتَّرْحِمِ عَلَيْهِ وَ الِاسْتِغْفَارِ لَهُ كَمَا يَفْرَحُ الْحَيُّ بِالْهَدْيَةِ؛ (۲) میت به خاطر طلب رحمت و استغفار برای او خوشحال می شود، همان طور که افراد زنده با هدایا خوشحال می شوند».

۴- پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: «إِنَّ هِدَايَا الْأَحْيَاءِ لِأَمْوَاتٍ، أَلَدْعَاءُ وَالِاسْتِغْفَارِ؛ (۳) هدایای زنده گان برای مردگان دعاء و استغفار است».

ص: ۱۲۴

---

۱- تفسیر پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۵۷، به نقل از کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۷۷، حدیث ۲۹۸۷۶.

۲- محجّه البيضاء، ج ۸، ص ۲۹۲.

۳- محجّه البيضاء، ج ۸، ص ۲۹۲.

۵- باز امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَنْكَرَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ فَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا: الْمِعْرَاجَ وَ الْمَسْأَلَةَ فِي الْقَبْرِ وَ الشَّفَاعَةَ؛(۱) کسی که سه چیز را انکار کند از شیعیان ما نیست؛ معراج، سؤال قبر و شفاعت.

تحلیل: در زمان همه پیامبران و به خصوص در زمان پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام مثل زمان ما منکرین معراج، منکرین سؤال و جواب قبر و شفاعت طغیان می کردند و برخی افراد ناباب ادعای پیامبری می نمودند. برای آنکه مخالفین علیه سفیران الهی مقاومت کنند، از روش ها و حربه های مختلف استفاده می نمودند و گاهی برای انحراف مردم از سحر و جادو و به ظاهر از توسل، عرفان و دعای ساختگی استفاده می کردند و از معجزات پیامبران به عنوان سحر و جادو یاد می کردند و منکر ارزش های مبلغین احکام الهی می شدند. با توجه به اصل معراج، سؤال قبر و مسأله شفاعت امام علیه السلام این سه مسأله بنیادی و اعتقادی را از ویژگی های پیروان ائمه معصومین علیهم السلام دانستند و مخالفین این سه رکن دینی و اعتقادی را خارج از معتقدین و پیروان پیامبر صلی الله علیه وآله و خاندان مطهرش بیان فرمودند.

۷- پیامبر بعد از جنگ اُحُد به شهداء احد اشاره نمودند و خطاب کردند: أَيُّهَا النَّاسُ زُورُواهُمْ وَ اتُّوهُمْ وَسَيَلُّمُوا عَلَيْهِمْ فَوَلَدِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَسَلُّمُ عَلَيْهِمْ مُسَلِّمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا رَدُّوا عَلَيْهِ السَّلَامَ؛(۲) ای مردم آنها شهدا را زیارت کنید و به سراغ آنها روید و سلام بر آنها بفرستید، سوگند به

ص: ۱۲۵

---

۱- پیام قرآن، به نقل از بحار، ج ۶، ص ۲۲۳.

۲- تفسیر پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۶۰، به نقل از کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۸۲، ح ۲۹۸۹۶.

کسی که جانم در دست اوست هر مسلمانی تا روز قیامت سلام نمی فرستد، مگر آن که شهداء سلام او را پاسخ می گویند.

در کتب حدیثی به همین مضمون روایات معتبر و فراوان بیان شده است. از احادیث روشن می شود که زیارت اهل قبور یک اصل مسلم می باشد. آنهایی که زیارت اهل قبور و شفاعت را انکار می کنند از منابع وحیانی و احادیث اسلامی اطلاعی ندارند و یا از روی عناد و دشمنی با مکتب اسلام مبارزه می کنند.

علی فرض محال اگر سؤال قبر، عالم برزخ و شفاعت وجود نمی داشت، زمینه قیامت کبری چگونه تحقق پیدا می کرد؟ و فرق اهل ایمان با مخالفین دین خدا چه بود؟ و دعوت ۱۲۴ هزار پیامبر چه معنایی داشت و ادامه راهشان مورد تأکید قرار می گرفت؟

روایاتی که از فشار قبر سخن می گویند و روایاتی که نتیجه اعمال انسان را به تصویر می کشند و روایاتی که از تماس و ارتباط با ارواح با بازماندگان آنها سخن می گویند و روایاتی که از معراج و تماس پیامبر صلی الله علیه و آله با انبیاء صلی الله علیه و آله سخن می گویند، همه اینها گواه و شاهد بر وجود عالم برزخ است و بدون وجود عالم برزخ تبیین تمام روایات مزبور، نامفهوم و ابتر خواهد ماند. علی رغم آیات و روایات، مسأله برزخ از طُرُق عقلی و حسی نیز قابل اثبات است و تمام دلایلی که از وجود و بقای روح مستقل از بدن خبر می دهد، دلیل بر وجود عالم برزخ است. طبق بیان ادله روح انسان با مرگ بدن فانی نمی گردد. چرا؟ چون از عوارض جسم نیست که با فنای



جسم از بین برود. روح یک موجود مستقل و مجرد است و در جهان خارج از بدن هجران و سیر و سلوک می نماید. کما اینکه در خوابها این قضیه انکارناپذیر است. در عالم خواب، روح کارهای خودش را انجام می دهد و دوباره به بدن باز می گردد. طبق بیان اخبار در بحار و دیگر منابع روایی تشبیه عالم برزخ به حالت خواب و رؤیا، گویای جدایی روح و استقلال آن از بدن است.

روایات معتبر می گویند: به هنگام احتضار و جان دادن مردم، امامان و پیامبر صلی الله علیه و آله بر بالین هر کس حاضر می شوند [قبلاً به این مطلب اشاره شد].

از روایات درباره جسم مثالی مطالب متفاوت بدست می آید. در بحار و فروع کافی در این باره روایات فراوان بیان شده است. به برخی از این روایات اشاره می کنیم.

۱- امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِذَا قَبَضَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ صَيَّرَ تِلْكَ الرُّوحَ فِي قَالِبِ كَقَالِبِهِ فِي الدُّنْيَا؛ (۱) هنگامی که خداوند قبض روح می کند مؤمن را، روح او را در قلبی همچون قلب دنیا قرار می دهد.

همان امام همام در حدیثی دیگر فرمودند: مؤمنان در حجره هایی از بهشت، از طعام و شراب آن مُتَنَعَم می شوند و می گویند: پروردگارا قیامت را برای ما برپا کن و وعده هایی را که به ما داده ای وفا نما. (۲)

منظور از بهشت در اینجا بهشت برزخی است که در مرحله ای بسیار

ص: ۱۲۷

---

۱- فروع کافی، ج ۳، ص ۲۴۴، باب آخر فی ارواح المؤمنین، حدیث ۱.

۲- فروع کافی، ج ۳، ص ۲۴، حدیث ۶.

پایین تر از بهشت قیامت قرار دارد. قرآن از عالم برزخ به تفصیل سخن نگفته، کما اینکه سیره قرآن بیان اصول کلی در تمام امور دنیا و آخرت می باشد و جزئیات را مبلغان قرآن بیان می کنند.

درباره زندگانی عالم برزخ مطالبی بیان شد و اینک حدیثی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام راجع به زیارت قبر مؤمن می خوانیم که همان زیارت اهل قبور مشهور باشد.

۹- امام رضا علیه السلام فرمودند: «مَامِنْ عَبِيدٍ زَارَ قَبْرِ مُؤْمِنٍ، فَقَرَّ عَلَيْهِ، إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِصَاحِبِ الْقَبْرِ؛ (۱) هیچ مؤمنی نیست که زیارت قبر مؤمنی کند و هفت مرتبه انا انزلنا را بخواند، مگر اینکه خدا او و صاحب قبر را می آمرزد.

اسلام یک دین جامع و کامل در همه زمینه ها و امور دنیوی و اخروی می باشد و تمام امر اعتقادی و آخرتی با دلیل و

برهان قاطع برای عموم بشر بیان شده، ولی تنها اهل ایمان و متقین از هدایت و عنایت قرآن بهره مند می شوند. مسأله نفخ صور مثل دیگر امور اعتقادی از طرف قرآن و روایات مورد تأکید قرار گرفته است. به برخی آیات و روایات اشاره خواهیم کرد. از آیات مورد نظر استفاده می شود که دو مرتبه نفخ در صور دمیده می گردد. یک مرتبه در پایان جهان با دمیدن نفخ صور همه خلایق می میرند و از این نفخه به نفخه مرگ و پایان دادن به جهان می توان یاد کرد. در مرتبه دوم با دمیدن نفخ صور، روز رستاخیز آغاز خواهد شد، در این نفخه همه مردگان

ص: ۱۲۸

---

۱- محجه البیضاء، ج ۸، ص ۲۹۰؛ پیام قرآن، ج ۵، ص ۴۷۲.

زنده می شوند. از این نفخه به عنوان نفخه حیات بعد از مرگ می توان یاد کرد. درباره این دو تحوّل عظیم شش تعبیر در قرآن آمده است: نفخ صور، صیحه، نُفِرَ فِي النَّاقُورِ، صاخه، قارعه و گاهی از آن به زجره تعبیر شده است.

### نفخه صور در قرآن

۱- وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَبَقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ؛ (۱) و صیحه صور اسرافیل دمیده شود. جز آنکه خدا بقای او را خواسته دیگر هر که در آسمانها و زمین است همه یکسر مدهوش مرگ شوند.

۲- وَ يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَفَرَعَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ...؛ (۲) روزی را که در صور دمیده شود آن روز هر کس در آسمانها و زمین است جز آن را که خدا خواسته همه ترسان و هراسان باشند.

۳- وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَأَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ؛ (۳) و چون در صور دمیده شود به ناگاه همه از قبرها به سوی خدای خود به سرعت می شتابند.

۴- فَأَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفَخَهُ وَاحِدَةً؛ (۴) باز به یاد آر چون در صور یکبار بدمند.

ص: ۱۲۹

۱- زمر: ۶۸.

۲- نمل: ۸۷.

۳- یس: ۵۱.

۴- حاقه: ۱۳.

۵- فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ...؛(۱) پس آنگاه که نفخه صور قیامت دمید دیگر نسب و خویشی در میانشان نماند.

۶- وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا؛(۲) و نفخه صور دمیده شود و همه خلق در صحرای محشر جمع شوند.

۷- يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ وَ نَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا؛(۳) روزی که نفخ صور دمیده شود آن روز بدکاران ازرق چشم محشر خواهند شد.

۸- يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا؛(۴) آن روزی که در صور دمیده شود مردگان زنده شوند، به محشر در آیند.

۹- وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ؛(۵) و آنگاه در صور بدمند، اینست روز وعده گاه خلق.

۱۰- إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً...؛(۶) و جز یک صیحه یک لحظه بیشتر) نباشد.

۱۱- فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ؛(۷) آنگاه که صور اسرافیل رابدمند.

۱۲- فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَةُ \* يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ؛(۸) آن گاه که

ص: ۱۳۰

۱- مؤمنون: ۱۰۱.

۲- . کهف: ۹۹.

۳- طه: ۱۰۲.

۴- نباء: ۱۸.

۵- ق: ۲۰.

۶- یس: ۵۳.

۷- مدثر: ۸.

۸- عبس: ۳۳ و ۳۴.

صدای بلند به گوش همه خلق برسد. آن روز هر کس از برادرش بگریزد.

۱۳- الْقَارِعَةُ \* مَا الْقَارِعَةُ؟ (۱) و...؛ قارعه چیست؟ همان روز وحشت و اضطراب.

۱۴- فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ...؛ (۲) تنها به یک صیحه اسرافیل همه زنده شوند.

با توجه به شش عنوان مختلف از نفخ صور در قرآن، اینک به تفسیر آیات یاد شده می پردازیم. در نخستین آیه، به نفخ صور اول و دوم اشاره شده و این تنها آیه ای است که هر دو صور در آن جمع شده است. مفهوم و پیام آیه مرگ ناگهانی است که اهل آسمانها و زمین را بر اثر نفخ صور فرا می گیرد. (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ)

در آیه دوم تنها اشاره به نفخ صور دوم شده است، تفسیر و پیام این آیه مثل آیه اول است. با این تفاوت که آیه اول هر دو صور را بیان می کند.

آیه سوم به نفخه دوم، نفخه رستاخیز نظر دارد. مفسران تصریح کرده اند که این آیه ناظر به نفخه دوم است و ذیل آیه و آیات بعد از آن نیز گواه این معنی است. (۳)

آیه چهارم به نفخ اول و مرگ انسان ها و فنای جهان نظر دارد. در بسیاری از آیات حوادث پایان جهان و رستاخیز پشت سر یکدیگر قرار گرفته اند. حوادث این دو نفخه گاهی همراه هم ذکر می شود که باید به

ص: ۱۳۱

۱- قارعه: ۱ و ۲.

۲- صافات: ۱۹.

۳- تفسیر پیام قرآن، ج ۶، ص ۵۴.

وسيلة قرائن از هم شناخته شود. (۱).

آیه پنجم به وضوح درباره نفخه دوم اشاره دارد و سخن از بی اثر بودن رابطه های خویشاوندی به هنگام نفخه صور و قیامت است.

آیه ششم و هفتم باز سخن از نفخه دوم می گوید.

آیه هشتم روز قیامت و نفخ صور و عذاب مجرمان را بیان می کند.

در آیه ۹ و ۱۰ باز نفخه دوم - نفخ حیات و رستاخیز مطرح شده است. در یک مورد روز قیامت، روزی بیان شده که در صور دمیده می شود و فوج فوج مردم وارد محشر می شوند. (فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا) و در مورد دیگر می فرماید: (وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ) فوج فوج بودن مردم در آن روز احتمالاتی دارد.

الف- ممکن است گروهی با رهبرشان اعم از پیامبران و یا غیر آنها وارد محشر شوند.

ب- هر دسته ای از مجرمان که گناه خاص دارند با هم وارد محشر شوند.

ث- هر امتی با پیامبرش وارد صحنه محشر شوند. این تعبیر منافاتی با آیه ۹۵ سوره مریم ندارد: (وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا؛ هریک از آنها به صورت تنها، در قیامت به پیشگاه خداوند می آیند).

قیامت مواقف و مراحلی دارد. ممکن است در آغاز فوج فوج وارد محشر شوند، سپس فرد فرد در دادگاه عدل الهی حضور یابند و مجرمین به

ص: ۱۳۲

۱- برگرفته از پیام قرآن، ج ۶، ص ۵۶.

صورت جمعی و یا انفرادی مورد محاکمه قرار گیرند.

در آیه یازدهم به تعبیر تازه ای روبه رو می شویم و آن «نَقْر» است. می فرماید: هنگامی که در ناقور کوبیده شود، آن روز، روز سختی است. نَقْر به گفته اهل لغت در اصل به معنی کوبیدن چیزی است، این واژه به معنای ایجاد صدا در شیپور آمده و گروهی آیه را مستقیماً به معنی نفخ در صور تفسیر کرده اند.<sup>(۱)</sup>

به گواهی آیاتی که بعد از آن قرار دارد این آیه به نفخ دوم اشاره دارد.

در آیه دوازدهم باز تعبیر جدیدی به عنوان صَاخَه مطرح شده. صاخه صدای مهیبی است که به گفته اهل لغت، گوش را کر می کند. بعضی از مفسران آن را به معنی کوبیدن سر انسانی به سنگ و بعضی به معنی استماع و گوش فرا دادن به چیزی تفسیر کرده اند.<sup>(۲)</sup>

در آیه سیزدهم تعبیر دیگری از مسأله نفخ صور شده است. می فرماید: قارعه آن حادثه کوبنده است. چه حادثه ای؟! تو چه می دانی که آن حادثه کوبنده چیست؟ روزی که مردم مانند پروانه ها پراکنده به هر طرف می روند و کوهها مانند پشم حلاجی شده در فضا پراکند می گردد.

گروهی از مفسرین گفتند: قارعه یکی از نامهای قیامت است. حوادثی که در آن رخ می دهد کوبنده است و بعضی مفسرین تصریح کرده اند که این تعبیر بر مجموعه حوادث

قیامت که از نفخ صور اول شروع می گردد و پایان

ص: ۱۳۳

---

۱- مجمع البیان، تفسیر روح المعانی، روح البیان، تفسیر کبیر، تفسیر قرطبی و پیام قرآن، ج ۶، ص ۶۳، ذیل آیه مورد بحث مراجعه شود.

۲- تفسیر مجمع، ج ۱۰، ص ۴۴۰؛ و تفسیر کبیر، ج ۳۱، ص ۶۳.

آن خاتمه داوری خداوند سبحان دربارهٔ بندگان است اطلاق شده است. (۱)

در آیهٔ چهاردهم آخرین آیه مورد بحث عظیم شده است. این آیه در پاسخ به کسانی که پیوسته از حیات بعد از مرگ اظهار تعجب می‌کردند می‌فرماید: تعجب نکنید این کار مشکلی نیست، تنها یک صیحه عظیم واقع می‌شود، ناگهان همه از قبرها بر می‌خیزند.

ظاهر آیه به وضوح نشان می‌دهد که به نفخ حیات اشاره دارد. انسان‌ها از قبور برمی‌خیزند و آمادهٔ حساب و کتاب می‌شوند. اکثر مفسران به همین نکته اشاره کرده‌اند.

از مجموع ۱۴ آیه دربارهٔ پایان و آغاز جهان استفاده می‌شود که به صورت ناگهانی صیحه عظیم رخ می‌دهد. گرچه تعابیر متفاوت است ولی پیامها و تفسیرهای همه

آیات چهارده گانه در موضوع نفخ صور اول و دوم خلاصه و نتیجه‌گیری می‌شود. اگر ابهام کلی وجود دارد قابل حل نیست؛ چون اسرار جهان دیگر از قدرت تحلیل و درک ساکنان دنیا خارج و بعید است.

توضیح مطلب: نَفَخَ به معنی دمیدن و صُور به گفته اهل لغت به معنی شیپور است و نفخ صور در قرآن فقط جهت پایان دادن به جهان و قیام محشر کبری ذکر شده است. فاصله میان نفخه‌ها به صورت اجمالی از آیات قرآن فهمیده و استفاده می‌شود که نفخ مرگ از طرف اسرافیل و نفخ حیات

ص: ۱۳۴



از سوی خود خداوند انجام می شود. (۱)

فاصله میان دو نفخ در آیه ۶۸ سوره زمر به صورت اجمال با تَمَّ مطرح شده است، ولی طبق بعضی از روایات این فاصله چهل سال است.

از حدیث «إِنَّ مَا بَيْنَ النَّفْخَتَيْنِ أَرْبَعُونَ سَنَةً» (۲) استفاده نمی شود که مراد سال دنیا است یا سال آخرت، که هر روز آن معادل ۵۰ هزار سال دنیا است. در این فاصله دگرگونی هایی بی مانند در عالم واقع می گردد.

در روایتی از امام علی بن الحسین علیه السلام نقل شده است که در صیحه اول همه جز اسرافیل از جهان می رود. از جهت تربیتی و عقیده این گونه مسائل، انسان را آماده و آگاه می کند.

نفخه اول، این حقیقت را بیان می کند که در جهان هستی غیر از ذات لامتنهای حضرت احدیت و اسرافیل کسی باقی نمی ماند و با یک نفخه فراگیر و عظیم همه خلاص می گردند و با یک بانگ عظیم و فراگیر دیگر همه زنده می شوند.

هدف از بیان نفخه صور و مسائل اخروی، هشدار به انسان هاست که زندگانی و جهان را دائم ندانند و گرفتار غفلت و غرور نشوند.

روایتی از امام علی بن الحسین علیه السلام نقل شده که امام بعد از سخنانی درباره نفخ صور گریه می کنند. «رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَبْكِي عِنْدَ ذَلِكَ بُكَاءً شَدِيداً». راوی می گوید: امام را دیدم که شدیداً گریه می کند و از

ص: ۱۳۵

---

۱- لغت نامه دهخدا، ماده اسرافیل؛ و تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۰۲، ح ۱۱۶.

۲- این روایت در تفسیر پیام قرآن، ج ۶، ص ۷۲ آمده و به معصوم خاصی اشاره نشده است.

مسأله پایان ناگهانی دنیا و حضور در پیشگاه خداوند نگران است. (۱) امام با اعمال شان حقایق را مجسم می کردند.

خلاصه مطلب این است که دفتر جهان خاکی بسته و کتاب جهان باقی، باز خواهد شد و در آن کتاب از اول تا پایان زندگانی دنیا همه چیز مکتوب خواهد بود. مجموعه ی آن کتاب به دو بخش خلاصه می شود. قسمت اول پرونده اعمال انسان های مؤمن از اول تا پایان جهان و قسمت دوم، پرونده و اعمال بد انسان های غیر مؤمن و غیر مسلم را نشان خواهد داد. حال ضروری به نظرمی رسد که اشاره ای به این کتاب به عنوان حاوی اعمال همگان داشته باشیم و به این مکتوب قرآنی از لسان وحی توجه نماییم.

در قرآن کریم بحث مفصل درباره اعمال مطرح شده است. در بسیاری از آیات مربوطه تعبیر به کتاب و در بعضی دیگر تعبیر به زُبر [جمع زبور که مفهوم آن نزدیک به کتاب است] شده است. در برخی موارد سخن از طائر به میان آمده، که با این تعبیر قرآن پرنده نیک بختی و بدبختی را همان نامه اعمال دانسته و در بعضی موارد تنها سخن از نویسندگان نامه اعمال آمده است و تعبیر به رقیب و عتید [دو فرشته الهی] یا کراماً کاتبین تبیین شده است. با این اشاره لازم است به محضر قرآن بازگردیم و از این قانون ابدی و الهی استفاده نماییم.

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ

ص: ۱۳۶

---

۱- تفسیر علی بن ابراهیم، ذیل آیه ۶۸ زمر، ج ۲، ص ۲۵۲؛ و بحار، ج ۶، ص ۳۲۴.

فی امام مُبیین؛ (۱) ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه از پیش فرستاده اند و تمام آثار آنها را می نویسیم و همه چیز را در کتاب احصاء کرده ایم.

وُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَاحِبَهُ وَلَا كَبِيرَهُ إِلَّا أَحْصَاهَا؛ (۲) و کتاب [نامه اعمال همه انسان ها] در آن روز گذارده می شود، اما گنهکاران را می بینی که از آنچه در آن است ترسان و متوحش اند و می گویند وای بر ما، این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی نیست مگر اینکه آن را شمارش کرده است.

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ؛ (۳) آنها چنین می پندارند که ما اسرار پنهانی و سخنان در گوشی آنها را نمی شنویم. آری رسولان ما نزد آنها هستند و می نویسند.

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِئَةٍ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا؛ (۴) در آن روز هر امتی را می بینی که از شدت ترس و وحشت بر زانو نشسته و هر امتی به سوی کتابش خوانده می شود. این کتاب ماست که به حق با شما سخن می گوید و اعمال شما را بازگو می کند ما آنچه را انجام می دادید می نویسیم.

وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلْمَنَّا طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ

ص: ۱۳۷

۱- یس: ۱۲.

۲- کهف: ۴۹.

۳- زخرف: ۸۰.

۴- جاثیه: ۲۸ و ۲۹.

مَنْشُورًا \* اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا؛ (۱) و در روز قیامت کتابی که نامه اعمال اوست بر او بیرون آوریم، در حالی که این نامه چنان باز باشد که تمام اوراق آن را یک مرتبه ملاحظه کند.\* و به او خطاب رسد که خود بخوان کتاب اعمال را و بنگر که در دنیا چه کرده ای که تنها خود برای رسیدگی به حسابت کافی هستی.

وَ كُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ \* وَ كُلُّ صَاحِبٍ وَ كَبِيرٍ مُّسْتَتِرٍ؛ (۲) و هر عملی کردند در کتب نامه اعمالشان ثبت شد\* و هر امر کوچک و بزرگ آنجا نگاشته است.

وَ كُلُّ شَيْءٍ اَخْصَيْنَاهُ كِتَابًا؛ (۳) و حال آنکه حساب هر چیزی را ما در کتابی به احصاء و شمارش درآورده ایم.

وَ اِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ \* كِرَامًا كَاتِبِينَ \* يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ؛ (۴) و البته نگهبانان با مراقبت از احوال شما مأمورند، آنها نویسندگان اعمال شما و فرشته مقرب خداوند\* و آنچه شما انجام می دهید می دانند.

وَ اِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ؛ (۵) و هنگامی که نامه اعمال خلق گشوده شود.

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ اِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ؛ (۶)

سخنی بر زبان نیاورده جز آن که همان دم رقیب و عتید آماده اند.

ص: ۱۳۸

---

۱- اسرا: ۱۳ و ۱۴.

۲- قمر: ۵۲ و ۵۳.

۳- نبأ: ۲۹.

۴- انفطار: ۱۰ و ۱۱ و ۱۲.

۵- تکویر: ۱۰.

۶- ق: ۱۸.

در آیه اول سخن از حیات بعد از مرگ و نامه اعمال است، همه اعمال یک عمر انسان در دنیا یک جا در آن نامه نوشته شده و از آن به امام مبین تعبیر شده است. می فرماید ماییم که مردگان را زنده می کنیم و همه چیز را در کتاب مبین احصاء و شمارش کرده ایم. درباره ماقدموا چند تفسیر و نظریه ارائه شده است.

الف- ماقدموا اشاره به اعمالی دارد که انسان انجام می دهد. «آثارهم» اشاره به سنت هایی دارد که از انسان باقی مانده یا آثار خیر و صدقات جاریه مراد است.

ب- بعضی گفتند: منظور از «ماقدموا» نیات است که قبل از عمل حاصل می شود و آثارهم اشاره به اعمال اوست که بعد از آن صورت می گیرد.

ث- بعضی گفتند: ماقدموا، اشاره به اعمال خوب و بد و «آثارهم» اشاره به قدم هایی است که انسان برای انجام اعمال بر می دارد.

ج- حدیثی راجع به شأن نزول این آیه آمده که گروهی از انصار طائفه بنی سلمه از مسجد دور بودند و به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله درباره نماز جماعت شکایت داشتند. این آیه نازل شد و به آنها نوید و امید داد که هر گامی که بر می دارند ثبت می شود. (۱)

خ- منظور از «امام مبین» به نظر اکثر مفسران لوح محفوظ است که همه

ص: ۱۳۹

---

۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۱۸؛ تفسیر فخر رازی، ج ۲۶، ص ۶۹.

حقایق جهان هستی در آن ثبت است، از این تعبیر فهمیده می شود که به غیر از نامه اعمال، عمل مخصوص هر نفر، یک نامه عمل کلی وجود دارد که به منزله دفتر و کتاب کُلّی نسبت به اعمال همه انسان هاست. تعبیر به مبین اشاره به لوح محفوظ و نامه اعمال نسبت به همه کارها و امت هاست، چیزی از اعمال نیک و بد را فرو گذار نکرده است. (۱)

ذ- در روایات فراوان منظور از «امام مبین»، امام معصوم گفته شده اند.

در تفسیر علی بن ابراهیم از امام علی علیه السلام می خوانیم که فرمودند: «أَنَا وَاللَّهِ الْأَمَامُ الْمُبِينُ! أَيْبُنُ الْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ وَوَرِثَتُهُ مِنَ رَسُولِ اللَّهِ» (۲) به خدا سوگند، منم امام مبین که حق را از باطل جدا می سازم و آن را به ارث از رسول خدا گرفته ام.

با توجه به معنای وسیع «امام مبین»، جمع بین تفسیرها ممکن است، ظاهر آن به نامه اعمال همه بشر و باطن آن به امام معصوم علیه السلام که عالم به علوم پیامبر است اشاره دارد. «وُضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ» در آیه دوم با صراحت بیشتری روز قیامت، کتاب و اعمال انسان ها مورد اشاره قرار گرفته و سه نوع نامه اعمال از آیات به وضوح استفاده می شود که هر سه احتمال در تفسیر این آیه ممکن است. گرچه کلمه کتاب مفرد آمده و اشاره به نامه عمل عمومی انسان ها دارد. از آیه استفاده می شود چنان جزئیات اعمال انسان ها و کارهای خوب و بد و کوچک و بزرگ در این

ص: ۱۴۰

---

۱- درباره لوح محفوظ در جلد ۲۶ تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۲ سوره بروج، ص ۳۵۳ بحث کرده اند.

۲- پیام قرآن، ج ۶، ص ۸۲، به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۲، ص ۲۱۲.

نامه عمل مکتوب شده که بدکاران به وحشت می افتند. «لا- یغادر» از ماده غدر به معنی ترک کردن است. بنابر این مفهوم چیزی فروگذار نشده و تمام اعمال ثبت گردیده، پیمان شکنی را غدر می گویند به خاطر ترک وفای به آن.

آیه سوم: از نوشتن و کتابت رسولان خداوند سخن گفته شده، می فرماید: آنها انسان ها) گمان می کنند ما اسرار نهانی و صحبت درگوشی آنها را نمی شنویم. آری می شنویم و رسولان ما نزد آنها حاضرند و همه را می نویسند.

«أَمْ يَحْسِبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ» خداوند در حقیقت فرشتگان را مجریان امور قرار داده و آنها به دستور خداوند کارها را انجام می دهند.

تعبیر به رُئیل جمع رسول) در آیه گویای این مطلب است که در نزد هر انسان ممکن است یک یا دو فرشته حاضر باشند و نسبت به عموم بشر جمع مطرح شده است.

در آیه چهارم: باز مسأله ثبت اعمال به خداوند سبحان نسبت داده شده و از طرفی از آیه استفاده می شود که نامه اعمال در روز قیامت سخن می گوید. آیه می فرماید: در آن روز امتی را می بینی که از شدت وحشت زانو زده اند و هر امتی به کتاب اعمال) خویش فراخوانده می شود و به آنها می گویند: امروز جزای آنچه را که

انجام می دادید به شما خواهند داد.

این نوشته ماست که با شما سخن می گوید. آری آنچه انجام می دادید ما می نوشتیم «وَتَرَى كُلُّ أُمَّةٍ جَائِئَةً \* كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا» تعبیر تدعی

بیان گر آن است که از انسان ها دعوت می شوند که نامه اعمال خود را بخوانند و خود حسابرس خویش باشند کما اینکه در سوره اسرا آیه ۱۴ با صراحت این مطلب ذکر شده است.

جائیه از ماده جُتُو به معنی نشستن بر سر زانو است این حالت برای اهل محشر گویای آن است که به خاطر شدت گرفتاری همگی به زانو در می آیند و کسی راحت و آرام نمی باشد مگر مؤمنین.

باز در این آیه نوشتن نامه اعمال به خداوند نسبت داده شده، با این نسبت دادن هرگونه تردید و بی عدالتی و شک در ثبت ریز و درشت

اعمال منتفی خواهد بود. غفلت، خطا و بی عدالتی در ذات لامنتهای خداوند محال و خارج از تصور عقل و نقل می باشد.

در آیه پنجم به تعبیر طائر پرنده) برخورد می کنیم می فرماید: طائر هر انسانی را برگردنش قرار داده ایم، روز قیامت کتابی برای او می آوریم که آن رادر برابر خود می بیند به او می گوئیم کتابت را بخوان کافی است که امروز خود حسابگر خویش باشی. « وَ كُلُّ إِنْسَانٍ لَّزِمْنَاهُ طَائِرَهُ ». طائر به عمل، مناسب تر از نامه اعمال تفسیر شده است. نامه عمل جداگانه ذکر شده است. طائر در فارسی همان بخت است عرب حرکت بعضی پرندگان را در هنگام مسافرت نشانه خوشبختی و بعضی را نشان بدبختی می دانستند. قرآن از یک فکر خرافی و پنداری، یک واقعیت عینی را ارائه نموده و حق را در این قالب تبیین کرده است. (۱)

ص: ۱۴۲

---

۱- با استفاده از تفسیر پیام قرآن، ج ۶، ص ۸۶، و به نقل از تفسیر کبیر، ج ۲۰، ص ۱۶۷.



از یک طرف نامه اعمال انسان مایه عزت و آبروی پاکان و مؤمنان خواهد بود و از طرفی تمام جنایات کفار و منافقین را نمایش خواهد داد.

آیه ششم: واژه زُبُر جمع زبور) به معنی کتاب بیان شده است. تمام اعمال در آن زُبُر ثبت است. از این تعبیر طبق معنی لغوی استفاده می شود که زبور کتابی معمولی نیست بلکه عظمت خطوط و بزرگی در آن شرط است. این تعبیر در نامه اعمال بیانگر اهمیت و استحکام نامه اعمال است. تعبیر به صغیر و کبیر و مقدم آوردن صغیر بر کبیر در این آیه و در چند جای دیگر قرآن درباره نامه اعمال، بیانگر این مطلب است که هیچ گونه استثنایی در ثبت اعمال و گفتار ثبت شده در مورد هیچ عمل و هیچ کس وجود ندارد. (۱)

آیه هفتم: بعد از آن که درباره کافران می فرماید آنها هرگز امید حساب اعمال در روز قیامت ندارند و آیات الهی را تکذیب می کنند. آیه میفرماید: این در حالی است که ما همه چیز را قطعاً احصاء کرده و می نویسیم. «و کُلُّ شَیْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا»

أَحْصَيْنَاهُ از ماده احصاء در اصل از حصی) به معنی سنگریزه است. در گذشته برای شمارش اشیاء از سنگ دانه ها استفاده می کردند؛ لذا احصاء به معنای شمارش و حساب به کار رفته است. بعضی از مفسرین گفته اند: مفهوم آن در اینجا با کتاب و نوشتن یکی است و به همین جهت کتاباً را مفعول مطلق أَحْصَيْنَاهُ گفته اند. در حالی که مفهوم مطلق باید از مصدر همان

ص: ۱۴۳

---

۱- با استفاده از پیام قرآن به آیه ۱۲۱ سوره توبه و ۴۹ سوره کهف توجه شود.

فعلی باشد که پیش از آن است.

مجموعه آیات و روایاتی که اعمال انسان را بیان کرده به دو نتیجه گیری و سرنوشت بحث را به پایان رسانده و دیگر چیزی به عنوان نامه اعمال امت ها و افراد خارج از این دو سرنوشت مطرح نخواهد بود.

در سوره مطففین از آیات ۷ تا ۹ و ۱۸ تا ۲۱ کتاب فجّار به عنوان سجّین و کتاب ابرار به عنوان لفی علیین مطرح شده است.

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِّينٍ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِّينٌ \* كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيّينَ وَمَا أَدْرَاكَ عَلِيّونَ...؛ مسلماً نامه اعمال فاجران در سجّین است و تو چه میدانی سجّین چیست؟\* نامه اعمال نیکان در علیین است و تو چه می دانی علیین چیست؟ دو نکته مهم در آیه کلمه سجّین و علیین است که نامه اعمال بدان و نیکان در آن نگهداری می شود.

سجّین صیغه مبالغه و حاوی نامه اعمال همه انسان های فاجر و کافر است به عبارت دیگر سجّین کتاب جامع و در بردارنده همه اعمال و رفتار فجّار و کفّار می باشد. علیین جمع علی) از علو و بلندی گرفته شده و اشاره به مکان های بلند دارد. جمعی از مفسّرین در اینجا علیین را به معنی برترین مکان بهشت و یا برترین مکان آسمانی گفته اند ولی با توجه به معنی سجّین، علیین به معنای دیوان بزرگی است که نامه اعمال نیکان و مؤمنان را در آن کامل جمع کرده اند. (۱)

آیه هشتم: رقیب و عتید به عنوان دو فرشته الهی بیان شده است. آیا

ص: ۱۴۴

۱- علیین جمع مذکر عاقل و سجّین مفرد می باشد.

این دوفرشته یکی مراقب و دیگری آماده ضبط و ثبت و نوشتن هستند و یا هر دو آماده نوشتن و ثبت امور انسان ها می باشند؟

بعضی از مفسّرین معتقدند که «رقیب» نام فرشته راست [مأمور نوشتن اعمال نیک] و «عتید» فرشته چپ است [مأمور نوشتن اعمال بد]. بعضی از مفسّرین هر دو صفت را برای هر دو فرشته شمارش کرده اند. هر یک از آنها مراقب و نویسنده اعمال هستند. روایات بسیاری درباره این دو فرشته وجود دارد. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم: «هنگامی که انسان عمل نیکی انجام می دهد فرشته راست پاداشی ده برابر می نویسد و هنگامی که عمل شرّی انجام می دهد فرشته سمت چپ می خواهد آن را ثبت کند، فرشته سمت راست می گوید: هفت ساعت به او مهلت بده، اگر در این مدّت توبه و استغفار کرد بخشیده و الا یک گناه برای او می نویسد» (۱). در آیه قبل سخن و تعبیر درباره نامه اعمال بسیار گویا و روشن به عنوان «وَ إِذَا الصُّحُفُ نُشِّرَتْ» مطرح شد. نُشِّرَتْ از ماده نشر به معنای گستردن و باز کردن است. این تعبیر گویای آن است که در قیامت نامه اعمال در میان صاحبانش منتشر و تقسیم می شود. نامه اعمال چنان گسترده خواهد شد که صاحبان و اهل محشر مطلع و آگاه می شوند.

آیه آخر حافظین، و مسائل مربوط به نامه اعمال را بیان فرموده است. منظور از حافظین در اینجا فرشتگانی است که مأمور نگهداری اعمال انسان

ص: ۱۴۵

---

۱- مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۴۴. مضمون این حدیث در روح المعانی، ج ۲۶، ص ۱۶۴، و در تفسیر مراغی، ج ۲۶، ص ۱۶۱ آمده است.

ها هستند، خداوند این فرشتگان را به چهار صفت، توصیف می کند.

الف- محافظت و مراقبت از اعمال انسان ها؛

ب- ناظر بودن کرام به بزرگواری آن ها؛

ت- ثبت تمام اعمال توسط کاتبین؛

ث- به صیغه جمع آمدن کلمه حافظین.

دو بیان در این باره وجود دارد، یکی اینکه دو فرشته در روز و دو فرشته در شب همراه انسان هستند، کما اینکه در بعضی روایات آمده (۱) و یا به خاطر اینکه مخاطب همه انسان ها هستند، فرشتگان مراقب همه انسان ها هستند، بدین جهت جمع آمده است. آیه ۱۹، ۲۵، ۲۶ سوره حاقه به تحویل دادن نامه اعمال درست انسان ها در قیامت اشاره دارند. آیات یاد شده درباره نامه فجار و کافران پرداخته و دست راست و چپ را مطرح کرده است. آیا دست راست و چپ اشاره به همان عضو مخصوص بدن است؟ یا کنایه از خیر و شر می باشد. این معنی به صورت احتمال در تفسیر

فی ضلال القرآن آمده با قرینه و بیان آیه، نیاز به تأویل نیست. به راستی نیکوکاران نامه عمل را در دست

راست و بدکاران نامه عمل را در دست چپ دریافت می کنند

### متقین مستحق اجر بی حساب

۱- اِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ (۲) صابران پاداش خود

ص: ۱۴۶

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۵۴. باب ۲۸ با استفاده از پیام قرآن، ج ۶، ص ۹۴.

۲- زمر: ۱۰.

را بی حساب می گیرند.

۲- هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ (۱) آیا جزای شما جز اعمالتان خواهد بود؟

۳- اللَّهُ يَحْكُمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ؛ (۲) خداوند میان شما در آنچه اختلاف داشتید در قیامت داوری حکم) می کند.

۴- فَاَلَيْنا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ؛ (۳) در هر حال بازگشتشان به سوی ماست، سپس خداوند گواه است بر آنچه آنها انجام داده اند.

۵- وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ؛ (۴) هر انسانی وارد محشر می شود در حالی که همراه او، سوق دهنده و شاهدی است.

۶- يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ بترسنداز آن روزی که زبانها و دستها و پاهایشان بر ضد آنها به اعمالی که مرتکب می شدند گواهی می دهند. (۵)

۷- وَقَالُوا لَئِلاَّ لَجُلُودِهِمْ لَمْ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ؛ (۶) آنها کفار و منافقین) به پوست های خود می گویند: چرا بر ضد ما گواهی دادید؟ جواب می دهند همان خدایی که هر موجودی را به نطق

ص: ۱۴۷

۱- نمل: ۹۰.

۲- حج: ۶۹.

۳- یونس: ۴۶.

۴- ق: ۲۱.

۵- نور: ۲۴.

۶- فصلت: ۲۱.

در آورده، ما را گویا ساخته است.

۸- وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ \* وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ؛ (۱) روز محشر حقاً روز سنجیدن اعمال است \* پس آنانکه در آن روز میزان حق و زین و نیکوکار بودند آنها رستگار خواهند بود.

وَوَجِدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا: آنها همه اعمال خود را حاضر می بینند. بنابراین هر چه هست نتیجه آشکار خواهد داشت. وَ لَا يظَلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا: و پروردگار تو به هیچ کس ظلم نمی کند. جمعی از مفسرین این آیه را به معنی حضور نوشته های اعمال در نامه عمل تفسیر کرده اند و گاه به معنی حضور جزای اعمال و بعضی احتمال حضور نفس عمل را نیز داده اند. (۲)

علامه طباطبایی در المیزان ذیل آیه همین قول را مطلوب دانسته، چرا که حضور خود عمل برای اثبات نفی ظلم از خداوند بهتر است.

در تفسیر آیه دو، دو معنی ذکر شده است: معنی اول این که هر کس هر خوب و بدی را انجام داده، در آن روز حاضر می بیند. دوم اینکه هر کس هر کار خوبی کرده باشد حاضر می بیند و خوشحال می گردد، ولی هر کس کار بدی کرده دوست دارد در میان او و کار بدش فاصله زیادی باشد. با این تفاوت که در کجای آیه توقف می کنیم. (۳) آمدنا و بعید که در آیه آمده، به

ص: ۱۴۸

۱- اعراف: ۷ و ۸.

۲- تفسیر روح المعانی، ج ۱۵، ص ۲۶۷.

۳- بعد از محضراً یا بعد سوء، در صورت وقف اول (واو) و ما عملت استینافیه و در صورت دو (واو) عاطفه خواهد بود.

معنی فاصله زمانی دور است.

آیه سوم خلاصه مفهوم و پیامش این است که جزای شما در قیامت اعمال شماست و این تعبیر در چندین آیه از قرآن آمده است. [تحریم/۷، یس / ۵۴، یونس / ۵۲].

آری اعمال انسان به سوی او باز می گردد و او را آزار می رساند یا شادی و سرور به وجود می آورد.

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه ۷ سوره تحریم می فرماید: **أَيَّ أَنَّ الْعَذَابَ الَّذِي تُعَذَّبُونَ بِهِ هُوَ عَمَلُكُمْ السَّيِّءُ؛**

عذابی که شما گرفتار می شوید، همان عمل سوء شماست که انجام داده اید و امروز حقیقت آن ظاهر شده است. (۱)

پیام و تفسیر آیه چهارم، ذره ای از اعمال خیر و شر را مورد محاسبه قرار داده و سه بار مسأله تجسم اعمال را ذکر کرده می فرماید: در آن روز مردم به صورت های مختلف از قبرها خارج شده تا اعمالشان به آنها نشان داده شود. واژه مثقال به شیء بسیار بسیار کوچک گفته می شود و از کوچک ترین عمل هم سخن می گوید.

آیه پنجم تجسم اعمال و اجر بی حساب خداوند برای اهل صبر را ذکر می کند.

آیه ششم می فرماید: **هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا ...؛** آیا جزایی جز آنچه انجام می دادید، به شما داده می شود؟ ظاهر این آیه و آیات مشابه آن این است که

ص: ۱۴۹

جزای انسان همان اعمال او است و واقعیت امر همین است.

آیة هفتم سخن از داوری خداوند است، حکومت و قضاوت او در میان انسان ها و پایان دادن به تمام اختلافاتی که در دنیا داشتند، اختلافات دینی، مذهبی، نژادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و... آیه می فرماید: خداوند میان شما در روز قیامت، در آنچه اختلاف داشتید داوری می کند.

روز قیامت، روز ظهور اعمال و حضور افراد است، چون همه چیز ظاهر می شود، دیگر چیز مخفی وجود ندارد و همگی حاضر می شوند دیگر غائبی وجود ندارد.

آیة هشتم سخن از گواهان روز قیامت می گوید. اولین گواه خداوند سبحان خواهد بود. بازگشت همه انسان ها به سوی خداست. حاکم، شاهد، قادر، عادل، همه و همه فقط ذات پاک اوست.

آیة نهم حاکی از شهادت فرشتگان در دادگاه بزرگ خداوند است. هر انسانی وارد محشر می شود در حالی که همراه او سوق دهنده و شاهدهی است. سائق انسان را به سوی خدا سوق و جهت می دهد و شاهد بر اعمال او گواهی می دهد. به سوق دهنده و شاهد تصریح نشده که چه کسانی هستند و از نسل بشر است یا ملک؟ آنچه مسلم است طبق قرائن، سوق دهنده و شاهد از فرشتگانند. بعد از ذکر این آیه امام علی علیه السلام فرمودند: سَائِقٌ يَسُوقُهَا إِلَى مَحْشَرِهَا وَ شَاهِدٌ يَشْهَدُ عَلَيْهَا بِعَمَلِهَا؛ راننده ای او را به سوی محشر می راند و شاهدهی بر اعمال او گواهی می دهد. (۱)

ص: ۱۵۰



آیه ده سخن از گواهی اعضای بدن انسان در دادگاه بزرگ خداوند دارد و می فرماید: آن روز که زبان ها، دست ها و پاها همه اعضا) بر ضد انسان به اعمالی که مرتکب شدند گواهی می دهند.

آیه یازدهم شبیه آیه قبل است. با این تفاوت که سخن از گواهی پوست های بدن است. می گوید هنگامی که دشمنان خدا، در جوار دوزخ می آیند، گوش ها و چشم ها و پوست های تنشان به اعمال آنها گواهی می دهند. وَقَالُوا لِيُجْلِدِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ؛ اعضای بدن در پاسخ می گویند: همان خدایی که هر موجودی را به نطق در آورده، ما را ناطق کرده است. خداوند به اعضای تن توانایی و شعور عنایت می فرماید تا به سخن در آیند و هر عضوی هر کاری را انجام داده باز گوید و گوش، چشم، پوست، زبان، دست و پا. این شش عضو هر کدام اقرار و اعتراف می کنند. گواهی دادن به این شش عضو خلاصه نمی شود و اعضا دیگر بدن نیز گواهی می دهند.

آیه دوازده برای هرانسانی چند میزان ذکر کرده و این بیان، تفسیر را تقویت می کند که هر عملی را میزانی است. روح، جسم، گفتار، کردار و نیت انسان هر کدام برای خود میزان سنجشی در آن روز دارد.

از مجموع روایات اسلامی بدست می آید که از زمان تکلیف تا زمان مرگ اعمال انسان مورد محاسبه [ در دادگاه عدل الهی ] قرار می گیرد و از همه افعال و اعمال

عبادی، اعتقادی، فردی و اجتماعی سؤال می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ما مِنْ شَيْءٍ يَوْضَعُ فِي الْمِيزَانِ أَثْقَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ؛ چیزی در میزان عمل سنگین تر از حسن خلق نیست. در ادامه حدیث آمده است.

وَإِنَّ صَاحِبَ حُسْنِ الْخُلُقِ لَيَبْلُغُ بِهِ دَرَجَةَ صَاحِبِ الصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ؛ صَاحِبِ حَسَنِ خَلْقٍ بِهٖ خَاطِرُ رِفَاتٍ خَوبٍ بِهٖ دَرَجَةُ صَاحِبِ نَمَازٍ  
و روزه می رسد. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: الْمِيزَانُ الْعَدْلُ؛ ترازوی سنجش عمل) همان عدالت است. (۲)

نکته: پیام کلام امام جامع و محور بین حق و باطل، بین مسلمان و کافر است. اساس نظام آفرینش بر مدار عدل استوار است و هر کس از قانون عدل الهی خارج شود، مسلماً خروج از رحمت خداوند می باشد. عدالت مرز اسلام و کفر است. تمام ظلم ها و کفرها به خاطر خروج از عدل است. «الْعِدْلُ قَامَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» (۳) قانون عدالت سراسر زمین و آسمان را در بر گرفته است.

وظیفه دینی و انسانی هر مسلمان، ایجاب می کند که تمام گفتار و رفتار خویش را کنترل نماید؛ زیرا هیچ عمل و حرکتی در هیچ زمانی بدون حساب نخواهد بود. جهت تأیید و تأکید این مطلب از کلام نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله مدد و یاری می جوئیم .

حضرت فرمودند: روز قیامت برای هر بنده ای از بندگان خدا، برای هر روزی از ایام عمرش بیست و چهار خزانه گشوده می شود، به تعداد ساعات شب و روز، خزانه ای را پر و مملو از نور و سرور می بیند و به هنگام مشاهده آن خوشحالی به او دست می دهد که اگر بر تمام اهل جهنم تقسیم

ص: ۱۵۲

۱- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۳۶۲، حدیث ۲۰۰۳.

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۵.

۳- این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر صافی در ذیل آیه ۷ سوره الرحمن نقل شده است.

کنند درد آتش را فراموش می کنند و این همان ساعاتی است که پروردگارش را عبادت کرده است. سپس خزانه دیگری را برای او می گشایند که تاریک و متعفن و ترسناک است و وحشتی به او دست می دهد که اگر بر تمام اهل بهشت تقسیم کنند، لذت نعمتهای آن را فراموش می کنند و آن ساعاتی است که در آن معصیت خدا را کرده است. سپس خزانه دیگری را برای او می گشایند، آن را خالی می بیند نه در آن اسباب سرور است و نه ناراحتی و این ساعتی است که در آن خوابیده و یا مشغول اعمال مباح بوده. حالت تأسف و غبن به او دست می دهد که قابل توصیف نیست. اگر می خواست می توانست آن را از حسنات و کارهای خیر پر نماید و این است که خداوند می فرماید: ذَلِكْ يَوْمُ التَّغَابُنْ؛ آن روز پشیمانی و غبن بدکاران است. (۱)

طبق نقل روایت جواب را از محضر پیامبر صلی الله علیه و آله جویا می شویم: «أَنَا أَوَّلُ قَادِمٍ عَلَى اللَّهِ، ثُمَّ يَقْدِمُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ، ثُمَّ يَقْدِمُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي، ثُمَّ يَقْدِمُ عَلَى أُمَّتِي، فَيَقْفُونَ، فَيَسْئَلُهُمْ مَا فَعَلْتُمْ فِي كِتَابِي وَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ؛ من اول کسی هستم که در پیشگاه خدا حاضر می شوم، سپس کتاب الله بر من وارد می شود. بعد به اهل بیتم وارد می گردند، بعد امتم بر من وارد می شوند. آنها می ایستند و خداوند از آنها می پرسد که با کتاب من و اهل بیت پیامبرتان چه کردید؟» (۲)

ص: ۱۵۳

---

۱- تغابن: ۹؛ تفسیر پیام قرآن، ج ۶، ص ۱۷۶، به نقل از بحار، ج ۷۱، ص ۲۶۳، ح ۱۵.

۲- بحار، ج ۶، ص ۱۷۶، حدیث ۲۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَا تَزُولُ قَدَمَا عَزَيْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْئَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ بَيْتٍ؛(۱) در روز قیامت هیچ یک از بندگان قدم از قدم بر نمی دارند، مگر این که در مورد چهار چیز از آنها سؤال شود. از عمرش که در چه راهی آن را صرف کرده است؟ از جوانیش که در چه راهی ازدست داده؟ از مالش که چگونه بدست آورده و در چه راهی مصرف کرده؟ و از محبت اهل بیت من سؤال می شود».

نکته: خارج از این چهار مورد دیگر چیزی باقی نمی ماند تا مورد سؤال واقع شود، هر چه هست در عمر انسان مورد محاسبه قرار می گیرد و چیزی خارج از عمر انسان وجود ندارد. تا به عنوان تکلیف در شرع اسلام مطرح باشد. محبت و پیروی اهل بیت علیهم السّلام در روایات فراوان مورد تأکید قرار گرفته، پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد فرمودند: «مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا، مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْاِيْمَانِ(۲) هر کس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله بمیرد، مانند شهید از دنیا رفته است».

امام محمد باقر علیه السّلام می فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ اَسَاسٌ وَ اَسَاسُ الْاِسْلَامِ حُبُّنَا اَهْلَ الْبَيْتِ؛ برای هر چیزی پایه ای وجود دارد و پایه اسلام، محبت ما اهل بیت است»(۳) و نیز از حضرت روایت شده که فرمودند: «أَوَّلُ مَا يَحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قَبِلَتْ قَبِلَ مَا سِوَاهَا؛ نخستین چیزی که بندگان باید

ص: ۱۵۴

۱- خصال صدوق مطابق نقل بحار، ج ۷، ص ۲۵۸، ح ۱.

۲- بحار، ج ۲۷، ص ۷۴.

۳- بحار، ج ۲۷، ص ۹۱.

حساب آن را پس بدهند نماز است؛ اگر قبول شد بقیه اعمال) مقبول خواهد بود».(۱)

ص: ۱۵۵

---

۱- بحار، ج ۷، ص ۲۶۲، حدیث ۲۲.

گروهی از مؤمنان، مجاهدان و شهیدان طبق بیان تفاسیر و روایات بدون حساب وارد بهشت می شوند. تحلیل مسأله این است که آنان حساب آلوده ندارند. لذا پرونده اعمال آنها خالی از جرائم و گناه است. پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، لِأَنَّهُمْ لَمْ يَلْبَسُوا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا بَشْيَءٍ وَ إِنَّمَا الْحِسَابُ هُنَاكَ عَلَى مَنْ تَلَبَّسَ بِهَا هِيْهُنَا» (۱) کسانی هستند که بدون حساب داخل بهشت می شوند؛ زیرا آنها به چیزی از گناه نبودند، حساب در آنجا مخصوص کسانی است که در دنیا پرستی آلوده شدند».

از کلام نورانی پیامبر یاری می جویم. حضرت می فرماید: سَيَتَّهُ يَدْخُلُونَ فِي النَّارِ بِغَيْرِ حِسَابٍ، الْأُمَرَاءُ بِالْجُورِ، وَالْعَرَبُ بِالْعَصِيْبَةِ، وَاللِّدَّاهِقِينَ بِالْكَبْرِ، وَالتُّجَّارُ بِالْكَذِبِ، وَالْعُلَمَاءُ بِالْحَسَدِ وَالْأَغْنِيَاءُ بِالْبُخْلِ؛ شش گروهند که بدون حساب وارد دوزخ می شوند: فرمانروایان به خاطر ستم، عرب به خاطر شدت تعصب، خوانین به خاطر تکبر، تجار به خاطر دروغ، علماء به جهت حسد و ثروتمندان به خاطر بخل (۲)، همه اقشار و اصناف بشر به گناه و عیب آلوده اند، این حدیث شریف نظر به اکثر دارد. اکثر این شش گروه اهل جهنم هستند، اما راه نجات تا لحظه مرگ وجود دارد. اگر توفیق توبه واقعی نصیب شد عنایت و مغفرت خدا شامل حال گناه کاران می گردد.

ص: ۱۵۶

۱- تفسیر پیام قرآن، ج ۶، ص ۱۸۰، به نقل از میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۱۴.

۲- پیام قرآن ج ۶، ص ۱۸۱، به نقل از میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۱۹.

يا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يا اَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ويا اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ. اِغْفِرْ ذُنُوبَنَا بِحَقِّ عَتْرَةِ الطَّاهِرِينَ.

### مرگ و حشر غیرمتقین

از آیات و روایات استفاده می شود که مرگ انواع و اقسامی دارد:

۱- شهادت بهترین مرگ ها در راه خدا؛

۲- بدترین مرگ ها کفر و مخالفت با خدا؛

۳- مرگ جان ها و مرگ قلب ها مرگ قلب غفلت و گناه؛

۴- مرگ دفعی و مرگ تدریجی؛

۵- مرگ ایمانی و اعتقادی.

نوع اول مرگ اهل ایمان است. امام حسین علیه السلام می فرمایند: «أَعْظَمُ سُرُورٍ يَرِدُ عَلَى الْمُؤْمِنِ الْمَوْتُ؛ (۱) مرگ بهترین شادی است که بر مؤمن وارد می شود».

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «الْمَوْتُ لِلْمُؤْمِنِ كَنَزْعِ ثِيَابٍ؛ (۲) مرگ برای افراد مؤمن هم چون بیرون آوردن لباس [کثیف و پوشیدن لباس پاک] است.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «الْمَوْتُ هُوَ النَّوْمُ الَّذِي يَأْتِيكُمْ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ إِلَّا أَنَّهُ طَوِيلٌ مُدَّتُهُ؛ (۳) مرگ همچون خوابی است که هر شب به سراغ شما می آید و لکن مدتش طولانی است».

ص: ۱۵۷

۱- محجّه البيضاء، ج ۸، ص ۲۵۵.

۲- نهج الفصاحه، جمله ۲۶۴۵.

۳- محجّه البيضاء، ج ۸، ص ۲۵۵.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْمَوْتُ كَفَّارَةٌ لِذُنُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» (۱) مرگ و سختیهای آن سبب جبران گناهان مؤمنان می شود».

امام صادق علیه السلام فرمودند: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يَمِيتُ الشَّهَوَاتِ» (۲) یاد مرگ شهوت ها را از بین می برد».

مرگ نوع دوم برای منافقین و گناهکاران است، اما مرگ قلب ها غفلت از خداوند و معصیت خواهد بود.

مرگ آگاهانه، غافل گیر نشدن و استفاده ی خوب از عمر کردن است تا زمانی که یک دفعه در بستر مرگ قرار گیرد.

اما مرگ ایمانی و اعتقادی در بین افرادی وجود دارد که درد دین داشته باشند.

شخصی وارد مسجد رسول خدا شد و گفت یا رسول الله به من قرآن بیاموز. حضرت او را به یکی از یارانش سپرد. او دست عرب را گرفت و سوره زلزال را به او یاد داد. تا به آیه فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (رسید. آن عرب به فکر فرو رفت و گفت من درس خود را از همین آیه گرفتم. ریز و درشت کارهای ما در این جهان حساب دارد. تکلیف من روشن شد. معلّم او جریان را به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد. حضرت فرمود: «رَجَعَ فَقِيهًا؛ او به مقام فقاہت و شناخت عمیقی که باید برسد رسید» (۳).

ص: ۱۵۸

---

۱- بحار، ج ۹، ص ۱۵۱.

۲- . بحار، ج ۶، ص ۱۳۳.

۳- به نقل از کتاب معاد آقای محسن قرائتی، ص ۵۲ و ۵۳.



خداوندا در روز قیامت گواهان انبیاء و فرشته ها، جوارح، زمین و زمان) بر ما چگونه گواهی خواهند داد؟!!

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا. (۱) در ذیل این آیه امام صادق علیه السّلام فرمودند: نَزَلَتْ فِي أُمَّةٍ مُّحَمَّدٍ خَاصَّةً ... مِنْهُمْ إِمَامٌ مِّنَّا شَهِدٌ عَلَيْهِمْ وَ مُحَمَّدٌ شَهِدٌ عَلَيْنَا؛ این آیه درباره امت محمدصلی الله علیه وآله نازل شده است. در بین این امت امامی از ما خواهد بود که گواه بر آنها و محمد گواه بر ما است. (۲)

هیچ روزی بر آدم نسل بشر) نمی گذرد، مگر اینکه آن روز به او می گوید: ای فرزند آدم من روز تازه ای هستم و گواه بر توام، با من سخن نیکو بگو و عمل نیک انجام بده، تا در قیامت برای تو گواهی دهم. (۳)

از مجموعه ی روایات، راجع به صراط به صورت تفصیل و از آیات راجع به این موضوع به صورت اشاره مطالب متفاوت بدست می آید و عبور از پل صراط یک امر مسلّم ذکر شده است. همه اولین و آخرین از روی جهنم باید گذر کنند. این کار برای غیر مؤمنین ممکن نخواهد بود. افراد غیر مؤمن به خاطر معصیت و مخالفتشان با خداوند هرگز قدرت و توان عبور از صراط را ندارند، همه گناهکاران و غیر مؤمنان

سرانجام سقوط و در دوزخ وارد خواهند شد. فقط متّین نجات پیدا می کنند. موضوع بحث را از محضر قرآن کریم پی می گیریم.

ص: ۱۵۹

---

۱- نساء: ۴۱.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳- از کلام امام علی علیه السلام، بحار، ج ۶۸، ص ۱۸۱.

۱- وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا \* ثُمَّ نُجِّى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثَا؛ همه شما بدون استثنا وارد جهنم می شوید، این امریست حتمی و فرمانی قطعی از پروردگارتان. سپس آنهایی که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می بخشیم و ظالمان را در حالی که از ضعف و ذلت به زانو در آمده اند در دوزخ رها می کنیم. (۱)

۲- إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادِ؛ مسلماً پروردگار تو در کمینگاه است. (۲)

۳- إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا؛ جهنم کمین گاهی است بزرگ. (۳)

در آیه اول سخن با همه انسان هاست. می فرماید همه شما بدون استثنا وارد جهنم می شوید و این امری است حتمی و قطعی از جانب خداوند. بعد می فرماید: آنها که پرهیزگار بوده اند رهایی می بخشیم. درباره ورود به جهنم مفسران سخن بسیار و تفسیرهای گوناگون دارند.

الف: عده ای بر این عقیده اند که ورود در اینجا، به معنی دخول نیست؛ زیرا این واژه دراصل به معنی قصد آب کردن است. قرآن درباره حضرت موسی هنگامی که در کنار چاه آب شهر مدین رسید می فرماید: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ (۴) پیام آیه این است که همه انسان ها به نزدیکی جهنم می آیند و این از تفسیر صراط بر روی دوزخ است که همه باید از آن بگذرند. در المیزان

ص: ۱۶۰

۱- مریم: ۷۱ و ۷۲.

۲- فجر: ۱۴. مرصاد گاهی به همان معنای صراط تفسیر شده و گاه به معنی گذرگاه مخصوص از همان صراط.

۳- نباء: ۲۱.

۴- قصص: ۲۳.

آمده است: ورود هر چیزی بیش از حضور و اشراف توأم با قصد نیست.

ب- فخر رازی دو تفسیر ذکر کرده، در یکی گوید: ورود به معنی نزدیکی است.

طبق بیان تفسیر پیام قرآن از مجموع آیات این واژه را به معنی حضور و نزدیکی به کار گرفته و هم به معنی دخول، مفهوم عام است و شامل هر دو می شود. به این معنا آیه ۹۸ سوره انبیاء اشاره دارد. ورود به معنی قرب و نزدیکی و اشراف تفسیر شده که اشاره به پُل صراط دارد. حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که شاهد در تفسیر آیه یاد شده می باشد. امام علیه السلام فرمود: «أَمَا تَسْمَعُ الرَّجُلَ يَقُولُ: وَرَدْنَا مَاءَ بَنِي فُلَانٍ، فَهُوَ الْوُرُودُ وَ لَمْ يَدْخُلْهُ؟» (۱) آیا نمی شنوی یا نشنیده ای) کسی می گوید ما وارد آب فلان طائفه شدیم در کنار آن قرار داریم ( این ورودست در حالی که داخل نشده است).

قرطبی حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله به همین مضمون نقل کرده فرمودند: «الْوُرُودُ الْمَمَرُ عَلَى الصِّرَاطِ؟» (۲) ورود همان عبور از صراط است.

تفسیر دیگری که در میان مفسرین طرف داران زیادی دارد گویای این مطلب است که واقعاً همه انسان ها داخل دوزخ می شوند، ولی مؤمنان نجات پیدا می کنند، همان طور که حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش نمرود سالم و پیروز خارج شد. شاهد این تفسیر روایتی است که جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر نقل کرده که فرمودند: ورود به معنی دخول است و هیچ

ص: ۱۶۱

---

۱- تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۰؛ پیام قرآن، ج ۶، ص ۱۸۶.

۲- تفسیر قرطبی، ج ۶، ذیل آیه مورد بحث.

نیکوکار و بدکاری نیست مگر اینکه داخل جهنم می شود، منتها آتش جهنم بر مؤمنان سرد و سالم خواهد بود. همان گونه که بر ابراهیم علیه السلام سرد شد. (۱)

ق- در آیه دوم می فرمایند: پروردگار تو مسلماً در کمینگاه است. إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ. منظور از مرصاد چیست؟ بعضی گفته اند: خداوند در کمین گردنکشان دنیا است و به موقع آنها را در هم می کوبد و نابود می کند. در المیزان آمده است: «خداوند مراقب اعمال بندگان خویش است

تا زمانی که طغیان و فساد را از حد نگذرانند، آنها را به اشد عذاب مجازات نمی کند.» (۲)

امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: الْمِرْصَادُ

قَنْطَرَةٌ عَلَى الصَّرَاطِ لَا يُجُوزُهَا عَبْدٌ بِمَظْلَمَةٍ؛ (۳) مرصاد پلی است در صراط کسی که حق مظلومی بر گردن او باشد، که از آن نخواهد گذشت.

در حدیثی امام باقر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم که بعد از ذکر پل صراط حضرت فرمودند: «وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ؛ (۴) این همان چیزی است که خداوند متعال فرموده است». از این دو روایت به دست می آید که آیه یاد شده ناظر بر قیامت و پل صراط است.

ج- إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا؛ ظاهر این آیه می فرماید: که خود دوزخ کمینگاه طغیان گران و فاسدان است. با توجه به آیه قبل جمعی از مفسران

ص: ۱۶۲

۱- تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۷، ص ۴۳۱، [این حدیث در نور الثقلین و تفسیر رازی نقل شده است.]

۲- تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۴۰۹، چاپ بیروت.

۳- بحار، ج ۸، ص ۶۴؛ و تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۵۸.

۴- نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۷۲؛ تفسیر برهان ج ۴، ص ۴۸۵.

گفته اند: منظور از مرصاد در اینجا پلی است که از روی جهنم می گذرد، فاسدان و ظالمان قادر بر عبور از آن نیستند و در جهنم سقوط می کنند. (۱)

آنچه از روایات استفاده می شود، صراط پلی است بر روی دوزخ در مسیر بهشت، تفصیل اعمال ما در جهان قابل فهم نیست. از روایات بدست می آید که نحوه و سرعت عبور مردم از پل صراط بستگی به میزان ایمان و اخلاص آنها دارد. این مطلب را از بیان نورانی امام صادق علیه السلام پی می گیریم: «مِنْهُمْ مَنْ يُمُرُّ مِثْلَ الْبَرْقِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُمُرُّ مِثْلَ عَيْدِ الْفَرَسِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُمُرُّ حَبْوًا وَ مِنْهُمْ مَنْ يُمُرُّ مَاشِيًا وَ مِنْهُمْ مَنْ يُمُرُّ مُتَعَلِّقًا قَدْ تَأْخُذُ النَّارُ مِنْهُ شَيْئًا وَ تَتْرُكُ شَيْئًا» (۲). بعضی مانند برق از پل می گذرند و بعضی همچون اسب تیزرو، بعضی با دست و زانوها، بعضی همچون پیادگان، بعضی به آن آویزان می شوند و می گذرند، گاه آتش دوزخ از آنها چیزی می گیرد و چیزی را رها می کند».

آیا راه عبوری به غیر از پل صراط برای بهشت وجود ندارد؟ در رسیدن به حق همان طور که در دنیا موانع وجود دارد، در آخرت نیز برای رسیدن به بهشت باید از موانع عبور کرد، حکمت و قدرت لا یتناهی خداوند اقتضا می کند که در همه امور جهان و در عرصه قیامت تجلی پیدا نماید تا بهشتیان جهنم را مشاهده نکنند، عظمت و عافیت بهشت را درک نخواهند کرد و از سوی دیگر صراط همان تجسم و انعکاس اعمال انسان است که

ص: ۱۶۳

---

۱- این تفسیر را علامه طباطبایی در المیزان، فخر رازی در تفسیر کبیر، قرطبی در تفسیر خود ذیل آیه سوره نباء به عنوان تنها تفسیر یا یکی از تفاسیر ذکر کرده اند.

۲- . تفسیر پیام قرآن، ج ۶، ص ۱۹۲، به نقل از امالی صدوق، مجلس ۳۳.

با تمام خصوصیات بر او عرضه می شود، تا انسان از جهنم مادیات و شهوات دنیا سالم عبور نکند، به عافیت و سعادت آخرت نخواهد رسید.

طبق نقل مفضل بن عمر امام صادق علیه السّلام فرمودند: «صراط همان طریق به سوی معرفت و شناخت خداوند متعال است، در ادامه حدیث دارد: «هُمَا صِرَاطَانِ: فَأَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمَفْرُوضُ الطَّاعَةِ مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَاقْتَدَى بِهُدَاهُ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛ (۱) صراط دو تاست. صراط در دنیا و صراط در آخرت و اما صراط در دنیا همان امام واجب الطاعه است، هر کسی او را بشناسد و به هدایت او اقتدا کند از صراط و پلی که بر جهنم قرار دارد می گذرد و هر کس امامش را در دنیا نشناسد، قدمش بر صراط آخرت می لرزد و در آتش جهنم سقوط می کند».

در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام صراط دنیا و صراط آخرت به صراط مستقیم، تقصیر، تفسیر و تبیین شده است. (۲)

روایتی از امام صادق علیه السّلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده است: «إِنَّ عَلَى جَهَنَّمَ جِسْرًا أَدْقَ مِنَ الشَّعْرِ وَ أَحَدُ مِنْ السَّيْفِ؛ (۳) بر دوزخ پلی است باریک تر از مو و تیزتر از شمشیر».

ص: ۱۶۴

- ۱- تفسیر پیام قرآن و بحار، ج ۸، ص ۶۹، حدیث ۱۸.
- ۲- بحار، ج ۸، ص ۶۹، و پیام قرآن، ج ۶، ص ۱۹۲.
- ۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۴۸.

در روایت صراط مستقیم ولایت و عدالت بیان شده است. در روایتی معتبر از رسول خدا می خوانیم: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ نُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى جَهَنَّمَ لَمْ يَجْزُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ كَانَ مَعَهُ حِرَاوُزٌ فِيهِ وَلَايَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» (۱) روز قیامت هنگامی که صراط مستقیم روی جهنم قرار داده شود، تنها کسانی از آن عبور می کنند که ولایت علی بن ابی طالب را داشته باشند».

### ولایت امام علی علیه السلام شرط عبور از پل صراط

پرواضح است که رهبری امام علی علیه السلام به دستور خداوند و سفارش پیامبر همان ادامه راه پیامبر و نشر معارف قرآن و اهل بیت است. هر راهی به غیر از راه قرآن و عترت به جهنم منتهی خواهد شد.

تاکنون موارد کلیدی درباره نامه اعمال، دو نفخه- پایان جهان و آغاز عالم برزخ و قیامت- مورد بحث قرار گرفت، آنچه مسلم است منتهی شدن سرنوشت همه افراد بشر به بهشت یا جهنم خواهد بود.

قرآن دورنمایی از جهان آخرت ارائه می کند. بهره ما درباره آخرت مثل بچه ای می ماند که تازه به دنیا آمده و چیزی را نمی داند. بعد که بزرگ تر می شود باز نادان است و نسبت به همه امور دنیا جاهل خواهد بود، علم اجمالی توأم با ایمان و عمل صالح انسان را به سعادت می رساند.

ص: ۱۶۵

---

۱- تفسیر پیام قرآن، ج ۶، ص ۱۹۳، به نقل از بحار، ج ۸، ص ۶۸، حدیث ۱۱.

حرف اول در همهٔ امور مادی و معنوی، مسألهٔ وجود و عدم است، تا فلسفهٔ وجود هر چیزی ثابت نشود، شناخت آن چیز غیر ممکن خواهد بود، با قبول این مطلب، سؤال دربارهٔ بهشت آن است که بهشت هم اکنون آفریده شده و وجود خارجی دارد یا خیر؟ با توجه به اینکه وعده خداوند حق است و هیچ گونه تخلف و تردیدی دربارهٔ بهشت و جهنم احتمال ندارد و همهٔ وعده های الهی دربارهٔ مؤمنان و کفار و منافقان صددرصد حق و تغییرناپذیر است، جواب سؤال روشن خواهد بود. از قرآن استفاده می شود که بهشت و جهنم هم اکنون آفریده شده و موجودند. اعمال انسان ها بهشت را می سازد و یا جهنم را فراهم می کند.

۱- جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمُ الْأَنْبَابُ؛ (۱) باغ های جاویدان بهشتی درهائش به روی آنان اهل بهشت) گشوده است».

و الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ \* سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ؛ (۲) فرشتگان

۱- از هر دری براهل بهشت وارد می شوند می گویند سلام به صبر و استقامتتان درک بهشت و اهلش بدون راهنمایی قرآن امکان ندارد».

## تفسیر آیه اول

از دربهای بهشت در این آیه تعبیر به مَفْتَحَةٌ

شده است. آیا درهای بهشت از قبل گشوده هستند و یا فرشتگان و خازنان بهشت و احترام

ص: ۱۶۶

۱- ص: ۵۰.

۲- رعد: ۲۳ و ۲۴.



مؤمنین درب های بهشت را گشوده و انتظار اهل بهشت را دارند؟

طبق بیان تفسیر پیام قرآن احتمال اول مناسب تر گفته شده و در عین حال انتظار فرشتگان و خازنان بهشت از آیه ۷۳ سوره زمر استفاده می شود.

### تفسیری از آیه دوم

این آیه می گوید: فرشتگان از درهای مختلف به بهشت وارد می شوند و این ورود بعد از استقرار اهل بهشت می باشد، آنها برای اهل بهشت درود می گویند *سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ*؛ این سخن بیانگر آن است که تمام اعمال صالح موجب گردیده تا درهای بهشت برای مؤمنان به خاطر صبر و استقامتشان گشوده شود.

نتیجه: در هیچ جای قرآن نیامده است که درب های بهشت هشت تا است. برعکس درب های دوزخ در آیه ۴۴ سوره حجر هفت تا بیان شده است. [لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ] در روایات تعداد درب های بهشت ۸ تا بیان شده که به برخی از این روایات اشاره می کنیم:

۱- امام علی علیه السلام فرمودند: «إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ؛ بهشت دارای هشت در است». در ادامه حضرت به تفصیل درها را بیان فرموده است: از بعضی این درها

صدیقان و از بعضی شهیدان و صالحان، و از برخی شیعیان وارد می شوند. (۱)

۲- امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «أَحْسِنُوا الظَّنَّ بِاللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ

ص: ۱۶۷

---

۱- تفسیر پیام قرآن، ج ۶، ص ۳۱۰، به نقل از بحار، ج ۸، ص ۱۲۱، حدیث ۱۲.

ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ؛ (۱) به خدا گمان نیک داشته باشید و بدانید بهشت هشت درب دارد».

۳- در حدیثی دیگر نقل شده که عددهای بهشت هفتاد و یک درب است. (۲) جمع بین هر دو قول ممکن است.

۴- از پیامبر روایت شده است: «لِلْجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ بَابُ الْمَجَاهِدِينَ وَ نِيزَ از حضرت روایت شده: «إِنَّ لِلْجَنَّةِ بَابًا يَدْعَى الرَّيَّانُ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا الصَّائِمُونَ»؛ (۳) از درب ریان فقط روزه داران وارد می شوند».

باب المعروف، باب الصبر، باب الشكر، باب الحسين عليه السلام در روایت آمده است. (۴)

مسأله مهم و وسعت بهشت از نگاه قرآن است. به برخی آیات اشاره می شود:

الف- سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛ (۵) بریکدیگر سبقت بگیرید برای رسیدن به مغفرت پروردگارتان و بهشتی که پهنة آن مانند پهنة آسمان و زمین است».

تفسیر: منظور از عرض در اینجا عرض در مقابل طول نخواهد بود، همان مفهوم لغوی وسعت و پهنا مراد است. در این آیه مثل خیلی آیات

ص: ۱۶۸

---

۱- پیام قرآن به نقل از بحار، ج ۸، ص ۱۳۱، حدیث ۳۲.

۲- بحار، ج ۸، ص ۱۳۹، حدیث ۵۵.

۳- بحار، ج ۹۳، ص ۲۵۲، حدیث ۱۷. پیام قرآن، ج ۶، ص ۳۱۱.

۴- پیام قرآن، ج ۶، ص ۳۱۲.

۵- حدید: ۲۱.

دیگر سخن از مغفرت و آمرزش الهی و بعد سخن از بهشت و وسعت آن یاد شده است. پرواضح است که مغفرت و پاکی از گناه پایین تر از لقاء قُرب خداوند است. تا غفران الهی و پاکی از گناه حاصل نگردد، خبری از بهشت نخواهد بود. تعبیر به سابقوا مصادیق فراوان دارد و بسیاری از مفسران مانند سبقت به سوی اسلام یا هجرت و نمازهای پنجگانه، جهاد و توبه را منظور از سبقت دانسته اند، ولی از آیات دیگر در این موضوع استفاده می شود که مفهوم سبقت به کارهای خیر وسیع گفته می شود و تمام اعمال صالح را شامل می گردد. فَسَتَبِقَ الْخَيْرَاتُ؛ در کارهای خیر از هم سبقت بگیرید. اگر به همین دستور عمل می شد، دنیا گلستان بود.

### چهره های اهل بهشت

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره جمال اهل بهشت می فرماید: «وَالَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَى مُحَمَّدٍ، إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيُزَادُوا جَمَالًا وَحُسْنًا كَمَا يُزَادُونَ فِي الدُّنْيَا قَبَاحَهُ وَهَرَمًا؛ (۱) سوگند به خدایی که قرآن را بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده اهل بهشت با گذشت زمان) جمال و زیباییشان بیشتر می شود، آنگونه که در دنیا با گذشت زمان) زشتی و پیری آنها افزایش می یافت».

بحث معاد جسمانی، معاد روحانی و گستره بهشت و جهنم با تمام نعمت ها و نعمت ها در قرآن و حدیث از مهم ترین و وسیع ترین بحث های بنیادی و اعتقادی می باشد، به همین خاطر موضوع معاد مورد توجه علماء و مفسرین بیش از دیگر مسائل اعتقادی واقع شده و بعضی از علماء کتاب

ص: ۱۶۹

---

۱- پیام قرآن، ج ۶، ص ۳۶۵، به نقل از علم الیقین، ص ۱۰۳.

معاد نوشته اند. به تناسب بحث ما به این موضوع به صورت اشاره پرداختیم.

اینک اسباب ورود به بهشت را از نگاه قرآن و حدیث مورد بررسی قرار می دهیم.

### سرمایه اهل بهشت

۱- ایمان: نخستین سرمایه اهل بهشت است و از لازمه ایمان عمل صالح می باشد، این موضوع در خیلی از آیات و روایات در کنار هم و ملازم همدیگر مطرح شده، قرآن می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (۱) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، یاران بهشتند و جاودانه در آن خواهند ماند».

شبهه این تعبیر در بسیاری از آیات ذکر شده، پر واضح است که تکرار و اهمیت موضوع بیانگر جایگاه اهل بهشت می باشد. (۲)

رابطه ایمان و عمل صالح هیچ گاه از هم جدا نخواهد شد، مگر آنکه ایمان لسانی باشد، نه واقعی، در این صورت ایمان ضعیف در برابر گناه مؤثر نخواهد بود. حقیقت ایمان را در جواب سائلی، امام صادق علیه السلام این گونه بیان فرمودند: «الْإِيمَانُ أَنْ يَطَاعَ اللَّهُ فَلَا يَعْصِي» (۳) ایمان آن است که اطاعت خدا شود و معصیت انجام نگیرد».

در اکثر آیات مورد بحث درباره ایمان و عمل «صالح»، ایمان مقدم بر

ص: ۱۷۰

---

۱- بقره: ۸۲.

۲- سوره نساء: ۱۲۴، حج: ۱۴ و ۲۳، عنكبوت: ۵۸، زمر: ۷۴، احقاف: ۱۴، محمد: ۱۲، آل عمران: ۱۳۶ و آیات دیگر).

۳- تفسیر پیام قرآن، ج ۶، ص ۱۹۸، به نقل از اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳.

عمل صالح بیان شده است.

زیربنای ایمان بسیار گسترده می باشد و تمام امور اعتقادی، عبادی، فردی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، گفتاری و رفتاری را شامل می شود. به تعبیر دیگر می توان گفت که ایمان همه اعمال و افکار انسان را در زیر چترش قرار می دهد. اگر پایه ایمان قوی نباشد، بر اثر طوفان های روزگار درخت پُر ثمر و فیض اعتقاد دین

از بین خواهد رفت. بعد از اثبات ایمان، تقوا و انجام امور عبادی قوی خواهد بود. خداوند در آیه ۱۳ حجرات به عنوان یک منشور از تقوا یاد می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست».

در سوره مریم آیه ۶۳ می خوانیم: «تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا لِمَنْ كَانَتْ قَيِّمًا» (۱) این همان بهشتی است که ما به ارث به بندگان پرهیزگار خود می بخشیم».

در آیاتی از قرآن مجید تقوا در حقیقت به منزله کلید بهشت دانسته شده، تقوا به معنی پرهیز از گناهان و خودداری از هرگونه تخلف در برابر فرمان خداوند است. تقوا انسان را از بدی ها و زشتی ها باز می دارد و یگانه عامل کنترل درونی می باشد که مانع از هرگونه آلودگی ظاهری

و باطنی می گردد. مفهوم و معنای تقوا بسیار گسترده می باشد.

تعبیر به تِلْكَ در ابتدای آیه بیانگر عظمت بهشت می باشد، واقع امر آن

ص: ۱۷۱

---

۱- رابطه تقوا و ورود به بهشت را سوره های آل عمران: ۱۵، ۱۳۳ و ۱۹۸، رعد: ۳۵، حجر: ۴۵، نحل: ۳۱، فرقان: ۱۵، شعراء: ۹۰، دخان: ۵۱، ق: ۳۱ و سوره های دیگر بیان می کند.

است که فکر و اندیشه ما از درک بهشت عاجز و ناتوان خواهد بود.

الف- ارث (۱) به معنی هرگونه تملک پایدار و غیر قابل فسخ و بازگشت است. از طریق ارث طبق بیان قرآن بهشت برای مؤمنان نصیب می شود.

ب- ارث بردن اهل تقوا طبق آیه فوق وجود یک رابطه تکوینی و عمل به احکام تشریحی را بیان می کند. ارث در امور در دنیا جنبه قانونی دارد نه تکوینی. در آخرت به جهت انجام تکلیف در امر تشریح با نظر داشت قانون تکوین محقق می گردد.

ث- اموالی که به وارث می رسد، طبق معمول بدون زحمت نصیب وارثان می گردد، اما بهشت آنچنان مقام و عظمت دارد که اعمال متقین در مقابل آن خیلی ناچیز و جزئی خواهد بود. استحقاق بهشت علیرغم همه مشکلات و صبر اهل تقوا از باب تفضل و رحمت خاص خداوند برای مؤمنان ( می باشد. اگر شهید را در نظر بگیریم باز جنبه تفضلی دارد. باید دقت کرد که تفضل خداوند در ابتدای امر، اختصاص به مؤمن ندارد. دلیل این مطلب حریت و آزادی عموم افراد بشر و عنایت عامه خداوند است. انسان طبق فطرت اولیه ذاتاً کافر به دنیا نمی آید. انتخاب راه غلط سر از کفرستان در می آورد، اختیار دین حق انسان را در شاه راه سعادت قرار می دهد. لذا استحقاق بهشت طبق نقل روایت مهم از رسول خدا صلی الله علیه و آله اختصاص به متقین ندارد و کفار نیز منزلگاهی در بهشت دارند یا داشتند به

ص: ۱۷۲

---

۱- واژه ارث درباره بهشت در سوره مؤمنون: ۱۰ و ۱۱، اعراف: ۴۳، زخرف: ۷۲ و شعراء: ۸۵ آمده است.

خاطر تخلف از اوامر الهی از آن نعمت بی بدیل محروم شدند.

### متقین وارثان بهشت

به جهت مخالفت با خدا جایگاه عالی از کفار و منافقان سلب شده است: «مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ لَهُ مَنْزِلٌ فِي الْجَنَّةِ وَ مَنْزِلٌ فِي النَّارِ، فَامَّا الْكَافِرُ فَيَرِثُ الْمُؤْمِنَ مَنْزِلَهُ مِنَ النَّارِ وَ الْمُؤْمِنُ يَرِثُ الْكَافِرَ مَنْزِلَهُ مِنَ الْجَنَّةِ؛ هر انسانی منزلگاهی در بهشت و منزلگاهی در جهنم دارد، کافران منزل دوزخی مؤمنان را به ارث می برند و مؤمنان جایگاه بهشتی کافران را» (۱) [این حدیث شریف گویاترین تعبیر درباره انتخاب و آزادی افراد بشر به صورت عموم و شمول می باشد].

بعد از ایمان مسأله هجرت و جهاد در راه خدا، به سبب اموال و جانها مورد سفارش خداوند قرار گرفته است. از آیه ۲۰ تا ۲۲ سوره توبه می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، يَسَّرُ لَهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَتِهِ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ؛ آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا با اموال و جانهایشان جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا عظیم و آنها رستگارانند، پروردگارشان آنها را به رحمت از سوی خود به باغ های بهشتی که در آن نعمت های جاودانه است بشارت می دهد. سه پاداش به خاطر سه عمل، در این آیه بیان شده، ایمان، هجرت و جهاد، [رابطه علت و معلول] وصف ایمان، هجرت و جهاد در خیلی آیات آمده، پاداش این سه

ص: ۱۷۳

---

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۱، حدیث ۱۲۱، مجمع البیان ذیل آیه ۴۳ اعراف.

گروه، سعادت آخرت و جلب رضایت حق خواهد بود. حفظ اقتدار و ارزش های اعتقادی در مقابل مخالفین جز جهاد و مقاومت راهی ندارد.

### نمره اطاعت از خدا و رسولش برای متقین

از دیگر کارهای اساسی برای اهل ایمان اطاعت از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن بیان شده است: «وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا» (۱) هر کس از خدا و رسولش اطاعت کند، خداوند او را وارد بهشت می کند که همواره از زیر درختان بهشت نهرها جاری و اهل بهشت جاودانه در آن می مانند».

تعبیر به جنّات بیانگر تعدّد باغ های بهشتی است. آیات فراوان درباره صفات بهشت، نعمت های مختلف بهشتی و جایگاه بهشتیان در قرآن آمده است. از مجموع آیاتی که در باره بهشت آمده است استفاده می شود که باغ های فوق العاده و بی مانند وجود دارند. در بیش از صد آیه از بهشت تعبیر به جنّات (باغها) یا جنّت (باغ) یا جنّتان (دو باغ) شده است. جنّت به معنی باغ پوشیده از درخت است. جنین به بچه ی درون شکم مادر (یا در شکم حیوانات) گفته می شود؛ به این بیان که پوشیده می باشد. جانان به قلب گفته می شود چون که در سینه پوشیده است. جن و جنون پوشیده از نظر به معنای پنهان می باشند. فلان کس مجنون است؛ یعنی عقل او پوشیده است.

ص: ۱۷۴

---

۱- . نساء: ۱۳، همین معنی در آیه ۱۷ سوره فتح نیز آمده است.



وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ، ترس از هر چیزی، سبب وحشت و دوری انسان می شود. فقط ترس از خدا، موجب نزدیکی انسان با خالق می گردد. ترس از خدا، به معنای اجرای عدالت و حساب و کتاب و مجازات به خاطر اعمال خلاف است. اگر کسی خلاف کار نباشد و به صورت مطلوب از خدا پیروی کند، از چه چیزی بترسد؟

در تفسیر مَقَامَ رَبِّهِ دو احتمال ذکر کرده اند:

الف- منظور از آن احاطه عملی پروردگار نسبت به تمامی اعمال و نیت انسان است.

ب- منظور ایستادن انسان در برابر دادگاه عدل الهی در قیامت است. (۱) بنابر احتمال دوم آیه تقدیری دارد و در تقدیرمقامه بین یدی رَبِّهِ) باید باشد. انتخاب هر یک از دو تفسیر سرچشمه ترک معاصی و شهوات می شود. در حدیثی از امام صادق علیه السلام در این باره می خوانیم: مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ يَرَاهُ وَ يَسْمَعُ مَا يَقُولُ مِنْ خَيْرٍ وَ شَرٍّ ... ذَلِكَ عَنِ الْقَبِيحِ مِنَ الْأَعْمَالِ، فَلَهُ جَنَّتَانِ؛ (۲) کسی که بداند خدا او را می بیند و آنچه از خیر و شر می گوید، می شنود، این علم و آگاهی او را از اعمال قبیح باز دارد؛ برای او دو باغ بهشتی است».

درباره جَنَّتَانِ (دو بهشت) چهار تفسیر ذکر شده است:

ص: ۱۷۵

---

۱- هر دو احتمال در تفسیر مجمع البیان و المیزان ذکر شده است.

۲- تفسیر مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۲۰۷؛ پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۲۱.

۱- منظور بهشت مادی و معنوی است. (آل عمران ۱۵)

۲- بهشت اول در برابر ایمان و بهشت دوم در برابر اعمال صالح است.

۳- بهشت اول در برابر اطاعت و دیگری در برابر ترک گناه است.

۴- بهشت اول پاداش عمل و دومی تفضّل خداوند است.

تفسیر اول از همه مناسب تر به نظر می رسد و جمع میان آنها نیز کاملاً ممکن خواهد بود. هیچ کدام از این تفسیرها دلیل خاصی ندارد. (۱)

ص: ۱۷۶

---

۱- به نقل از تفسیر پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۲۲.

اخلاص در همه امور عبادی و اعتقادی ضامن بقاء و جاودانگی عمل خواهد شد. «وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ \* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ؛ (۱) شما به جز همان اعمالی که انجام داده اید جزا داده نمی شوید، مگر بندگان مخلص خدا که برای آنها روزی معین است».

تفسیر: مخلصین با فتح لام به معنی خالص شدگان، به کسانی گفته شده که از نظر ایمان و معرفت و عمل به مقام عالی رسیده اند و از وسوسه های شیطانی خارج شده و ابلیس در مقابل آنان ناکام است.

کما این که قرآن از قول ابلیس چنین بیان می کند: «فَبِعِزَّتِكَ لَمَا غَوَيْنَهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادِكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ؛ (۲) به عزت سوگند که همه آنها را جز بندگان مخلصت گمراه خواهم کرد».

مخلص (به کسر لام) به کسانی گفته می شود که اعمال و نیتشان را صاف و خالص کرده اند. این کار غالباً در مقام خود سازی انجام می شود. تا انسان مخلص نشود، مخلص شدن امکان ندارد. اول پاک شدن از ناخالصی ها لازم است و بعد از آن خداوند به لطف خویش انسان را به مقام مخلص (خالص شده) توفیق عنایت می فرماید. واقعا بدون عنایت خدا تمام اعمال خیر در خطر نابودی قرار دارد. وظیفه مخلصین چه بسا سنگین و پاداش

ص: ۱۷۷

---

۱- صافات: ۳۹ و ۴۰.

۲- ص: ۸۳.

آنها عظیم خواهد بود. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الْمُخْلِصِيْنَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ.

پیامبر صلی الله علیه و آله طبق حدیث قدسی اخلاص را از لسان الهی این گونه تعریف می کند: «الْاِخْلَاصُ سِرٌّ مِنْ اَسْرَارِيْ اِسْتِدْعَاهُ قَلْبٌ مَنْ اَحْبَبْتَهُ؛ اخلاص یکی از اسرار من است و آن را در قلب هر کسی از بندگانم که دوست بدارم به ودیعه می گذارم».(۱)

امام علی علیه السلام درباره اخلاص می فرماید: «الْاِخْلَاصُ اَشْرَفُ نَهَائِهِ؛(۲) اخلاص باارزش ترین مقامی است که انسان به آن می رسد». درجات مؤمنان بر حسب اخلاص آنان محاسبه می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «بِالْاِخْلَاصِ تَتَفَاوَضُ لُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِيْنَ؛(۳) بر اساس اخلاص مراتب مؤمنین محاسبه می شود».

در جای دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «اَخْلَصَ قَلْبُكَ يَكْفِيكَ الْقَلِيْلُ مِنَ الْعَمَلِ؛ نیت را خالص کن، عمل کم با اخلاص کفایت می کند».

چه بسا کثرت اعمال خیر بدون اخلاص موجب غرور انسان می گردد، کما اینکه روایات و تاریخ هزاران مورد را بیان می کند.

امام علی علیه السلام اخلاص را عبادت مقربان در گاه خدا دانسته می فرماید: «الْاِخْلَاصُ عِبَادَةُ الْمُقَرَّبِيْنَ؛ اخلاص منشاء عبادت متقین است».

مولای متقیان در حدیث دیگری می فرماید: «طُوبَى لِمَنْ اَخْلَصَ لِلّٰهِ

ص: ۱۷۸

---

۱- محجه البيضاء، ج ۸، ص ۱۲۵، این حدیث قدسی است.

۲- غرر، ص ۱۹۷، رقم ۳۸۹۴.

۳- میزان الحکمه، ج ۱، ۷۵۴.

الْعِبَادَةَ وَالِدُعَاءَ وَ لَمْ يَشْغَلْ قَلْبُهُ بِمَا تَرَى عَيْنَاهُ وَ لَمْ يَنْسَ ذِكْرَ اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أُذُنَاهُ وَ لَمْ يَحْزَنْ صِدْرُهُ بِمَا أُعْطِيَ غَيْرَهُ؛ (۱) خوشا به حال کسی که عبادت و دعایش برای خدا خالص باشد، قلب خود را به آنچه می بیند مشغول ندارد و یاد خدا را با آنچه می شنود به فراموشی نسپارد و درونش به خاطر نعمت هایی که به دیگران داده شده است، غمگین نگردد».

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «تَسْلِيْمٌ قَلْبُهُ وَ تَسْلِيْمٌ جَوَارِحُهُ وَ بَدَلٌ خَيْرُهُ وَ كَفٌّ شَرِّهِ؛ (۲) علائم مُخلص چهار چیز است: قلب تسلیم خدا، اعضاء تسلیم به انجام فرمان خدا، خیر در اختیار مردم و شر به دور از مردم».

به مقتضای علم و دانش و به وسیله هواپیما و فضاپیما انسان آسمان ها را در می نوردد ولی عبادت بدون اخلاص به هیچ عنوان موجب تقرب خداوند نخواهد شد. چهار مورد یاد شده به صورت اجمالی از نگاه قرآن و حدیث به ترتیب بررسی خواهد شد. ان شاء الله.

در آیات متعدد، قصرها، غذاها و همسران اهل بهشت با تعابیر متفاوت ذکر شد. در آیه ۷۲ سوره توبه می خوانیم: «وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ؛ و مسکن های پاکیزه ای در باغ های بهشت است. عین همین تعبیر در آیه ۲۱ سوره صف آمده است.

طیبه یک معنای جامع دارد و تمام مزایا و اوصاف را در بر می گیرد. آرامش با طیب نفس فقط در بهشت نصیب مؤمنان خواهد شد نه در دنیا.

ص: ۱۷۹

---

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶؛ و اخلاق در قرآن تفسیر پیام قرآن.

۲- بحار، ج ۶۹، ص ۳۰۴.

در برخی آیات از جمله در آیه ۷۵ فرقان تعبیر به غُرْفَه شده است، غُرْفَه به معنی عمارت های طبقه بالا است. «أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا؛ خداوند به متقیان و عباد الرحمان بندگان خاص (غرفه های بهشتی به دلیل صبر و استقامتشان پاداش می دهد)».

در آیه ۳۷ سوره سباء می خوانیم: «وَهُمْ فِي الْعُرْفَاتِ آمِنُونَ؛ آنها در غرفه های بهشتی در آرامش و امنیت اند».

در سوره زمر آیه ۲۰ می فرماید: «لَهُمْ غُرْفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَنِيئُهُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛ برای آنها (پرهیزگاران) غرفه هایی است و بر فراز آنها، غرفه هایی دیگر و از زیر آنها نهرها جاری هستند».

در برخی از آیات (ص ۱۲) در میان تمام نعمت های بهشتی فقط مسکن یا مساکن مطرح شده، یکی از مهم ترین اسباب آرامش انسان مسکن و منزل است. مسکن به معنی سُکُون و آرامش است. خانه های مسکونی مناسب در دنیا و در آخرت از سعادت انسان حساب می شود و در مکان و مسکن پاک فرصت عبادت و کارهای فکری آماده تر و فراهم می گردد، انجام امور عبادی در مسکن نامناسب بسیار مشکل خواهد بود.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا؛ (۱) و خداوند برای سکونت دایمیتان منزل ها قرار داد».

یکی از امور بسیار مهم همسران و یا همسر خوب است. اسلام در این باره دستورات لازم را به بشر داده است. قرآن می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ

ص: ۱۸۰

لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ و از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان جفت برایتان قرار داده تا در بر او آرامش یابید. (۱) از پیام این آیه به دست می آید که همسر بد، لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا نخواهد بود.

### متقین و نعمت های بهشتی

از دیگر نعمت های بسیار نفیس و زیبای بهشت، فرش ها و تخت های گوناگون در قرآن ذکر شده است. در آیه ۵۴ سوره رحمن می خوانیم: «مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ؛ آنها بر فرش هایی تکیه زده اند که آستر آنها از پارچه ابریشم ضخیم است.

بهترین و گران قیمت ترین پارچه های دنیا ابریشم است، ولی آنچه قرآن می فرماید، این ابریشم دنیا نیست. بعضی مفسران گفته اند: زیبایی و لطافت و ارزش این فرش ها در وصف نمی آید. «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ؛ (۲) هیچ کس نمی داند چه نعمت هایی مایه روشنی چشم است».

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «ظواهرها نُورٌ يَتَلَأَأُ؛ (۳) قسمت روئین آن فرش ها نوری درخشان است».

در آیه ۷۶ سوره رحمان می خوانیم: «مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ؛ ساکنان بهشت بر تخت هایی تکیه زدند که با زیباترین پارچه های سبز رنگ پوشیده شده اند»..

ص: ۱۸۱

۱- روم: ۲۱.

۲- سجده: ۱۷.

۳- تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۳۴۹؛ پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۳۵.

رَفْرَف در اصل به معنی برگ های پراکنده درختان است. سپس به بعضی از پارچه های رنگارنگ که شبیه منظره باغ هاست اطلاق شده است. در بسیاری از کتب لغت رَفْرَف به معنی دنباله های خیمه و پارچه هایی آمده است که با وزش باد حرکت می کنند، اما در مورد تخت هایی که بهشتیان بر آنها می نشینند، تعبیرهای مختلف در قرآن ذکر شده است. «عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ \* مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَّقَابِلِينَ» (۱) مقربان بر تخت هایی که بهم پیوسته قرار دارند، در حالی که بر آنها تکیه کرده اند و رو به روی یکدیگرند».

«مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ» (۲) در حالی که نزدیک هم بر تخت عزت تکیه زده اند».

«فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ» (۳) و نیز در آن جا تخت های عالی بلند پایه نهاده اند».

«عَلَى سُرُرٍ مُتَّقَابِلِينَ» (۴) و بر تخت های عالی رو به روی یکدیگر نشسته اند».

هریک از این آیات بلندبودن تخت های بهشتی را بیان می کنند. دو معنا درباره بلند بودن تخت های بهشت وجود دارد.

الف- بلند بودن تخت های بهشتی یا به خاطر آن است که بهشتیان با جلوس بر آنها بر تمام اطراف خود اشراف و تسلط دارند.

ب- بلند بودن تخت های بهشت به جهت ارزش، پاکی و قداست معنوی والای آنهاست.

ص: ۱۸۲

---

۱- واقعه: ۱۵ و ۱۶.

۲- طور: ۲۰.

۳- غاشیه: ۱۳.

۴- صافات: ۴۴.



نکته: سُرُرُ جمع سریر از ماده سرور، به معنی خوشحالی است. پیام آیه بیانگر آن است که نشستن بر تخت ها، موجب سرور و شادی بهشتیان می شود و این گونه سرور بر تخت های دنیا نیز وجود دارد. در تعبیر دیگری درباره تختهای بهشتیان در پنج آیه قرآن با اَرَائِكُ رو به رو می شویم. «مَتَّكَيْنَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ؛ مؤمنان در باغهای بهشتی بر تخت ها تکیه می زنند».(۱)

### متقین و همسران در بهشت

در سوره یس آیه ۵۶ می خوانیم: «هُمُ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ضِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكُونَ؛

آنان و همسرانشان در سایه درختان بهشت بر تخت ها تکیه زده اند.

در آیه ۱۳ سوره انسان و در دو آیه ۲۳ و ۳۵ مطففین عین آیه ۵۶ سوره یس آمده است: «عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ؛ بر تخت ها نشسته و تماشا می کنند».

أرائك جمع آریکه در اصل از اراک که نام درخت معروفی است گرفته شده است.(۲)

تفاوت سُرُر و اَرَائِك در این است که سُرُر در مواردی مطرح شده که بهشتیان مجلس اُنس با یکدیگر دارند و در برابر هم می نشینند، در حالی که

ص: ۱۸۳

۱- کهف: ۳۱.

۲- در مجمع البیان، تفسیر قرطبی و در تفسیر کبیر و روح المعانی، ارائک به معنی تخت هایی که در حجله ها می زنند گفته شده اند.

ارائک مربوط به جلسات خصوصی آنها است و در آن موقع که با همسران خود خلوت می کنند بر تخت های ارائک قرار دارند کما اینکه در آیه ۵۶ سوره یس عین این مطلب تطبیق می شود.

مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا؛<sup>(۱)</sup> بهشتیان در آنجا بر تخت های سایبان دار تکیه کرده و در آنجا نه آفتاب سوزان می بینند و نه سرمای سخت».

در قرآن پنج آیه درباره سریرهای بهشتی و پنج آیه درباره ارائک آمده، و به صورت اجمال زندگی عمومی و خصوصی بهشتیان را بیان می کند.

علاوه بر آیات، روایاتی نیز بحث تخت های بهشتیان را مطرح کرده جهت اختصار در اینجا ذکر نمی شود.

از مجموع آیات راجع به غذاهای بهشتیان استفاده می شود که اکثر غذاهای اهل بهشت، انواع میوه هاست. این مطلب به عنوان فاکهه، فواکه، ثمره، ثمرات و اُكُلُ در آیات مطرح شده است.

### اقسام نعمت های بهشتی برای متقین

وَ فَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ؛<sup>(۲)</sup> هر نوع

۱- میوه ای که مایل باشند به آنان تقدیم می کنند.

۲- فیها مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ؛<sup>(۳)</sup> در آن دو باغ بهشتی که مخصوص

ص: ۱۸۴

---

۱- انسان: ۱۳.

۲- واقعه: ۲۰.

۳- رحمن: ۵۲.

خداترسان است از هر نوع فاکهه ای دو گونه مختلف وجود دارد.

۳- فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ زُمَّانٌ؛<sup>(۱)</sup> در آن دو باغ میوه بهشتی، نخل (رطب) و انار است.

بعضی از مفسران در اینجا گفته اند بیان این دو میوه به جهت تفاوت زیادی است که از جهات مختلف در میان آن دو [از جهت شیرین و غیر شیرین بودن] وجود دارد. یکی گرم و دیگری سرد. گویی قرآن با این بیان می خواهد به انواع میوه هایی که در میان این دو قرار دارد اشاره کند.<sup>(۲)</sup> علاوه بر ذکر انواع میوه ها، اشاره ای به گوشت لحم ( به طور عام شده است.

وَ اَمَّا ذُنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَ لَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ؛ همواره از انواع میوه ها و گوشت از هر نوع تمایل داشته باشند در اختیارشان می گذاریم.<sup>(۳)</sup>

جمله مِمَّا يَشْتَهُونَ از هر نوع غذا را شامل می شود نوشیدنی ها و شراب های طهور بهشتی مانند میوه ها و غذاها، کاملاً متنوع و سرور آفرین است. مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَ أَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَ أَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَ أَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى؛ وصف بهشتی که خدا به پرهیزگاران وعده داده چنین است که در آن نهلهایی از آب صاف و خالص وجود دارد که هرگز بوی آن تغییر نکرده و نهلهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته و نهلهایی از شراب طهور که

ص: ۱۸۵

۱- رحمن: ۶۸.

۲- تفسیر فخر رازی، ج ۲۹، ص ۱۳۴.

۳- طور: ۲۲.

مایه لذت نوشندگان است ونه‌هایی از عسل تصفیه شده وجود دارند.<sup>(۱)</sup>

چهار نوع نهر در این آیه ذکر شده: آب، شیر، شربت طهور و عسل. هریک خصوصیت خاص خود را دارد. آب برای رفع عطش، شیر برای تغذیه، شراب طهور برای نشاط و عسل برای لذت و قوت.

مطلب بسیار مهم آن که تمام غذاها و شراب‌ها و به طور کلی همه امکانات مادی و معنوی بهشت به صورت دائم و همیشه سالم و معطر می‌باشند و بر اثر گذشت زمان هیچ گاه خراب نمی‌شوند.

۴-مطلب بی نظیر آن است که خداوند متان خود ساقی بندگان مؤمنش می‌باشد. **وَسَيَقَاهُم رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا؛**<sup>(۲)</sup> پروردگارشان شرابهای طهور به آنها می‌نوشاند». جمعی از مفسران گفته‌اند: این شراب نوعی نوشیدنی است که بعد از غذاهای بهشتی می‌خورند و همه فضولات درونی را پاک می‌کند. در تفسیر فخر رازی این معنی به عنوان روایتی ذکر شده است.

در تفسیر المیزان اشاره به پاک سازی روحانی این شراب طهور شده که آلودگی های غفلت از خداوند و موانع توجه به او را بر می‌دارد.

در تفسیر منهج الصادقین از امام صادق علیه السلام نقل شده است. چون مؤمن شراب طهور بیاشامد، غیر خدا را فراموش کرده و به تمام معنا متوجه خداوند می‌شود.<sup>(۳)</sup>

ص: ۱۸۶

---

۱- محمد: ۱۵.

۲- دهر: ۲۱.

۳- منهج الصادقین، ج ۱۰، ص ۱۱۰، طبق تفسیر اثنی عشری.

دیگر از نوشیدنی های بهشتی کافور، زنجبیل، سلسبیل، مختوم و تسنیم در قرآن ذکر شده است. [دهر ۵، ۶، ۱۷ و ۱۸] از امکانات بی نظیر دیگر برای اهل بهشت لباس های نفیس از سُندس، اِسْتَبْرَق و حریر ذکر شده است. در یک تعبیر خدا می فرماید: وَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُندُسٍ وَ اِسْتَبْرَقٍ؛ و آنها لباس های فاخر) به رنگ سبز از حریر نازک و ضخیم در بر می کنند. (۱)

در سوره حج آیه ۲۳ می فرماید: وَلْبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ؛ و لباس آنها در بهشت از حریر است.

عین همین تعبیر در آیه ۳۳ فاطر و شبیه آن در آیه ۱۲ سوره دهر ذکر شده است. واژه سُندس به اتفاق مفسران و اهل لغت به معنی پارچه های ابریشمین نازک است و ریشه آن غیر عربی فارسی یا رومی گفته شده است. در مورد لباس های بهشتی تنها از رنگ سبز سخن گفته شده است، انتخاب رنگ سبز برای لباس اهل بهشت دلیل خاصی ندارد، ولی رنگ سبز با روح و طبع انسان آرام بخش است. گیاهان عموماً سبزند و دریاها گاه نیلگون و گاه سبز به نظر می رسند. یکی از مفسرین گفته که لباس های بهشتی بقدری زیباست که اگر یکی از آن را در دنیا بگسترانند اهل دنیا مدهوش می شوند. (۲)

يَحْلُونَ فِيهَا مِنْ اَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ؛ آنها در بهشت با دستبندهایی از طلا آراسته شده اند. (۳) طلا در دنیا برای مردان جائز نبود، اما در بهشت این مسائل

ص: ۱۸۷

۱- کهف: ۳۱.

۲- تفسیر روح المعانی، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

۳- سور (کهف: ۳۱، فاطر: ۳۳ و حج: ۲۳).

وجود ندارد.

در یک آیه به دستبندهای نقره اشاره شده می فرماید: **وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ**؛ آنها با دستبندهایی از نقره آراسته شده اند.

از اطلاق آیه فهمیده می شود که دستبند اختصاص به زن ها ندارد. فرعون به موسی بن عمران علیه السلام اعتراض می کرد: **«فَلَوْلَا أُلِّقِيَ عَلَيْهِ أُسُورَةٌ مِنْ ذَهَبٍ**؛ چرا به تو دستبند طلا داده نشده است. (۱) قرآن در مسائل لباس، غذا و اعتقاد، با زبان مردم سخن می گوید، ولی واقعیت امر آن است که امور معنوی و اخروی فراتر و والاتر از فکر و علم اهل دنیا است.

در قالب مثال خیلی از امور دینی و معنوی بیان شده تا حقایق در سطح درک بشر تفهیم گردد، ولی بشر آن چرا که می داند عمل نمی کند.

در نظام آفرینش جز ذات احدیت همه جهان زوج آفریده شده و این قانون زوجیت در تمام امور جهان هستی از جانب خداوند منظور و مکتوب گردیده است. مهم ترین و بنیادی ترین اسباب آرامش و نشاط در زندگی، داشتن همسری با کمال و جمال است. همسران صاحب کمال و فضیلت زن و مرد) نه تنها در امور دنیوی و مادی بلکه در امور معنوی و اخروی موجب سعادت همدیگر می شوند. قرآن کریم ضمن بیان نعمت های مختلف بهشتی، در تعبیرات بسیار جالب از همسران بهشتی و ویژگی های آنان یاد می کند.

ص: ۱۸۸

---

۱- زخرف: ۵۳.

۱- وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ؛ (۱) برای بهشتیان در آنجا همسران پاک و پاکیزه ای است.

پاک بودن همسران بهشتی یک معنا و مفهوم وسیعی دارد. هیچ گونه نقایص و آلودگی های جسمی و روحی در آنان وجود ندارد. تعبیر به مطهره از تعبیر به طاهره والاتر است و اشاره به این دارد که خداوند آنان را پاک گردانده و شهادت به پاکی او داده که جای تحلیل و توصیف باقی نمی ماند. در المیزان به نقل از روایتی گفته شده آنها از هر عیب و آلودگی پاکند. (۲) در آیاتی از قرآن کریم از همسران بهشتی تعبیر به حورالعین شده است.

۲- وَ زَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ؛ (۳) ما آنها را با حورالعین تزویج می کنیم.

عین همین تعبیر در آیه ۲۲ سوره طور نیز ذکر شده است. توصیف حورالعین در سوره واقعه از بالاترین جایگاه آنها سخن می گوید:

وَ حُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ؛ (۴) آنها همسرانی از حورالعین دارند، همچون مرواریدی که در صدف پنهان است.

در آیه ۷۲ سوره رحمان می فرماید: حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ؛ زنان بهشتی حورانی هستند که در خیمه های بهشتی مستورند. در آیه ۵۶ و ۵۸

ص: ۱۸۹

۱- بقره: ۲۵.

۲- المیزان، ج ۱، ذیل آیه مورد بحث به نقل از بحار، ج ۸، ص ۱۴۰، (ازواج مطهره من انواع الاقدار و المکاره).

۳- دخان: ۵۴.

۴- در محل اعراب حور عین چند احتمال وجود دارد و به بهتره نظر می رسد که حور و عین مبتدا خبر مقدر (لهم حور عین) باشد.

همین سوره می فرماید: فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ... كَانَتْهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ؛ در باغ های بهشتی زنانی هستند که جز به همسرانشان عشق نمی ورزند و هیچ انس و جنی با آنها تماس نگرفته و آنها چون یاقوت و مرجانند.

تفسیر: حور جمع حورا و احور به قول مفسران و اهل لغت به معنی سیاهی چشم کاملاً سیاه) و درخشنده است. بهترین زیبایی در چشم انسان چشم سیاه) است و رنگ دیگر موجب بدگویی می شود، امّا واژه عین جمع أعین در اصل به معنی درشت چشم است. به زن و مرد درشت چشم گفته می شود. دو کلمه حور و عین بین زن و مرد مشترک و دارای معنا و مفهوم گسترده می باشد و همه همسران بهشتی را شامل می شود.

لؤلؤ به معنی مروارید «مکنون» به معنی پنهان در صدف است. در تفسیری گفته اند چون حور از ماده حیرت گرفته شده، مفهومش این است که همسران بهشتی چنان زیبا هستند که چشم از دیدنشان حیران می شود. (۱) سخن بشر غیر معصوم در مورد نعمت های معنوی و مادی ناتمام است افراد بشر و لو از نظر سن بالا برود باز مثل اطفال نیاز به معلم دارند .

خداوند در توصیف دیگری از حوران بهشتی می فرماید: آنها مقصورات در خیمه های بهشتی هستند. مقصور را به معنی مستور تفسیر کرده اند و بعضی گفته اند منظور مصون و محفوظ بودن آنها از دید دیگران است و

ص: ۱۹۰

---

۱- در جلد ۱۱ تفسیر کبیر، ص ۱۳، ابو الفتوح رازی در تفسیر خود این قول را از بعضی مفسران پیشین نقل کرده است.



بعضی گفتند آنها چشم به همسرانشان دوخته اند. هر یک از سه مورد قابل جمع می باشد.

در مورد فی الخيام از روایات استفاده می شود که خیمه های بهشتی مانند سایر نعمت های آن بی مانند است و هیچ شباهتی به خیمه های دنیا ندارد. در توصیف دیگر زنان بهشتی را به یاقوت و مرجان تشبیه کرده است. این دو رنگ سفید و سرخ (هرگاه به هم بیامیزند زیباترین رنگ را ایجاد می کنند. یاقوت سنگ معدنی بسیار باارزشی است و مرجان شبیه به شاخه های درختان است و در دریا وجود دارد. بعضی آن را مروارید های کوچک تفسیر کرده اند.<sup>(۱)</sup>

دانشمندان امروز مرجان را موجود زنده ای می دانند که شبیه شاخه های کوچک درخت در اعماق دریاها می روید. فقط اشارات و احتمالات تا حدودی اذهان علماء و

مخاطبان را با مفاهیم بلند و بی نظیر قرآن مأنوس می کند و شناخت این گونه مسائل بدون عنایت خود قرآن امکان ندارد.

کلام وحی از خادمان و ساقیان بهشتی در آیات متعدد با تعبیرهای مختلف یاد کرده، به مواردی اشاره می شود.

### ساقیان متقین در بهشت

۱- وَ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ غُلَمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ؛<sup>(۲)</sup> بر گرداگرد آنها

ص: ۱۹۱

---

۱- این معنی را راغب و اهل لغت ذکر کرده اند. [در بیان همسران بهشتی از تفسیر نمونه استفاده شده است.]

۲- طور: ۲۴.

نوجوانانی برای خدمت گردش می کنند که همچون مرواریدی در صدف هستند».

یطوف فعل مضارع است و غالباً معنی استمراری دارد، بناءً گردش و طواف آنها برگرد بهشتیان دائمی خواهد بود. کما اینکه همه نعمت های بهشت دائمی می باشد. طبق تعبیراتی که در آیات و روایات آمده اهل بهشت نیاز به خدمتکار ندارند، چون همه چیز دائم در دسترس آنها قرار دارد، ولی این اکرام و احترام از نهایت لطف و عنایت خداوند برای اهل بهشت حکایت دارد. تعبیر به لَهِمْ بیانگر آن است که بهشتیان همه شان خدمت گذار مخصوص دارند. بسیاری از مفسران از پیامبر صلی الله علیه و آله روایتی نقل کرده اند که حضرت در جواب سؤال راجع به مؤمنان بهشتی فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ فَضْلَ الْمُخْدُومِ عَلَى الْخَادِمِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَهُ

الْبُدرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ؛ سوگند به کسی که جانم به دست اوست، برتری مخدوم مؤمنان بر خدمتکار آن در بهشت همچون برتری ماه شب چهارده بر سایر ستارگان است» (۱). مراتب و فضائل در دنیا و آخرت محاسبه و منظور می گردد. غلمان جمع غلام در لغت به معنی نوجوان است نه به معنی برده. معنی جوان در آیه مراد است. قرآن در تعبیر دیگری از آنها به عنوان ولدان نوجوانان یاد کرده می فرماید: يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ \* بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ؛ پیوسته در اطراف آنها نوجوانانی در طراوت و شکوه با قدح ها و

ص: ۱۹۲

---

۱- مجمع البیان، تفسیر قرطبی، تفسیر ابوالفتوح رازی، روح المعانی، تفسیر کشاف و پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۶۷.

کوزه ها و جام هایی از نهرهای جاری بهشتی می گردند. (۱) ولدان جمع ولید به معنی مولود فرزندان) می باشد و در اینجا به معنی نوجوان منظور است. تعبیر به مخلدون، اشاره به دائم بودن نشاط و زیبایی همیشگی آنان دارد.

آنها برگرد اهل بهشت برای خدمت می گردند به تعبیر قرآن وقتی آنان را می بینی گمان می کنی مروارید پراکنده اند: إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتُمْ لَوْلُواً مَنْثُوراً. (۲)

در این آیه کلمه ولدان قبل از ادا شاهد بر مطلب قبل است که ولدان همان غلمان است. از مجموعه آیات و روایات در یک موضوع مطلب برای ما تفهیم می شود و اوصاف پذیرایی کنندگان در آیات دیگر تفسیر شده اند.

بدون تردید نعمت های مادی و معنوی بهشت در دنیا برای ما قابل درک نیست. قاعده و قانون دنیا اقتضا می کند که محدودیت برای بشر اجازه ندهد، تا حقایق پشت پرده روشن شود. قرآن مجید تعابیری را که در امور مختلف [مخصوصاً در امور اخروی] مطرح کرده است، فوق ادراک عقول افراد تحصیل کرده است تا چه رسد به عموم مردم، ولی حکمت الهی و جاذبه های قرآن سبب گردیده تا در قالب مثال یا قصه با زبان مردم حقائق از طرف کتاب الهی تبیین و تفهیم شود. درباره نعمت های بهشتی، سوره زُخْرُفِ آیه ۷۱ می فرماید: وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلْمِذُ الْأَعْيُنُ؛ در بهشت آنچه دل می خواهد و چشم از آن لذت می برد موجود است.

ص: ۱۹۳

---

۱- واقعه: ۱۷ و ۱۸.

۲- نساء: ۱۹.

این جامع ترین تعبیری است که دربارهٔ نعمت های بهشتی گفته شده است. مرحوم طبرسی در مجمع البیان فرموده است: اگر تمام جهانیان جمع شوند، تا توصیف نعمت های بهشتی را کنند، هرگز قادر نخواهند بود چیزی بر آنچه در این آیه آمده، بیفزایند. (۱)

نکته ها: ۱- جمله تَشْتَهِيهِ الْاَنْفُسُ: تمام لذات را شامل می شود. به لذت های حسّ شنوایی، لامسه، ذائقه و شامه اشاره دارد و جمله تَلذُّوا بِالْاَعْيُنِ فقط لذت بینایی را بیان می کند. نعمت بینایی کاشف از همهٔ زیبایی خواهد بود و بصیرت اهل بهشت در حد عالی حقایق را درک خواهد کرد.

جمله دوم اشاره به لذات معنوی دارد. نگاه کردن با چشم بصیرت به جلالت قدرت بی مثال خداوند، شرح و بیان از قدرت همگان خارج و یک لحظه نظر به تجلیات خداوند افضل از تمام نعمت های مادی و معنوی دیگر بهشت می باشد. شبیه همین آیه ی ۷۱ زخرف در آیه ۳۱ فصلت نیز آمده است.

به قرینه آیه ۱۰ سوره یونس بعضی مفسرین گفته اند که جمله اول اشاره به نعمت های مادی بهشت به صورت عموم و شمول و جمله دوم اشاره به مواهب معنوی دارد.

در آیه ۳۱ سوره نحل می فرماید: لَهْمُ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ؛ هرچه آنها بخواهند در آنجا هست. عین این تعبیر در آیه ۱۶ سوره مبارکه فرقان آمده و با کمی تفاوت در سوره زمر/ ۳۴، شورا/ ۲۲ و ق/ ۳۵ نیز ذکر شده است.

ص: ۱۹۴

---

۱- تفسیر مجمع البیان ج ۹، ص ۵۶، پیام قرآن ج ۶، ص ۲۷۳.

در دو آیه از قرآن کریم از بهشت به عنوان دار السَّلام خانه امن و امان یاد شده است. لَهْم دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ برای بهشتیان خانه امن است در نزد پروردگار و او ولی و یاور آنهاست، به جهت اعمال نیکی که انجام می دادند. دارالسَّلام نصیبشان گردیده است (۱)

در سوره یونس آیه ۲۵ می فرماید: وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ؛ خداوند دعوت به سرای صُیْلِح و سلامت می کند. مفسران عموماً درباره دار السَّلام دویبان دارند:

۱- دار السَّلام به معنی سلامت از هرگونه آفت و بلاست.

۲- سلام نامی از نام های خداوند است. معنی اول مناسب تر بنظر می رسد؛ چرا که ریشه اصلی این واژه به قول راغب به معنی خالی بودن از هرگونه آفت ظاهری و باطنی است... (۲) در حدیثی از ابن عباس آمده است که دار السَّلام همان بهشت است و اهل آن از جمیع آفات [پیری و مرگ] در امانند. (۳)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ؛ پرهیزگاران در جایگاه امن و امانند. (۴) هیچ گونه غم و مشکل و خوف برای بهشتیان وجود ندارد.

یکی از مهم ترین و بهترین سعادت انسان دوستان باایمان بااخلاص است. دوست مکتبی و آرمانی در فرهنگ دینداری مورد سفارش واقع شده،

ص: ۱۹۵

۱- انعام: ۱۳۷.

۲- تفسیر پیام قرآن، ج ۶، ص ۱۸۳.

۳- بحار، ج ۸، ص ۱۹۴، حدیث ۱۷۶.

۴- دخان: ۵۱.

حقیقت امر این است که اوصاف یاران و دوستان ایمانی، با هیچ بیانی قابل توصیف نیست، مگر در کلام خدا و ائمه. خداوند می فرماید: **وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا؛ (۱)** کسی که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را طاعت کند، در قیامت همنشین کسانی خواهد بود که نعمت خود را بر آنها تمام کرده ام. پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان رفیقان خوبی هستند. خداوندا شهادت در راه خودت را نصیب ما فرما.

بسیاری از مفسران در نقل روایتی از رسول خدا شأن نزول این آیه را چنین بیان کرده اند. یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله که عاشق دیدار ایشان بود. روزی پریشان حال خدمت حضرت آمد. پیامبر سبب ناراحتی او را سؤال فرمود، در جواب گفت: وقتی از شما دورم شدیداً احساس ناراحتی می کنم. فردای قیامت اگر من اهل بهشت باشم، مسلماً در کنار شما نخواهم بود و اگر اهل دوزخ باشم وضعیتم معلوم است. با این حال چرا افسرده نباشم؟

آیه یاد شده نازل شد و به او و امثال او بشارت داد که افراد باایمان و مطیع خدا و رسولش در بهشت در جوار اولیاء الله و پیامبران خواهند بود. (۲)

البته در روایات و برخی تفاسیر، شهداء، صالحان و صدیقان بر خود انبیاء گفته شده اند. [جمع بین عناوین چهارگانه مشکلی ندارد].

ص: ۱۹۶

---

۱- نساء: ۶۹ و ۷۰.

۲- تفسیر مجمع البیان، فی ضلال القرآن و پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۸۷.

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدْبًا؛ در آنجا سخن بیهوده و دروغی نمی شنوند. (۱)

أَكَلَهَا دَائِمًا وَظِلُّهَا؛ میوه های آن همیشگی و سایه هایش جاودانگی است. (۲)

نعمت های معنوی، مادی و مقامات بهشتی به صورت اجمالی مورد بحث قرار گرفته و اعتراف می شود که تفصیل این موضوع بسیار بحث سنگین و گسترده ای می باشد.

افراد مؤمن با زمینه و سابقه خوب آماده حضور در جهان بعد از مرگ خواهند شد. به خاطر شرایط مناسب در عرصه قیامت لازم است که از امروز برای فردا [بعد از مرگ] برنامه ریزی کرد. در اینجا است که نتیجه اعمال خیر ظاهر خواهد شد. بر این اساس مفهوم و معنای حیات بعد از مرگ تفسیر خلقت و خلافت انسان مؤمن را معنای واقعی می بخشد و لذا مبانی زندگانی جاودان در آیات و روایات مکرر مطرح گردیده و یاد مرگ مانع خودباختگی و دلدادگی به دنیا می باشد. چرا دنیا مانع رسیدن به حق است؟ زیرا مسیر دنیا منهای دین و پیروی نکردن از حق معنای حیات روحانی و خلافت انسانی را به همراه ندارد؛ لذا افراد مؤمن خویشان را برای حضور در دادگاه عدل الهی آماده می کنند.

حضور در محضر خدا و پیامبران و امامان، (۳) حضور و مشاهده جایگاه در هنگام مرگ، (۴) دیدن اعمال

ص: ۱۹۷

۱- نباء: ۳۵.

۲- رعد: ۳۵.

۳- بحار، ج ۶، ص ۱۹۳.

۴- بحار، ج ۶، ص ۲۰.

در کلمات ائمه معصومین علیهم السلام انسان را به پیروی از دین فرا می خواند. حضور شیطان در همه لحظه های زندگی به خصوص در هنگام مرگ به عنوان دشمن شماره یک انسان مورد تاکید ذات احدیت واقع شده تا بشر دشمن را جدی بداند و بشناسد، از طرفی تجسم اعمال در عالم قبر عالم برزخ قبل از قیامت نمایان می گردد و پایان جهان با نفخ صور شیپور ده بار در قرآن آمده است (سوره کهف/۹۹، یس/۶۸، زمر/) آغاز دیگری را برای انسان ها بیان می کند و می فرماید آنها عریان از قبرها خارج می گردند، فقط اهل تقوا با لباس وارد محشر می شوند... وَ لِبَاسٍ التَّقْوَى ذَلِكْ خَيْرٌ ذَلِكْ مِّنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ؛ (۱) و این لباس از آن انسان مؤمن است به سعادت ابدی می رسد، از نشانه های خداست، باشد که متذکر این حقیقت شوند. تمام بهره انسان مؤمن از دنیا همین لباس است پرشش نکیر و منکر در قبر، حسابرسی اعمال (میزان اعمال، غافر/۱۹ و نحل/۸۹) از امور لاریب فیه می باشد.

حیات مجدد انسان بعد از نفخه دوم یک واقعیت عجیب و شگفت انگیز است. طبق بیان روایات بدن مثالی بعد از مرگ سنگینی ندارد، لطیف است و در جهان و آسمان ها سیر می کند. روح بعد از قیامت دوباره به بدن های نخستین بر می گردد. (۲) مرجع و محکمه قرآن و عترت خواهد بود.

اولین قاضی در قیامت خداوند سبحان است. بعد پیامبران و امامان علیهم السلام

ص: ۱۹۸

۱- اعراف: ۲۶.

۲- تفسیر، ج ۱۴، ص ۳۴۱.



قضاوت و شفاعت خواهند کرد. (۱) اگر در این دنیا که به قول امام علی علیه السلام (۲) پایین تر و پست تر از دنیا عالمی وجود ندارد انسان خود را از بین نبرد، واقعاً مقام عالی دارد.

### متقین پاک دل

«وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ» (۳) و ما دل های پاک آن ها را از هر خُلقِ ناپسند به کلی پاک سازیم تا همه باهم برادر و روبروی یکدیگر بر تخت عزت بنشینند. این آیه جایگاه عالی اهل تقوا را در بهشت بیان می فرماید.

### متقین مشمول بشارت الهی

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ ای رسول ما! مژده بده به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای خوب و شایسته کردند، برای ایشان بهشت هایی می باشد، که نهرها از زیر درختان آن روان است و انواع میوه ها وجود دارد. اهل بهشت در آنجا جاویدانند. (۴)

اشاره: قرآن برای مؤمنان و ایمان یک حساب مخصوص باز کرده است و مؤمنان به سبب اعمال خیر به مقام قُربِ الهی و مکان بهشتی راه

ص: ۱۹۹

۱- بحار، ج ۵۳، ص ۴۷، کافی، ج ۶، ص ۱۶۲.

۲- لا یعضی الا فیها و... کلمات قصار، ص ۳۸۵.

۳- حجر: ۴۷.

۴- بقره: ۲۵.

می یابند. **وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ**؛ مؤمنان یاری جویند از خدا به صبر و نماز، نماز با حضور قلب امری بسیار بزرگ و دشوار است، مگر بر بیم ناکان از خدا که در نماز مشتاقانه به محضر حق می شتابند. (۱)

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ**؛ ای کسانی که ایمان آورده اید در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت پیشه کنید و به ذکر خدا و نماز توسل جوید که خدا یاور صابران است. (۲)

اشاره: بعد از ایمان، خداوند مؤمنین را در اینجا امر به صبر فرموده است. چرا صبر؟ صبر در مقابل گناه، موجب تقویت ایمان و سبب بقای اعمال خیر می شود. اگر انسان صبر نداشته باشد، بی تردید محافظت از اعمال خیر در مقابل خواسته های نفسانی، در بعضی موارد برای او ناممکن و در همه موارد بسیار مشکل خواهد بود. فقط صبر است که با عمل صالح صابران را به قلّه سعادت می رساند و خداوند هزاران انسان صابر را به عنوان الگوه در قرآن معرفی فرموده است. انسان مؤمن در مقابل هر مشکل از قرآن پیروی می کند و قرآن را با همه وجود می خواند و به این کلام نور عمل می کند: **وَعَدَاللهِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا**؛ خداوند به مردان و زنان باایمان، باغ هایی از بهشت وعده داده است که نهرها از زیر درختان آنها جاری هستند. (۳)

ص: ۲۰۰

۱- . بقره: ۴۵.

۲- بقره: ۱۵۳.

۳- توبه: ۷۲.

به جهت زحمات مؤمنان درباره اصلاح جامعه و امر به معروف و نهی از منکر، خداوند بزرگترین عنایت را در حق آنها دارد، وعده بهشت نتیجه مرارت ها و صبر مؤمنان در مقابل کفار و منافقین می باشد.

با تکیه به آیات قرآن روشن می شود که اعمال منافقین در مقابل اعمال مؤمنان قرار دارد. امر به منکر و نهی از معروف، امساک و بخل در انجام کار خیر، فراموش کردن خدا و مخالفت با فرمان پروردگار و پیامبران الهی از علائم و مشترکات مردان و زنان منافق مطرح گردیده تا اهل ایمان هوشیار باشند.

در مقابل اعمال نادرست منافقین، اعمال و صفات مؤمنان و مؤمنات مطرح شده، مردان و زنان مؤمن مردم را به نیکی ها دعوت می کنند. (يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ) و از زشتی ها و منکرات باز می دارند (يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ). مردان و زنان باایمان خدا و رسولش را اطاعت می نمایند.

### متقین طرف معامله با خدا

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، (۱) خداوند از مؤمنان جان ها و اموالشان را خریداری می کند. در برابر این معامله جهاد در راه خدا) بهشت برای آنان است.

مؤمنان طبق فرمان خداوند به اهل بیت توسل می جویند. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ، جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای اهل ایمان بترسید از خدا و به خدا توسل جویند، به وسیله ایمان و پیروی

ص: ۲۰۱

از اولیاء خدا و در راه خدا جهاد کنید باشد که رستگار شوید. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله از حیات طیبه و ابدی مؤمنان خبر داده است، کما این که قرآن شهیدان و مؤمنان را زنده معرفی می کند. شهیدان همان مؤمنان میدان جهادند، گرچه به حسب ظاهر در جامعه حضور ندارند، اما در واقع آنان شاهد و آگاهند، این سعادت نتیجه ایمان استوار، جهاد فی سبیل الله و پایدار اهل ایمان است.

### متقین برتر از فرشتگان

به جهت مقاومت و پایداری در مشکلات اهل ایمان مورد تمجید و تکریم قرآن و عترت قرار گرفتند. در این باره از کلام امام صادق علیه السلام استفاده می کنیم. حضرت می فرماید: **الْمُؤْمِنُ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ، إِذَا دَخَلَ النَّارَ يَغِيْرُ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قَتَلَ ثُمَّ نُشِرَ، ثُمَّ قَتَلَ لَمْ يَتَغَيَّرْ قَلْبُهُ؛** (۲) از نظر امام علیه السلام مؤمن از پاره های آهن محکم تر است؛ زیرا آهن اگر در آتش قرار گیرد، دگرگون می شود، ولی مؤمن اگر کشته شود و دوباره زنده گردد، باز کشته شود، قلب و ایمان او در راه خدا ثابت می ماند. مضمون این کلام نورانی درباه یاران امام حسین علیه السلام کاملاً قابل تطبیق و تصدیق می باشد. این مقام برای مؤمنین سعادت آفرین و بانصرت همیشگی خدا قرین خواهد بود. دعا به معنای خواندن، صدا زدن، عبادت، نیایش و توحید افعالی است. این امر معنوی در قرآن و روایات خیلی مورد تأکید قرار گرفته و همه انبیاء و ائمه

ص: ۲۰۲

۱- مائده: ۳۵.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۸.

معصومین علیهم السّلام اولین تکیه گاهشان خدا و دعاء خواستن از خداوند بود. این عمل (دعاء) مورد سفارش همه بزرگواران و از مصادیق ذکرالله هست. تکامل روح انسان بدون دعاء امکان نخواهد داشت.

به عبارت دیگر دعاء همان رحمت و دعوت خداوند است که برای نجات بشر از بدی ها مورد تأکید قرار گرفته است. روح تضرّع و زاری، دفع زیان ها و حوادث، تغییر سرنوشت از شقاوت به سعادت از طریق دعاء ممکن است. دعاء مثل عبادت بر دو قسم است؛ تشریحی و تکوینی. دعای تکوینی همان زبان حال طبیعت جهان آفرینش است. اما دعای تشریحی فعل اختیاری انسان هست و به طور عموم شامل حال همه بشر می گردد، ولی افتخار این عمل مقدس فقط نصیب اهل ایمان می شود. دعاء عبادت است

و ترک آن استکبار و دوری از خدا دانسته شده است. اگر در دعاها و اذکار وارد شویم گستره این عرصه قابل درک نیست.

ماچه می دانیم که از اول جهان تاکنون چقدر دعاها قبول و چقدر رد شده است. کتاب های دعاء مثل صحیفه امام سجاده علیه السّلام، مفاتح الجنان، مصباح و کامل الزیارات.... هر یک بحر بی پایان هستند افسوس که با وجود این همه نعمت نورانی و ابدی بشریت سرگردان و

حیران است.

ص: ۲۰۳

امام صادق علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: قال الله تبارک و تعالی: لو لم یکن فی الارض الا مؤمن واحد لاستغنیت به عن جمیع خلقی و لجعلت له من ایمانه أنساً لا یحتاج إلى أحد؛ خداوند تبارک و تعالی فرماید: اگر نباشد در زمین جز یک مؤمن! من به وجود او از همه خلق خود بی نیازم و از ایمانش برای او آرامش بسازم که نیاز به احدی نداشته باشد. (۱)

باز حضرت می فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَيُدْفَعُ بِالْمُؤْمِنِ الْوَاحِدِ عَنِ الْقَرِيهِ الْفَنَاءَ؛ خدا به سبب وجود یک مؤمن، یک شهر را از فنا و بلا نجات می دهد. (۲)

این کلام امام در بستر تاریخ مصادیق فراوان داشته و مؤمن آل فرعون و امثال او در قرآن جهت تقویت اهل ایمان،

احوالشان بیان شده است. تا حقیقت ارزش ایمان همیشه مورد توجه جامعه باشد، این عظمت و مقام مؤمن در پیشگاه خداوند، اختصاص به عصر و زمان خاصی ندارد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنَانِ، فَمُؤْمِنٌ صَدَقَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ وَفَى بِشَرْطِهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ «احزاب/۲۳» فَذَلِكَ الَّذِي لَا تُصِيبُهُ أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَ لَا أَهْوَالُ الْآخِرَةِ وَ ذَلِكَ مِمَّنْ يَشْفَعُ وَ لَا يَشْفَعُ لَهُ وَ مُؤْمِنٌ كَخَامِهِ الزَّرْعِ، تَعَوَّجُ أَحْيَاناً وَ تَقْوُمُ أَحْيَاناً، فَذَلِكَ مِمَّنْ تُصِيبُهُ أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَ أَهْوَالُ الْآ

ص: ۲۰۴

---

۱- اصول کافی ۶ جلدی، ج ۵، ص ۶۳، حدیث ۲، [ این حدیث قدسی جایگاه بلند مؤمن را در پیشگاه خداوند بیان می کند و مثل این حدیث قدسی، دیگر احادیث قدسی نیز از مقام والای مؤمن سخن گفتند.

۲- اصول کافی کتاب ایمان و کفر، ج ۵، ص ۶۹، ح ۲.

خِرَّةَ وَ ذَلِكُمْ مِمَّنْ يَشْفَعُ لَهُ وَ لَا يَشْفَعُ؛ (۱) مؤمن دو گروه اند: یک گروه به عهد خدا عمل کرده، این گروه مورد قول خدا، (احزاب / ۲۳) هستند.

آنها هراسی از دنیا و هراسی از آخرت ندارند. آنها شفاعت کنند و نیاز به شفاعت ندارند. یک گروه مؤمن چون زراعت تازه روییده و لطیف هستند و گاهی کج می شوند و دچار هراس از آخرت می شوند؛ اینها از کسانی نیستند که از آنها شفاعت نشود. آنها مورد شفاعت قرار می گیرند.

### دستاوردها برای متقین

اولین دستاورد دعا تقرب به خداست. امام صادق علیه السلام می فرمایند: هیچ گاه دعا را ترک نکنید؛ زیرا علمی را پیدا نمی کنید که مانند دعا موجب نزدیکی به خدا باشد. (۲)

دومین دستاورد دعا عاقبت بخیری خواهد بود. دعا درس بندگی و کلاس توحید است، وقتی نام های مقدس خداوند را بر زبان جاری می کنیم یا جاری می کنند، گویا قلب کار زبان را انجام می دهد، خروش یا رحمان، یا رحیم، یا غفور و یا کریم در درون قلب طنین انداز می گردد. حضرت احدیت در زبان و قلب تجلی می یابد، جز او کسی در قلب مورد تصور نیست. لذت سخن گفتن با خدا هیچ گاه و با هیچ زبانی قابل توصیف نخواهد بود. بهترین ادب اقرار به نادانی در پیشگاه خدا و خواستن کمال از خالق جهان هست. سومین دستاورد دعا درمان دردها و بیماری های

ص: ۲۰۵

---

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۷۱، حدیث ۱.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۵.

روحي خواهد بود. چهارمین دستاورد دعا آرامش روحي و رستگاری خواهد بود. پنجمین دستاورد دعا بخشایش گناه و تغییر سیئات به حسنات خواهد شد. ششمین دستاورد دعا پیروزی بر دشمنان می باشد. به گواهی تاریخ و حدیث از زمان آدم تا خاتم در همه عرصه ها پیامبران و اوصیای مکریشان در مقابل دشمنان کم نبودند که با دعاء و قدرت ایمان دشمن را شکست می دادند. یکی از راه های شکست دشمن نصرت خداوند و قبول دعای پیامبران و قاطبه اهل ایمان در قرآن بیان شده و در میدان های مختلف ظهور پیدا کرده است: «وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (۱) و ما را با رحمت از دست قوم کافر رهایی بخش».

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ (۲) پروردگارا مرا با گروه ستمگران قرا مده. درخواست اهل ایمان این است: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ (۳) پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگه دار.

رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ؛ (۴) پروردگارا مرا در برابر قوم تبهکار مفسدین یاری فرما.

#### امتداد

بقاء اعمال از نگاه مکتب اسلام یک اصل مسلم شناخته شده است.

ص: ۲۰۶

۱- ابراهیم: ۳۵.

۲- اعراف: ۴۷.

۳- بقره: ۲۰۱.

۴- عنکبوت: ۳۰.



قسمت هایی از «قرآن کریم» و روایات پرفروغ «اسلامی» آئینه اعمال و افعال متقین و مؤمنین می باشند و این امر مسلم قابل انکار نخواهد بود.

پرواضح است که این بحث دامنه گسترده ای دارد و در اینجا به برخی موارد اشاره می شود.

طبق آموزه های دینی، تجلی «قرآن» در اعمال اهل ایمان پرفروغ تر از خورشید می تابد و تاریکی ها را برای اهل ایمان تبدیل به نور می نماید کما اینکه در آیه الکرسی می خوانیم. نورانیت موجود در سیمای متقین در همه جا می درخشد. نور ایمان قافله اهل حق را به میدان های مختلف در مقابل دشمنان مختلف درونی و برونی راهنمایی می کند و آنان که شایستگی پیروی از مکتب قرآن را دارند تا مرز شهادت پیش رفتند و پیش می روند. حضور عاشقانه متقین در عرصه های جهاد رزمی و دفرهنگی برای همگان روشن است. اعلام وفاداری صادقانه مؤمنین برای حفظ ارزشهای دینی در جهاد فی سبیل الله در مقابل دشمن زمینه ظهور امام عصر(عج) را فراهم تر می کند. به جهت ایمان قوی پیروان واقعی مکتب اسلام حیات بعد از مرگ متقین باشکوه تر از حیات دنیایشان خواهد بود. بدین سبب شفاعت و زیارت رهبران الهی مورد تأیید قرآن و پیامبران و امامان قرار گرفته است. سپس حیات بعد از مرگ ارمغان و نتیجه اعمال خواهد بود. اگر کسی یا کسانی مطیع خداوند باشند، معنای خلیفه و خلافت درباره او صادق است. هرگاه خلافت «انسان» در زمین تحقق پیدا کند. معنای انسان کامل نیز ظهور پیدا می کند، گرچه ترقی در همه امور و برای همه افراد بشر ممکن است،

ص: ۲۰۷

ولی فرق اساسی بین ترقی و پیشرفت وجود دارد. ترقی و ارتقاء برای اهل ایمان معنای واقعی دارد، پیشرفت غیر از ترقی است. مثلاً- در جبهه گفته می شود: رزمندگان اسلام پیشرفت کردند. هیچ گاه گفته نمی شود ترقی کردند. ترقی و تعالی بیانگر کمالات اهل تقوا است به سبب تقوا، مقاومت در همه عرصه ها تحقق پیدا می کند. در طول تاریخ در کنار متقین، مشرکین و منافقین وجود داشتند و دارند. جریان حق و باطل همواره در مقابل هم قرار داشته و دارند. خیلی از مشکلات با دعا قابل حل است.

ص: ۲۰۸

## فصل سوم : کارکردهای رفتاری متقین از نگاه قرآن و معصومین علیهم السلام

اشاره

ص: ۲۰۹

با این که قرآن، مُبین همه مخلوقات جهان است (۱)، مع الأسف بیان و پیام قرآن در جامعه مورد توجه واقعی قرار نگرفته است. منع مخالفین از نشر معارف قرآن از یک سو و غفلت غافلین از طرف دیگر همیشه وجود داشته و دارد، ولی هر دو مانع باجهاد و تلاش افراد مُتقی و مؤمن که بصیر هستند، قابل دفع است. بصیرت شرط رسیدن به حقایق است.

فرق نظر و بصر آن است که اهل نظر مثل حیوانات به اطراف نگاه می کنند و ظاهر را می بینند، در این جهت هیچ امتیازی برای بشر نیست؛ چون ظاهر خوب مطلوب همه موجودات زنده هست؛ حیوانات به آب و هوای ظاهر علاقه دارند و جای مناسب را می طلبند، اما اهل بصیرت واقع گرا هستند و آخرت را فدای دنیانمی کنند. این یکی از ویژگی های افراد متقین می باشد.

در قرآن هلاکت امت ها به سبب ظلم و جنایات خودشان مطرح شده است؛ «امت های گذشته می دانستند که پیامبران از جانب خدا پیام آوران الهی هستند. علی رغم ارائه معجزات از جانب پیامبران، مخالفین، آن بزرگواران را تکذیب، تحقیر و تکفیر می کردند و به شهادت می رساندند. از آنجا که امت های ظالم به مبداء و معاد ایمان نداشتند، خداوند جهت بیداری از خواب غفلت دستور می دهد که در زمین سیر نمایید. «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَا

ص: ۲۱۰

قَبَهُ الْمُكَذِّبِينَ، (۱) بگو روی زمین گردش کنید، سپس بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان آیات الهی چه شد».

### سهیم متقین از رحمت الهی

اگر رحمت ها و عبرت ها در قرآن محاسبه شود، رحمت های الهی بیش از شمارش خواهد بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «رحمت خدا صد درجه دارد؛ یک درجه آن در دنیا نصیب بشر شد و ۹۹ درجه آن در قیامت تحقق پیدا می کند (۲) فقط متقین از رحمت خداوند به صورت مطلوب در دنیا و آخرت بهر مندند.

طبق بیان این حدیث شریف همه امکانات مادی و معنوی دنیا یک قسمت از صد قسمت رحمت پروردگار است و در این میان متقین از رحمت خدا بهر مند می شوند و با مال و جان در راه خدا جهاد می نمایند.

مؤمنان برای کسب درجات عالی و بهره مندی از نِعَم الهی باید هرچه بیشتر و بهتر با قرآن و خاندان رسالت آشنا شوند و راه حلّ نهایی بازگشت به قرآن است. خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: «وَإِنَّهُ لَمَذْكُرٌ لَّكَ وَ لِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ»؛ (۳) این کتاب برای تو و قوم تو مایه شرف و عزت است سپس درباره آن بازخواست خواهید شد». قرآن آیین زندگی و شرف برای کسانی است که بدان ایمان آورده و به آن عمل کنند.

ص: ۲۱۱

---

۱- انعام: ۱۱.

۲- تفسیر فی ضلال القرآن، و تفسیر نور، ج ۳.

۳- زخرف: ۴۴.

## بهره مندی عمومی از قرآن با زبان مشترک

خلقت و فطرت انسان در بین همه نسل ها و در همه زمان ها مورد خطاب قرآن است؛ بدین جهت قرآن برای تمام زبان ها و ملل جهان است، کلام وحی با فطرت انسان ها سخن می گوید و الا ادعای جهانی بودن قرآن ثابت نمی شد. بنابراین زبان فطری به عنوان فرهنگ مشترک در بین همه انسان ها، جهانی بودن قرآن را تأیید می کند. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ؛ (۱)» پس تو ای رسول ما با تمام پیروانت روی به جانب آئین پاک اسلام آور و پیوسته از طریقه ی دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نیست. این است آئین استوار حق». حق طلبی و ظلم ستیزی در بین تمام مردم جهان جنبه فطری دارد و همه انسان ها عدالت خواه می باشند، ولی در انتخاب و عمل اشتبا می کنند. البته اگر بخواهند راه توبه و بازگشت به سوی خدا جود دارد.

زبان فطری آحاد مردم را به اتحاد و یگانه پرستی فرا می خواند. در این دعوت باید همه انسان ها اعم از عرب، عجم، سیاه و سفید، پیر و جوان، زن و مرد با زبانها و چهره های متفاوت به پیام آوران حق لبیک بگویند، اما شیطان و پیروان او مانع ایجاد می کنند.

## متقین و آغاز کارها با نام خدا

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يَبْدَأْ بِإِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَبْتَرُ؛ هر کاری

ص: ۲۱۲

۱- روم: ۳۰.

بدون بسم الله، بی عاقبت و بی برکت خواهد بود».<sup>(۱)</sup>

آغاز کار با بسم الله، برای متقین جمع بین حسن فعلی و حسن فاعلی می باشد.

در حدوث و بقاء هر کاری بسم الله تأثیر فراوان دارد، عبادت بدون بسم الله حسن فعلی دارد، ولی فاقد حُسن فاعلی خواهد بود.

در حدوث و بقاء هر کاری بسم الله تأثیر فراوان دارد. عبادت بدون بسم الله حسن فعلی دارد، ولی فاقد حُسن فاعلی خواهد بود.

امام علی علیه السلام می فرماید: كَانَ رَسُولَ اللَّهِ يَقْرُوهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيَعُدُّوهَا آيَةً مِنْهَا؛<sup>(۲)</sup> پیامبر صلی الله علیه وآله بسم الله الرحمن الرحيم را آیه ای از قرآن می دانست و به این عنوان قرائت می کرد.

از پیامبر صلی الله علیه وآله روایت شده هر کس می خواهد حق تعالی او را از زبانه ی دوزخ که نوزده اند نجات دهد، باید به قرائت بسم الله الرحمن الرحيم اشتغال نماید؛ زیرا که بسم الله الرحمن الرحيم نوزده حرف است تا حق تعالی هر حرف از آن را سپری گرداند، از جهت دفع هر یک از نوزده زبانه آتش، این زبانه ها نشانه ی قهر و غضب الهی اند. نوزده نفر نیز از آیه ی عَلِيهَا تَسَعَهُ عَشْرًا استفاده می شود.<sup>(۳)</sup>

ظَهَرَ الْوُجُودُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ هستی با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز و پدیدار گشت. عمق این مطلب یک پژوهش تفسیری می طلبد.

ص: ۲۱۳

---

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷۲.

۲- نور الثقلین، ج ۱، ص ۹.

۳- منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱؛ سوره مدثر آیه ۳۰؛ و تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۳۱۹.

بسم الله الرحمن الرحيم هر سوره، متعلق به خود آن سوره است نه این که بسم الله تا آخر «قرآن» تکرار شده باشد. از این جهت در نظری بسم الله هر سوره را معانی غیر از سوره ی دیگر است. بسم الله هر قائلی در هر فعلی با بسم الله دیگری فرق دارد. این مطلب در تفسیر سوره حمد امام خمینی بیان شده است.

امام ره) می فرماید: سوره ی حمد جمیع سلسله ی وجود است عیناً و عملاً و تَحَقُّقاً و سلوکاً و ارشاداً و هدایتاً و اسم مظهر آن بسم الله اعظم و مشیت مطلقه است.

اسم علامت است. اسماء خدا هم علامت های ذات مقدّس اوست و آن قدری که بشر می تواند از ذات مقدس حق تعالی اطلاع پیدا کند، از اسمای حق است. خود حق تعالی یک موجودی است که دست انسان از او کوتاه است، حتی دست خاتم النبیین که اعلم و اشرف بشر است. (۱)

### متقین و تدبر در قرآن

خداوند متعال در آیه ۸۲ سوره نساء می فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ»؛ آیا به قرآن عمیقاً نمی اندیشند؟ با تدبّر و تفکر حقائق برای بشر روشن می شود. قرآن مبین همه چیز است؛ «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (۲) و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی و هدایت و رحمت برای تسلیم شدگان به

ص: ۲۱۴

---

۱- مقدمه تفسیر سوره حمد قرآن مجید، برگرفته از آثار امام علیه السلام با اشراف آیت الله معرفت و تنظیم آقای سید علی حجت الاسلام ایازی نشر آثار امام علیه السلام.

۲- نحل: ۸۹.



فرمان) خداست. شناسنامه جهان هستی قرآن کریم است. این کتاب الهی به بیان اجمالی جهان آفرینش و جهان آخرت پرداخته و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السّلام حقایق هر دو جهان را بآبهره گیری از این نسخه ی شفا بخش بازگو نموده اند.

طبق بیان آیات و روایات ادامه خط و صراط مستقیم بعد از رحلت نبی مکرم اسلام به دستور خداوند، توسط پیامبر به جانشینان حضرت واگذار و سفارش گردید و به استناد قرآن و احادیث اسلامی معّ الأسف در هیچ عصر و زمانی به صورت آتم و اکمل به این دو سرمایه و ودیعه خداوند، توجه لازم نشده و هزاران دستور «اوامر و نواهی» پروردگار در بین جامعه بشری اجرا نگردیده است. علیرغم وجود تفاسیر و علوم قرآنی، در باب معرفت الله و موضوعات مختلف، شناخت انسان از قرآن همچنان در عرصه های گوناگون و امور مختلف بسیار ناچیز و مثل فاصله زمین و آسمان است.

اعمال ما با دستورات حیات بخش فرقان فاصله بسیار دارد و هزاران سؤال در اذهان و قلم دانشمندان، عقیم مانده است. به شهادت اهل شهود و اقرار اهل سلوک قرآن برنامه هر دو جهان را بیان کرده است. حال چه کسانی

جز انبیاء و امامان می توانند، ادعا نمایند که برنامه های قرآن را برای سعادت در امور فردی و اجتماعی تبیین و تطبیق نمایند؟ اگر قرآن برای رساندن انسان به کمال و احسان به هم نوعان برنامه نداشت، چه دلیل و حجّتی برای محاکمه ی مخالفین و پاداش موافقین وجود داشت؟ از این رو بشر برای رسیدن به سعادت راهی جز پیروی از دستورات قرآن ندارد.

انتخاب درست امتیاز و افتخار انسان در بین مخلوقات جهان است. حیات پاک دوسرا سزاوار انسان متقی است.

گرچه در تحقق اوامر و نواهی خداوند سبحان همه ی سفیران الهی و جانشینان برحقشان تلاش و کوشش نمودند، ولی موانع و طاغوتیان از روز نخست تا به حال نگذاشته اند که افراد بشر در مسیر مکتب آسمانی هدایت شوند. بدون تردید همه افراد بشر به جز راسخان در قرآن و عالمان مخاطب قرآن یعنی ائمه معصومین علیهم السلام از فهم قرآن عاجزند؛ کما اینکه خداوند این مسأله را در سوره بقره در باره آدم علیه السلام و ملائکه بیان فرموده است.

ممکن است پرسش شود که در طول تاریخ تفاسیر فراوان و متعددی به نگارش درآمده است. اگر قرآن فهم و درکش ممکن نیست، پس این تفسیرها چگونه اثرگذار بوده، منشأ هدایت و علم آموزی گردیده است؟

پاسخ این است که با ملاحظه زمان های مختلف از ابتدای تاریخ بیان تفسیر از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام تا کنون، هیچ مفسر شیعه و سنی ادعا نکرده اند که تفسیر جامع و کاملی نوشته اند.

از تفسیر به رأی که مولود ذهن گوینده و نویسنده است، در منابع روایی منع شده و مجازات اشخاص خود رأی در مورد قرآن کمتر از جهنم نخواهد بود، ولی تفسیر قرآن به قرآن یا تفسیر قرآن با تکیه به سخنان پیامبر و امامان علیهم السلام نه تنها منعی ندارد، بلکه لازمه آشنایی بیشتر جامعه ی اسلامی با احکام نورانی قرآن و فضائل بیشمار کلام وحی می باشد. اگر قرآن برای همه اصناف جامعه منشأ

هدایت نمی بود، در سخنان عاملان کلام وحی آن قدر برای تلاوت قرآن سفارش نمی شد و این همه ثواب برای قاریان قرآن بیان نمی گردید. پس درک وحی و عمل به قرآن برای عموم بشر امکان دارد.

تفسیر به معنای پرده برداری از ابهام است. کلام وحی فی نفسه هیچ گونه شبهه و ابهامی ندارد، ولی فهم بشر از درک کلام وحی قاصر است؛ فقط مفسّر واقعی (معصوم) از کلام وحی پرده و ابهام را برطرف می کند و منابع تفسیری معتبر، توسط خوشه چینان علوم قرآنی از اول تاکنون در اختیار جامعه قرار گرفته است. الحمد لله بستر آشنایی با سخنان نور در همه زمینه ها وجود دارد. خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا؛ کافران برای تو هیچ مثلی نیاورند، مگر آن که مابرایت جوابی حق و خوش بیان تر بیاوریم».<sup>(۱)</sup> یا در جای دیگر می فرماید: وَمَاهِي إِلَّا ذِكْرِي لِلْبَشَرِ؛ (و این قرآن) جز تذکری برای انسان ها نیست».<sup>(۲)</sup>

طبق آیات قرآن و روایات، مخاطب قرآن قاطبه جامعه بشر هستند و احتیاج جامعه به شناخت قرآن و عمل به آن از نظر عقل و نقل نه تنها مقبول و مطلوب است که یک نیاز فطری و ترقی روحی برای سعادت انسان محسوب می شود. تا زمانی که بشر کتاب جهان آفرینش را نشناسد، چگونه می تواند از آن استفاده کند؟ چگونه هزاران مرض روحی و جهل خودش را درمان می نماید؟ چگونه به

ص: ۲۱۷

- ۱- از اول تا آخر قرآن کریم فقط یک بار کلمه تفسیر ذکر شده، (فرقان: ۳۳). اولین مفسر اسلام وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بعد امامان علیهم السلام و در امتداد این مسیر مقدس علماء عامل و شاخص مفسران قرآن اند.
- ۲- سوره مدثر بخشی از آیه ۳۱. این سوره مکی و ۵۶ آیه، ۲۴۶ کلمه و ۱۰۷۳ حرف دارد.

کمال و مقام خلیفه الهی دست پیدا می کند؟ چگونه در بین هزاران جریان، حق را از باطل تشخیص می دهد؟ چگونه ارتباط خود را با خالق برقرار می کند؟ چگونه مبداء و معاد را می شناسد؟ چگونه به ابدیت و حقانیت سرنوشت خویش آگاه و مطمئن می گردد؟ چگونه امتیازهای اهل ایمان را از کافران و منافقان می شناسد؟ چگونه به سرنوشت اُمم و پیامبران الهی پی می برد؟ چگونه در امتداد خط حق خواهان و استکبار ستیزان قرار می گیرد؟

چگونه به امور فردی و اجتماعی، دینی و اخلاقی و تربیتی و تکالیف انسانی خود آگاه می شود؟

بدون آشنایی با قرآن و کلام راسخین در قرآن، جزئیات اصول و فروع دین قابل فهم نیست و انسان کامل از رهگذر آشنایی و عمل به معارف دین اعم از اصول و فروع، گل سرسبد عالم خلقت می شود؛ لذا ضرورت آشنایی با قرآن و عمل به امر و نهی این کتاب مقدس وظیفه ی شرعی و فطری انسان است. انسان متقی، خویش را شاگرد و پیرو قرآن می داند و بدون فراگیری قرآن به سعادت و شرافت نمی رسد.

خداوند در قرآن سعادت همه را می خواهد، اما همگان توفیق و شایستگی هدایت را ندارند؛ لذا فرعون ها، نمرودها، قارون ها، ابو لهب ها و ناپاکان در مقابل پیامبران و پیروان آنها قراردارند. جهاد فی سبیل الله با کافران و منافقان وظیفه متقین می باشد. عمل به این فریضه الهی بدون شناخت کلام نور امکان ندارد. پیروان شیطان همیشه در تلاشند که متقین را از ذکر و راه خداوند باز دارند، اما

سرمایه ایمان، مانع غلبه شیطان بر اهل ایمان می شود. «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (۱) این قرآن جز مایه ی بیداری برای جهانیان نیست.

خداوند هدایت و نجات یک انسان را به منزله نجات جامعه بیان کرده است. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (۲) هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، مثل آن است

که همه انسان ها را کشته و هر کس انسانی را هدایت کند و یا از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.»

نجات انسان از قتل به هدایت انسان نیز تفسیر شده است. قرآن رحمت خداوند را شامل حال همه ی موجودات می داند؛ «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (۳)

### متقین و حمد خداوند متعال

انسان مُتَّقِي در همه حال باید الحمد لله بگوید. زمانی که الحمد لله بر زبان اهل ایمان جاری می شود، آرامش درونی محقق می گردد، ولی انسان منافق در زبان الحمد لله می گوید، ولی آرامش و زبان صادقانه ندارد. مؤمن رضایت خداوند را بر همه هستی خویش ترجیح می دهد و هر گرفتاری که پیش آید می گوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اگر خانه مؤمن خراب شود و یا فرزند او بمیرد و هر مشکل یا مرضی برای مؤمن پیش آید می گوید: الحمد لله رب العالمین. این

ص: ۲۱۹

۱- . قلم: ۵۲.

۲- مائده: ۳۲.

۳- سوره ی اعراف قسمتی از آیه ی ۱۵۶.

معنای واقعی بندگی است، اما هرگاه در جامعه مشکل بوجود آید، یا جنگ از طرف دشمن تحمیل شود، انسان های ضعیف الایمان و منافق به جای الحمد لله، به خداوند ناسزا می گویند تا چه رسد که به معصومان علیهم السّلام و افراد مؤمن جامعه احترام نمایند.

مؤمنان با الهام گیری از قرآن و نصایح پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السّلام به کارهایشان رنگ الهی می بخشند. اطمینان به عفو و رحمت خداوند از ویژگی افراد مؤمن است؛ مؤمنان این ویژگی را به تبع از گفتار و رفتار رهبران دینی کسب نمودند، کما این که خداوند خطاب به ابراهیم علیه السّلام می فرماید: «أَوَلَمْ تُؤْمِنُ؟ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنَّ يَطْمِئِنُّ قَلْبِي؛ (۱) آیا ایمان نیاورده ای؟ ابراهیم علیه السّلام گفت: چرا! تقاضایم برای این است که قلبم اطمینان و آرامش یابد».

### متقین؛ عاملین به علم

همه جهان آفرینش خدا را عبادت می کند: «إِنَّ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا؛ (۲) هیچ موجودی در آسمانها و زمین نیست، مگر آن که ذاتاً بنده ی فرمان بردار خدای رحمان هستند و به سوی خدا می آیند دو نکته ی اساسی در کلمه «ایاک نستعین» بسیار اهمیت دارد.

الف- نماز در صورت امکان به جماعت خوانده شود؛ چون متکلم نستعین می گوید نه استعین و نعبُد می گوید نه أعبُد.

ما علم داریم که وحدت خوب است، علم داریم که عبادت خوب است، علم

ص: ۲۲۰

۱- بقره: ۲۶۰.

۲- مریم: ۹۳.

داریم که شهادت خوب است، اما در عمل مشکل جدی وجود دارد، فقط متقین به علمشان عمل می نمایند.

ب- ما به وجود مقدس خدا و قدرت بی انتهای او علم داریم. این علم بدون پیروی و عمل به دستورات خداوند فائده‌ی ندارد. علم به خاتمیت و معجزات پیامبران علیهم السّلام، علم به امامان علیهم السّلام و علم به قیامت، بدون پیروی از پیامبران و امامان فائده‌ی أُخروی ندارد و موجب هدایت نمی گردد؛ از این رو بعد از ایمان، عمل از ارکان اعمال متقین بشمار می رود. مطلب دیگر آنکه به جهت گفت و گو با خالق و محبوب واقعی، «ایاک» تکرار شده است.

خداوند برای شناخت خود و جهان از مثل‌ها و همه مخلوقات استفاده کرده، تا بشر از هر راه ممکن به قدرت خدا پی ببرد: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ؟» (۱) آیا در آفرینش شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است.

اعراب جاهلیت صحرانشین و شتربان و همه انسان‌های جاهل باید از طریق خلقت شتر و موجودات دیگر درباره خالق فکر کنند و به وجود مقدس خدا ایمان داشته باشند.

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله فرمودند: «قَوْلُ الْعَبْدِ الْحَمْدُ لِلَّهِ، أَرْجَحُ فِي مِيزَانِهِ مِنْ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ» (۲)؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ در میزانش از هفت آسمان و هفت زمین سنگین تر است».

این مقام عظمی فقط با عبادت نصیب می شود و سبک بالان در تقرب به خدا

ص: ۲۲۱

---

۱- غاشیه: ۱۷.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۱۴؛ و تفسیر امام علیه السّلام، ج ۲، ص ۱۷۶

از همه چیز می گذرند. پیامبر صلی الله علیه وآله می فرماید: نَجَا الْمُخَفَّفُونَ، رستگاران کسانی هستند که در حوایج و امور دنیا تخفیف می دهند. (۱) بنابراین آخرت گرایی میراث انبیاء و متقین هست.

خداوند که ربّ و خالق همه هستی است، شخصیت بنده خویش را برای خاکیان و افلاکیان بیان فرموده و در مقابل مشکلات دنیا، هزاران نعمت ابدی را به مؤمنان و متقیان بشارت داده و می فرماید: «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ؛ (۲) حَقِيقَةً هَمَانَا بازگشت آنان به سوی ماست». همه مخلوقات و موجودات توسط انسان رجوع به حق می کنند؛ چنانچه در زیارت جامعه می فرماید: «... وَأَيُّبُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ».

متقین باصبر و عبادت از مشکلات عبور می کنند و از عبادت خالصانه مدد می جویند.

برای انتخاب راه درست هیچ گاه بن بست وجود ندارد، برای انجام عبادت و تکامل مؤمنین، خداوند می فرماید: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (۳)؛

ای بندگان مؤمن من! زمین من گسترده است، هر جا می خواهید بروید ولی در مسیر عبادت من باشید.

### متقین و ذکر کثیر

امام صادق علیه السلام فرمودند: «كَانَ

رسول الله إذا أصبح قال: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، كَثِيراً عَلَى كُلِّ حَالٍ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَسِتِّينَ مَرَّةً، وَإِذَا أَمْسَى قَالَ: مِثْلَ

ص: ۲۲۲

---

۱- مکارم الاخلاق، ص ۴۴۰.

۲- غاشیه: ۲۵.

۳- عنکبوت: ۵۶.



ذَلِكَ (۱) با یک تعبیر جامع باید گفت که پیامبر صلی الله علیه و آله، انبیاء و معصومین علیهم السّلام کثیر الذکر و دائم الحمد بودند. در این حدیث امام علیه السّلام در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: از طلوع شمس پیامبر صلی الله علیه و آله می گفت: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَمِيداً كَثِيراً طَيِّباً عَلٰی كُلِّ حَالٍ (۲). اذکار و اعمال حضرت فوق درک همگان هست. عنایات خداوند به مؤمنان به جهت تفضّل خدا به اهل ایمان است.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای ۳۷ صحیفه سجّادیه می فرماید: اَللّٰهُمَّ اِنْ اَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ اِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ اِحْسَانِكَ مَا يَلْزِمُهُ شُكْرًا وَلَا يَبْلُغُ مُبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَاِنْ اِجْتَهَدَ؛ بارالها هیچ کس به درجاتی از شکر تو دست نمی یابد، مگر این که نعمت توفیق عرض ادب وی را به شکر دیگری بر می گمارد و احدی در فرمانبرداریت هرچند بکوشد به جایی نمی رسد. عنایات خداوند به مؤمنان به جهت تفضّل خدا به اهل ایمان است.

در دعای دیگر امام سجّاد علیه السّلام می فرماید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْاَوَّلِ بِلاِ الْاَوَّلِ كَانَ قَبْلَهُ وَاَلْاٰخِرِ بِلاِ الْاٰخِرِ يَكُوْنُ بَعْدَهُ؛ حمد ویژه ی خدایی است که در اوّلیت بی آغاز و در آخریت بی انجام است: «اول بلا اول و آخر بلا آخر است».

حمد جایگاه انسان را در دو جهان عالی و متعالی می کند. حمد انسان را به معراج سعادت و کمال شرافت می رساند. حمد موجب تجلّی انوار قرآن و انوار کلمات معصومان در قلوب اهل ایمان می گردد

حمد تنها وسیله نجات انسان از فساد است. حمد موجب فخر و اقتدار

ص: ۲۲۳

۱- . تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۵.

۲- بحار، ج ۹۰، ص ۲۱۶.

مؤمن در دو جهان هست. حمد الهی مقدم بر تمام فضایل و ضد تمام بدی ها و رذایل است.

اول عبد بودن، بعد پیامبر بودن؛ عَبْدُهُ و رَسُولُهُ در یک کلام قرآن هدف از خلقت را عبادت می داند و می فرماید: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ من جن و انس را نیافریدم، جز برای عبادتم. (۱)

این هدف متوسط است نه نهایی. هدف نهایی رسیدن به یقین است. در آنه پایانی سوره حجر می فرماید: وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ؛ پروردگارت را عبادت کن تا یقین «مرگ» تو فرا رسد. آیه آخر سوره حجر استمرار عمل مورد تأکید این آیه است باید اعمال خیردوام داشته باشد.

### متقین و صراط مستقیم

خدایا ما را به راه راست هدایت فرما. این درخواست، مجاهدت در راه خدا را می طلبد و بدون تلاش، انسان از عبادت و سعادت بی نصیب می گردد.

سفر روحانی و عبادی متقین تا یوم لقاء رحمت الهی ادامه دارد، سفر از خدا به سوی خدا «إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» مورد تأیید قرآن است.

در این سفر روحانی انسان مؤمن از هر طریق مورد ظلم و حملات ناپاکان و ناهلان قرار می گیرد. عبد و سالک الی الله برای رسیدن به مقصود که لقاء الهی باشد نیاز شدید به صراط مستقیم و هدایت معصومین دارد که او را از اعوجاج و دستبرد شیطان مصون و محفوظ بدارد. عبد در این آیه، هدایت به صراط مستقیم را از خدا درخواست می کند و این هدایت، با هدایت تکوینی تفاوت دارد و از

ص: ۲۲۴

جهت دیگر به تصریح قرآن عبادت اختصاص به انسان ندارد و همه موجودات جهان خدا را عبادت می کنند. علاوه بر هدایت تکوینی، هدایت تشریحی از جانب پروردگار توسط انبیاء به بشر ابلاغ شده و مخصوص بشر می باشد. صراط از یک طرف به سوی خالق و از طرف دیگر در مسیر فطرت و خلقت انسان قرار دارد. غیر ممکن است که آغاز و پایان صراط مستقیم به سوی غیر خدا منتهی بشود. راه های دیگر تماماً به غیر طریق الهی منتهی می گردد. تمام انبیاء از صراط مستقیم حرکت کردند و پایان حرکتشان به لقاء رحمت الهی منتهی گردیدند. متقین جز راه انبیاء و رهبران الهی دیگر راهی برای رسیدن به قرب خالق یگانه ندارند.

هدایت تشریحی از طریق وحی به انبیاء که آن هم ارائه طریق است فقط اختصاص به انسان دارد. اما هدایت تکوینی در مورد موجودات دیگر مثل زنبور عسل و همه مخلوقات را شامل می شود. خداوند از محصول زنبور عسل به عنوان شفاء یاد می کند: *يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ (۱)* خارج می شود از شکم آنان (زنبور) عسلی که دارای رنگ های مختلف است و در آن شفای مردم می باشد. چهار مرتبه در قرآن از شفاء نامبرده، یک بار به معنای شفاء جسمانی و سه بار به معنای شفاء روحی. شفای روحانی قرآن فقط اختصاص به اهل ایمان دارد. *قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ، (۲)* موعظه و شفایی برای سینه ها و قلب های شما و هدایت و رحمتی برای عالمیان از طرف پروردگارتان برای شما آمد و آن قرآن بود. کلام

ص: ۲۲۵

---

۱- نحل: ۶۹.

۲- یونس: ۵۷.

وحی برای همگان شفاء و رحمت است، ولی غیر متقین به جهت عدم پیروی از خالق از شفاعت و رحمت قرآن به دورند. هر گونه امراض روحی در بین غیر متقین وجود دارد. امراض روحی جمعاً ۱۳ بار در قرآن ذکر شده و مورد خطاب معمولاً منافقین است. **فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا (۱)** در مقابل منافقین خداوند منان خطاب به مؤمنین می فرماید: **وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ؛** نازل می کنیم قرآنی را که شفاء و رحمت برای مؤمنین است.

باز خطاب به نبی اعظم می فرماید: **قُلْ هُوَ الَّذِيْنَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ (۲)**، بگو ای پیامبر که قرآن هدایت و شفاعت برای مؤمنین است. مؤمنان از هدایت تکوینی که کنترل جهان هستی را پوشش می دهد؛ مثل هدایت تشریحی بهره مند هستند؛ کما اینکه قرآن درباره ی مؤمن می فرماید: **وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا لِّيمْشِيَ بِهِ فِي النَّاسِ (۳)** اهل ایمان با نور هدایت در جامعه مشی و فعالیت می نمایند.

در اهدانا، هدایت همه ی بشر از خداوند خواسته شده، ولی فقط مؤمن شایستگی هدایت دارد و این خواسته مثل **نَعْبُدُ وَنَسْتَعِينُ** عبادت و استعانت از خدا را برای همه بیان می کند. هدایت عموم فرضاً اگر محقق می شد، سعادت عموم را در پی داشت. هدایت عمومی مصداق مدینه فاضله و مطلوب جامعه اسلامی می باشد. در هدایت عمومی، رفاقت، صداقت، کرامت و همه ی خوبی ها برای همه افراد مطرح است، ولی امکان تحقق ندارد تا صاحب جهان ظهور فرماید، اما هدایت نسبی در امور اجتماعی برای آحاد مردم ضرورت دارد. اگر

ص: ۲۲۶

۱- اسراء: ۸۲.

۲- فصلت: ۴۴.

۳- انعام: ۱۲۲.

هدایت جامعه مورد توجه قرار گیرد، کارهای خلاف برچیده و یا به حدّ اقل خواهد رسید. هدایت عموم بشر مورد عنایت انبیاء و قرآن است، اما بشر راه های خلاف را می پیماید و عدّه ای از صراط مستقیم حرکت می کنند و مشمول هدایت می شوند. قرآن می فرماید: وَ هَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا؛ (۱) و این راه خدای توست که راه راست مستقیم است.

قرآن دین اسلام را صراط مستقیم معرفی فرموده است. وجود مقدس معصومین علیهم السّلام در روایات نیز صراط مستقیم معرفی شده اند. (۲) صراط تعیین مسیر برای انسان است و انسان هر راهی را که در دنیا انتخاب کند، به آخرت مُنتهی می شود. بشر عموماً در این جهان مسافر است. مسافر زاد و توشه می خواهد. ره توشه ی انسان مؤمن خصال و اعمال خیر اوست. اعمال بر اساس اعتقادات و باورهای مکتبی محاسبه خواهد شد. از این رو حقیقت صراط پیروی از انبیاء و ولایت ائمه معصومین خواهد بود.

إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ (۳) پروردگار من به راه راست می باشد. مؤمنین از همین راه راست باید بروند. امام موسی بن جعفر علیه السّلام می فرماید: الصُّرَاطُ أَدْقُ مِنْ حَدِّ السَّيْفِ؛ (۴) صراط دقیق تر و تیزتر از دم شمشیر و باریک تر از پوست.

آغاز صراط، دنیا است. انسان تا پایان عمر در صراط حرکت می کند. صراط مستقیم یکی بیش نیست و پایان آن قیامت خواهد بود. در یک طرف صراط این

ص: ۲۲۷

۱- انعام: ۱۲۶.

۲- نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۱.

۳- هود: ۵۶.

۴- بحار، ج ۸، ص ۲۱۴.

جهان و طرف دیگر آن جهان بعد از مرگ قرار دارد. راه روشن و دشوار راه رفتن و گفتار، راه عمل ابرار و بهشت اختیار غیرقابل وصف و شناخت برای غیر ابرار است. قبرمؤمن در روایت به عنوان روضه یادشده است. این مقام را متقین با عمل صالح کسب نموده، رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛ صراط مستقیم متقین را به این مقام عالی رسانده است. (۱)

امام صادق علیه السلام در جواب سوال مفضل بن عمر راجع به صراط فرمودند: هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ (۲) صراط راه شناخت خداوند عزوجل است.

ابی عبد الله علیه السلام می فرماید: وَاللَّهِ نَحْنُ صِرَاطُ الْمُسْتَقِيمِ؛ (۳) به خدا سوگند که ما ائمه) صراط مستقیم هستیم.

زین العابدین امام سجاد علیه السلام فرمودند: نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ وَنَحْنُ صِرَاطُ الْمُسْتَقِيمِ؛ (۴) ما ائمه، ابواب رحمت خداوند و صراط مستقیم هستیم. راه اسلام و پیروان راستین حق همان صراط مستقیم است، نه راه جبر اشعری و نه تفویض معتزلی و نه راه دیگران.

الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ هُوَ الْمَدِينُ الْحَقُّ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَنِ الْعِبَادِ غَيْرَهُ؛ (۵) صراط مستقیم همان دین اسلام است، غیر از دین اسلام در نزد خدایینی قبول نیست.

این شیفتگان که در صراطند همه

جوینده ی چشمه حیاتند همه

ص: ۲۲۸

---

۱- بحار، ج ۸، ص ۲۱۴، قسمتی از حدیث.

۲- بحار، ج ۳۶، ص ۱۲۸.

۳- نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۱.

۴- نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۲.

۵- جامع الجوامع، ج ۱، ص ۸.

حق می طلبند و خود ندانند آن را

در آب به دنبال فراتند همه(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: إِنَّ الصُّورَةَ الْإِنْسَانِيَةَ هِيَ الطَّرِيقُ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَالْجِسْرِ الْمَمْدُودَ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ؛(۲)  
صورت انسان طریق مستقیم به سوی هر خیر و پل ممتد، بین بهشت و جهنم است.

به این بیان که انسان در بین بهشت و جهنم قرار دارد. او مخیر است که یکی را انتخاب نماید، هر دو ممکن نیست. راه بهشت و جهنم در طول هم قرار دارد، نه در عرض هم اگر در عرض هم قرار داشت، عبور از روی جهنم الزامی نداشت روایتی گوید بهشت و جهنم در طول همند. برای رسیدن به بهشت چاره ای جز عبور از جهنم نیست. برخی احادیث می گویند: همه انبیاء و اولیاء الهی و اولین و آخرین از روی جهنم عبور می کنند و آن را مشاهده می نمایند. نحوه ی عبور از روی جهنم و پل صراط متفاوت خواهد بود. طبق بیان برخی آیات و احادیث، بعضی مثل برق از پل صراط عبور می کنند: آنان انبیاء و اولیاء الهی هستند. عده ای با کمی مشکل از پل صراط عبور می کنند که مؤمنان گناهکارند و عده ای خیلی زحمت می کشند، ولی سرانجام از پل صراط سقوط می کنند. آنان منافقان خواهند بود و عده ای کثیر بدون هیچ گونه توقف بسیار سریع وارد جهنم می شوند. آنان قاطبه ی کفار، طاغیان و ظالمان و منافقان هستند. هر یک از این گروه ها در آیات و روایات ذکر شدند. مجال تفصیل در این جا نیست. صراط اکنون برای پیمودن در مسیر همه ی بشر قرار دارد و این واقعیت از زندگی انسان جدا نخواهد بود.

ص: ۲۲۹

۱- دیوان امام خمینی(ره)، ص ۲۳۹.

۲- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۷.

صراط در متون دینی و اعتقادی به عنوان راه، کلام و سیره ی انبیاء و اولیای خداوند معرفی و گفته شده است.

آیه ۲۶ تکویر می فرماید: فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ؟

کجا می روید؟ چه کاری انجام می دهید؟ ...

این سؤال قرآنی در مسیر حرکت همگی قرار دارد. انسان هر جا برود و هر کاری بکند باید جواب بدهد. عبور از روی جهنم همه ی خوبی ها و بدی ها را به ظهور کامل می رساند. عبور اولین و آخرین از روی جهنم، نمایش قدرت لامتناهی خداوند است. سبب عبور به سلامت برای متقین از جهنم، هدایت خدا، هدایت انبیاء، هدایت اولیای الهی، هدایت والدین مسلمان، هدایت عالم و معلم دینی می باشد. بهره مندی از هدایت، هادیان و حفظ دستاوردهای هدایت خیلی مشکل خواهد بود. توفیق عمل خیر و حفظ آن بدون عنایت خداوند و توسل به معصومین ممکن نیست.

امام صادق علیه السلام می فرماید: عَلَيْكُمْ بِطُولِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا أَطَالَ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ هَتَفَ إِبْلِيسُ مِنْ خَلْفِهِ وَقَالَ يَا وَيْلَهُ أَطَاعَ وَعَصَيْتُ وَسَجَدَ وَأَبَيْتُ؛ بر شما باد به طولانی کردن رکوع و سجود؛ زیرا وقتی یکی از شما رکوع و سجده خود را طولانی می کند، ابلیس از پشت سر او ندا می دهد. وای بر من!

اطاعت کرد و عصیان کردم، سجده کرد و ابا نمودم(۱)

امام باقر علیه السلام مَنْ أَتَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ تَدْخُلْهُ وَحِشَّةُ فِي الْقَبْرِ، کسی که رکوع خود

ص: ۲۳۰



را تماماً به جای آورده و حق آن را ادا کند وحشت قبر به او راه پیدا نمی کند. (۱)

امام علی علیه السلام می فرماید: **الْخَشْيَةُ مِنَ عَذَابِ اللَّهِ شَيْمَةُ الْمُتَّقِينَ**، خوف و خشیت از عذاب خدا، خُلق و عادت متّقین است. (۲)

خوف از خدا عامل باز دارنده از گناه و ثمره ای ایمان هست. **الْخَوْفُ سَيَجْنُ النَّفْسَ عَنِ الذُّنُوبِ وَرَادِعُهَا عَنِ الْمَعَاصِي**، خوف موجب کاستن آفات می شود، نفس را در زندان خود محبوس می نماید تا مرتکب معاصی و طغیان نشود، خوف رادع و مانع از گناه هست. (۳) در کلام نورانی دیگر امام علی علیه السلام می فرماید: **مَنْ خَافَ رَبَّهُ كَفَّ ظُلْمَهُ**، خائف و عابد ظلم نمی کند. (۴) **أَفْضَلُ الْعَمَلِ أَدْوَمُهُ وَإِنْ قَلَّ**، بافضیلت ترین عمل، عملی است که مداوم باشد گرچه کم. (۵) این سخن امام علی علیه السلام اعمال خالصانه ی متّقین را افضل می داند، اخلاص در عمل مورد تأکید اسلام است و لوازمی که کثرت قلیل باشد. بقاء عمل از انجام اصل عمل مشکل تر است. امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: **الْإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ**، باقی ماندن عمل، سخت تر از انجام عمل است. (۶)

### تقدّم هدایت بر ضلالت

درباره تقدّم هدایت بر ضلالت بحثی است که چگونه هدایت مقدم بر ضلالت

ص: ۲۳۱

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۲۱.

۲- غررالحکم، ح ۱۷۵۱.

۳- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۸۳.

۴- تحف العقول، ص ۹۹.

۵- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۲.

۶- سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۷۹.

است؟ در جواب این سؤال پاسخ های از طرف اهل نظر مطرح شده ، روشن ترین پاسخ این است که از اول تا پایان قرآن، رحمانیت، رحمت و هدایت خداوند بر قهر و غضب خدا پیشه گرفته و هدایت قرآن برای مُتَّقِينَ وعدهٔ خداوند هست هُدَى لِلْمُتَّقِينَ.

هدایت ها و رحمت های خداوند در تمام عالم گسترده و همه ی جهان هستی بر اساس هدایت تکوینی می چرخند. ضلالت نتیجه گناه و طغیان بشر می باشد. انسان کافر و فاسد به دنیا نمی آید. ضلالت و کفر انتخاب غلط خود انسان است. نابودی اُمّت ها، نتیجه ی طغیان و ضلالت آنها در قرآن بیان گردیده که سرانجام موجب هلاکت و نابودی آنان شده است. قرآن به عنوان قَصِصِ سِرْنُوشِ اُمّتِ هَای نابودشده؛ مثل امت صالح و ثمود را بیان می کند، تا اُمّتی راه ضلالت را انتخاب نکند و گمراه و گرفتار عذاب خدا نشود: اِنَّا اَنْزَلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنْ اِهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَیْهَا؛ ای رسول ما این کتاب الهی را به حق برای هدایت خلق بر تو فرستادیم. اینک هر کس هدایت یافت نفع آن بر خود اوست و هر کس به گمراهی شتافت زیان آن بر شخص اوست. (۱)

آیه ی ۳۰ سوره ی اعراف بر تقدم هدایت بر ضلالت تأکید دارد. در سوره ی کهف آیه ی ۴۹ خداوند می فرماید: .. وَوَجِدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا تَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا؛ و در آن کتاب پروندهٔ ) همه ی اعمال خود را حاضر ببینند و جزای آن را بیابند.

ص: ۲۳۲

خدا به هیچ کس ستم نخواهد کرد. نه تنها خداوند بر هیچ کس ظلم و ستم نمی فرماید که همه را به عدل و احسان دستور فرموده است: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَاتِّبَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ؛** (۱) خدا خلق را فرمان به عدل و احسان می دهد و به بذل و عطاء بر خویشاوندان امر می کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می فرماید. پروردگار در این آیه به چهار امر مهم به عدل، احسان و کمک به بستگان و منع از منکر به طور قاطع دستور داده است. تفصیل و تفسیر این آیه مجال دیگری می طلبد. هزاران افسوس و ناراحتی عمیق از این که بشر اکثراً با وجود هدایت ها و بشارت های انبیاء و نصایح قرآن کریم، راه ضلالت و گمراهی را در پیش گرفتند. تنها عده ای به عنوان مؤمنان در مقابل وسوسه های نفسانی و شیطانی مقاومت می نمایند. قرآن گمراهان را مورد خطاب قرار داده، می فرماید: **أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَهَ بِالْهُدَىٰ؛** آن گروه (مربوط به دو آیه قبل) خریدند گمراهی را در مقابل هدایت. (۲) **عَلت تكامل و یا سقوط انسان، انتخاب درست و یا راه غلط خود انسان هست.** قرآن در این باره می فرماید: **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَمَا كَفُورًا؛** ما حقیقت راه حق و باطل را به انسان نشان دادیم؛ خواه هدایت پذیرد و شکر کند و یا کفران نعمت نماید. (۳) **سود و ضرر به خود انسان بر می گردد.**

**«وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا إِذْ هَدَانَا اللَّهُ؛»** (۴)

ص: ۲۳۳

۱- نحل: ۹۰.

۲- بقره: ۱۶.

۳- انسان: ۳ (این سوره مدنی و دارای ۳۱ آیه، ۲۴۳ کلمه و ۱۱۲۷ حرف می باشد).

۴- اعراف: ۴۳.

بهشتیان می گویند: ستایش خدایی را که ما را بر این مقام رهبری کرد».

«هَذَا بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ؛ بصیرت ها از جانب پروردگار شماسست، هدایت و رحمت برای گروهی است که ایمان آورده اند».

اگر مبداء و معاد مورد غفلت انسان واقع نشود، فطرت اولیه ی بشر او را به پاکی بشارت می دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله راجع به این مسأله می فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ لَوْ لِدٍ عَلَى الْفِطْرَةِ؛ (۱) هر ولدی فطرتاً حُب و گرایش خداجوئی دارد». کلام حضرت بیانگر خطوط کلی «دین» است نه بیانگر شریعت. طریق خداپرستی و مهرخدا با فطرت انسان ممزوج و مخلوط هست، اما انتخاب و یا ادامه راه حق جز با عنایت و هدایت شریعت مقدس امکان ندارد و رسیدن به مقصود مطلوب جز از طریق حق وجود ندارد. در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام از امام صادق علیه السلام روایت شده که ایشان فرمودند: خدایا! ما را ارشاد و هدایت نما تا راهی را پیماییم که منجر به محبت و دوستی تو گردد و رساننده ی بهشت شود و مانع پیروی از هواهای نفس گردد. (۲)

خیلی از اُمم گذشته مثل امت بنی اسرائیل بر دیگران، امتیاز معنوی و برتری داشتند، ولی به سبب گناه و طغیان مقام قرب بندگیشان را از دست دادند فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۳)؛ شما را بر جهانیان برتری دادیم. این کلمه با مشتقاتش حدود ۲۰۰ مرتبه در قرآن بیان شده است و این همه تکرار به جهت توجه و اخطار به متقین می باشد که راه ضالین را انتخاب نکنند.

ص: ۲۳۴

۱- بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷۹.

۲- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۴۱، حدیث ۱۸.

۳- بقره: ۴۷.

باید دانست که برای هر یک از موجودات صراط و نور و هدایتی مخصوص وجود دارد. «وَالطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ أَنْفَاسِ الْخَلَائِقِ؛ راه ها به سوی خدا به تعداد موجودات تمام عالم وجود دارد». هدایت میزان شناخت حق و باطل و معیار مسلمان مؤمن از غیر مسلمان است.

فقط متقین و مؤمنین هدایت یافتگانند. قرآن در مقابل هدایت، ضلالت را بیان می کند و کفار و منافقین عامل ضلالت و گمراهی جامعه هستند؛ آنان مورد غضب خداوند قرار دارند؛ از نعمت های معنوی بهره ای ندارند. طغیان کافران و منافقان موجب غضب پروردگار می گردد نه اینکه خدا به آنها غضب فرماید. اعمال متقین موجب وفور نعمت های مادی و معنوی خدا می شود.

«وَمَا بِكُمْ مِّنْ نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ؛ آن چه از نعمتها دارید، همه از سوی خداست». (۱)

## عبادت متقین در قرآن

تمام اعمال و افکار انسان دو صورت دارد:

الف: صورت ظاهری که عمل جوارح و بدن انسان است مثل اقامه نماز، پرداخت زکات، گرفتن روزه و انجام مناسک حج و غیره. در ظاهر این اعمال فرقی بین مؤمن و منافق وجود ندارد. هر دو گروه به ظاهر نماز می خوانند و اعمال دیگر انجام می دهند، اما تفاوت در باطن و روح عمل نهفته است. تا پرده ها کنار نرود تفاوت بین مؤمن و منافق به صوت کامل آشکار نمی گردد. مرجع، قرآن و اهل بیت هستند، اعمال ما به قرآن و اهل بیت عرضه می شود اگر قبول شد، در

ص: ۲۳۵

نزد خالق هم قبول خواهد بود.

ب: تقوای باطنی از طهارت روح و تقوای واقعی حکایت دارد. در اینجا جوهره و حقیقت ایمان خود را نشان می دهد و نور ایمان در سیمای مؤمن تجلی و در گفتار و کردار متقین نمایان می گردد.

حسن معاشرت، امانت داری، صبر، شکر، توکل و انجام امور عبادی به صورت صحیح با حضور قلب از نشانه های اهل ایمان است.

انوار عبادت واقعی در فراسوی زندگی، افراد مؤمن نورافشانی می کند و نور ایمان از فتنه ها و لغزش ها افراد متقی را نجات می بخشد. اما افراد منافق با اوصافی که در قرآن و حدیث به صورت نکوهش آمده هیچ گاه از نور نماز و عبادت، صفا و جلای روحی پیدا نمی کنند. نتیجه آنکه نماز در حرکات و رفتار افراد متقین نورافشانی می نماید و اهل ایمان در تاریکی ها با نور فعالیت می کنند: «یا ایها الناس قد جائکم بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مُبِیِّنًا (۱)؛ ای مردم برای شما از جانب خدا رسولی با آیات و معجزات آمد، قرآن را بانور تابان آشکارا نازل کردیم».

پرواضح است که افراد کافر و منافق به هیچ عنوان صلاحیت استفاده از نور قرآن و هدایت پیامبران را ندارند. در نتیجه انوار هدایت قرآن و سخنان پیامبران و اوصیایشان در قلوب اهل ایمان می تابد و هر دو سرای زندگی مؤمنین را نورانی می نماید. ناگفته معلوم است که حفظ ایمان، جان و هستی پیروان مکتب پرفیض اسلام را در خطرها و نبرد با دشمنان مواجهه می کند. برای حفظ

ص: ۲۳۶

ارزشها و مبارزه با فساد، جهاد و شهادت دو فریضه و عنایت خداوندی است که مخصوص مؤمنین و متقین می باشد؛ لذا مؤمنان هیچ گاه از سنگر جهاد و شهادت فاصله نمی گیرند. این امتیاز و اقتدار متقین در مصاف با دشمنان پیروان واقعی قرآن و عترت از صدر اسلام تاکنون تقریر و تفصیل قلم دانشمندان دینی را به خود اختصاص داده، بیان این ویژگی مؤمنین در عرصه جهاد و شهادت مجال دیگری می طلبد.

## ذکر متقین

ذکر قبل و بعد از نمازهای واجب و مستحب، ذکر ایام هفته، شبها و روزها، ذکر ماه ها برای ترقی مؤمنان و محفوظ ماندن از دشمن در فراز و نشیب های زندگی، سرمایه بی پایان اهل ایمان است. در تنهایی ها و سختی ها مضمون حرف دل و زبان متقین، کلام وحی خواهد بود: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» (۱) خدا ما را کافی است و او بهترین حامی هست».

در اینجا به «ذکر» برخی از انبیاء الهی اشاره می کنیم:

ذکر ایوب علیه السلام برای خلاصی از بیماری؛ در سوره انبیاء آیه ۸۳؛

ذکر داوود علیه السلام برای استغفار در سوره ص آیات ۲۴ و ۲۵؛

ذکر سلیمان علیه السلام برای شکرگزاری در سوره نمل آیه ۱۹ و برای شروع هر کار؛ نمل آیه ۱۹ و هود آیه ۸۸؛

ذکر شعیب علیه السلام برای اصلاح و گشایش در کارها؛ اعراف آیه ۸۹؛

ذکر طالوت علیه السلام برای ایستادگی در جهاد؛ بقره آیه ۲۵۰؛

ص: ۲۳۷

ذکر عیسی علیه السّلام برای درخواست روزی، مائده آیه ۱۱۴؛

ذکر لوط علیه السّلام برای نجات از گناه، شعراء آیه ۱۶۹؛

ذکر موسی علیه السّلام برای درخواست بخشش، قصص ۱۶، و برای درخواست رحمت، اعراف آیه ۱۵۱، و برای شرح صدر، طه آیه ۲۵ و ۲۸؛

ذکر نوح علیه السّلام برای پیروزی بر دشمنان، مؤمنون آیه ۲۶، و برای نجات از شر کافران شعراء آیه ۱۱۷ و ۱۱۸؛

ذکر هود علیه السّلام برای توکل بر خدا، هود آیه ۵۶.

ذکر یعقوب علیه السّلام برای درد دل با خدا، یوسف، آیه ۸۶؛

ذکر یونس علیه السّلام برای رفع غم و اندوه، انبیاء آیه ۸۷.

ذکر بقیه انبیاء و امامان در دیگر آیات و روایات بیان شده است.

سرمایه فرهنگ غنی اسلام پشتوانه امت اسلامی به خصوص یار و مددکار مؤمنان و مجاهدان هست.

مؤمن فریب عشوه دنیا نمی خورد

هوشیار گول ظاهر دنیا نمی خورد.

آشنایی بیشتر مؤمنین به روش ها و خواسته های انبیاء و اوصیاء درباره ذکر و دعا، سبب تقویت ایمان آنها و مدیریت روح در بحران ها خواهد بود.

ص: ۲۳۸



امام صادق علیه السلام درباره مراتب قرآن می فرماید: كِتَابُ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءٍ، الْعِبَارَةُ، وَالْإِشَارَةُ، وَاللِّطَائِفُ وَالْحَقَائِقُ. فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ، وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلنَّبِيِّينَ. (۱) این حدیث شریف به وضوح چهار گروه را مخاطب قرآن بیان می فرماید:

الف: فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ، بیانگر نازل ترین مرحله فراگیری قرآن برای همه افراد جامعه خواهد بود. بدون آشنایی با روخوانی قرآن، ورود به ظاهر قرآن و استفاده از قرآن غیر ممکن است؛ لذا قسمت اول حدیث، وظیفه عمومی را بیان فرموده که مردم تلاوت قرآن را باید بلد بشوند.

اگر ظاهر و الفاظ قرآن در زندگی وارد و مراعات بشود، آثار و برکات آن در هدایت و تربیت افراد تاثیر فراوان خواهد داشت. شاهد مطلب آن که تعدادی از افراد از تداوم

تلاوت قرآن به یک مرحله ی مناسب درک قرآن رسیده اند. توجه مسلمین به ظاهر قرآن و فهم ابتدائی آن بسیاری از مشکلات اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی را حل خواهد کرد تا چه رسد به مراحل بالاتر که نور علی نور هست. مع الأسف باید در محضر قرآن اعتراف بکنیم که در بین مسلمین همین مرتبه ابتدائی مورد توجه کافی قرار نگرفته، کما این که گذشته و حال بیانگر این مطلب است. در عصر ارتباطات جهانی هم چون گذشته قرآن در بین مسلمین نسبتاً مظلوم است. جوانان دنیای اسلام به فنون روز دسترسی پیدا کردند، ولی اکثراً

ص: ۲۳۹

---

۱- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۱ (مرحوم علامه محسن فیض کاشانی)؛ بحار، ج ۸۹، ص ۱۰۳؛ اعلام الدین، ص ۳۰۳؛ و جامع الاخبار، ص ۴۸.

مرحله ی ابتدائی تلاوت صحیح قرآن را نمی دانند.

ب: وَ الْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ: امام اشارات قرآن را برای خواص عالمان بیان فرمودند: خواص اگر طبق فرمان قرآن عمل نکنند، مورد عنایت قرآن واقع نخواهند شد و سخنان آنها موجب ترغیب و تشویق دیگران نخواهند بود. شرط هدایت و تاثیر قرآن بر دیگران عمل خود گوینده است.

ج: وَ اللَّطَائِفُ لِأَوْلِيَاءِ: لطائف و دقایق قرآن برای اولیاء است. امام در آخر کلام فرمودند: وَالْحَقَائِقُ لِأَنْبِيَاءِ. این قسمت کلام امام فوق درک انسان های غیر معصوم است. حقایق قرآن شامل همه ی مسائل جهان در گذشته و آینده خواهد بود. علوم قرآن مربوط به انبیاء است. وظیفه ما با تکیه به این حدیث شریف مشخص می گردد. مسلمین با تمام توان باید با قرآن بیشتر آشنا شوند. بهره ی عموم مسلمانان از قرآن باید یک اصل مسلم و فراگیر تلقی شود. حفظ دین در محضر قرآن و مکتب اسلام با شناخت معارف ممکن است. وَ اللَّهُ مَخْرَجُكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا. (۱) خدا شما را از بطن مادران بیرون آورد، در حالی که هیچ چیزی نمی دانستید. این بیان کلام وحی اگر مورد غفلت واقع نشود، وضعی همگی معلوم است.

در ادامه این آیه می فرماید: وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ الْآفَاتِئِدَةً لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ به شما چشم و گوش و قلب اعطا کردیم، تا شکر بجای آورید و بنده شاکر باشید.

ص: ۲۴۰

---

۱- نحل: ۷۸. شیناً نکره در سیاق نفی و افاده عموم می کند. آدمی به هنگام تولد هیچ شیء را نمی دانست و همه چیز را از راه چشم، گوش و عقل فرا گرفت.

امام علی علیه السلام می فرماید: لا خیر فی صلاهٍ لا خشوعَ فیها، و لا خیر فی صومٍ لا امتناعَ فیهِ مِنَ اللغو، و لا خیر فی قرأهِ لا تدبیرَ فیها و لا خیر فی علمٍ لا ورعَ فیهِ، و لا خیر فی مالٍ لا سیخاءَ فیهِ، و لا خیر فی نعمه لا بقاءَ فیها و لا خیر فی دُعاءٍ لا إخلاصَ فیهِ؛ نمازی بدون خشوع و حضور قلب و روزه ای بدون امتناع و دوری از لغو و غیبت و قرائت قرآنی بدون تدبیر و تفکر و علمی بدون ورع و تقوا و مالی غیر حلال و بدون سخاوت در راه خدا، و نعمتی بدون استفاده برای خیر و آخرت و دعایی بدون اخلاص، خیر و فائده ای ماندگار نخواهد داشت.

کمال عبادت در اخلاص است این کلام امام عبادت واقعی راشفافی بیان فرموده است و با بیان نورانی حضرت، فرق عبادت متقین با دیگران کاملاً مشخص خواهد بود؛<sup>(۱)</sup> در ظاهر نماز گزار و روزه دار معلوم است، ولی اعمال خیر با اخلاص فقط از متقین مقبول خواهد بود.

این مواعظ و نصایح گهربار امام علیه السلام برای متقین و مؤمنین جنبه حیاتی دارد. از نظر دیگر کلام امام جامع افراد است و تمام افعال انسان را پوشش می دهد، ولی در عرصه عمل تنها متقین و مؤمنین هستند که به این کلمات نورانی و دیگر نصایح هادیان) جامه عمل می پوشاند و به گفتار امام علیه السلام عمل می نمایند.

کلام امام علیه السلام مانع اغیار هم است؛ به این بیان که تمام اعمال غیر خالصانه را از درجه قبول خارج می نماید. چنین کلام نورانی مایه حیات روحانی و سعادت

ص: ۲۴۱

## متقین و مهجوریت زدائی از قرآن

وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا؛ در آن روز (قیامت رسول) به شکوه از امت در پیشگاه رب العزه) عرض کند: بارالها امت من این قرآن را متروک و رها کردند. شکایت قرآن در روز قیامت از دست ناهلان قطعی است.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا؛ بی گمان ما قرآن را بر تو فرود آوردیم. (۱)

سنائی غزنوی در این باره می سراید:

عجب نبود گر از قرآن نصیب نیست جز حرفی

که از خورشید جز گرمی نبیند چشم نابینا

ما به عنوان عالم مسلمان وظیفه داریم که در عرصه های مختلف مردم را با قرآن بیشتر آشنا نمائیم. تا زمانی که مظلومیت قرآن و متروکیت این کتاب الهی برطرف نشود و قرآن در عرصه ی زندگی جامعه حضور و ظهور بیشتر پیدا نکند، هدایت و عنایت قرآن نصیب کسی نخواهد شد و شکایت پیامبر صلی الله علیه و آله در پیشگاه خدا قطعی خواهد بود.

سؤال بسیار اساسی در اذهان آحاد مردم وجود دارد که ما چگونه ممکن است اعمال و رفتار خویش را منطبق با دستور قرآن انجام دهیم تا از حلاوت و هدایت آن بهره مند شویم؟ همان طور که در بحث گذشته اشاره شد، جواب این سؤال در یک جمله ی بسیار اساسی قابل پاسخ است. با این بیان که انسان باید در

ص: ۲۴۲

طریق حق خواهی حرکت کند. اگر روح حقیقت خواهی در گفتار و رفتار تقویت شود، فطرت انسان حقیقت جو و حقیقت طلب است. هر کس به دنبال حق باشد، به حق خواهد رسید.

قرآن برنامه عبادت هست و با تلاوت کلام وحی، عمل طبق دستور آن ممکن خواهد شد. درباره ی تلاوت بسیار سفارش شده است ما غافلیم.

فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ؛ پس در هر حال آنچه میسر و آسان باشد، به قرائت قرآن پردازید. (۱) قرآن در آیه ۸۹ سوره شعرا انسان را صاحب قلب سالم معرفی می کند: إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ تَسْلِيمٍ، مگر کسی که دلی سالم از ذرائع به پیشگاه خدا بیاورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ، كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرٌ حَسَنَاتٍ وَ مُحِيتُ مِنْهُ عَشْرٌ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَتْ لَهُ عَشْرٌ دَرَجَاتٍ؛ هر کس قرآن را قرائت کند، برای او به جهت هر حرف ده حسنه نوشته و ده سیئه گناه از او محو و ده درجه به او اعطا می شود. (۲) تلاوت در حد امکان سفارش قرآن است. البته قرائت قرآن باید توأم با تدبیر باشد. امام علی علیه السلام می فرماید: لَا خَيْرَ فِي صَلَاةٍ لَا خُشُوعَ فِيهَا، وَلَا خَيْرَ فِي صَوْمٍ لَا اِمْتِنَاعَ فِيهِ مِنَ اللَّغْوِ، وَلَا خَيْرَ فِي قَرَأِهِ لَا تَدَبُّرَ فِيهَا وَلَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا وَرَعَ فِيهِ، وَلَا خَيْرَ فِي مَالٍ لَا سِيْخَاءَ فِيهِ، وَلَا خَيْرَ فِي نِعْمَةٍ لَا بَقَاءَ فِيهَا وَلَا خَيْرَ فِي دُعَاءٍ لَا اِخْلَاصَ فِيهِ؛ نمازی بدون خشوع و حضور قلب، روزه ای بدون امتناع و دوری از لغو و غیبت، قرائت قرآن بدون تدبیر و تفکر، علم بدون

ص: ۲۴۳

۱- مزمل: ۲۰ (این سوره ۲۰ آیه و ۲۰۳ کلمه و ۸۹۲ حرف دارد و مکی می باشد).

۲- تفسیر کبیر، ج ۲۳۷؛ جامع الاحکام قرآن، ج ۱، ص ۱۴۰؛ و تفسیر سید مصطفی خمینی، ج ۱، ص ۴۳۱.

ورع و تقوا، مال غیر حلال و بدون سخاوت در راه خدا، نعمت بدون استفاده برای خیر و آخرت و دعای بدون اخلاص خیر و فائده ای ماندگار نخواهد داشت.

کمال عبادت در اخلاص است. این کلام امام عبادت واقعی را شفاف بیان فرموده است. با بیان نورانی حضرت، عبادت متقین با دیگران کاملاً مشخص خواهد بود. (۱) در ظاهر نماز خوان و روزه دار معلوم است، ولی اعمال خیر با اخلاص فقط از متقین مقبول خواهد بود لا غیر.

گفتنی است این مواعظ و نصایح گوهر بار امام علیه السّلام برای متقین و مؤمنین جنبه ی حیاتی دارد. به همین اعتبار برای آنها دستور اجرایی خواهد داشت. از نظر دیگر کلام امام علیه السّلام جامع افراد است و تمام افعال انسان را پوشش می دهد، ولی در عرصه ی عمل تنها متقین و مؤمنین هستند که به این کلمات نورانی و دیگر نصایح هادیان) جامه عمل می پوشانند و به گفتار امام علیه السّلام عمل می نمایند.

کلام امام علیه السّلام مانع اغیار هم است به این بیان که تمام اعمال غیر خالصانه را از درجه قبول خارج می نماید. چنین کلام نورانی مایه حیات روحانی و سعادت ابدی خواهد بود.

قرآن می فرماید: یا ایها الذّین آمنوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی بر زبان می گوید که در عمل خلاف آن می کنید. (۲)

با پیروی از قرآن متقین و مؤمنین حق ندارند که خلاف گفتارشان، رفتار کنند.

ص: ۲۴۴

---

۱- المواعظ العددیه و کتب روایی دیگر.

۲- صف: ۲.

وفاء به عهد مثل روزه و نماز مورد تأکید اسلام است. پر واضح است که دروغ و خلاف وعده بنابر برخی روایات گناه کبیره می باشد.

اگر خلاف وعده ها مورد محاسبه قرار گیرد، خیلی از مشکلات را به وجود آورده و به وجود می آورد. متأسفانه خیلی ها خلاف وعده را حرام نمی دانند. باچه دلیل خلاف وعده جا ئز است؟ مگر خلاف وعده با دروغ تفاوت ماهوی دارند؟ مگر با خلاف وعده آلوده گی و بدقولی در بین افراد بیشتر نمی گردد؟ مگر خلاف وعده اعتماد و صداقت را از طرف مقابل سلب نمی کند؟ بعضی قائل به توریه هستند، ولی این مورد در بین مردم به معنای درست منظور نمی گردد. نتیجه آنکه متقین برای حفظ ایمان هیچ گاه خلاف وعده نمی کنند و دروغ نمی گویند. اگر خلاف وعده و یا دروغ مرتکب بشوند، باید فوراً توبه نمایند.

از قرآن و احادیث اسلامی به وضوح استفاده می شود که مکتب پویای اسلام در تمام امور فردی، اجتماعی، سیاسی، عبادی و فرهنگی برنامه دارد.

اهل تقوا علی رغم همه ی موانع و مشکلات باتکیه بر آموزه ها و دستورات جاویدان اسلام عزیز، همچنان به مبارزه دائم خویش علیه مفسد و فاسدان ادامه می دهند و آمادگی لازم را در مقابل منافقان و فاسدان دارند. مبارزه با مفسد و مخالفین بدون آشنایی با معارف دینی امکان پذیر نخواهد بود؛ فلذا هدف از تحریر این نوشتار تقویت همه جانبه متقین و مؤمنین در حوزه معارف قرآنی است.

به تناسب بحث برکت و نعمت به عنوان سرمایه متقین مواردی مورد اشاره

مسلمین عموماً و متقین خصوصاً بیش از گذشته نیاز مبرم به فراگیری احکام قرآن دارند، پس ضرورت آشنایی بیشتر در حوزه قرآنی یک مسأله حیاتی و ابدی و از بزرگ ترین برکات و نعمات خداوند برای متقین خواهد بود. با تقویت امور قرآنی در بین مسلمین، زمینه ی نابودی دشمنان درونی و بیرونی فراهم خواهد شد.

مؤمنین قدرت بازدارندگی و مقابله با دشمن را دارند. غفلت نباید کرد که مبارزه بی امان و همه جانبه در مصاف با دشمن بدون شناخت و حمایت قرآن امکان ندارد.

گرچه اهل تقوا و مؤمنان سختی های بسیاری در پیش دارند، ولی عنایت و مغفرت خداوند شامل حال متقین و مؤمنین می گردد. بعد از توبه و تکرار نکردن گناه، مورد رحمت و لطف خداوند قرار خواهند گرفت. قبول توبه از بزرگ ترین نعمت های خالق برای متقین است.

واقعیت امر این است که اعمال قلیل متقین بدون توبه و عنایت پروردگار ماندگار و باقی نخواهد بود.

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ؛ (۲) بدانید که خدا آمرزنده و بردبار است. پر واضح است که متقین و مؤمنین مرتکب گناه می شوند، ولی با توبه و بازگشت به طرف خدا مورد مغفرت الهی قرار می گیرند. طبق آیه ۹ سوره سجده از روح الهی در انسان دمیده شده است. به همین اعتبار انسان کامل اشرف مخلوقات است و انسان متقی پیرو انسان کامل هست.

ص: ۲۴۶

---

۱- تفسیر نور، ج ۱، ص ۷۷، به نقل از معجم المفهرس.

۲- بقره: ۲۳۵.



كما اینکه این مطلب را در آیات و روایات و آیه الکرسی می خوانیم: اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؛ خروج مؤمنین از ظلمات به سوی نور و سعادت عنایت خداست.

المؤمن حَي فِي الدَّارَيْنِ؛ مؤمن در هر دو سرا زنده است. سعادت انسان مؤمن ایمان به خدا، ملائکه، انبیاء، روز جزا و عمل صالح است. (۱)

منشاء هدایت متقین خدا ترسی، آخرت گرایی، اعمال صالح و مبارزه با مفسد است. قبل از بیان تفسیر اوصاف متقین به طور فهرست وار، متقین را در آئینه آیات مورد ملاحظه قرار می دهیم. هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي؛ (۲) این توانایی از فضل خدای من است. سلیمان تخت ملکه سبأ را در نزد خود مشاهده کرد. این فضل را از جانب خدا اظهار نمود. متقین هم مثل رهبران دینی انجام هر کار خیر را توفیق خدا می داند.

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ از خدا بترسید و خداوند هم به شما تعلیم مصالح امور می کند، و خدا به همه چیز داناست. (۳)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ (۴) ای مردم بترسید خدای را که آفریننده شما و پیشینیان شماست باشد که پارسا و منزّه شوید. تقوا و پرستش پروردگار، در این دو آیه به صورت فراگیر برای قاطبه جامعه ی بشری بیان شده و مقام متقین تبیین گردیده است. إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ

ص: ۲۴۷

۱- این حدیث نبوی صلی الله علیه و آله در تفسیر سوره حمد (ملاصدرا) ص ۱۵۳ ذکر شده است.

۲- نمل: ۴۰، این سوره ۹۳ آیه، ۱۱۴۵ کلمه و ۴۹۳۵ حرف دارد و مکی می باشد.

۳- بقره: ۲۸۲.

۴- بقره: ۲۱.

الْمُتَّقِينَ؛ (۱) خدا فقط اعمال متقین را قبول می کند.

سعادت رهاورد تبعیت از قرآن است. وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ (۲) این قرآن کتابی است که ما با برکت و خیر فرستادیم. از آن پیروی کنید و پرهیزکار شوید.

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا؛ (۳) و هر کس متقی و خداترس باشد، خدا مشکلات او را آسان می گرداند.

دروود و سلام خداوند به مؤمنان در قرآن قابل دقت است به برخی موارد اشاره می کنیم.

### قلوب متقین، مجرای امتحان الهی

أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِتَتَّقُوا، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ؛ (۴) خدا دل های اهل تقوا را آزموده، آن هایند که آمرزش واجب عظیم دارند.

در همه ی قرآن مغفرت قبل از اجر بیان شده تا مغفرت و عمل صالح نباشد، اجری نخواهد بود. پیامبر صلی الله علیه وآله در یک حدیث نورانی جایگاه اهل تقوا را در بهشت و در بین درختان و نعمت های دائم آن بیان کرده اند. (۵)

ص: ۲۴۸

۱- مائده: ۲۷.

۲- انعام: ۱۵۵ [این سوره ۱۶۵ آیه ، ۲۹۷۱ کلمه و ۱۳۰۴۷ حرف و مکی می باشد].

۳- طلاق: ۴، این سوره ۱۲ آیه و ۲۸۷ کلمه و ۱۲۷۳ حرف دارد.

۴- حجرات: ۳.

۵- بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۸۶.

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (۱) متقین کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را اقامه می کنند و از آنچه ما روزیشان

کردیم، انفاق می کنند». ایمان به غیب بارسنگینی را به همراه دارد و انسان مؤمن را از همه بدیها باز می دارد. حفظ ایمان، تلاش در راه اسلام، عاقبت اندیشی و خیر برای دیگران از ایمان به غیب حاصل می شود کسی که ایمان به قیامت و غیب ندارد اعمال خیر برای او معنا نخواهد داشت.

الف و لام «الغیب» برای جنس است و شامل تمام غیب ها مثل فرشتگان، احیای مردگان، عالم برزخ، قیامت، معجزات پیامبران و... می شود. مؤمنون فعل مضارع است و بر استمرار و تداوم دلالت دارد، از نگاه «قرآن» متقین دائماً و پی در پی با معارف و احکام «جدید» آشنا می شوند و ایمان «متقین» تا پایان عمر شان در حال افزایش می باشد. طبق بیان حدیث، اعمال خیر متقین به عنوان صدقات جاریه بعد از مرگ آنان نیز ادامه خواهد داشت، این مطلب در حدیث معروف از پیامبر نقل شده است. ایمان و یقین به غیب از ویژگی متقین و مؤمنین لا ینفک خواهد بود.

ایمان به خدای واحد، ایمان به عدالت خالق، ایمان به انبیاء، ایمان به امامت، ایمان به معاد، ایمان به بهشت و جهنم، ایمان به پیشگوی های انبیاء و جانشینان آنها، ایمان به تحقق وعده های الهی، ایمان به قیام حضرت مهدی ایمان به پایان جهان و قیام قیامت، و... از خصوصیات و ویژگی های متقین و مؤمنین می باشد و

ص: ۲۴۹

تمام موارد یاد شده در قرآن و روایات اسلامی مفصل بیان شده است. ایمان به غیب تاکنون تحقق پیدا کرده است؛ مانند: تحقق پیشگویی های همه ی انبیاء، تحقق پیشگویی های قرآن و پیامبر گرامی اسلام در باره ی پیروزی اسلام، فتح مکه، جهانی شدن اسلام، مظلومیت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله. این موارد قبل از رحلت حضرت تحقق پیدا کرد. متقین به این پیشگویی های پیامبر صلی الله علیه و آله کاملاً یقین و ایمان داشتند و دارند. برخی از موارد پیشگویی های دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله تاکنون تحقق پیدا نکرده است مثل اخبار راجع به ظهور حضرت مهدی، سرنوشت آینده جهان و آغاز زندگی پس از مرگ و ... گذشت زمان شاهد وقوع این اخبار خواهد بود و متقین با همه ی وجود این باورهای مقدسشان را حفظ و تقویت خواهند کرد. ان شاء الله.

علت آن که به خداوند، غائب و غیب گفته نمی شود این است که خداوند در همه جا حاضر و ناظر است و به حضرت غائب گفتن به منزله ی شرک خواهد بود.

### متقین، برپادارندگان نماز

يَقِيْمُوْنَ به معنی «بر پا می دارد» می باشد. اقامه و برپاداشتن نماز غیر از نماز خواندن است. متقین و مؤمنین در هر جا و با هر شرایطی نماز را اقامه می کنند. شرط و ریشه اصلی اقامه نماز، ایمان است و این ویژگی متقین مورد تأکید قرآن و روایات می باشد. نیرومندترین و مقدس ترین حال ارتباط انسان با خدا، اقامه ی نماز است. اقامه ی نماز منشاء ترقی متقین است. «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ؛(۱)

ص: ۲۵۰

۱- ابراهیم: ۴۰.

خدایا مرا نمازگزار قرار بده».

نماز به عنوان پایه و اساس دین در قرآن و روایات معرفی شده است. اگر این پایه استوار نباشد و افراد مسلمان نماز را درست نخوانند، بقیه اعمال خیر این گونه افراد، مردود و غیرمقبول [در نزد خداوند] خواهد بود، نماز به عنوان اولین فریضه، بعد از ایمان به «خدا» به منزله کلید ورود [به پیشگاه خداوند] می باشد، انسان نمازخوان واقعی طبق بیان قرآن از فحشاء و منکر خودداری می نماید و این کار ویژه متقین و مؤمنین است. تداوم تقوا و نماز متقین جامعه را هدایت و راهنمایی خواهد کرد.

طبق آیه ۴۱ سوره سجده، اولین و مقدس ترین وظیفه متقین اقامه نماز است. «الَّذِينَ إِذَا مَكَتُوا فِي الْمَأْوَئِمْ يُصَلُّونَ» متقین و «صالحین» اولین کارشان پس از تشکیل حکومت اسلامی اقامه نماز است. بسیج کردن عموم مردم برای برپایی نماز خیلی از مشکلات روحی، روانی و تربیتی جامعه را برطرف می کند. در احیای نماز و امر به معروف، از صدر اسلام تا به حال هزاران انسان متقی به شهادت رسیدند. نماز با هجرت، اسارت و شهادت و در همه حال همراه است. بنابراین دومین امتیاز «متقین» بعد از ایمان، اقامه ی «نماز» است، ایمان به غیب قبل از اقامه ی نماز بیان شده است. منشاء همه ی اعمال متقین و مؤمنین ایمان به امور غیبی و عمل صالح می باشد. حقیقت «نماز» پرتوی از ایمان به غیب و نهایت تقرب به خداست.

### متقین و انفاق در راه خدا

وظیفه ی دیگر مؤمن انفاق است. «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» و از آنچه روزی

ص: ۲۵۱

داده ایم انفاق می کنند». انفاق در راه خدا به گونه ای که موجب رضایت خدا شود و مشکل نیازمندی برطرف گردد خیلی ارزش دارد. انفاق خالصانه مورد توجه پیشوایان بوده و متقین باید به تبعیت از رهبران الهی به این دستور خداوند عمل نمایند و اخلاص در عمل را ملاک قبولی اعمال بدانند. این آیه «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» جامع تمام توان مالی، جانی و معنوی می باشد. این دستور خداوند هرگونه بی توجهی را نسبت به دیگران از انسان سلب می نماید. اگر تنها انفاق جان در راه جهاد فی سبیل الله مطرح بود، اکثر مردم توان آن را نداشتند که در جنگ ها شرکت نمایند؛ انفاق مال، انفاق علم، انفاق فرهنگی-فکری-قلمی و غیره در توان هر انسان در حد مقدور ممکن خواهد بود، ولی عمل به دستورات خداوند، به طور خالصانه کار هر کسی نیست؛ این مهم فقط و فقط شامل حال متقین می گردد و زمینه ی نزول رحمت حق با استغفار، مجدداً فراهم می شود. این مطلب درباره ی مؤمنان گناهکار و توبه کننده صادق است نه برای دیگران.

### متقین و ایمان به کتب آسمانی و آخرت

تحلیل آیه «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ» این است که متقین به «قرآن» و جمیع اصول و فروع دین و کتاب های آسمانی که قبل از قرآن نازل گردیده ایمان دارند «وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» و متقین به آخرت یقین دارند. یک فرق متقین با غیر، ایمان راسخشان به غیب

است.

عمل صالح و قرائت قرآن اثر و ارتباط واقعی با معاد و ترک گناه دارد. به سبب عمل به قرآن، اقامه نماز و انفاق در راه خدا، یقین برای «متقین» حاصل می شود. یقین در مرتبه بعد از ایمان قرار دارد. متقین به فرمان قرآن و پیروی از

ص: ۲۵۲

پیامبر و اوصیای حضرت بعد از ایمان به مقام یقین رسیدند و یقین به قیامت بعد از هدایت قرار دارد. ایمان به قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و ایمان به کتب قبل از قرآن و ایمان به همه انبیاء و معاد، با یقین برای مؤمنین تحقق پیدا کرده است. در عرصه ی عمل، ایمان در برخی موارد مقدمه ی یقین است؛ تا ایمان نباشد، یقینی نخواهد بود. انسان بی ایمان به غیب و حق یقین ندارد.

## متقین و دوری از ربا

در این قسمت ضمن یادآوری برخی از آیات و روایات مرتبط، آنها را تبیین می کنیم:

۱. «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا الرِّبوا؛ (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا و سود پول را نخورید».

۲. «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل؛ (۲) ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به باطل و ناحق نخورید».

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ أَجْرِي يَنْبِيعِ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ؛ هر کس چهل شب و روز لقمه ی حلال بخورد، خداوند قلب او را نورانی و چشمه های حکمت [دانش و بصیرت] را از قلب او بر زبانش جاری می کند. (۳)»

۴. و نیز حضرت می فرمایند: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ (۴)»

ص: ۲۵۳

---

۱- آل عمران: ۱۳۰.

۲- نساء: ۲۹.

۳- محجه البیضاء، ج ۳.

۴- محجه البیضاء، ج ۳.

طلب رزق حلال بر هر مسلمانی واجب است».

۵. امام علی علیه السلام می فرمایند: «وَمَنْ لَمْ يَزَكِّ مَا لَهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (۱) هر کس مالش را از حرام تزکیه و پاک نکند، مسلمان نیست.»

۶. امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا فِي مُعَامِلَاتِكُمْ» (۲) ربا در معاملات تان نخورید.»

### متقین و خوراک پاک

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (۳) ای کسانی که ایمان آورده اید، از نعمت های پاکیزه ای (حلال) که به شما روزی دادیم، بخورید و شکر خدا را به جای آورید، اگر او را پرستش می کنید.»

استفاده از نعمت های حلال برای اهل ایمان در این آیه مورد توصیه ی قرآن قرار گرفته است، ولی قرآن در آیه ۱۶۸ این سوره با خطاب قراردان عموم مردم «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ...»، امکانات زمین را روزی همگان بیان فرموده است.

اصل اولی در خوراکی ها، پاکیزه بودن و حلال بودن آنهاست. آیه ی «كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» بیان گر توجه اسلام به بهداشت روح و جان انسان است. غذای حرام روح انسان را فاسد می کند که درمان آن خیلی مشکل است. وَ اشْكُرُوا

ص: ۲۵۴

۱- بحار، ج ۹۳، ص ۲۷.

۲- خصال شیخ صدوق (ره)، ج ۱، ص ۳۱۶.

۳- بقره: ۱۷۲.



لله، ضرورت شکر و قدردانی را بیان می کند. لازمه ی بندگی خدا و توحید در عبادت و اطاعت، حلال دانستن حلال ها و حرام دانستن حرام های الهی است. هر یک از دو جمله ی کُلُوا وَ اشکُرُوا، حاکی از جواب شرط، اِنْ کُنْتُمْ می باشد. عبادت، شرط برای امر کُلُوا وَ اشکُرُوا، قرار گرفته است و متضمن معنای اطاعت نیز می باشد. تقدیم ایه بر تعبُدُونَ دلالت بر حصر دارد و توحید در عبادت و اطاعت از آن استفاده می شود. برخی مسلمانان صدر اسلام، با حرام پنداشتن بعضی از طیبات از خوردن آنها امتناع می کردند. این آیه تأکید خدا را بر مباح بودن طیبات بیان می کند. (۱)

اِنْ کُنْتُمْ اِیَّاهُ تَعْبُدُونَ: اگر فقط او را عبادت می کنید. عبادت خدا، بدون شکر کامل نمی شود. (۲)

وَ اشکُرُوا لله، اگر اقرار دارید که مُنِعِم حقیقی شما خدا است و تنها او را می پرستید، خدای را که به شما نعمت داده است، شکر نمائید.

خداوند در حدیث قدسی می فرماید: «الْجِنُّ وَالْانْسُ فِي نَبَاءِ عَظِيمٍ، اَخْلُقُ وَ يَعْبُدُ غَيْرِي وَ اَرْزُقُ وَ يَشْكُرُ غَيْرِي؛ من آفریدگار جن و انس ام، آنها غیر مرا می پرستند، من روزی شان می دهم و آنها از دیگری سپاسگزاری می کنند. (۳)

این حدیث قدسی تعجب خداوند را از غیر خداپرستی بیان می کند، مؤمن شامل مؤمن فاسق هم می شود و اختصاص به مؤمن عادل ندارد. همان طور که ایمان ده درجه دارد، مؤمن هم درجاتی دارد.

ص: ۲۵۵

---

۱- تلخیص از تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۵۴۵.

۲- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۴۵.

۳- تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۹۷.

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ؛(۱) خداوند رازق و صاحب قدرت قوی است؛ هر چه در جهان است مخلوق و روزی خور خداوند است و تصوّر غیر خدا در آن رزق) بدون اذن خدا جایز نیست.

و اشْكُرُوا لِلَّهِ، اسم ظاهر (الله) در جای ضمیر به علت لزوم شکر است. شکر در قلب، در جوارح و لسان، هر سه مورد را شامل است، شکر منوط به عابد بودن نیست.

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، اگر در عبادت راستگو هستید، خدا را عبادت کنید. لازمه عبادت شکر است. اگر فقط خدا را عبادت کنید مَوْحِدَ هَسْتِيدَ، باید شاکر هم باشید.(۲)

### لقمه حلال و استجاب دعا

قرآن در خطاب به پیامبران می فرماید: يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً...؛(۳) مثل دستور به پیامبران، به مؤمنان هم دستور داده شده است. مؤمنان

پیروان پیام آوران الهی اند. از این رو مؤمنان آنان از طیب ها استفاده کنند، اکثر امت ها به احکام واقعی عمل نمی کنند.

سعد بن ابی وقاص از پیامبر صلی الله علیه وآله در خواست کرد که دعا کن که دعای مرا خدا اجابت فرماید. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: ای سعد غذایت حلال باشد، دعایت استجاب می شود.(۴)

ص: ۲۵۶

۱- ذاریات: ۵۸.

۲- مؤمنین: ۵۴.

۳- مؤمنین: ۵۱.

۴- کشف الاسرار، ج ۱، ص ۴۵۶.

امام علی علیه السلام فرمودند: «جَالِسِ الْفُقَرَاءَ تَزِدَادُ شُكْرًا»<sup>(۱)</sup> با فقراء هم نشین باش؛ زیرا موجب افزایش شکر تو می شود».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَحَبُّ الْفُقَرَاءِ وَ أَدْنَوْ مِنْهُمْ؛ فقیران را دوست بدار و با آنان نزدیک باش»<sup>(۲)</sup> به تبعیت از پیشوایان دین، متقین و مؤمنین همیشه باید یار مظلوم و دشمن ظالم باشند. یکی از امتیازات مؤمن حسن خلق است.

در جای دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا؛ خوش خلق ترین آنهاست»<sup>(۳)</sup>.

ص: ۲۵۷

---

۱- ابراهیم: ۷؛ غرر الحکم، حدیث ۴۳۰.

۲- المحاسن، ج ۱، ص ۱۱.

۳- کنز العمال، ج ۱، ص ۱۴۴.

«وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» عطف به «مَنْ آمَنَ» است که شامل عهد با خدا و عهد با رسول خدا و دیگران می شود. (۱) و فَا  
وَإِيفَاءٌ بِمَعْنَى انْجَامِ دَاوَنَ وَ كَامِلَ كَرْدِنِ بِيْمَانِ وَ بَه اْتِمَامِ رَسَانْدِنِ «عَهْد» اسْت. (۲)

به شهادت آیات و روایات فقط متقین و مؤمنین به وعده ها و «پیمان های» شان عمل می کنند.

اعطای زکات مثل نماز یک امر واجب است. در روایات داریم که در اموال ثروتمندان غیر از زکات نیز حقی برای محرومان  
است. (۳) قرآن در این باره می فرماید: «فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ». (۴) خلاصه بحث آنکه گفته شده است این آیه  
تمام کمالات و حسنات انسانی را در بر دارد؛ آیه در سه محور قابل جمع است.

الف- اعتقاد صحیح به مجموعه مسائل دینی؛

ب- حُسنِ معاشرت در امور مختلف با مردم؛

ث- تهذیب نفس و پرهیز از خودبینی ها، با رعایت حق الله و حقوق مردم.

از مَنْ آمَنَ تا وَالنَّبِيِّينَ؛ اشاره به حق الناس دارد و از آتَى الْمَالِ تا وَفِي الرُّقَابِ؛ اشاره به قسم دوم و از وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ تا آخر آیه  
اشاره به قسم سوم

ص: ۲۵۸

۱- تفسیر زمخشری کشف، ج ۱، ۲۲۰.

۲- مفردات، ص ۸۷ کلمه و ف و ی.

۳- بحار، ج ۱۰۸، ص ۱۷۱.

۴- ذاریات: ۱۹.

دارد. نکته آخر درباره این آیه از قول رسول اکرم صلی الله علیه وآله آن است که حضرت فرمودند: «مَنْ عَمِلَ بِهَذِهِ الْآيَةِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ؛ هر کس به این آیه عمل کند، ایمانش را کامل کرده است».<sup>(۱)</sup>

بدون تردید این کلام نورانی پیامبر گرامی اسلام به منزله عمل به کل قرآن است، کما اینکه حضرت قرائت سوره اخلاص را، سه مرتبه قبل از خواب شب به منزله ختم قرآن فرموده اند.

### قصاص مصداق عدالت اجتماعی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى أَلْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى...»<sup>(۲)</sup> ای افراد که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان بر شما نوشته شده است. آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن و... قصاص شود».

پیام این آیه اجرای عدالت با قصاص است. در بین همه امت ها، قانون «قصاص» کشتن قاتل ریشه دارد. قبل از اسلام در بین عرب های جاهلیت قصاص معیار قانونی نداشت. اگر کسی از عرب های جاهلی کشته می شد، آنها تا آنجا که مقدور بود، به فرد قاتل و قبیله او ضربه وارد می کردند و به خاطر قتل یک نفر گاه چندین نفر از بستگان قاتل را می کشتند؟ این ظلم و جنایت همچنان ادامه داشت تا دین مقدس اسلام با قانونی به نام فرقان و مجری بنام مبارک پیامبر اسلام پا به عرصه هستی گذاشت و به تدریج تمام

ص: ۲۵۹

---

۱- تفسیر صافی ۵ جلدی، ج ۱، ص ۳۵۲؛ و تفسیر البیان، ج ۲، ص ۹۹.

۲- بقره: ۱۷۸.

برنامه های سعادت دنیا و آخرت جامعه بشری را بیان نمود.

درباره قصاص آیه یاد شده و آیات دیگر نازل شد و احکام عادلانه قصاص را بیان فرمود.

قصاص از ریشه قَصَّی به معنای پیگیری است. به مجازات قاتل، قصاص می گویند. اگر قصاص انجام نشود، قاتلان جسور می شوند و افراد جامعه گرفتار خطرات قتل و کشتار بیشتر می گردند.

امام علی علیه السلام می فرمایند: «وَالْقِصَاصُ حَقًّا لِلدَّمَاءِ؛ قصاص قاتل حق اولیای مقتول است».<sup>(۱)</sup>

### متقین، مجریان عدالت اجتماعی

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»<sup>(۲)</sup> منشاء عدالت در جامعه، تقوا و متقین، مجری عدالت هستند. فلسفه حکم قصاص، ادامه امنیت و حیات مردم می باشد. لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ بیانگر این مطلب است. در صورت اجرا نشدن قصاص، تمام امور حیاتی جامعه نابود و یا تضعیف خواهد شد. حیات تنها به معنای فعالیت و حرکت جسم نیست، امور مختلفی مثل آرامش روح، ترقی فکر، تعلیم و تعلم و حیات روحانی را نیز در بر می گیرد که به مواردی از آنها اشاره می کنیم:

۱- حیات طبیعی مثل زنده شدن زمین، سوره روم آیه ۵۰؛

۲- حیات معنوی مثل دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله، انفال / ۴؛

ص: ۲۶۰

---

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲، بند ۳.

۲- بقره: ۱۷۹.

۳- حیات برزخی مثل شهداء ، بقره/۱۵۴؛

۴- حیات اخروی برای همه، بقره / ۲۸؛

۵- حیات اجتماعی در سایه امنیت و عدالت.

هر یک از موارد پنجگانه بحث های مفصل خود را می طلبد و مهم تر از همه قصاص جنایت کاران و قاتلان است که موجب آرامش بیشتر افراد می گردد. حرمت قتل در خیلی از آیات از جمله در سوره انعام / ۱۵۱، شوری / ۴۰، نساء / ۹۳، اِسراء / ۳۳ بیان شده است. آیه ۹۳ سوره نساء می فرماید: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا؛ و هر کس فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است، در حالی که جاودانه در آن می ماند و خداوند بر او غضب می کند و او را از رحمتش دور می سازد و عذاب عظیمی برای او آماده کرده است. هر یک از جزای قتل مؤمن خیلی سنگین و پایان ناپذیر می باشد.

در شأن نزول آیه گفتنی است که مقیس بن صبابه کنانی یکی از مسلمانان جسد برادر خود هشام را در محله بنی نجار پیدا کرد و جریان را به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله بیان کرد. حضرت او را به اتفاق قیس بن هلال مهزی نزد بزرگان بنی النجار فرستاد و پیام داد اگر قاتل هشام را می شناسند، او را تسلیم برادرش نمایند و اگر نمی شناسند، دیه پردازند. آنان قاتل را نمی شناختند و دیه پرداخت نمودند. مقیس و قیس به طرف مدینه حرکت کردند، مقیس در بین راه با افکار جاهلیت همسفر خود را که از قبیل بنی نجار بود، به حساب انتقام برادر، کشت و خود به طرف مکه فرار کرد و از

ص: ۲۶۱

اسلام کناره گیری کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله هم در مقابل این خیانت، ریختن خون او را مباح اعلام کرد. آیه یاد شده به همین مناسبت نازل شد و مجازات قتل عمد را بیان کرد. (۱) آیه به طور کنایه از قتل عمد نهی تشریحی می کند. در آیات و روایات هیچ مسئله ای به اندازه جلوگیری از قتل عمد سفارش نشده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَتَلَ بِالْمَشْرِقِ وَ آخَرَ رَضِيَ بِالْمَغْرِبِ لِشُرْكَ فِي دَمِهِ؛ اگر کسی در شرق جهان کشته شود و دیگری در غرب به آن راضی باشد، شریک خون او است».

در حدیث دیگری حضرت فرمودند: «لِزَوَالِ الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِ امْرِءٍ مُسْلِمٍ؛ (۲) از بین رفتن جهان در نزد خدا از قتل یک نفر مسلمان کوچکتر است».

آیه ۴۵ سوره مائده تمام اقسام و موارد قصاص را بیان می فرماید: «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا، فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ و بر آنها (بنی اسرائیل) در آن (تورات) مقرر داشتیم که جان در مقابل جان، چشم در مقابل چشم، بینی در مقابل بینی، گوش در مقابل گوش و دندان در برابر دندان می باشد و هر زخمی قصاص دارد و اگر کسی آنرا ببخشد و از قصاص صرف نظر کند،

ص: ۲۶۲

---

۱- با استفاده از تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۶۶.

۲- المنار، ج ۵، ص ۳۶۱؛ و نمونه، ج ۴، ص ۷۰، [قتل سه صورت دارد: ۱- قتل عمد ۲- قتل شبهه عمد مثل زدن ۳- قتل خطا (اشتباه)].



کفاره گناهان او محسوب می شود و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است».

در تفسیر آیه فوق گفتنی است که شارع مقدس برای ۱۸ عضو بدن انسان دیه کامل مقرر و معین فرموده است:

۱- مو و ریش، ۲- چشم ها، ۳- بینی، ۴- دو گوش،

۵- دو لب، ۶- بریدن تمام زبان، ۷- کشیدن و کندن تمام دندان ها که ۲۸ تاست، ۸- شکستن گردن، ۹- شکستن چانه، ۱۰- قطع هر دو دست،

۱۱- جداکردن دو پا، ۱۲- انداختن و قلم کردن ده انگشت، ۱۳- بریدن دو پستان، ۱۴- بریدن فرج زن، ۱۵- بریدن آلت مرد،

۱۶- شکستن کمر، ۱۷- خرد کردن دو زانو، و ۱۸- ضربه وارد کردن بر نخاع که از گردن تا کمر امتداد دارد.

در تمام موارد بالا، باید دیه کامل داده شود. اگر جراحات کم باشد بجای دیه ارزش قیمت عضو سالم (باید پرداخت

شود).<sup>(۱)</sup>

احکام دیه در فقه بسیار طولانی می باشد و مسائل فراوان را به خود اختصاص داده است. انسان اگر به صورت عمد به اعضای بدن خود جراحت وارد نماید دیه دارد تا چه برسد که به دیگران ضربه و جراحت وارد نماید.

شان نزول آیه به این صورت است که طبق بیان حدیث و تاریخ، وقتی در بین طائفه بنی نضیر و بنی قریظه قبل از اسلام قتلی واقع می شد، اگر قاتل از بنی نضیر بود، قصاص نمی شد، ولی اگر از بنی قریظه فردی از بنی نضیر

ص: ۲۶۳

---

۱- با استفاده از تفسیر جامع، ج ۲، ص ۲۷۴.

را می کشت، قصاص می گردید. هنگامی که اسلام در مدینه قدرت پیدا کرد، بنی قریظه در این باره از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند، حضرت فرمودند: «خونبها باهم فرقی ندارد». بنی النضیر اعتراض کردند و با سخن پیامبر صلی الله علیه و آله مخالفت نمودند، آیه یاد شده در این باره نازل شد و به آنها اعلام کرد که نه تنها در اسلام، که در آیین یهود نیز این قانون به طور مساوی وجود داشته است. (۱) عفو به عنوان رحمت خداوند به بندگان است و اصل در احکام جنائی و قتل، قصاص می باشد.

امام صادق فرمودند: «کسی که عفو نماید، خداوند به همان اندازه از گناهان او را می بخشد». (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله با مشاهده کشته ای که قاتل آن معلوم نبود، فرمودند اگر اهل آسمان ها و زمین در قتل یک نفر مسلمان شریک و به آن راضی شوند، خدا همه آنان را به آتش دوزخ خواهد افکند. «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ شَرِكُوا فِي دَمِ امْرَأٍ مُسْلِمٍ وَرَضُوا بِهِ لَأَكْبَهُمُ اللَّهُ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ [أَوْ قَالَ : عَلَى وُجُوهِهِمْ]». (۳)

### روزه تکلیف متقین

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ (۴) ای افرادی که ایمان آورده اید، روزه بر شما نوشته

ص: ۲۶۴

۱- تفسیر قرطبی، ج ۳، ص ۱۸۸؛ و نمونه، ج ۴، ص ۶۶.

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۳۷؛ و نمونه، ج ۴، ص ۳۹۲؛ تورات، فصل ۲۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۱۷ و ۱۸.

۴- بقره: ۱۸۳.

شد، همچنان که بر کسانی که قبل از شما بودند، نوشته شده تا پرهیزگار شوید».

آغاز این آیه شریفه اهل ایمان را مخاطب قرار داده و پایانش با کلمه تَتَّقُونَ ختم شده است. فرمان روزه مثل جهاد و پرداخت زکات در سال دوم هجری صادر شده است.<sup>(۱)</sup>

مسائل و فضائل روزه یک بحث مفصل می‌طلبد. در اینجا به برخی موارد به تناسب تفسیر آیه می‌پردازیم:

خطاب آیه به مؤمنین با «كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» سابقه روزه را بیان نموده و روزه گرفتن را آسان ذکر کرده و فلسفه روزه گرفتن را رسیدن به

۱- تقوا عنوان می‌نماید.

۲- با اینکه جاعل و آمر روزه خداوند است، به جای «كُتِبَ» فعل مجهول کُتِبَ آورده است و این بدان جهت است که در روز نخست رحمت، خداوند همه امور را به خود نسبت داده و فرموده: «كُتِبَ رَبِّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَهُ» خداوند از غایت کرم و نهایت فضلش بشر را تکلیف فرمود و دستور عبادت را به «انبیاء» و «امتها» ابلاغ کرد.

واقعیت این است که دستور خداوند متعال طبق «وَشَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِّلنَّاسِ» همه بشر را پوشش داده است، اما بشر غافل و کم ظرفیت علی‌رغم حضور انبیاء و کتب آسمانی گرفتار طغیان، غرور و گمراهی گردیده و راه باطل را انتخاب کرده است. جز عده ای به عنوان

ص: ۲۶۵

---

۱- با استفاده از تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۸۳.

مؤمنین و متقین اکثر افراد بشر از دستورات خدا و انبیاء پیروی نکردند. بهره‌ی هدایت از قرآن [با ویژگی تقوا] نصیب متقین گردیده است.

نتیجه اینکه با استفاده از آیات و روایات تمام بشر اعم از کفار، مشرکین و منافقین مثل مؤمنین مکلف به انجام تکالیف الهی مثل روزه، نماز، حج، جهاد، خمس و پرداخت زکات و ... می‌باشند و مخالفین خدا و انبیاء هیچ گونه حُجَّت و دلیل برای پیروی نکردن خود از خدا و احکام الهی ندارند.

آثار و برکات روزه فراوان می‌باشد. در پرتو ایمان به خدا و پیامبران الهی دست یابی به سعادت برای افراد مؤمن ممکن خواهد بود. گرچه نفس روزه گرفتن در بین انبیاء و امم گذشته مسلم می‌باشد و امام علی علیه السلام فرمودند: نخستین روزه برای حضرت آدم علیه السلام بود،<sup>(۱)</sup> ولی هیچ روزه‌ای به فضیلت روزه ماه مبارک رمضان نمی‌رسد. به تعبیر قرآن، شَهْرُ رَمَضَانَ أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ؛ گفته شده و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا تَقُولُوا رَمَضَانَ، فَإِنَّ رَمَضَانَ إِسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى وَ لَكِنْ

قُولُوا شَهْرُ رَمَضَانَ<sup>(۲)</sup>». رمضان یکی از اسماء خداوند است. حضرت در خطبه معروف شعبانیه فضائل ماه مبارک رمضان را مفصل بیان فرموده اند: «أَيُّهَا

النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، شَهْرٌ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ وَ أَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَ لَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي وَ سَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ، هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاغِهِ اللَّهِ وَ جَعَلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كِرَامَةِ اللَّهِ، أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَ نَوْمُكُمْ فِيهِ

ص: ۲۶۶

۱- تفسیر جوامع الجامع، ج ۳۲، ص ۱۰۳؛ و تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲- کنز العمال، خ ۲۳۷۴۳؛ و تفسیر معین، ص ۲۸.

عِبَادِهِ وَ عَمَلِكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ وَ دُعَاءُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ...؛ (۱) ای مردم ماه خدا با برکت و رحمت و بخشش گناهان نزدیک است؛ ماهی که نزد خداوند برترین ماه ها، روزهایش برترین روزها، شب هایش برترین شب ها و ساعت های آن بهترین ساعت هاست. ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت شده اید و شما را در این ماه از کسانی قرار داده است که شایسته کرامت خدا هستند، نفس کشیدنتان در آن تسیح و خوابیدنتان در آن عبادت و عملتان در آن قبول و دعایتان در آن مستجاب است. (۲) روزه یک عبادت مخفی و برکات آن مخفی تر می باشد. بیشتر گناهان به سبب غضب و شهوت از انسان بوجود می آید، روزه جلوی این دو را می گیرد؛ لذا فساد و جرائم در ماه رمضان [با تقویت تقوا] کمتر می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس در ماه مبارک رمضان، برای خدا روزه بگیرد، تمام گناهان او بخشیده می گردد». (۳)

خداوند در حدیث قدسی می فرماید: «الصَّوْمُ لِيْ وَ اَنَا اَجْزِيْ بِهِ»؛ (۴) روزه برای من است و من پاداش می دهم».

امام صادق علیه السلام فرمودند: «لِدَهْ مَا فِي النَّدَاءِ اَزَالَ تَعَبُ الْعِبَادَةِ، به فرموده امام علیه السلام لذت گفتن «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» سختی و

ص: ۲۶۷

---

۱- تفسیر معین، ص ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۶.

۲- خطبه شعبانیه در آخر شعبان جهت استقبال از ماه مبارک رمضان از لسان مبارک و نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله ایراد گردیده و همه امامان به تواتر این خطبه را از قول حضرت بیان فرمودند.

۳- تفسیر مراغی، ج ۲، ص ۶۹.

۴- همان.

مشقت روزه گرفتن و مشکل را از بین می برد» (۱).

از تورات و انجیل فعلی استفاده می شود که روزه در میان یهود و نصارا بوده و اقوام و ملل دیگر هم برای رفع مشکل و رفع غم و اندوه روزه می گرفتند. این مطلب از متن تاریخ و از قاموس کتاب مقدس ص ۴۲۷ استفاده می شود. تورات می گوید: «حضرت موسی علیه السّلام چهل روز در کوه طور روزه گرفت» (۲). از انجیل نیز استفاده می شود که حضرت عیسی علیه السّلام چهل روز، روزه داشته است. (۳) آیا روزه بر همه امت های گذشته واجب بوده است؟ جواب این سؤال از آیه حاصل نمی شود، ولی روایات می گویند: روزه بر امت های گذشته واجب نبوده است.

در اینجا به یک حدیث اکتفا می کنیم.

«إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ دُونَ الْأُمَّمِ، فَفَضَّلَ بِهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ وَ جَعَلَ صِيَامَهُ فَرَضاً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى أُمَّتِهِ؛ (۴) طبق بیان این حدیث روزه قبل از اسلام بر پیامبران واجب بوده، نه بر امت ها، ولی مطلب بدون مخالف نیست و قول خلاف هم وجود دارد.

ممکن است روزه امت های پیشین با روزه امت اسلامی در برخی احکام (۵) یا در تعداد روزها تفاوت داشته باشد. در «کما كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» سه قول وجود دارد:

ص: ۲۶۸

۱- تفسیر مراغی، ج ۲، ص ۶۹، [تفسیر مجمع البیان ج ۲، آیه یاد شده].

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۷۸.

۳- انجیل متی، باب ۴، شماره ۲۰۱.

۴- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۹؛ و تفسیر کنز الدقائق، ج ۱، ص ۴۲۳.

۵- تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۷.

الف - ایام روزه قبل از اسلام ۳۰ روز بوده است. (۱)

ب - ماه رمضان بر نصارا بوده است. (۲)

ث - مراد از «مِنْ قَبْلِكُمْ»، اهل کتاب است. (۳)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «آیةٌ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ؛ شامل گمراهان منافقان و کسانی که ظاهراً به اسلام اقرار کرده اند میشود. (۴)

### روزه نماز تساوی و تکامل

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «أَنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ الصِّيَامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنِيُّ وَالْفَقِيرُ؛ (۵) روزه در اسلام واجب شده تا فقراء و اغنیاء یکسان و برابر گردند» و اغنیاء به فقرا توجه نمایند. در واقع وجوب روزه بر همه و گرفتن آن بر مسلمانان به برکت ایمان است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَكَلَّ مَلَائِكَتَهُ بِالذُّعَاءِ لِلصَّائِمِينَ (۶)؛ فرشتگان خدا در دعا کردن برای روزه داران هستند. موکل خداوند، وکیل ملائکه، مورد وکالت دعا کردن در حق روزه داران، الحمد لله والشکر لله .

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى

ص: ۲۶۹

۱- احکام القرآن جصاص، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲- همان مدرک از قول شعبی و حسن.

۳- تفسیر طبری، ج ۱، ص ۷۸.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۷۸.

۵- وسائل الشیعه، ج ۷، باب اول کتاب صوم.

۶- اصول کافی، ج ۴، ص ۴۳۹.

الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ (۱) بنای اسلام بر پنج پایه نماز، زکاه، حج، روزه و لایت استوار است.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: «خداوند هفت فضیلت را برای روزه دار کرامت و مشکل او را برطرف می فرماید:

۱- حرام از بدن روزه دار آب می شود؛

۲- خدا روزه دار را به رحمت خود نزدیک می کند؛

۳- کفاره گناه پدرشان آدم روزه گرفتن بوده است؛

۴- سختی مرگ بر روزه دار آسان گردد؛

۵- روزه امان از تشنگی و گرسنگی «قیامت» است؛

۶- روزه دار از آتش جهنم معاف می گردد؛

روزه سبب دخول در بهشت و سبب بهره مندی از میوه و امکانات بهشت می گردد. (۲)

### متقین و دعوت به تسلیم در برابر اوامر الهی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ، إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ (۳) ای اهل ایمان همه متفقاً نسبت به اوامر خدا در مقام تسلیم در آید و از وسوسه های تفرقه آور شیطان پیروی نکنید که همانا شما را دشمنی آشکار است.

ص: ۲۷۰

---

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۶۲.

۲- خصال شیخ صدوق (ره)، ج ۲، ص ۵۳۰؛ و تفسیر جامع، ج ۱، ص ۴۲۲.

۳- بقره: ۲۰۸.



تفصیل و تفسیر آیه: سِلْم و سلام در لغت به معنای صلح و آرامش است.

السَّلْمِ وَالسَّلَامِ وَالتَّسْلِيمِ؛ هر سه مورد به یک معنا است. (۱) این آیه همه افراد باایمان را به وحدت انقیاد،

۱- طاعت، صلح، امنیت، آزادی، استقلال سیاسی، فرهنگی و پیروی از همه احکام و دستورات خداوند دعوت می کند. کاربر قرآنی سلم همان معنای لغوی است. (۲)

در روح المعانی، (۳) ۲۴ معنا برای سِلْم و کافّه احتمال داده شده است.

خطاب آیه متوجه یکایک و مجموع افراد مؤمن است. کلمه کافّه به معنای اعتصام به حبل الله جمیعاً است؛ مانند آیه وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (۴) معنای فردی و جمعی دارد. سلم و صلح تنها در پرتو ایمان به خدا محقق خواهد شد؛ بدون ایمان و پیروی از دستورات الهی، تنها با قوانین مادی و حقوقی، جنگ و اضطراب از بین نخواهد رفت. این ادعا که جوامع بشری حقوق بشر را اجرا نمایند و سلاح کشتار جمعی نابود گردد کاملاً بی اساس می باشد، با برتری خواهی زبان، نژاد، ثروت،

منطقه و... هیچ مشکلی از جامعه جهانی حل نخواهد شد. آرامش و صلح پایدار، عزّت، سلامتی، سعادت دنیا و آخرت، فقط با محوریت ایمان به خدا امکان خواهد

ص: ۲۷۱

۱- المیزان، ج ۲، ص ۱۰۱. اهل حجاز و کسائی به فتح سین «سِلْم» و بقیه قراء به کسر سین «سِلْم» قرائت کردند. هر دو قرائت بلا اشکال است [الحجّه لابی علی الفارسی، ج ۲، ص ۲۲۲].

۲- . با استفاده از تفسیر تسنیم، ج ۱۰، ص ۲۶۹.

۳- روح المعانی، ج ۱، ص ۱۴۶.

۴- آل عمران: ۱۰۳.

داشت. در صورت دوری انسان ها از خدا، صلح امکان ندارد. آیه ۱۶۱ این سوره و آیه مورد بحث انحرافات و وسوسه های شیطانی را بیان می کند و انحرافات را تدریجی می داند. وَ لَا تَتَّبِعُوا... آیه مؤمنین را از وساوس شیطان برحذر می دارد. طبق بیان آیات خونریزی، جنایت و کارهای خلاف از محل و مرحله کوچک شروع می شود، افراد باایمان باید از ورود لغزش ها و هوس ها در امان و هوشیار باشند. جلو فتنه ها را بگیرند و از شیطان پیروی نکنند، شیطان دشمن آشکار بشر معرفی شده است: إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ.

انسان های ضعیف الایمان در دام ابلیس قرار می گیرند، نه افراد «مؤمن» و باتقوا.

با پیروی از انبیاء و پیام های وحیانی، وسوسه های شیطانی علیه مؤمنین بی نتیجه خواهد بود. برنامه، مقصد و مقصود برای همه معلوم است. پس بیراهه رفتن کار پیروان شیطان است. محکم ترین و مقدس ترین وسیله رسیدن به حق پیروی از قرآن و رهبران الهی می باشد.

اسلام تمام بشر را به صلح و اتحاد دستور داده و همه را امت واحده دانسته است. «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (۱) و این مردم همه یک دین داشته و متفق الکلمه و من یگانه خدای شما هستم و تنها از من بترسید».

در ابتدا همه بشر مثل انبیاء دین واحد داشتند و بر اثر اختلاف، امت واحده به امت ها، فرقه فرقه و گروه گروه، متفرق شدند.

ص: ۲۷۲

در نزد خدا یک دین بیشتر نیست. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛ همانا دین پسندیده نزد خدا «آیین» اسلام است» (۱). بر اثر اختلاف و پیروی از شیطان بشر مورد ظلم واقع شده و به صورت احزاب و گروه های گوناگون درآمده است و هر گروه و حزب به مکتب و مرام خود می بالند و می نازند.

«كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (۲) هر گروه به آنچه نزد خود پسندیدند دلخوش گشتند و با خیالات باطل، مذهبی اختیار کردند.

و لا تَتَّبِعُوا... «تبع» به معنای پیروی کردن است. اتباع شیاطین، جهان را به فساد کشیده، در آیات ۲۰۰، ۲۰۱، تا ۲۰۷ این سوره خداوند، انسان ها را از جهت منطق، سیره و عمل به دو گروه دنیا طلب پیروان شیطان و آخرت گرا مؤمنان) تقسیم کرده و اهل ایمان را به انجام کارهای خوب سفارش فرموده، منازل و جایگاه آنها را بیان و از شیطان بر حذر داشته و این مسأله را مورد تأکید مؤکد قرار داده است. علامه طباطبایی (ره) می فرماید: این هفت آیه از ۲۰۸ تا ۲۱۴، سوره بقره راه حفظ وحدت دینی را در جامعه بیان می کند و آن ورود در سلیم (صلح) و بسنده کردن به دین در اندیشه و رفتار است. تنها در این صورت است که وحدت و سعادت دنیا تأمین می شود... (۳)

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «أَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَأَفَّهٍ؛ دخول در

ص: ۲۷۳

---

۱- آل عمران: ۱۹.

۲- مؤمنون: ۵۳.

۳- المیزان، ج ۲، ص ۱۰۱؛ و تفسیر تسنیم، ج ۱۰، ص ۲۶۷.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «أَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَأَنَّهُ أَمْرٌ بِمَعْرِفَتِنَا» (۲). طبق بیان امام منظور از اَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ، معرفت و شناخت امامان و پیروی کردن از آن بزرگواران می باشد. در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: همگی در صلح و دوستی به دین اسلام وارد شوید و همه احکام اسلام را قبول کنید و به آن عمل نمائید و از کسانی نباشید که بعضی احکام را قبول نمی کنند و کنار می گذارند، در ادامه حدیث آمده است که قبول ولایت علی علیه السلام وارد شدن به اسلام و پذیرش آن مثل قبول نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله است (۳). از بدو تاریخ، قبل از اسلام و بعد از اسلام، گروهی به عنوان مؤمنان و پیروان پیامبران در مصاف با دشمنان جان نثاری نمودند از ابن عباس روایت شده که آیه ۱۹۰ «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» درباره صلح حدیبیه نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله با ۱۴۰۰ نفر می خواستند، عمره به جا آورند. در محل حدیبیه نزدیکی (مکه) مشرکان از ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش مانع شدند. بعد از گفتگو قرار شد در سال بعد عمره انجام و آنان مکه را سه روز برای عمره پیامبر صلی الله علیه و آله خالی بگذارند. تردید در بین یاران حضرت وجود داشت که مشرکین به وعده و پیمان عمل نکنند، آیه در این مورد نازل شد که اگر دشمن به نبرد شروع کرد، شما هم در برابر آنها به مبارزه برخیزید (۴). اصل

ص: ۲۷۴

---

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۴.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳- نقل به مضمون تفسیر امام (ره)، ص ۶۲۶.

۴- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹ [ به صورت منتخب].

جنگ از نظر قرآن با مشرکین بی آزار منع شده است، ولی در صورتی که اسلام مورد حمله قرار گیرد باید با تمام توان دفاع کرد. «لَمْ يقاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يَخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّواهُمْ وَ تُقَسِّطُوا إِلَيْهِمْ؛ (۱) با کسانی که سر جنگ با شما ندارند و مزاحم وطن شما نیستند، خوشرفتاری کنید».

تفاهم و صلح با اهل کتاب مورد تأیید قرآن قرار گرفته است، اما اسلام باید اقتدار و قدرت داشته باشد. در صورتی که قدرت کافی برای دفاع از ممالک اسلامی وجود نداشته باشد صلح واقعی محقق نخواهد شد.

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ؛ (۲) بگوای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است جز خداوند یگانه را نپرستیم. وَلَا نُشْرِكُ بِهِ؛ و کسی را همتای او قرار ندهیم».

به خاطر پیروی از «پیروان شیطان» و فتنه های فتنه گران، رابطه مسالمت آمیز در بین ملل و فرقه مسلمین به طور شایسته و بایسته وجود ندارد. تا چه رسد که مشرکین و یهود و نصارا با امت اسلامی با صلح و سازش جامعه جهانی را آرام بگذارند. ابزار سیاسی و نظامی، اقتصادی و فرهنگی دشمنان اسلام در مقابل امت اسلامی قدرت نمائی می کنند و از هیچ قانون یا قوانین جهانی پیروی نمی نمایند. اسلام در مقابل جنگ اگر بر مسلمین تحمیل شود- قانون جنگ را به پیروان مکتب خود دستور داده است.

ص: ۲۷۵

---

۱- ممتحنه: ۸.

۲- آل عمران: ۶۴.

از جمله قوانین جنگ این است که به هیچ عنوان نباید افراد غیر جنگی؛ مخصوصاً زنان و کودکان، سالمندان و صلح

جویان مورد حمله واقع شوند. کجاست حامیان و سازمان های حقوق بشر کجا هستند تا به کشتار میلیون ها انسان بی پناه اعم از زن و کودک را در جهان پاسخ دهند؟!!

بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مولا علی علیه السلام به این احکام الهی کاملاً عمل می کرد و به پیروی از قرآن به سپاه خویش می فرمود: «لَا تُقَاتِلُوهُمْ حَتَّى يَبْدُوكُمْ فَإِنَّكُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَى حُجَّتِهِ وَ تَرَكَكُمْ إِيَّاهُمْ حُجَّةَ أُخْرَى لَكُمْ؛ (۱)» به آنها (دشمن) حمله نکنید تا آنها حمله کنند؛ زیرا شما پیرو حق هستید و بر آنها حجت دارید و آغاز نکردن جنگ، خود دلیل دیگری بر حقانیت شماست». اگر مسلمین قدرت پیدا کنند، باید با متجاوزان به فرمان خدا بجنگند. «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا

ص: ۲۷۶

---

۱- نهج البلاغه [شرح ابن ابی الحدید و شرح عبده چاپ بیروت، ص ۴۵۳].

تَكُونُ فِتْنَةً وَيَكُونُ الدِّينُ لِلَّهِ» (۱). فتنه ها هر روز از طرف پیروان شیطان در عالم گسترش پیدا می کند.

مقابله با دشمنان مسلمین و وظیفه مؤمنان را مثل مجاهدان صدر اسلام دو چندان می نماید و ابعاد جنگ با جمله «وَلَا تَعْتَدُوا» مشخص شده، تا از حد تجاوز نکنند. پایان سخن در پیرامون آیه مورد بحث آن که مؤمنان و متقیان مجریان حدود الهی در همه عرصه های مبارزاتی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می باشند و خطابات قرآنی به قلوب آنها نور افشانی خواهد کرد. «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً». به اذن خداوند در قیام حضرت مهدی (عج) با زمینه سازی مؤمنان حاکمیت اسلام عزیز محقق خواهد شد. إن شاء الله.

## هجرت و جهاد متقین

«إِنَّ الدِّينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۲) کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.»

در این آیه شریفه خطاب به مؤمنین دو مسأله مهم و حیاتی [ که هجرت برای حفظ دین و جهاد فی سبیل الله باشند] مورد تأکید و تذکر قرار گرفته است، با استفاده از آیات درباره هجرت و جهاد فی سبیل الله، به اهمیت و جایگاه این دو موضوع مهم و سرنوشت ساز بیشتر پی خواهیم برد.

این آیه در ادامه آیه قبل درباره مؤمنان از هجرت و جهاد سخن می گوید. به گواهی آیات قرآن و سخنان پیشوایان به اذن و دستور خداوند، تمام پیروزی های اسلام بعد از هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله و تأسیس حکومت نبوی در مدینه نصیب پیروان مکتب قرآن شد.

طبق نقل مفسرین، مؤمنان مجاهد، هلال ماه رجب را با ماه جمادی الآخر، اشتباه گرفتند و دست به قتل زدند. این آیه به آنان از رحمت و لطف خدا سخن می گوید:

ناراحت نباشند؛ زیرا اشتباهشان مورد عفو است و آنان

ص: ۲۷۷

۱- بقره: ۱۹۳.

۲- بقره: ۲۱۸.

قصده انجام گناه نداشتند. (۱) نکته مهم آن است که امید منهای عمل، مثل درختی بلا ثمر خواهد بود. آیات و روایات لغزش ها و رویش ها را بیان می کنند. اهل ایمان هرگاه دچار غفلت و لغزش شدند، با قیمت جان در صدد جبران برآمدند.

اسلام رجاء و امیدواری فراوان را فراهم کرده و یأس و ناامیدی از گناهان کبیره حساب شده است. «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» هر کس امید لقاء پروردگار را دارد، پس عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش کسی را شریک قرار ندهد. (۲)

### متقین و دستور به انفاق

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ» (۳) ای اهل ایمان از آنچه به شما روزی کردیم، انفاق کنید، پیش از آن که بیاید روزی که نه کسی تواند برای خود چیزی بخرد و نه دوستی و شفاعت به کار آید».

خداوند در این آیه خطاب به اهل «ایمان» دستور به انفاق داده است.

الف- طبق نظر قرآن انفاق و اعمال، فقط از اهل ایمان «قبول» می شود به شرط اخلاص؛

ص: ۲۷۸

---

۱- تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۴۳.

۲- آخرین آیه سوره کهف.

۳- بقره: ۲۵۴.



ب- طبق أَنْفَقُوا مِمَّا؛ مقداری از مال را باید انفاق کرد، نه همه را؛

ت- خداوند با عبارت رَزَقْنَاكُمْ؛ می فرماید: ما به شما رزق دادیم. مال در واقع در نزد انسان امانت است. در واقع انسان مالک نیست، امانت دار خداوند است؛

ث- بر اساس مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا يَبِيعُ فِيهِ؛ استفاده از فرصت فقط در دنیا برای کار خیر، قبل از محروم شدن نتیجه خواهد داشت.

بعد از مرگ دست همه خالی و کوتاه از همه چیز خواهد بود و هیچ گونه بیع و تجارتی امکان نخواهد داشت و شفاعتی نخواهد بود، مگر به اذن خدا. سفارشات قرآن درباره انفاق تماماً به سود انسان و ذخیره آخرت او خواهد بود. بخل و مادی گرایی با دیگر اوصاف ناپسند از صفات منافقین و کفار است نه از صفت اهل ایمان. در تفسیر نمونه (۱) گفته اند بعید نیست منظور از انفاق در این آیه انفاق واجب زکات) باشد؛ زیرا در ذیل آیه متخلفان را تهدید به مجازات روز قیامت کرده است.

در آیات ۲۶۱، ۲۶۲ و ۲۶۳ سوره بقره، خداوند به انفاق و برکات انفاق پرداخته، می فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می کنند، بمانند دانه ایست که از یک دانه هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا از این مقدار نیز بر هر کس بخواهد بیفزاید». در آیه بعد می فرماید: «آنان

ص: ۲۷۹

که انفاق کنند مالشان را در راه خدا، در پی انفاق به مستحقان متنی و آزاری نداشته باشند».

در آیه ۲۶۴ بقره می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى؛ ای اهل ایمان تباه و نابود نسازید صدقات خود را با آزار رساندن». بحث انفاق در مما رزقناکم گذشت و لازم به تکرار نیست. آیه ۲۶۷ سوره بقره، به یک مطلب بسیار مهم اهل ایمان را دستور داده، می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ؛ ای اهل ایمان انفاق کنید از بهترین آنچه به کسب و تجارت اندوخته اید و از آنچه برای شما از زمین می رویمانیم».

انفاق فقط از مال حلال قابل قبول است و لاغیر. دو مطلب مهم درباره انفاق مورد تأکید قرآن قرار گرفته است. چه بسا کسی انفاق فراوان نماید، ولی شرایط لازم قبولی را نداشته باشد.

الف- افراد با ایمان انفاق های خود را به وسیله منت و آزار باطل نکنند.

ب- انفاق مال فقط در راه خدا باید خالی از ریا باشد، تا دستگیر انسان در آخرت واقع شود. از جمله لا تبطلوا ... استفاده می شود که پاره ای از اعمال بد ممکن است نتایج اعمال نیک را از بین ببرد و این همان مسأله ابطال اعمال است. تشبیه عمل ریاکارانه به قطعه سنگی که روی آن را خاک گرفته ولی آشکار نیست، از بی نتیجه بودن اعمال ریاکارانه پرده بر می دارد. (۱)

ص: ۲۸۰

---

۱- با استفاده از تفسیر نمونه آیه یاد شده.

طبق بیان تفسیرالمیزان(۱) در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله در ذیل این آیه نقل شده که هر وقت حضرت فرمان می دادند که زکات خرما جمع آوری شود، بعضی بدترین خرما را برای زکات خود انتخاب می کردند. بعضی زکات خود را با بهترین خرما پرداخت می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بعد از این خرماى جعور [و معافاره] را در تعیین مقدار زکاه به حساب نیاورید و برای زکات نگیرید، در اینجا بود که آیه یاد شده نازل شد. «وَلَا يَتَمَّمُوا الْخَبِيثَ» (۲) وعده خداوند حق و وعده شیطان باطل است. در روایتی ذیل آیه ۲۶۸ نقل شده است که شیطان همواره می گوید: انفاق نکنید که خودتان فقیر خواهید شد، ولی خدا به شما وعده آمزش و افزونی در مال را می دهد. اگر در راه خدا انفاق کنید، هم شما را می آمزد و هم به فضل خود جای آن مال را پر می کند.

### عدم حزن و اندوه نتیجه انفاق دائم

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که مالشان را در شب و روز، در نهان و آشکار، انفاق می کنند، برای آنان پاداش نیکو نزد پروردگارشان خواهد بود و هرگز از حادثه آینده بیمناک و از امور گذشته اندوهگین نخواهند گشت. (۳)

ص: ۲۸۱

---

۱- المیزان، ج ۲، ص ۳۹۵.

۲- المیزان، ج ۲، ص ۴۰۷.

۳- بقره: ۲۷۴.

اشاره: آیات ۲۷۳، ۲۷۱ و ۲۷۴ صدقه و انفاق را بیان فرموده، آیه ۲۷۲ انفاق به غیر مسلمان و شرایط آن را بیان فرموده و از جواز انفاق به غیر مسلمانان سخن می گوید؛ به این معنی که انفاق نکردن به بینوایان غیر مسلمان به منظور این که تحت فشار فقر قرار گیرند و اسلام را اختیار کنند این نظر از نگاه اسلام صحیح نیست. بنابراین همان طور که بخششهای الهی و نعمت های دو جهان شامل همه انسان ها صرف نظر از عقیده و آیین ها) می شود. مؤمنان هم باید به هنگام انفاق های مستحب و رفع نیازمندی های بینوایان رعایت حال غیر مسلمانان را نیز بکنند. انفاق به غیر مسلمانان به شرط اینکه یک کمک انسانی باشد و موجب تقویت کفر و پیشبرد نقشه های شوم دشمنان نگردد خوب است. آیه ۲۷۲ سوره بقره در این باره نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله بعد آن به مسلمانان اجازه فرمود که به خویشاوندان کافر خود انفاق کنند. (۱)

آیه ۲۷۴ درباره انفاق حضرت علی علیه السلام در احادیث بیان شده است. حضرت چهار درهم داشت که همه را در راه خدا انفاق کرد. (۲) احادیث فراوان در پیرامون این آیه در کتب تفسیر بیان شده، ابن عباس و دیگر راویان آیه یاد شده را درباره انفاق امام علی علیه السلام بیان کردند، شرح این عمل مقدس [انفاق یک درهم در پنهانی و یک درهم در آشکار، انفاق در شب و روز خیلی جالب بیان شده است]. این مطلب از امام صادق علیه السلام و امام

ص: ۲۸۲

---

۱- المیزان، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲- نمونه، ج ۲، ص ۳۶۰، تفصیل [در تفسیر المیزان و نمونه].

## متقین و دوری از ربا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بترسید از خدا و پول زیادی بابت ربا از مردم نگیرید؛ اگر به راستی اهل ایمان هستید».

مؤمنین به رعایت تقوای الهی موظف هستند. تقوا بالاتر از ایمان است. ناسازگاری ربا با اهل ایمان از یک طرف و رباخواری در زمان جاهلیت از سوی دیگر و وجود مؤمنان ربا خوار در صدر اسلام از دیگر سو، زمینه عمل به دستورات خداوند را تضعیف می کرد و پرهیز از ربا خواری یک امر مشکل به نظر می رسید. تحریم ربا در چهار مرحله از جانب خدا صورت گرفت. بدین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله عدم جواز رباخواری را در جامعه اسلامی به صورت تدریجی تشریح کردند.

علی بن ابراهیم در تفسیرش روایتی نقل کرده است که پس از نزول آیات ربا، خالد بن ولید، عباس، عثمان و برخی از مردم مقداری از بابت سود ربا طلب داشتند. آنها در مورد طلبشان از پیامبر صلی الله علیه و آله کسب تکلیف کردند. در این مورد آیه یاد شده نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نزول آیه فرمودند: عباس عمومی من نیز حق مطالبه ربا را ندارد. تفسیر فی ضلال القرآن گوید: مسلمانان صدر اسلام به ربا خواری آلوده بودند. لازمه ایمان و تقوا صرف نظر از ربا و مال حرام است «إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ». در این آیه

ص: ۲۸۳

خداوند، نهی از ربا خواری را صریحاً بیان فرموده است. «ذُرُوا مَا بَقِيَ الرِّبَا... بعد از نزول این آیه پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «الْأَكْلُ رِبَا مِنْ رِبَا الْجَاهِلِيَّةِ وَ... آگاه باشید تمام مطالب ربوی که در زمان جاهلیت مردم از یکدیگر داشته، همگی باید ترک شود...». طبق بیان این حدیث پیامبر صلی الله علیه وآله منع و ترک ربا را از بین بستگان خود شروع کرد. آیه مورد بحث با ایمان به خدا شروع و با ایمان به خدا ختم گردید. قابل دقت آن که آیه این حقیقت را به وضوح می رساند که ربا خواری با روح ایمان سازگاری ندارد. در تفسیر در المنثور از چندین طریق نقل شده که این آیه آخرین آیه ای است که به پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شده است. توجه به مضمون آن هیچ بعید به نظر نمی رسد که این برداشت درست باشد. گاهی آیاتی که بعداً نازل شده به فرمان پیامبر صلی الله علیه وآله در سوره های قبل قرار گرفته است. (۱)

## حُرْمَتِ رِبَا

امام صادق فرمودند: «إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الرِّبَا لِكَيْلَا يَمْتَنِعَ النَّاسُ مِنْ إِصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ؛ خدا ربا را حرام کرده

تا مردم از کار نیک امتناع نکنند». (۲) در مجمع البیان، المیزان، تفسیر مراغی و نور مانند مطالب یاد شده را راجع به آیه مورد بحث مشاهده می کنیم. در تفسیر صافی (۳) درباره جمله «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» گفته شده است اگر قبلاً مؤمن هستید، نشانه آن

ص: ۲۸۴

۱- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۸۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۲.

۳- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۳۵.

انجام مأموریتی است که به آن امر شده اید. امام صادق علیه السّلام فرمودند: کسی که ربا بگیرد، قتل او واجب است و آن که ربا بدهد باید او را کشت. (۱) در البیان (۲) شأن نزول این آیه را دربارهٔ عباس، مسعود، حیب، ربیعہ، عمرو بن عمید و ولید بن مغیره که در جاهلیت ربا می خوردند، بیان کرده است. این نقل با بیان قبلی تفاوت چندانی ندارند.

فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْمَنْعِ ذَلِكَ (۳) معنای ذرّوا ما بقى الرّبا، ظاهره تخریم ما بقى دیناً من الرّبا و ايجاب اّخذ رأس المال دون زياده على وجهه الرّبا.

پرواضح است که ربا خواری ارزش ایمان جامعهٔ اسلامی را آلوده می کند. ترک ربا و اموال حرام به خاطر سعادت بشر منظور گردیده، بشر با عبادت به خدا نزدیک می گردد و با کسب حلال و تقوا ارزش واقعی پیدا می کند نه به سبب اموال. اسلام کوشش می کند که همه به خصوص پیروان مکتب قرآن به درجه عالی برسند. رسیدن به مقام عالی جز از طریق تقوا ممکن نیست. تقوا ملکه نفسانی برای انسان است. تقوا در هر کاری مناسب همان کار است. مؤمن باید از ربا خواری و دیگر افعال حرام پرهیز نماید. (۴)

اصرار به رباخواری به منزلهٔ اعلان جنگ با خدا و رسول خدا بیان شده است. سورهٔ بقره آیه ۲۸۲

ص: ۲۸۵

- 
- ۱- تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۱، ص ۹۳.
  - ۲- اسباب النزول، ص ۵۸، و تفسیر طبری، ج ۳، ص ۷۱.
  - ۳- مدرک قبلی.
  - ۴- با استفاده از تفسیر تسنیم، ج ۱۱ از ص ۵۶۰ به بعد.

قرآن می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ

كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ»؛ اهل ایمان چون به قرض و نسیه معامله کنند، زمانی معین سند و نوشته و نویسنده درست کاری معامله میان شما را بنویسد و از نوشتن ابا نکند که خدا به وی نوشتن آموخته، باید بنویسد و مدیون امضاء کند، حقی را که بر ذمه اوست و از خدا بترسد و از آنچه مقرر شده چیزی نکاهد و نیفزاید. (۱)

با استفاده از تفسیر نمونه [جلد ۲، ص ۳۸۲] هجده دستور درباره تنظیم اسناد تجاری در این آیه، کلمه [دین] ]

به کار برده شده و نه در قرض، قرض در مبادله دو چیز که مانند یکدیگرند به کار می روند. مثل وام گرفتن که مانند آن بر می گردد، ولی دین هرگونه بدهکاری را شامل می شود، مانند اجاره، خرید و فروش، وصیت در امور مالی و معنوی مثل نماز ( به صورت اختصار موارد هجده

گانه را بیان می کنیم.

۱- هرگاه شخصی به دیگری قرض داد یا معامله ای انجام گردید و یکی از طرفین بدهکار شد، برای اینکه جای هیچ گونه اشتباه و ادعایی بعداً پیدا نشود، باید قرار داد با تمام خصوصیات آن نوشته شود.

۲- برای اینکه جلب اطمینان شود و قرارداد از مداخلات احتمالی طرفین سالم بماند، نویسنده باید شخص سومی باشد.

ص: ۲۸۶

۱- این آیه بزرگترین آیه قرآن است و دو شاهد را در معاملات لازم می داند، اگر دو مرد نبود، دوزن باید شاهد باشند.



۳- کاتب باید در نوشتن قرارداد، حق را در نظر بگیرد و عین واقع را بنویسد.

تنظیم کننده سند که از احکام و شرایط معامله اطلاع دارد به پاس این موهبتی که خدا به او داده است، نباید از نوشتن قرار داد شانه خالی کند، بلکه طرفین معامله را در این امر اجتماعی یاری

۱- نماید.

۲- باید یکی از طرفین معامله قرارداد را املاء کند، بگوید تا کاتب بنویسد.

۳- بدهکار به هنگام املاء باید خدا را در نظر داشته باشد و چیزی را فرو نگذارد و همه را بگوید تا کاتب بنویسد.

۴- اگر بدهکار سفیه [کوتاه فکر، کم عقل، مجنون، گنگ و لال] بود سرپرست او به جای او، قرار داد را املاء و تنظیم کند و سند بنویسد.

۵- ولی و سرپرست باید در املاء و اعتراف به بدهی، عدالت و منافع کسی را که سرپرست اوست در نظر بگیرد.

۶- علاوه بر نوشتن، طرفین باید در قرارداد خود، دو شاهد بگیرند.

۱۰ و ۱۱- این دو شاهد باید بالغ و مسلمان باشند.

۱۲- یک مرد و دو زن نیز می توانند شاهد قرارداد باشند. [در صورتی که دو مرد نباشد، دو زن به جای یک مرد شهادت بدهند].

۱۳- شهود باید مورد اطمینان باشند.

۱۴- در صورتی که شهود دو مرد باشند، هر کدام می توانند مستقلاً شهادت بدهند، اما اگر یک مرد و دو زن باشند به اتفاق یکدیگر شهادت

ص: ۲۸۷

بدهند، تا اگر یکی از آن دو زن به دلیل مسائل عاطفی تحت تأثیر قرار گرفت و در ادای شهادت اشتباهی کرد، دیگری یادآوری کند.

۱۵- بدهی کم باشد یا زیاد، باید آن را نوشت.

۱۶- در صورتی معامله کاملاً نقدی باشد، نوشتن قرار داد لازم نیست.

۱۷- در صورت معامله نقدی گرچه تنظیم سند و نوشتن لازم نیست ولی باید شاهد گرفت.

۱۸- هیچ گاه نباید نویسنده سند و همچنین شهود به خاطر رعایت حق و عدالت مورد آزار و اذیت قرار گیرند.

قرآن به امور اقتصادی مسلمانان در این آیه و آیات دیگر توجه ویژه داشته و همه مسائل اصلی و فرعی را نیز بیان

فرموده و از طرفی انبیاء و امامان نیز این امر اجتماعی را به عنوان یک وظیفه به مسلمین و مؤمنین تذکر داده اند و خودشان عامل به همه مسائل بودند.

پرواضح است که در همه امور، امر و نهی، فقط متّقین و مؤمنین عاملین به دستورات الهی هستند.

حقیقت ایمان نور قرآن و اجرای فرمان خداوند در سیمای اهل ایمان مثل خورشید می درخشد. راوی از امام کاظم علیه السلام می پرسد که چگونه فرشتگان نیت و اعمال انسان را می فهمند؟ و ثبت می کنند؟! امام فرمودند: آیا بوی کثافت چاه و بوی باغ و گلستان یکسان است؟

روای گوید: نه. امام فرمودند: همان گونه که شما از بوی خوب به وجود گلستان پی می برید. فرشتگان نیز از کیفیت نیت خیر و یا قصد شر و

معصیت انسان می دانند. (۱)

در ادامه فرمودند: «تَعَطَّرُوا بِالْإِسْرِ تَغْفَارٍ لَا تَنْفَضُ حَنْكُمُ رَوَائِحَ الذُّنُوبِ؛ با استغفار خود را معطر کنید تا بوی بد گناهان رسوایتان نسازد». (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «ما جزاء مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالتَّوْحِيدِ إِلَّا الْجَنَّةُ؛ نیست جزایی برای کسی که نعمت توحید را خداوند به او عنایت کرده مگر بهشت».

پرواضح است که انسان موحد عمداً گناه نمی کند و از روی غفلت هرگاه گناه مرتکب شود توبه می کند. گناه نکردن آسان تر از توبه کردن است.

آیه ۲۸۵ بقره

### ایمان کامل متقین

«وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ...؛ و همه مؤمنان به خدا، فرشتگان و کتابها و فرستادگان الهی ایمان آورده اند و می گویند: ما در میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی گذاریم و به همه

ایمان داریم. وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا؛ مؤمنان گفتند: ما شنیدیم و اطاعت کردیم. غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ پروردگارا انتظار آمرزش تو را داریم و بازگشت ما به سوی توست».

تفسیر: اول آیه، آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ مِنْ رَبِّهِ، بیانگر ایمان و یقین پیامبر صلی الله علیه و آله به آنچه از جانب خداوند نازل شده، می باشد. توجه دادن

ص: ۲۸۹

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۲۹، [تجسم اعمال در آیات و روایات بیان شده است.]

۲- بحار، ج ۹، ص ۲۷۸.

خداوند به این که پیامبر صلی الله علیه و آله خود به قرآن و احکام نازل شده، ایمان دارد، می تواند اشاره ای به برداشت فوق داشته باشد. اضافه رَبّ به ضمیر، اضافه تشریفیه است که عظمت مقام آن حضرت استفاده و فهمیده می شود. با این که ایمان رسول خدا صلی الله علیه و آله می توانست در جمله **وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ** تبیین شود و از ذکر حضرت به صورت جداگانه خودداری کند، ولی برای اشاره به برتری و ویژگی ایمان حضرت، او را جداگانه ذکر کرده است. تکرار ایمان در **آمِنَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمِنَ**، حکایت از مراتب ایمان دارد. (۱)

کلمه **وَالْمُؤْمِنُونَ** عطف به الرسول باشد نه این که مبتدا فرض شود، رسول و مؤمنان به آنچه به پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده ایمان دارند، ایمان رسول خدا و مؤمنان به فرد فرد انبیاء و انکار نکردن هیچ یک از آنان، **لَا تُفَرِّقُ** (وحدت عقیدتی و آرمانی همه انبیای الهی از دیدگاه مؤمنان و لزوم ایمان به انبیاء و کتب آسمانی و ایمان به دستورات الهی توأم با پذیرش و اطاعت و تسلیم است.

طلب آموزش از سوی « مؤمنان » با وجود پذیرش حاکی از عجز مؤمنان نسبت به وظایف خویش در برابر خداوند است.

در این آیه اصول دین [توحید، نبوت و معاد] بیان شده و در آیه بعد آمادگی انسان برای انجام تکالیف الهی و درخواست رحمت و مغفرت از خدا مطرح و تلاوت این دو آیه در حدیث مانند گنج معرفی گردیده است.

کلمه **«كُنْتُمْ»** و **«رُسُلِهِ»** بیانگر آن است که

انبیاء یک هدف داشتند،

ص: ۲۹۰

ایمان و عمل به تنهایی کافی نیست. چشم امید به «رحمت» و غُفران الهی هم باید داشت. (۱)

یکی از امتیاز و مزایای انبیاء بر سایر رهبران بشری این است که عموم انبیاء به مرام و مکتب خویش ایمان قاطع داشته و هیچ گونه تزلزلی در عقیده نداشته اند. قرآن مردم را به پیروی از پیامبری دعوت می کند که با تمام وجود خویش مطلب و ادعای خود را درک می کرد و آیه همین مورد را گوشزد می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله به آفریدگار جهان و کلیه برنامه هایی که برای او نازل شده عقیده خلل ناپذیر دارد. (۲)

مؤمنان همراه پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آوردند. ایمان پیامبر «ایمان» شهودی است و شهود معصوم از نوع «شهود» اولی است که شک و تردید و خطا در آن راه ندارد. منظور از ملائکه فرشته های متنوع الهی اند. مراد از کُتُب کتابهای آسمانی و لوح محفوظ است. رُسُل همان فرشتگان الهی از جنس بشر و فرشتگان حامل وحی هستند. (۳)

پیوند این آیه با آیات آغاز سوره روشن است؛ زیرا در نخستین آیات «سوره بقره» از ایمان به اصول و فروع سخن گفته شد و آیات پایانی سوره مصداق روشن متقیان [که در صدر بیان شد] را می رساند و با طرح کردن سه اصل ایمان به خدا، پیامبران و کتب آسمانی و معاد به اصل عدل و امامت نیز به طور ضمنی می پردازد.

ص: ۲۹۱

---

۱- تلخیص از تفسیر نور، ج ۱، ص ۴۶۱.

۲- نمونه، ج ۲، ص ۲۹۲.

۳- التحقیق، ج ۶، ص ۳۶۲.

پیامبر صلی الله علیه وآله به علم الیقین و عین الیقین رسیده است. لذا گفتار حضرت مثل قرآن حجت خواهد بود.

كَلِمًا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ \* لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ \* ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ايمان پیامبر صلی الله علیه وآله بر اساس شهود است. ولی ایمان مؤمنان، ایمان به غیب است. آنان چیزی را از غیب نمی بینند، بلکه با برهان عقلی محض و نقلی معتبر سخن معصوم به چیزی جزم و یقین پیدا می کنند و به آنها ایمان می آورند، سپس اگر کسی مانند حارثه بن مالک موفق به دیدار بهشت و جهنم شود (۱) و بعد از عرضه بر معصوم به آن ایمان آورد، به مشهود ایمان آورده است، نه به غیب. جریان ایمان حارثه مورد تحسین و تأیید پیامبر صلی الله علیه وآله واقع شد.

منظور از الْمُؤْمِنُونَ در این آیه یاران خاصّ پیامبر است که مانند پیامبر صلی الله علیه وآله به خدا و ملائکه، کتب آسمانی و فرشتگان ایمان آورند و در هیچ مرحله ای پیامبر صلی الله علیه وآله را تنها نگذاشتند، به جهت همین همراهی تنگاتنگ از «ایمان» آنها به فعل ماضی گذشته یاد شده است.

كُلٌّ مِّنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِعَدِ الْوَعْدِ وَالْمُؤْمِنُونَ، همه مؤمنان را شامل نمی شود؛ زیرا از مؤمنانی که هنوز به دنیا نیامده اند با فعل مضارع آینده یاد می شود. (۲)

درباره چگونگی آگاهی پیامبران به پیامبری خود روایات فراوان وجود

ص: ۲۹۲

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۵۳؛ و تفسیر تسنیم، ج ۱۲، ص ۶۸۳.

۲- تفسیر تسنیم، ج ۱۲، ص ۶۸۷.

دارند و امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «يُوفَّقُ لِدَلِكْ حَتَّى يَعْرِفَهُ»<sup>(۱)</sup> وحی الهی شک بردار نیست و شاهد مطلب درباره رُسَیْل که انس و ملائکه منظور است، آیه ۸ سوره تغابن و آیات دیگر می باشد. جمله لا- نُفَرِّقُ، مفعول برای فعل محذوف قالوا و محلاً منصوب است، همانند اُخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ (انعام / ۹۳) که سخن فرشتگان می باشد و آیه ۳ سوره زمر نیز چنین است.

خداوند پیمان وحی را از پیامبران گرفت تا امانت رسالت، را به مردم برسانند.<sup>(۲)</sup>

### متقین و رسالت انذار

«فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»<sup>(۳)</sup> چرا از هر گروهی طائفه ای از آنان کوچ نمی کنند؟ تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آنها را انذار نمایند، شاید از مخالفت فرمان الهی حذر کنند»<sup>(۴)</sup>.

تفسیر: این آیه نه تنها فراگیری احکام و مسائل دینی را واجب دانسته بلکه تعلیم را نیز بعد از علم آموزی لازم و واجب می داند. مع الأسف در زمان ما بعد از نَفَر و کوچ کردن برای آموختن علوم اسلامی، إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ خیلی کم مورد توجه قرار می گیرد.

ص: ۲۹۳

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۷.

۲- از خطبه ۷۱ امام علی علیه السلام، فلسفه بعثت پیامبران.

۳- بقره: ۱۲۲.

۴- توبه: ۱۲۲؛ تفسیر کبیر، ج ۱۶، ص ۲۲۵؛ المیزان، ج ۹، ص ۴۲۷؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۸۳؛ و پیام قرآن، ج ۱، ص ۵۹.

تعبیر به «نفر» به معنی کوچ کردن به سوی میدان جهاد با دشمن بکار رفته و گروهی برای جهاد با جهل، باید بعد از فراگیری احکام الهی بعد از بازگشت به تعلیم دیگران بپردازند.

هدف از آفرینش انسان تعلیم و معرفت بشر است به همین خاطر خداوند حجت را بر همه امت ها تمام فرموده است.

یکی از مقدّس ترین، ماندگارترین و روشن ترین حجت الهی قرآن کریم است. اگر کسی در خدمت قرآن و در مکتب قرآن تربیت شود. گویا که زمان امت ها، پیامبران و حتی آخرت و تمام جهان را از اول تا پایان، به صورت اجمال درک کرده است.

هدف از خلقت، حیات جاودان، عبادت، ارزشها، رویش ها و ریزش ها، خوبی ها و بدی ها بیان شده و همه از محضر قرآن فهمیده و استفاده می شود. تا رویش نباشد ریزش نخواهد بود.

وَتَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ؛ آنها که دارای علمند

آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق و راه خداوند عزیز و حمید می دانند. (۱)

پرواضح است که علم به صورت مطلق ارزش الهی ندارد، گرچه امتیاز بشری محسوب می شود. علمی از نظر اسلام ارزش دارد که موجب تقرب انسان به خداوند گردد. راسخان در علم به موجب علم، تقرب به خدا پیدا کردند، قرآن می فرماید:

«وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ

ص: ۲۹۴



رَبَّنَا وَيَذَكِّرُ إِلَّا الْأُولَآءَ الْأَلْبَابَ؛ راسخون در علم گویند: ما به همه آیات الهی ایمان آورده ایم، همه از سوی پروردگار ماست و تنها صاحبان عقل متذکر می شوند. (۱)

این آیه رابطه علم و ایمان را روشن بیان می کند و می فرماید: آنها که آگاهترند، ایمان و تسلیم بیشتر دارند.

با استفاده از آیات و روایات، معرفت و علم یکی از سرچشمه های اساسی ایمان و در واقع رکن ایمان مؤمنان، علم توأم با عمل صالح است.

فلاح و رستگاری را قرآن در تقوا می داند و تقوا داشتن بدون علم به مبداء و معاد و عمل به احکام الهی ممکن نخواهد بود.

فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ پرهیزگاری را پیشه کنید ای صاحبان عقل و فکر. (۲)

زهد، تقوا، ایمان و پاکدامنی توأم با عمل صالح از ویژگی های مؤمنین می باشد. دست یابی به علوم اسلامی موانع فراوان دارد و اگر تقوای الهی یاور اهل ایمان نگردد، عبور از موانع ممکن نخواهد بود. بی تردید برای شناخت موجودات مختلف جهان، داشتن چشم تنها کافی نیست، به عبارت دیگر درک حقایق کار اهل بصیرت است نه اهل نظر. اگر مانع باشد، دیدن خورشید ممکن نمی باشد، تا چه رسد که انسان حقایق را با چشم سر مشاهده نماید. موانع فراوان برای انسان وجود دارد و درک حقایق و فهم

ص: ۲۹۵

۱- آل عمران: ۷.

۲- مائده: ۱۰۰.

قرآن و سخنان معصومان با وجود مانع در برخی موارد ناممکن می شود.

آیات قرآن موانع را به صورت کلی هشدار دهنده و به صورت جزئی آگاه کننده مطرح می فرماید.

۱- وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ؛ و بر دل‌هایشان مُهر می نهیم تا صدای حق را نشوند. (۱)

۲- وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ؛ و بر دل‌هایشان مُهر نهاده شده، لذا نمی فهمند. (۲)

۳- خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً؛ خدا بر دل‌ها و گوش‌ها آنان «کفار» مُهر نهاده و بر چشم‌های آنان پرده افتاده است. (۳)

۴- أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ؛ آیا دیدی آن کسی را که معبود خود هوای نفس خویش را قرار داده؟ (۴)

در آیه یک و سه سخن از مهر نهادن بر دل‌هاست که سبب می شود واقعیت‌ها را درک نکنند «فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ؛ آنها نمی شنوند». در آیه دوم فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ؛ آنها نمی فهمند.

نخست پرده بر دل می افتد، سپس در غلاف فرو می رود و در نهایت مُهر، مانع نفوذ و اثرگذاری می گردد.

در آیه سوم و چهارم سخن از ختم است و ختم به معنی خاتمه دادن و

ص: ۲۹۶

۱- اعراف: ۱۰۰.

۲- توبه: ۸۷.

۳- بقره: ۷.

۴- جاثیه: ۲۳۷.

پایان دادن به چیزی است. منظور در این دو آیه آن است که خداوند بر دلها و گوشها و چشم های کفار لجوج و منافقان مُهر می نهد، بدین جهت تشخیص حق را بر اثر اعمال بد، به کلی از آنها می گیرد. به گونه ای که حق را از باطل تشخیص نمی دهند. هوای نفس توأم با جهل حجاب و مانع درک حقیقت می شود. محبت دنیا، پرده و مانع از شناخت حق می گردد.

کبر و غرور، مستی قدرت، غفلت، نفاق، تعصب، تقلید کورکورانه، رفاه طلبی، آرزوها، اعمال ناشایست، گناهان، خود دیدن، سطحی نگری، ترک تدبّر، دروغ و افتراء، وسوسه ها و صدها مانع دیگر در مسیر انسان قرار دارد تا انسان به حق نرسد. عبور از موانع جز با کمک قرآن و عترت امکان پذیر نخواهد بود. طبق بیان آیات و روایات منافقین همچون کفار و مشرکین از رحمت الهی و هدایت خداوند محروم اند. فقط مؤمنین اهل فلاح و رستگاری اند.

دسترسی به معارف اسلام و احکام الهی برای همه افراد بشر در طول تاریخ وجود داشته و دارد ولی کفار و منافقین معارف و احکام الهی را فرا نگرفتند، فلذا از رحمت خداوند و نعمت هدایت رهبران الهی و کتب آسمانی محروم مانده اند. مؤمنان و متّقیان با بهره گیری از دستورات خداوند، راه ایمان، تقوا، خشیت، علم آموزی دینی، قبول انجام اوامر و نواهی خداوند، تزکیه نفس، هوشیاری و دشمنی با کفار و منافقین را انتخاب نمودند و در راه خداپرستی از فرامین خداوند و اولیای الهی پیروی می نمایند و زمینه های خداپرستی و شناخت حقایق را در وجودشان به

عنوان بذر افشاندن و با تمام وجود، درخت دین را با تحمل هزاران مشکل آبیاری می نمایند و در همه عرصه ها آماده مبارزه همه جانبه با منافقان و کفار می باشند، بی تردید اگر از آرمان و اهداف الهی غفلت بشود، تمام ارزشها و باورها ی مقدس مورد تهاجم بی وقفه کفار و منافقین قرار خواهد گرفت. و گلهای روئیده در گلستان معارف دین پرپر خواهد شد. ضامن بقای دین پیروی از دین است و لا غیر.

خداوند می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ؛** ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بپرهیزید و به رسولش ایمان بیاورید. در ادامه این آیه می فرماید: **«وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يُعْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛** و برای شما نوری قرار دهد که با آن راه خود را پیدا کنید و گناهان شما را می بخشد و خداوند غفور و رحیم است. (۱)

تقوا در اصل از ماده «وَقَايَه» بر وزن درایه به معنای حفظ کردن چیزی در برابر آفات است. تقوا در معارف اسلامی و آیات الهی به معنی محفوظ داشتن روح و نفس از زیان و ضرر است به خوف و ترس و پرهیز نیز تقوا گفته شده در لسان شرع تقوا را به خویشتن داری در برابر گناه و محرمات می گویند. بعضی تقوا را به معنی صیانت و امتناع از زشتیها و هوا و هوس ها تفسیر کرده اند. (۲)

در مسیر زندگی و راه خداپرستی، امیال، شهوات و هوس ها و امیدهای

ص: ۲۹۸

---

۱- حدید: ۲۸.

۲- مفردات راغب ماده وقی و مجمع البحرین همان ماده.

کاذب و لغزش های فراوان وجود دارند. انسان باید دائماً مراقب و مواظب باشد، تاروحش به این امور پست آلوده نگردد، فقط تقوا عامل بازدارنده از گناه و بدی هاست. با تقوا نور ایمان در قلب می تابد و انسان از هلاکت نجات پیدا می کند. بعضی از مفسران گفته اند که پرهیزگاران در میان دو هدایت قرار گرفته اند. هدایت اول از سلامت فطرت حاصل می شود و انسان احساس نیازمندی به حق در وجود خویش می کند. هدایت دوم همان هدایت قرآن به پرهیزگاران است. به خاطر آنکه فقط آنها از هدایت آخرین کتاب آسمانی بهره می برند و دیگران انتفاعی از هدایت نمی برند. (۱)

به بیان دیگر ایمان، بدون هدایت و تقوا معنا و وجود واقعی ندارد. مسأله تقوا به غیر از قرآن در سخنان رهبران الهی به وضوح بیان شده است که به برخی موارد اشاره می کنیم:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ ثُمَّ تَلَا «إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ»؛

از فراست و زرنگی مؤمن برحذر باشید، او با نور خداوند می نگرد، سپس پیامبر این آیه را تلاوت فرمودند که در این سرگذشت اسف بار اقوامی مانند [قوم لوط] نشانه های عبرتی است برای هوشمندان. (۲)

۲- در حدیثی از امام علی علیه السلام می خوانیم: مَنْ عَرَسَ أَشْجَارِ التُّقَى جَنَى ثِمَارِ الْهُدَى؛ آن کس که درخت های تقوا را بنشانند، میوه های هدایت

ص: ۲۹۹

---

۱- با استفاده از تفسیر پیام قرآن، ج ۱، ص ۴۳۰.

۲- بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۷۴، ح ۲؛ و تفسیر پیام قرآن، ج ۱، ص ۴۴۵.

را خواهد چید. (۱) در خطبه ۱۹۸ مضمون کلام امام این است که من شما را به تقوای الهی توصیه می کند و می فرماید: «چرا که تقوا داروی بیماری های قلوب شماست و سب بینایی دلهایتان».

۳- امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ؛ مؤمن با نور خدا می نگرد و حقایق را می بیند». (۲)

۴- امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَفِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ تَعَالَى؛ بر حذر باشید از فراست مؤمن که با نور خدا نگاه می کند». (۳)

۵- امام علی علیه السلام می فرمایند: «اتَّقُوا ظُنُونَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الْحَقَّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ؛ از حدس و گمان بد به افراد باایمان بر حذر باشید، خداوند حق را بر زبان آنها قرار داده است. (۴) و نیز حضرت می فرماید: «وَالصَّالِحِ يَشْتَدُّ عَلَى الْإِيمَانِ وَبِالْإِيمَانِ يَغْمُرُ الْعِلْمُ؛ به وسیله اعمال صالح می توان به وجود ایمان پی برد و به وسیله ایمان کاخ علم و معرفت آباد می گردد». (۵)

۶- امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «مَأْمِنٌ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَكَلَهُ فِرَاسَةً يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ عَلَى قَدْرِ إِيْمَانِهِ؛ هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه هوشیاری و

ص: ۳۰۰

---

۱- غرر الحکم و نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

۲- بحار، ج ۶۴، ص ۷۴.

۳- بحار، ج ۶۴، ص ۷۵.

۴- به نقل از تفسیر پیام قرآن، ج ۱، ص ۴۴۶؛ و کلمات قصار جمله ۳۰۹.

۵- نهج البلاغه از خطبه ۱۵۶.

هوشمندی ویژه ای دارد و به مقدار ایمانش با نور خدا می نگردد» (۱).

۷- پیامبر فرمودند: «الْإِيمَانُ نِصْفُ فَنٍّ، نِصْفُ صَبْرٍ وَ نِصْفُ شُكْرٍ؛ ایمان دو بخش دارد، نیمی از آن صبر و نیم دیگر شکر است». عِبَادَةُ وَ رَسُولُهُ؛ منشاء همه ی سعادت، عبادت است.

بالاترین درجه و مقام انسان در پیشگاه خداوند عبد بودن است. عبادت و عابد مجمع خصال یک انسان کامل خواهد بود و تمام ارزش ها در قالب عبادت و ایمان بنیادین مجسم و خلاصه می گردد. مقام عباد الرحمن را باید در آیات و آئینه سخنان سفیران هدایت جستجو کرد.

### شرایط اجابت دعای متقین

فلسفه و گستره دعا و درخواست اختصاص به مؤمنان ندارد و همه موجودات و مخلوقات جهان هستی اعم از جن، انس، فرشته و حیوانات را شامل می گردد و همه ذات اقدس الهی را طبق قانون تکوین و تشریح می خوانند و در قالب دعا نیازهای روحی و مادی خود را از خداوند طلب می کنند. ما در محدوده دعا مؤمنان و نیایش آنها از نگاه آموزه های قرآنی بحث را پی می گیریم و از محضر کلام نور برای سعادت دنیا و آخرت درس عزت و بندگی را می آموزیم. باید توجه داشت که شرایط لازم برای رسیدن به مقصود در هر کاری لازم هست و موانع و معارض هم وجود دارد، در عبادت و دعا بیش از هر چیز دیگری شرایط اجابت دعا و رفع موانع اجابت دعا ضروری می نماید. تاموانع اجابت دعاء برطرف نگردد

ص: ۳۰۱

نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. به عبارت دیگر مراحل کمال سه تاست:

۱: امکان اتصاف و تحقق کمال، ۲: ضرورت اتصاف به کمال، ۳: تعیین مصادیق در خارج. تا این موارد ملاحظه نشود کمال و سعادت محقق نخواهد شد، به بعضی موانع اشاره می شود.

۱- مصلحت واقعی را جز خدا هیچ کس نمی داند. هر چیزی را نباید از خدا طلب کرد، بعضی چیزها به مصلحت انسان نیست؛ لذا دعای انسان محقق نمی شود یا طبق برخی روایات دعا در دنیا به اجابت نمی رسد. پس اتصاف به کمال جزء لاینفک مؤمن خواهد بود اگر مؤمن اتصاف به عبادت نشود، ایمان و مؤمن معنا ندارد.

۲- قبل از دعا کردن حقوق الهی مثل نماز، روزه، حقوق مردم، زکات و خمس و دیگر موارد را) باید افراد مؤمن رعایت و اداء نمایند، تا زمینه قبول شدن دعا فراهم گردد.

۳- کار و کاسبی و به طور کل درآمدها باید حلال شرعی باشد، با لقمه حرام دعا قبول نخواهد شد.

۴- طبق حدیث بدون اخلاص و حضور قلب دعا قبول خواهد شد.

۵- در دعا قلباً از خدا عاقبت بخیری بخواهیم و در عمل به اوامر ذات واجب الوجود پایبند باشیم نه اینکه تنها الفاظ و عبارت دعا را بخوانیم.

۶- در آغاز و پایان دعا بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت درود و صلوات بفرستیم، طبق حدیث معتبر دعا در بین صلوات قبول می شود.

۷- موانع دیگر قبول دعا و عبادت رعایت نکردن حقوق مردم و ظلم به



دیگران می باشد. در روایات به حق الناس بسیار سفارش شده است. شش مانع برای اجابت دعا در کلام نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده است ...

رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ؛<sup>(۱)</sup> پروردگارا ما ایمان آوردیم، ما را ببخش و بر ما رحم کن. اولین درخواست مؤمنین در دعا آمرزش گناهان است با استمرار گناه و عدم توبه اجابت دعا مشکل خواهد بود. رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي؛<sup>(۲)</sup> پروردگارا به خودم ستم کردم مرا ببخش.

اعتراف به گناه، پاکی قلب و دفع موانع برای قبولی دعا لازم است.

قرآن می فرماید: وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا؛ برای خداوند نام های نیکو است. پس با آنها خدا را بخوانید.<sup>(۳)</sup>

امام علی علیه السلام می فرماید: «خداوند بین تو و خودش کسی را فاصله قرار نداده است و تو را مجبور نساخته که به شفیع و واسطه ای پناه ببری».<sup>(۴)</sup>

کلام امام به انسان مُتقی نظر دارد که نیاز به شفیع ندارد. افراد مؤمن خودشان برای دیگران شفیع می باشند.

در نماز و عبادت واسطه امکان ندارد و اگر در نماز واسطه و توسل به غیر خدا بشود نماز قبول نیست، ولی در توسل و دعا واسطه و شفیع پیامبر و اهل بیت حضرت در قرآن و روایات سفارش شده اند.

ص: ۳۰۳

---

۱- مؤمنون: ۱۰۹.

۲- قصص: ۱۶.

۳- اعراف: ۱۸۰.

۴- نامه ۳۱ نهج البلاغه.

امام صادق علیه السلام دعا را عبادت معرفی فرمودند: «الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ» (۱).

کلام حضرت علیه السلام درباره دعا موجب ترغیب و تشویق اهل ایمان خواهد بود. دعا یکی از اقسام عبادت محسوب می شود. و همچنین داریم: اِحْفَظْ آدَابَ الدُّعَاءِ وَ انْظُرْ مَنْ تَدْعُو وَ كَيْفَ تَدْعُو وَ لِمَا تَدْعُو؟ امام علیه السلام چهار اصل را در این حدیث بیان فرمودند:

الف: آداب دعا را حفظ کن، هر گونه دعا به مصلحت انسان نیست و اجابت دعا شرائط دارد.

ب: توجه داشته باش در دعا چه می خواهی. هر نوع خواسته ای قبول نیست. برخی خواسته ها مصلحت واقعی داعی نیست. مثلاً اموال و اولاد و...

ث: چگونه دعا می کنی و از خدا چه می خواهی، باید خواسته ها معیار الهی داشته باشند. ما غیر از دنیا از خدا چه می خواهیم ؟

پ: برای چه دعا می کنی؟ گاهی انسان برای رسیدن به دنیا، زن و فرزند و مقام دعا می کند. این گونه دعا کردن در واقع به نفع انسان نیست.

دعاء یک امر تکوینی و تشریحی است. به غیر از ذات احدیت همه ی ملائکه، انبیاء و اوصیاء و همه ی موجودات و مخلوقات جهان در ذات و خلقتشان ضعیف هستند، با یگانه خالق هستی از راه دعاء و ذکر ارتباط برقرار می کنند.

به وسیله دعا همه طلب و درخواستشان را از خداوند دارند. نیازمندی های همه به سبب گدایی و تقاضا از حضرت حق یک امر مسلم

ص: ۳۰۴

می باشد. بدون دعا ادامه حیات معنوی برای کسی امکان پذیر نخواهد بود.

موجودات جهان همه طفیلی وجود مقدس نبی اکرم و اهل بیت حضرت هستند. طبق بیان آیات و روایات همه به عنایت و شفاعت اهل بیت احتیاج داریم و در دعاء از اهل بیت باید یاری بجویم.

رغبت و رُهبت، تَضَرُّع و تَبْتُل، ابتهال، استعاذه و مسألت در دعاء باید مورد توجه قرار گیرد. رغبت به معنای میل، رهبت به معنای ترس و بیم، تضرع به معنای فروتنی، تبتل به معنای بریدگی و انقطاع از غیر حق، ابتهال به معنای زاری کردن، استعاذه به معنای پناه جستن و مسألت به معنای دعا و درخواست است.

امام باقرعلیه السلام فرمودند: ما مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دُمُوعٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ مَخَافَةً مِنَ اللَّهِ لَا يَرَادُ بِهَا غَيْرُهُ؛ (۱) در نزد خدا از قطره ای اشک در دل شب به خاطر ترس از خدا چیزی محبوب تر نیست.

أَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ بقره/۴۰؛ به عهد خود وفا کنید به عهد شما وفا خواهم کرد. اگر بشر به میثاق و عهد خود با خدا عمل می کرد جهان گلستان بود. در تفسیر المیزان در ذیل آیه إِذَا سَأَلْتَكُ عَنِّي عِبَادِي می فرماید: این آیه موضوع دعا را با بهترین مضمون و شیواترین اُسْلُوب

مطرح کرده و نکاتی دقیق در آن به کار رفته است. ضمیر متکلم هفت مرتبه بدون ضمیر غایب در این آیه تکرار شده است. ضمیر مخاطب و متکلم وحده در ادبیات عرب جایگاه بسیار عالی دارد و اوج تقرب را می رساند.

ص: ۳۰۵

۱- تعبیر عبادی) بندگانم به جای الناس) بر عنایت خاص خداوند نسبت به بندگان تأکید دارد.

۲- به جای فَقُلْ إِنِّي قَرِيبٌ، فرموده فَإِنِّي قَرِيبٌ، واسطه ای در کار نیست.

۳- تقرب به خدا با وصف قریب آمده که مورد تأکید قرار گرفته است.

۴- موضوع اجابت دعا با جمله فعلیه و فعل مضارع اجیب آمده است.

۵- اجابت دعا به جمله إِذَا دَعَانِ مقید شده در صورتی که مرا بخوانند.

این آیه نشانگر آن است که دعا کنندگان مورد عنایت است. این مطلب از آیه شریفه اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ استفاده می شود.

فخر رازی گوید: انسانی که دعا می کند مادامی که ذهن او به غیر خدا مشغول است در حقیقت دعا نمی کند. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ما مِنْ مُؤْمِنٍ اَوْ مُؤْمِنَةٍ مَضَى مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ اَوْ هُوَ آتٍ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اِلَّا وَ هُمْ شُفَعَاءُ لِمَنْ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ. اَللّٰهُمَّ اِغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ؛ (۲) نیست مؤمن و مؤمنه ای در گذشته یا آینده، مگر اینکه دعاکنندهی مؤمنین و مؤمنات، مسلمین و مسلمات را شفاعت می کنند. این حدیث از امام رضا علیه السّلام نقل شده است. هر مؤمنی که مورد دعا واقع شود، برای دعاکننده سعادت آفرین خواهد بود.

ص: ۳۰۶

۱- یک صد و پنجاه موضوع از قرآن و احادیث، ص ۲۹۶.

۲- کتاب القرآن ابواب الدعاء، ج ۱۹، جامع الاحادیث، ص ۳۷۲، این دعا مفصل است. در این جا مورد اشاره قرار گرفته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: يَفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ نِصْفَ اللَّيْلِ فَيُنَادِي مُنَادٍ: هَلْ مِنْ دَاعٍ فَيَسْتَجَابُ لَهُ؟ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَيُعْطِي؟ هَلْ مِنْ مَكْرُوبٍ فَيُخْرِجُ عَنْهُ ...؟ (۱) نیمه شب درهای آسمان گشوده می شود و ندا داده می شود آیا دعاکننده ای هست تا دعایش مستجاب شود؟ آیا درخواست کننده ای هست تا به او حاجت داده شود و مشکلش حل گردد؟ آیا اندوهناکی هست تا اندوهش برطرف شود.

باز حضرت فرمودند: اَدْعُوا اللَّهَ وَ أَنْتُمْ مُؤْمِنُونَ بِالْإِجَابَةِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ لِلَّهِ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ مَنْ قَلْبٍ غَافِلٍ؛ خداوند را بخوانید در حالی که به اجابت دعای خود ایمان دارید و بدانید که خدا دعای انسان بیخبر و غافل را اجابت نمی کند. رسول خدا فرمودند: لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الدُّعَاءِ؛ چیزی نزد خدا گرامی تر از دعا نیست. (۲)

در اینجا به یکی از دعاهاى حضرت رسول در جلد ۵۸ بحار الانوار، ص ۱۲۹ اشاره می کنیم: اَللّهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ وَ مَا لَمْ اَعْلَمْ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ

ما عَلِمْتُ وَ مَا لَمْ اَعْلَمْ؛ خداوندا من همه ی نیکی هایی را که می شناسم و نمی شناسم از تو طلب می کنم و از همه ی بدی هایی که می شناسم و نمی شناسم به تو پناه می برم، (۳) مگر پیامبر صلی الله علیه و آله پیشوای ما نیست؟ ما باید در تمام امور از حضرت پیروی کنیم. دعوت نامه رسیدن به کمال این است: تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ. (بحار ج ۵۸ ص ۱۲۹)

ص: ۳۰۷

---

۱- نهج الفصاحه، (سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله)، ص ۳۲۴.

۲- نهج الفصاحه، ص ۳۳۰.

۳- نهج الفصاحه، ص ۳۳۹.

در کتاب مواضع عددیه از پیامبر دربارهٔ اجابت دعا روایت شده که مضمون کلام حضرت چنین است:

۱- از قرآن پیروی نمی کنید و می گوئید ما پیروان قرآنیم و قرآن را دوست می داریم.

۲- عملاً از راه اهل بیت نمی روید و می گوئید ما اهل بیت را دوست داریم.

۳- عملاً کار خیری که موجب رفتن به بهشت می شود انجام نمی دهید و می گوئید ما بهشت را دوست داریم.

۴- می گوئید از جهنم متنفریم، ولی عملاً کار خلاف می کنید.

این موارد و موارد دیگر موجب قبول نشدن دعا می گردد.

پیامبر خدا فرمودند: «دعا سلاح مؤمن، ستون دین و نور آسمان و زمین است».<sup>(۱)</sup>

امام علی علیه السلام فرمود: «دعا را سپر مؤمن بیان فرموده است».<sup>(۲)</sup>

خاستگاه مشروعیت دعا، دستور خداوند و پیامبران و ائمه معصومین : می باشد. در آیات فراوان خداوند بندگانش را سفارش به دعا فرموده برخی موارد در گذشته بیان شد. اُدْعُوا

رَبِّكُمْ تَصَبَّرْغًا وَ حُفِيَّةً؛ خداوند را با زاری و پنهانی بخوانید.<sup>(۳)</sup>

بعد از صدور دستور دعا، خداوند اجابت دعاء را بشارت می دهد و

ص: ۳۰۸

---

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۶۷.

۲- مدرک قبل.

۳- اعراف: ۵۵.

می فرماید: أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ؛<sup>(۱)</sup> هر گاه نیایش گر مرا بخواند، دعایش را اجابت می کنم. در دعا درخواست معلوم و دریافت اجابت نامعلوم است، همه در دعا کردن درخواست می کنند که مشکلاتشان برطرف گردد، ولی بین دعا و انتظار اجابت ملازمه وجود ندارد و در هر دعا و درخواستی نباید انتظار اجابت داشت.

قرآن می فرماید: وَادْعُوا خَوْفًا وَطَمَعًا؛ خدا را با ترس و امید بخوانید.<sup>(۲)</sup> فرهنگ دعا کردن در بین انبیاء و اوصیای الهی در آیات و روایات مفصل مطرح شده و اهل ایمان پیروی و الگوپذیری از بزرگان دین را بر خودشان واجب و لازم می دانند. درخواست و دعا حضرت ابراهیم در آیه ۲۳ اعراف، دعای حضرت ایوب علیه السلام در آیه ۸۳ انبیاء، دعای حضرت یونس در آیه ۸۷ اعراف، دعای حضرت موسی در سوره طه آیه ۲۵ و ۲۸، دعای حضرت ذکریا در سوره آل عمران آیه ۳۸، دعای حضرت عیسی در سوره مائده آیه ۱۱۴، دعای حضرت ختمی مرتبت در سوره طه آیه ۱۱۴، قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا مثل چراغ پرفروز جهان هستی را نورانی نمودند. علاوه بر آیات، پیشوایان دین مبین اسلام عملاً مردم را به دعا خواندن دعوت نمودند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالِدُّعَاءِ فَإِنَّكُمْ لَا تَتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِهِ؛ بر شما باد به دعا هیچ چیز مثل دعا شما را به خدا نزدیک نمی کند». دعا در هر حال مورد نیاز بشر است. زمان ها و مکان ها در دعا کردن تأثیر مضاعف دارد؛ مثل

ص: ۳۰۹

---

۱- بقره: ۱۸۶.

۲- اعراف: ۵۶.

دعا کردن در عرفات، دعا در شب های جمعه و دعا در اماکن مقدس برای تعجیل در فرج امام زمان (عج) دعا برای همدیگر به خصوص برای والدین حیا و میتاً بسیار سفارش شده است. همه انبیاء و معصومین به سفارشات قرآن عمل می کردند.

آدم عرض کرد: رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا؛ (۱) پروردگارا! ما به خود ظلم کردیم.

نوح عرض کرد: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي؛ (۲) پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را ببامرز.

ابراهیم علیه السلام عرض کرد: رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ؛ پروردگارا! مرا و والدینم را و مؤمنین را در روز حساب ببامرز. (۳)

یوسف عرض کرد: رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ؛ (۴) حکومت برای اجرای عدالت.

موسی عرض کرد: رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهيراً لِّلْمُجْرِمِينَ. (۵)

سلیمان عرض کرد: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكاً لَّا يَتَّبِعُنِي أَحَدٌ مِّنْ بَعْدِي (۶)

ص: ۳۱۰

۱- اعراف: ۲۳.

۲- نوح: ۲۸.

۳- ابراهیم: ۴۱.

۴- یوسف: ۱۰۱.

۵- قصص: ۱۷.

۶- ص آیه ۳۰.



عیسی عرض کرد: رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ. (۱)

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله عرضه می دارد: رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ؛ (۲) پروردگارا از وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم.

با در نظر داشت مجموعه آیات و روایات در باب دعا، به وضوح فهمیده می شود که دعا به عنوان خمیرمایه اعتقادی و عبادی همه انبیاء اوصیاء و متقین بوده و می باشد. تأثیر دعا در عرصه های مبارزاتی، فردی و اجتماعی همه پیامبران و پیروانشان انکارناپذیر است. مثل دعاء جوشن کبیر در پیروزی پیامبر صلی الله علیه وآله واقعاً در هیچ جایی مثل این دعا وجود ندارد و شرح این دعا خیلی عجیب است ...

امام صادق علیه السلام می فرماید: امه سلمه می گفت: شنیدم از پیامبر اکرم که در دعای خود می گفت: اللَّهُمَّ لَا تُكَلِّنِي إِلَى نَفْسِي طُرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛ (۳) خدایا مرا در یک چشم بر هم زدنی به حال خودم وامگذار.

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ؛ (۴) پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است، پس کسانی را که توبه کرده و تو را پیروی می کنند بیامرزد و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار.

نکات تفسیری آیه: اول آیه یاد شده، در مورد عرش و حاملان عرش

ص: ۳۱۱

۱- مائده: ۱۱۴.

۲- مؤمنین: ۹۷.

۳- . بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۸۴.

۴- غافر: ۷.

می فرماید: الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ...؛ کسانی که عرش خدا را حمل می کنند و آنان که اطراف آن هستند پروردگارشان را با سپاس و ستایش تسبیح کرده و به پاکی او را یاد می کنند. به او ایمان دارند و.... خداوند متعال در آیات قبل مردم را به دو گروه در برابر انبیاء معرفی می فرماید. گروهی مورد مغفرت خداوند و گروهی به قهر الهی گرفتار می شوند و این آیه دعای فرشتگان و حمایت آنان را از گروه اول بیان می فرماید.

الف \_ عرش در لغت به معنی تخت بلند پایه و کرسی به تخت پایه کوتاه گفته شده است. «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ کرسی خداوند جهان هستی را فرا گرفته است» و عرش در گش ممکن نخواهد بود، اما اجمالاً عرش کنایه از مرکز قدرت الهی و یا مرکز صدور احکام می باشد و مراد از حاملان عرش، فرشتگانی هستند که تعدادشان هشت تا در قرآن ذکر شده است. «يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ». (۱)

همان طور که اشاره شد حقیقت و عظمت عرش برای ما قابل درک نیست ولی از مجموع آیات یاد شده می توان درباره عرش با در نظر داشت تفسیر به این موضوع پی برد که جهان هستی دارای یک مرکز است و خداوند بر آن احاطه کامل دارد. امام صادق علیه السلام فرمودند: عرش همان علم است که خداوند، پیامبرانش را از آن آگاه کرده

است. «الْعَرْشُ هُوَ الْعِلْمُ

ص: ۳۱۲

الَّذِي أَطَّلَعَ اللَّهُ أَنْبِيَائَهُ وَرُسُلَهُ» (۱). در قرآن بیست مرتبه به عرش خداوند اشاره شده است. دعای فرشتگان و اولیای الهی تنها شامل حال مؤمنین می شود.

توبه باید با تغییر رفتار و پیروی عملی باشد نه حرکت زبان تائبوا و اتَّبِعُوا). تنها راه نجات، راه خدا و راهبران الهی است. وَاتَّبِعُوا سَبِيلَكَ وَفِيهِمْ عَذَابُ الْجَحِيمِ). در این آیه دعای فرشتگان برای اهل ایمان از یک سو و شرایط دعاء و اجابت آن از سوی دیگر، بیانگر مقام رفیع مؤمنین می باشد.

نکته ی بسیار مهم دربارهٔ این آیه در کافی روایتی از امام رضا علیه السلام می باشد. صفوان می گوید: ابوقره محدث خواست حضرت را ملاقات کند. امام علیه السلام اجازه داد. ابوقره مسائلی از حلال و حرام پرسید. سپس عرض کرد آیا شما خداوند را محمول می دانید؟ امام در جواب او فرمود: هر محمولی مفعول است و به غیر خود اضافه می شود و محمول در لفظ نیز اسم ناقص است. حامل، فاعل است و مقدم بر محمول می باشد و همین طور است معنای فوق، تحت، اعلی و اسفل. خدا می فرماید: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا» و نیز در قرآن نفرموده که او محمول است، بلکه می فرماید او حامل خشکی و دریا و نگاه دارندهٔ زمین و آسمان است تا سقوط نمایند و ماسوای خدا محمول است و کسی نشنیده یکی از آنهایی که به خدا ایمان آورده در دعای خود بگوید: «یا محمول» (۲). ابوقره محدث

ص: ۳۱۳

---

۱- معانی الاخبار، ص ۲۹، و تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۲۱۸ و ۲۱۹.

۲- تفسیر جامع، ج ۶، ص ۱۲۰.

عرض می کند: پس معنای آیه و یحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية) چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: مراد از عرش، علم و قدرت خداوند است و حمل آن را خدا به مخلوقات خود نسبت داده است. نتیجه بحث آن که دعای فرشتگان برای مؤمنان جایگاه عالی اهل ایمان را با شرایط یاد شده بیان می کند و مؤمنین را از خاک تا افلاک صعود می دهد. اگر از سقوط جلوگیری شود، صعود خواهد بود. حرف آخر درباره تفسیر این آیه روایتی در تفسیر قمی است. «وَالَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ» منظور، رسول خدا و اوصیای بعد از حضرت می باشد که حامل علم الهی هستند. مقصود از «وَمَنْ حَوْلَهُ» فرشتگان پیرامون پیامبر صلی الله علیه و آله می باشند و «وَالَّذِينَ آمَنُوا» شیعیان آل محمد هستند. «لِلَّذِينَ تَابُوا» یعنی آنان

از پذیرش ولایت باطل بنی امیه توبه نمودند. «وَاتَّبِعُوا سَبِيلَكَ» کسانی هستند که ولایت ولی الله الاعظم امیر المؤمنین را قبول کردند. (۱) رمز جهان آفرینش به اقرار کتب آسمانی و کلام پیامبران و اوصیای الهی با نام عشق به خاندان مکرم پیامبر کلید خورده و فتح گردیده است. بدین جهت می گوئیم کلید حل مشکلات، اهل بیت پیامبر هستند. با محبت و عشق خاندان عصمت از صدر الی یوم القیامه کاروانی از خط و راه این بزرگواران در حرکتند و در امور اعتقادی، از پیشوایان دین الگو می گیرند. ایستگاه پایانی این حرکت شهادت [در راه دین] و نتیجه نهایی بهشت خواهد بود. انسان های مؤمن سراپا عاشق به ولایت و شهادتند. عاشقی در راه مکتب اهل بیت مثل گردش پروانه به دور

ص: ۳۱۴

---

۱- تفسیر ابراهیم قمی (ره)، ج ۲، ص ۲۵۵؛ و تفسیر صافی، ترجمه ج ۵، ص ۵۷۰ و ۵۷۱.

## متقین و زیارت پیشوایان دینی

زیارت یکی از ویژگی های متقین است. یکی از راه های ارتباط معنوی بعد از درگذشت بزرگان دین زیارت مشاهد مشرفه و مرقد های منوره آن منتخبان و مفاخران جهان می باشد. پرواضح است که صاحبان کمال و کرامات، علوم و کارهای خدایشان بعد از مرگ آنان استمرار خواهد داشت. ارتباط با پیشوایان دین از طریق زیارت آنان بعد از مرگشان ممکن و محقق می باشد. زیارت در حقیقت موجب بقاء و استمرار ارتباط زندگان با عالم برزخ است. این ارتباط محدودیت زمانی ندارد، ممکن است ارتباط انسان با روح مقدس حضرت آدم علیه السلام برقرار شود، ارتباط این نسل با زمان آدم نامحدود بودن را اثبات می کند و برقراری ارتباط امت ها با پیامبران ممکن می باشد. زیارت از ریشه زور در اصل این کلمه به معنی میل و یا عدول از چیزی است. انسان از دنیا عدول و به سوی پاکان رجوع می کند

در منابع حدیثی شیعه و سنی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده حضرت فرمودند: «مَنْ جَاءَنِي زَائِرًا لَا تَحْمِلُهُ إِلَّا زِيَارَتِي كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَكُونَ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۱) مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي؛ پیام این حدیث نبوی آن است که هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب می شود». شرط زیارت خالصانه بسیار مشکل و ممکن خواهد بود.

ص: ۳۱۵

---

۱- هر کس به زیارت من بیاید و انگیزه ای جز زیارت من نداشته باشد، بر من لازم است که شفیع او در روز قیامت باشم. [الغدیر ج ۵، ص ۹۷، و ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۲۴].

این حدیث را ۱۶ نفر از محدثان و حفاظ اهل سنت و ۴۱ نفر از بزرگان اهل سنت از عبدالله بن عمر نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب می شود. پیام این حدیث جواب برای نااهلان در مورد زیارت حضرات معصومین می باشد. ناگفته پیداست که هزاران دلیل قرآنی و روایی در مورد زیارت وجود دارد. درباره کلمه زیارت چندین معنا گفته اند: احمد بن فارس گوید: زائر را از آن جهت زائر می گویند که وقتی به زیارت تو می آید، از غیر تو عدول می کند و رو برمی گرداند. از این رو برخی گفته اند: زیارت به معنای قصد و توجه است. (۱)

فیومی در معنای لغوی زیارت گوید:

زیارت در عرف آن است که انسان با انگیزه بزرگداشت کسی و انس گرفتن با او، به وی روی آورد. (۲)

برخی گفته اند: اطلاق زیارت در مورد ملاقات اولیاء و بزرگان از آن جهت است که این کار انحراف از جریان مادی و عدول از عالم طبیعت و توجه به عالم روحانیت است. گویا تنها موردی که در قرآن این واژه را استعمال کرده «زُرتُم» در آیه ۱ و ۲ سوره تکوین است. مفسران در تفسیر این آیه گفته اند: دو طائفه از قریش بنی عبد مناف و بنی سهم بن عمرو) به مفاخره با یکدیگر پرداختند و هر کدام بزرگان خویش را به رخ دیگری می کشیدند که در نهایت بنی عبد مناف در این مفاخره برتری یافت. این دو

ص: ۳۱۶

---

۱- مقایس اللغه، ج ۳، ص ۳۶.

۲- و الزیارة فی العرف، قصد المزور اکراماً... المصباح المنیر واژه زاره یزوره.

طائفه به سراغ قبرستان ها رفتند و به شمارش قبرهای قبیله خویش پرداختند. بنابراین قرآن مجید به سراغ کسی رفتن و دیدار

کردن با او را، زیارت نامیده است. تفسیر دیگری نیز وجود دارد.(۱)

علاوه بر این حدیث بیست روایت دیگر طبق تحقیق ما نیز در منابع اهل سنت درباره زیارت نقل شده است.(۲)

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند: به مدینه بروید و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام بدهید، هرچند که سلام و درود از راه دور به آن حضرت نیز می رسد. مَرُّوا

بِالْمَدِينَةِ فَسَلِّمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الصَّلَاةُ تَبْلُغُهُ مِنْ بَعِيدٍ.(۳)

گرچه زیارت از راه دور و به صورت غیر حضوری، در روایات و در این حدیث شریف آمده، ولی زیارت اهل قبور پیامبران و امامان و اولیای الهی به صورت حضوری خصوصیت هایی دارد:

الف - حضور در مزار و حرم های شریف که محل تردد فرشتگان، ارواح انبیاء و محل تردد روح بلند صاحب آن مزار است به وصف و بیان ناقص ما نمی گنجد، ولی مؤمنان را مشتاقانه و خالصانه به دنبال می کشاند .

ت- با زیارت اماکن مشرفه توحید و ولایت و از طرفی حشمت و قداست زیارتگاه ها بیش از پیش توجه اطرافیان را جلب و زائر را به ثواب و نورانیت نائل می نماید. این حقیقت از مسلمات عقیده پیروان اهل بیت می باشد.

ص: ۳۱۷

---

۱- تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۶۹؛ و المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۱.

۲- الغدیر، ج ۵، ص ۹۳، و ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۲۵.

۳- وسایل کتاب الحج ابواب المزار، باب ۴، ج ۱۴، ص ۳۳۸.

ج- شناخت مسلمین عالم و ملل جهان در ایام زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم نصیب زایر می گردد. اگر کسی اهل تفکر و تعقل باشد، در هنگام زیارت خانه خدا و قبر منور پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه جلوه هایی از عالم قیامت و صحرای محشر را احساس می نماید و در قبرستان بقیع برای مزار چهار امام معصوم : اشک می ریزد.

خ- با توجه به توصیه کلی قرآن درباره سیر در اقطار زمین و تماشای سرگذشت طاغیان و مجرمان زیارت حجیت پیدا می کند. **قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ**

**الْمُجْرِمِينَ؛** (۱) ای رسول ما به این کافران ( بگو در روی زمین سیر کنید تا بنگرید عاقبت کار بدکاران به کجا کشید. خیلی از مسائل و حقایق تاریخی در ایام زیارت نصیب زائر می گردد. چه بسا امکان دارد که زائر با یک زیارت عارفه از خواب سنگین بیدار شود.

ر- با در نظر داشت تاریخ هیچ گونه دلیل غیر تاریخی لازم نیست حریمهای منور امامان در طول تاریخ، مراکز علم، ترویج احکام دین، مبداء قیام ها و پیمان های مسلمانان بوده و خیلی از نهضت های جهانی با تکیه به مراکز زیارتی در جهان تحقق پیدا کرده و تحقق پیدا می کند. از زمان شهادت رسول الله و اهل بیت تاکنون انوار هدایت از جوار ملکوتی معصومان در جهان می درخشند.

### **متقین و آداب زیارت**

قبل از زیارت چند مطلب باید در نظر متقین باشد. این مطالب در کُتب

ص: ۳۱۸

۱- نمل: ۶۹.



زیارت نیز آمده است:

۱- غسل قبل از زیارت ۲- ترک کلام بیهوده و لغو ۳- غسل برای زیارت هر امام ۴- ذکر و دعاء قبل و بعد از زیارت ۵- در اول زیارت، زیارت وارث ۶- پوشیدن لباس پاک لباس از مال حرام نباشد ۷- در وقت حرکت به طرف زیارت گام ها را کوتاه برداشتن و خاضع بودن و سر به زیر داشتن تفکر ۸- در وقت رفتن به حرم تسبیح و تهلیل و صلوات گفتن بر محمد و آل محمد ۹- اذن دخول طلبیدن و توجه به جلالت و عظمت صاحب مرقد منور نمودن ۱۰- درخواست سعادت دنیا و آخرت از خداوند به جهت تقرب و جایگاهی که صاحب قبر در نزد خداوند دارد و از صاحب قبر طلب حاجت و رفع گرفتاری نمودن و بوسیدن آستانه مبارکه، قرار گرفتن نزد ضریح مطهر، رو به مرقد ایستادن، در هنگام مشاهده مرقد تکبیر گفتن و نماز زیارت خواندن از اهم وظائف یک زائر است و این زائر جز متقی و مؤمن کسی دیگر نخواهد بود.

ص: ۳۱۹

## فصل چهارم: جایگاه متقین در قرآن و عترت

اشاره

ص: ۳۲۰

به طور فهرست وار، متقین را در آینه آیات ملاحظه می کنیم.

### متقین و توفیق الهی

حضرت سلیمان علیه السلام تخت ملکه سبأ را در نزد خود مشاهده کرد و این فضل را از جانب خدا دانست: «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي» (۱) این توانایی از فضل خدای من است». متقین هم مثل رهبران دینی انجام هر کار خیر را توفیق خدا می دانند.

### قبولی اعمال متقین

«إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (۲) خدا فقط اعمال متقین را قبول می کند».

### متقین تابع قرآن

«وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ این قرآن کتابی است که ما با برکت و خیر فرستادیم از آن پیروی کنید و پرهیزکار شوید». (۳)

### آسانی در کارهای متقین

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا»؛ و هر کس که متقی و خداترس

ص: ۳۲۱

---

۱- نمل: ۴۰.

۲- مائده: ۲۷.

۳- انعام: ۱۵۵.

باشد، خدا مشکلات او را آسان می گرداند».(۱)

### همراهی خداوند با متقین

«وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»(۲) و بدانید که خدا با اهل تقوا است.

### نجات متقین

«ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًا»(۳) افرادی را که خداترس و باتقوا بودند نجات خواهیم داد و ستمکاران را فرو گذاریم تا در آتش جزا در افتند.

### آثار قلب سلیم در متقین

۶- لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ»(۴) در قلب سلیم جز محبت خدا چیزی نیست.

۷- قلب سلیم، تسلیم حق است.(۵)

۸- قلب سلیم از حبّ دنیا خالی و سالم است.(۶)

۹- قلب سلیم با یاد خدا آرام می گیرد.(۷)

۱۰- امام باقر علیه السلام می فرماید: «نَحْنُ وَسِيلُهُ»؛ وسیله حق ما ائمه هستیم،

ص: ۳۲۲

۱- طلاق: ۴.

۲- . توبه: ۳۶.

۳- مریم: ۷۲.

۴- نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۷.

۵- . نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴.

۶- . تفسیر نور، ج ۱، ص ۵۰.

۷- فتح: ۴.

خداوند به سبب ما مردم را هدایت می کند. این پیام امام، در قلب سلیم ظهور دارد.

صاحبان قلب سلیم، هدایت یافتگانند؛ این هدایت بدون وحی و پیروی از رهبران الهی ممکن نیست: «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ» (۱).

هدایت مطلق آن هدایتی است که در مقابل آن ضلالت وجود ندارد؛ آیه شریفه ۵۰ سوره طه به همین مطلب اشاره دارد: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ». بر اساس این گونه هدایت، جهان هستی به حیات ادامه می دهد و هیچ گونه بی نظمی در جهان مشاهده نمی شود؛ مثلاً گردش و حرارت ده میلیون سال قبل خورشید با امروز فرقی نکرده است، اما هدایت نسبی آن هدایتی است که در مقابل آن ضلالت وجود دارد. این هدایت همان ارائه قانون شریعت است و سعادت منوط به پیروی انسان از دستورات شرع مقدس اسلام می باشد. انبیاء برای اجرای قانون هدایت از جانب خداوند آمده اند تا به پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند؛ همان طور که آیات ۳ و ۴ سوره یس بیان می دارد: «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ \* عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

اگر انسان هدایت انبیاء را قبول کند، به سعادت می رسد: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (۲). قبول وظیفه و اجرای احکام از شاخص ترین ویژگی متقین محسوب می شود.

فقط خداوند هادی محض و حق محض است. کما اینکه تنها دین

ص: ۳۲۳

---

۱- اعلی: ۲ و ۳.

۲- انسان: ۳.

هستی، اسلام است؛ «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛ مسلماً دین واقعی که همه پیامبران مبلّغ آن بودند، نزد خدا اسلام است» (۱). هدایت خدا در صراط مستقیم با عمل و تلاش متقین محقق می گردد: «وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۲). رهبران دینی به امر خداوند هدایت می کنند به شرط آن که انسان قابل هدایت باشد.

در حلّ مشکلات فکری و اعتقادی معصومین علیهم السلام، عروه الوثقی می باشند. افراد باتقوا هیچ گاه از رهبران دینی فاصله نمی گیرند و در سایه عنایت کلام وحی سعادت می طلبند و در مقابل دشمنان برای حفظ حرمت قرآن واکنش صریح نشان می دهند.

### تأثیر قرآن بر متقین

مرحوم سید قطب، مفسر معروف اهل سنت گوید: ما ۱۲۰ نفر در یک کشتی مصری به طرف نیویورک حرکت کردیم. ۶ نفر مسلمان بودیم. من در بین کشتی نماز جمعه را برگزار کردم. یک مبشّر مسیحی ما را به مسیحیت دعوت می کرد. همه مسافرها با دقت به ما نگاه می کردند. در میان این گروه خانمی بود که بعداً معلوم شد از مسیحیان یوگوسلاوی هست. او شدیداً از آیات قرائت شده در خطبه متأثر شد گریه می کرد. (۳) این گونه مطالب درباره جاذبه ی قرآن از فراگیر بودن این نسخه ی وحیانی و معجزات رحمانی حکایت دارد و هیچ گاه این گونه مسائل

ص: ۳۲۴

---

۱- آل عمران: ۱۹.

۲- بقره: ۲۱۳.

۳- . به نقل از تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۹۲.

داستان نیست بلکه واقعیت عینی است. در مسیر هدایت و کرامت قرآن همه بشر قرار دارند.

علی رغم همه امتیازهای بی نظیر و بی بدیل قرآن، به خاطر اهمیت برخی موضوعات خداوند رحمان در قرآن ۹۳ قسم در حدود ۴۰ سوره یاد می کند. در سوره شمس یازده قسم وجود دارد.

این همه قسم و سوگند از جانب خدا برای چیست؟ پرواضح است که اصل قسم در جای ضعف و تردید بکار می رود. نسبت هرگونه صفت ضعف به خداوند عقلاً و شرعاً مردود است و هیچ گونه ضعف و تردید درباره خداوند امکان ندارد. این گونه قسم های قرآنی به خاطر اهمیت موضوع و توجه دادن به انجام فرمان خداوند است و از طرفی اتمام حجت بر همه انسان ها خواهد بود، متقین سر بر فرمان خدای گذارند همه دستورات خالق را واجب می دانند، از بیان این دو جریان به اعجاز تأثیرپذیری قرآن برای همگان بیشتر پی می بریم این گونه معجزات در ایمان و اعمال متقین تأثیر عمیق خواهد داشت.

### **پیامبر صلی الله علیه و آله و دعوت از متقین برای زیارت**

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که من یا یکی از فرزندان مرا زیارت کند، روز قیامت به زیارت و دیدار او خواهم رفت و او را از هراس ها نجاتش می دهم. «مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۱). این روایت، شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله را برای متقین بشارت می دهد. در جای دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: ۳۲۵

---

۱- وسائل کتاب حج، ج ۱۴، ص ۳۳۲، ابواب المزار.

برای مؤمنین فرمودند: «أَفْضَلُ الْإِيمَانِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ مَعَكَ مَا كُنْتَ؛ إيمان آن است که بدانی خدا باتوست در هر کجا که باشی» (۱). بدون محبت و زیارت معصومان دین معنا ندارد. هَيْلُ الدِّينِ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ. این پیام امام باقر علیه السلام در بحارالانوار، جلد ۶۵، ص ۶۳ مثل هزاران حدیث دیگر نورافشانی می کند.

گفتنی است که در عرف و اصطلاح مردم زیارت اختصاص به اماکن مشرفه و گذشتگان باکرامت ندارد، وقتی انسانی خدا را در همه جا حاضر بداند، حساب چنین شخصی پاک خواهد بود. ما همیشه زائر و حاضریم و باید باشیم.

اصل بحث زیارت و زائر با محوریت احادیث ما را به اینجا می رساند که پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمودند: «يا علي! مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي مَنْ زَارَكَ فِي حَيَاتِكَ أَوْ بَعْدَ مَوْتِكَ أَوْ زَارَ إِيْتِيكَ فِي حَيَاتِهِمَا أَوْ بَعْدَ مَوْتِهِمَا ضَمِنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أُخَلِّصَهُ مِنْ

أَهْوَالِهَا وَ شِدَائِدِهَا حَتَّى أَصِيرَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي؛ ای علی هر کس مرا در زمان حیات یا مرگم، یا تو و فرزندانت را در زمان حیات یا پس از مرگ زیارت کند، من ضمانت می کنم که او را از احوال و شدائد روز قیامت نجات دهم تا آنکه او را در زمره خودم قرار دهم» (۲).

این روایت، از عظمت و جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان بعد از حیاتشان

ص: ۳۲۶

---

۱- کنز العمال، ص ۶۶؛ و یکصد و پنجاه موضوع از قرآن و حدیث، ص ۲۴۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۸، باب ۲، حدیث ۱۶.



حکایت دارد. در آنجا که قرآن شهیدان را زنده معرفی می فرماید، حساب پیامبر صلی الله علیه وآله و امامان بالاتر و والاتر از مقام شهیدان است. رهبران دینی در بستر تاریخ زمینه شهادت و شفاعت را به وجود آوردند. انسان زائر باید به گونه ای در حرم سرای اولیای الهی حضور یابد که گویا مقتدا و پیشوای خود را در زمان حیاتش ملاقات می کند، هم جوار شدن زائر با پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله به دلیل پیروی و زیارت حضرت، مافوق ادراک افراد معمولی است. اگر توجه داشته باشیم ما در هر نماز واجب و مستحب به پیامبر صلی الله علیه وآله و صالحان سلام می کنیم. پرواضح است که جواب سلام واجب می باشد. **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**.

تا سنخیت و ارتباط معنوی و روحانی ایجاد نشود، دسترسی واقعی به شفاعت انبیاء و ائمه معصومین برای انسان ممکن نیست، ولی زیارت ظاهری نه واقعی نصیب افراد زائر اماکن مشرفه می گردد. ما در تلاش باشیم که زائر واقعی محسوب شویم. ان شاء الله

زید شحام از امام صادق علیه السلام پرسید: کسی که یکی از شماها را زیارت کند، ثوابش چیست؟

امام فرمودند: «**كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ (۱)** مانند کسی است که رسول خدا را زیارت کند».

از امام کاظم علیه السلام نقل شده است: هر کس فرزندم امام رضا علیه السلام را زیارت کند، از ثواب هفتاد حج قبول شده برخوردار می گردد. راوی با تعجب پرسید: ثواب هفتاد حج؟ فرمودند: هفتاد هزار حج. راوی دوباره پرسید: هفتاد هزار حج؟

ص: ۳۲۷

فرمودند: چه بسا حجّ که قبول نمی شود.

«مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي وَعَلَى كَأَن لَّهُ عِنْدَ اللَّهِ كَسَبِعِينَ حَجَّهَ مَبْرُورَةً - قَالَ: قُلْتُ سَبْعِينَ حَجَّهَ؟ قَالَ: نَعَمْ سَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّهَ. قَالَ قُلْتُ: سَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّهَ؟ قَالَ رَبُّ حَجَّهَ لَا تُقْبَلُ» (۱).

مرحوم ملا محسن فیض کاشانی می فرماید: روایاتی که ثواب زیارت ائمه اطهار را بیشتر از حج عمره و جهاد در راه خدا می داند، بسیار زیاد است و سرّش آن است که هر

کس ادعای مسلمانی می کند، حتی اگر ناصبی باشد اهل حج عمره، جنگ و امثال آن است در حالی که زیارت اهل ائمه اطهار اختصاص به کسانی دارد که آشنایی به قدر و منزلت آنان هر چند به طور ناقص دارند. حرم های شریف ائمه مشهد ارواح بلند و مقدس آنان و محل حضور اشباح برزخی نوریشان است، آن ارواح بلند در حالی که زنده، خوشحال و روزی خورنده از فضل پروردگارشان هستند.

امام علی بن موسی الرضاعلیه السلام فرمودند: شیعیان نسبت به هر یک از امامان معصوم پیمان و تعهدی دارند. کمال وفای به آن عهد، زیارت مشتاقانه و عارفانه آن ذوات نورانیست. «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أَيْمَنَّهُمْ شَفَعَائِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

الف- زیارت قبر امام نشانه وفاداری به مقتدا و پیشواست. اگر ارتباط بین پیرو با پیشوا در دنیا برقرار نباشد، ارتباط در عالم برزخ و قیامت غیر ممکن

ص: ۳۲۸

خواهد بود.

حُسن ادب زیارت بیانگر طهارت درون و برون زائر می باشد. اگر زائر به پاکی عمل نکند مسلماً ارتباط دائمی با پیشوا برقرار نخواهد شد.

ب- فَمَنْ زَارَهُمْ رَغَبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ؛ این کلام نورانی بیانگر آن است که زائر مشتاق شرایط حضور را در جوار امام و مقتدای خویش فراهم نماید. شرائط حضور به سفر زیارتی خلاصه نمی شود، لازم و ضروری است که زمینه حضور عظمت و مقام مقتدا و رهبر دینی را در قلب خود فراهم و موانع را برطرف و بقای آن را لحاظ نماید.

حرف زبان توأم با تصدیق و اطمینان قلبی باید باشد. نتیجه زیارت با معرفت بالاتر از ثواب هفتاد هزار حج، شفاعت رهبران الهی در روز قیامت خواهد بود. خیلی جالب و مهم است دانستن جایگاه و اماکن قبور ائمه معصومین. این مطلب در روایت آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام خبر داد که تو در سرزمین عراق کشته و دفن خواهی شد. علی علیه السلام پرسید کسی که قبر مرا زیارت و تعمیر کند و تعهد خویش را با من حفظ کند چه اجری دارد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابا الحسن خداوند قبر تو و قبر فرزندان تو را بقعه ای از بقعه های بهشت و زمینی از زمین آن قرار داده است. ای علی کسی که قبر شما را آباد کند و به تعهد خویش پایبند باشد، مانند کسی است که سلیمان بن داود را در ساختن بیت المقدس یاری رسانده، کسی که قبر شما را زیارت کند، ثواب هفتاد حج غیر واجب دارد و از گناهان بیرون می آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد. «عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَهُ: وَلِلَّهِ لُتَقَاتِلِينَ

ص: ۳۲۹

بِالْأَرْضِ الْعِرَاقِ وَتَدْفَنُ بِهَا. قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا لِمَنْ زَارَ قُبُورَنَا وَعَمَّرَهَا وَتَعَاهَدَهَا؟ فَقَالَ لِي : يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَبْرَكَ وَ قَبْرِ وِلْدِكَ بُقَاعًا مِنْ بُقَاعِ الْجَنَّةِ وَ...» (۱).

در زیارت جامعه کبیره جایگاه و وحدت مقام برای ائمه معصومین بیان شده است در آنجا که می فرماید: وَ أَنْ أَرْوَا حُكْمَ وَ نُورَ كُمْ وَ طَيَّبْتُكُمْ وَاحِدَةً. طبق بیان این فراز از زیارت وجود مقدس ائمه معصومین یک نور در چهارده رواق و بدن هستند. زید شحام از امام صادق علیه السلام پرسید: امام حسن علیه السلام افضل است یا امام حسین؟ حضرت در پاسخ فرمود: فضل اول ما به آخر ما بر می گردد و فضل آخرمان به اول ما. خلقت ما یکی است، علم ما یکی است، فضل ما یکی است. همه ما در نزد خداوند یکی هستیم. اول ما محمد وسط ما محمد و آخر ما نیز محمد است. «إِنَّ فَضْلَ أَوْلَانَا يَلْحَقُ بِفَضْلِ آخِرِنَا وَ فَضْلُ آخِرِنَا يَلْحَقُ بِفَضْلِ أَوْلَانَا... خَلَقْنَا وَاحِدًا وَ عَلَّمْنَا وَاحِدًا وَ فَضَّلْنَا وَاحِدًا وَ كُنَّا وَاحِدًا... أَوْلَانَا مُحَمَّدٌ وَ أَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ وَ آخِرُنَا مُحَمَّدٌ.» (۲).

عبد الرحمن بن مسلم از امام کاظم علیه السلام پرسید: زیارت امیر المؤمنین افضل است یا زیارت امام حسین یا بقیه امامان؟ یک یک امامان را نام برد. امام علیه السلام در جواب فرمود: ای عبد الرحمان هر کس که اولین ما را زیارت کند، آخرین ما را زیارت کرده است. هر کس ولایت اولین ما را

ص: ۳۳۰

---

۱- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲، حدیث ۵۰ باب فضل زیاره امیر المؤمنین علیه السلام، بحار، ج ۹۷، ص ۱۲۰.

۲- بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۶۳.

بپذیرد، ولایت آخرین ما را پذیرفته است. همان طور ولایت آخرین نفر ما را بپذیرد، ولایت اولین ما را پذیرفته است. دقت لازم آن که ولایت همه امامان واجب است. در ادامه فرمودند: کسی که حاجت یکی از دوستان ما را برآورد، گویا حاجت همه ما را برآورده است. عبد الرحمان بن مسلم گوید: دَخَلْتُ عَلَى الْكَاطِمِ فَقُلْتُ لَهُ أَيُّمَا أَفْضَلُ الزِّيَارَةِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَوْ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ لِفُلَانٍ أَوْ فُلَانٍ وَ سَمَّيْتُ الْأَيْمَةَ وَاحِدًا وَاحِدًا فَقَالَ لِي يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنِ مُسْلِمٍ! مَنْ زَارَ أَوْلَانَا فَقَدْ زَارَ آخِرِنَا وَ مَنْ زَارَ آخِرِنَا فَقَدْ زَارَ أَوْلَانَا وَ مَنْ تَوَلَّى آخِرِنَا وَ مَنْ تَوَلَّى آخِرِنَا فَقَدْ تَوَلَّى أَوْلَانَا وَ مَنْ قَضَى حَاجَةً لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَانَا فَكَأَنَّمَا قَضَاهَا لِجَمِيعِنَا... (۱)

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: خدای سبحان گروهی از فرشتگان را مأمور کرده تا فاطمه الزهراء را محافظت کنند و بعد از مرگ نیز وی را در قبر همراهی نمایند. «إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَكَّلَ بِفَاطِمَةَ رَعِيلاً مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَحْفَظُونَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَ مِنْ خَلْفِهَا وَ عَيْنَ يَمِينِهَا وَ عَيْنَ يَسَارِهَا وَ هَيِّمَ مَعَهَا فِي حَيَاتِهَا وَ عِنْدَ قَبْرِهَا بَعْدَ مَوْتِهَا» (۲). این کلام نورانی بخشی از عظمت فاطمه علیها السلام را بیان می فرماید.

در ادامه حدیث نورانی زیارات همه ائمه معصومین بیان شده است. زیارت هر کدام در حقیقت زیارت همه آن بزرگواران است. از نظر فضیلت تفاوت در ثواب زیارت بدان جهت است که برخی عوارض خارجی مثل دوری راه، غربت، فشار و خطر سبب شده که به زیارت برخی از امام مانند زیارت امام حسین علیه السلام

ص: ۳۳۱

۱- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۲.

۲- بحار، ج ۹۷، ص ۱۲۲، حدیث ۲۸.

توصیه و ثواب بیشتر بیان شده است. برای زیارت هر یک از امامان و حضرت زهرا علیها السلام به مدارک و دلایل خاص راجع به ثواب زیارت برخورد می کنیم. مخلص کلام آنکه زیارت هر یک از معصوم موجب سرور ارواح مطهر همه اهل بیت می شود.

### نصایح امام علی علیه السلام در باره متقین

یقال له هَمَّامٌ كان عابداً إلى أمير المؤمنين وَ هُوَ يَخِطُبُ فَقَالَ؛ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! صِفْ لَنَا صِفَةَ الْمُؤْمِنِ كَأَنَّا نَنْظُرُ إِلَيْهِ. فَقَالَ: يَا هَمَّامُ! الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيْسُ الْفَطِنُ، بَشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ، أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا، وَ أَذْلُ شَيْءٍ نَفْسًا، زَاجِرٌ عَنِ كُلِّ فَاَنٍ، حَاضٍ عَلَى كُلِّ حَسَنٍ، لَا حَقْوَدٌ وَ لَا حَسْوَدٌ، وَ لَا وَثَابٌ وَ لَا سَيْتَابٌ وَ لَا عِيَابٌ وَ لَا مُغْتَابٌ، يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ وَ يَشْتَأُ السَّمْعَةَ، طَوِيلُ الْعَمِّ، بَعِيدُ الْهَمِّ، كَثِيرُ الصَّمْتِ وَ قَوْرٌ، ذَكُورٌ، صَبُورٌ، شَاكُورٌ، مَغْمُومٌ بِفِكْرِهِ، مَسْرُورٌ بِفَقْرِهِ، سَيِّهَلُ الْخَلِيقَةَ، لَيْنُ الْعَرِيكَه، رَصِينُ الْوَفَاءِ، قَلِيلُ الْأَذَى، لَا مُمْتَأَفَّكَ وَ لَا مُتَهْتَكُكُ، إِنْ ضَحِكَ لَمْ يَخْرِقْ وَ إِنْ غَضِبَ لَمْ يَنْزِقْ، ضَمَّ حَكَّهُ تَبَسُّمٌ وَ اسْتَفْهَامُهُ تَعَلُّمٌ وَ مُرَاجِعَتُهُ تَفَهُمٌ، كَثِيرُ عِلْمُهُ، عَظِيمُ حِلْمُهُ، كَثِيرُ الرَّحْمَةِ، لَا- يَنْخَلُ وَ لَا- يَعْجَلُ وَ لَا- يَضْجَرُ وَ لَا- يَبْطُرُ وَ لَا يَحِيفُ فِي حُكْمِهِ وَ لَا يَجُورُ فِي عِلْمِهِ، نَفْسِيَهُ أَصْلَبُ مِنَ الصَّلْدِ وَ مُكَادَ حَتُّهُ، أَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ، لَا- جَشِيعٌ وَ لَا- هَلِيعٌ وَ لَا- عَنَفٌ وَ لَا- صَيْلَفٌ وَ لَا- مُتَكَلِّفٌ وَ لَا- مُتَعَمِّقٌ، جَمِيلُ الْمُنَازَعَةِ، كَرِيمُ الْمُرَاجِعَةِ، عَيْدَلٌ إِنْ غَضِبَ، رَفِيقٌ إِنْ طَلَبَ، لَا يَتَهَوَّرُ وَ لَا يَتَهْتَكُ وَ لَا يَتَجَبَّرُ، خَالِصُ الْوَدِّ، وَثِيقُ الْعَهْدِ وَ فِي الْعَقْدِ، شَفِيقٌ، وَ صَوْلٌ، حَلِيمٌ، خَمُولٌ، قَلِيلُ الْفُضُولِ،

راضٍ عَيْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ (۱) امام صادق علیه السّلام فرمودند: مردی به نام همّام، عابد و ریاضت کش از امیرالمؤمنین که سخنانی می کرد، پرسید یا امیرالمؤمنین برای من مؤمن را وصف کن و صفت او را شرح بده، گویا او را به چشم خود می نگرم. امام علیه السّلام در پاسخ فرمودند: ای همّام! مؤمن زیرک و هوشمند است. شادیش در چهره اوست و اندوهش در دل. دلش از همه چیز پهناورتر است و نزد خود از همه کس خوارتر، از هر جهت به هر کس خوب باشد، نه کینه ورز است نه حسود، نه دشنام گو، نه عیب جو و نه پشت سر بد گو، گردن فرازی را بد داند و شهرت را دشمن شمارد. غمش طولانی و همتش بلند، بسیار خموش و آرام است، باوقار و یادآور، شکیبیا و شکرگزار، از اندیشه در آینده خود غمناک و از نداشتن مال دنیا شاد، خلقتش هموار و طبعش خاکسار، به وفایش پایدار و کم آزار است. نه دروغگو و نه آبروریز، اگر بخندد به سبک سری نرساند و اگر خشم کند از جای بدر نرود، خنده اش به قهقهه نرسد و بر لبانش نقش بندد و پرسش او برای آموختن و مراجعه او برای فهمیدن، دانشش بسیار و بردباریش زیاد است. پر مهربان و بی دریغ نشتابد و دلتنگ نشود. در قضاوت خلاف حق نگوید و در علم خود بیدادگری نکند، چون سنگ سخت است، به آسانی تحت نفوذ قرار نگیرد، خلف وعده و خلاف وظیفه نکند، رنجبری و کوشش در راه حق در کام او شیرین تر از عسل است. نه آرام است و نه بیتاب، و نه سخت و نه لاف زن و نه باربر دیگران و نه در جستجوی اسرار دیگران، به خوشی ستیزه

ص: ۳۳۳

کند و به ارجمندی مراجعه نماید [باادب و مردانگی به موارد نیاز خود رجوع کند که مهم تر آنها، به درگاه خداوند است] برای توبه از گناه و تحصیل مقام بندگی اگر خشم ورزد از عدالت بدر نرود و اگر چیزی خواهد به راه نرمش گراید نه بیباک گردد و نه هتاک و نه زورگو، پاک دوستی کند و سخت به پیمان و عهد پایبند و از خداوند عزوجل خشنود است. در ادامه فرمودند: مُخَالَفٌ لِهَوَاهُ، لَا - يَغْلِظُ عَلَىٰ مِنْ دُونَهُ وَلَا يَخُوضُ فِيهَا لَا يَعْنِيهِ، نَاصِرٌ لِلدِّينِ، مُحَامٍ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، كَهْفٌ لِلْمُسْلِمِينَ، لَا يَخْرِقُ الثَّنَاءَ سِوَهُ وَلَا يَنْكِي الطَّمَعُ قَلْبَهُ وَلَا يَصْرِفُ اللَّعِبُ حُكْمَهُ وَلَا يَطَّلِعُ الْجَاهِلُ عِلْمَهُ، قَوْلًا، عَمَلًا، عَالِمًا، حَازِمًا، لَا يَفْحَاشٍ وَلَا بَطِيَّاشٍ، وَصُولٌ فِي غَيْرِ عُنْفٍ، بَدْوَلٌ فِي غَيْرِ سِرْفٍ، لَا بَحْتَالٍ وَلَا بَعْدَارٍ وَلَا يَقْتَفِي أَثْرًا وَلَا يَحِيفُ بَشْرًا، رَفِيقٌ بِالْخَلْقِ، سَاعٌ فِي الْأَرْضِ، عَوْنٌ لِلضَّعِيفِ، غَوْثٌ لِلْمَلْهُوفِ، لَا - يَهْتِكُ سِتْرًا وَلَا يَكْشِفُ سِتْرًا، كَثِيرٌ الْبَلْوَى، قَلِيلُ الشَّكْوَى، إِنْ رَأَى خَيْرًا ذَكَرَهُ وَ إِنْ عَافَى سِتْرًا سَتَرَهُ، يَسْتُرُ الْعَيْبَ وَ يَحْفِظُ الْغَيْبَ وَ يَقِيلُ الْعَثْرَةَ وَ يَغْفِرُ الزَّلَّةَ، لَا يَطَّلِعُ عَلَىٰ نُصْحِ فَيَذَرُهُ وَلَا يَدْعُ جِنْحَ حَيْفٍ، فَيَصْلِحُهُ أَمِينٌ، رَصِينٌ، تَقِيٌّ، نَقِيٌّ، زَكِيٌّ، رَضِيٌّ، يَقِيلُ الْعُذْرَ وَ يَجْمَلُ الذِّكْرَ وَ يَحْسِنُ بِالنَّاسِ الظَّنَّ وَ يَتَّهَمُ عَلَى الْعَيْبِ نَفْسَهُ؛ با هوای نفسش مخالف، بر زبردست سخت نگیرد، آنچه به کارش نیاید نیالاید، یاور دین و مدافع مؤمنین و پناه مسلمین، ستایش در او سوء تأثیر) نکند و طمع در دلش فرو نرود، نادان بر دانش او مطلع نشود، بسیار به جا گوید و بسیار کارگر است. دانشمندی عاقبت اندیش و بی زحمت است. نه دغل، نه پیگرد عیب دیگران



و نه ظالم و ستمگر، خوش اخلاق و کمک ناتوان است. رازی را فاش نکند. اگر خوبی کند به یادش آرد و اگر بدی بیند نهانش سازد. حفظ عیب نماید و از لغزش درگذرد، ناهمواری و ستمی را وانگذارد و اصلاح نماید. به مردم خوش بین، به دوران‌دیشی برای رضای خدا دوستی نماید. شادمانی او را از جا بدر نکند و یاور دانا باشد، آموزنده به نادان.

عیب خود داند و به غم خود فکر کند و جز به پروردگارش اعتماد امید ندارد. آواره است، تنه‌است، بی‌علاقه و غمناک است. برای خدا دوست دارد و در راه خدا جهاد کند، تا خشنودی او را کسب نماید. برای دل خود انتقام نگیرد و در جایی که خشم خداست دوستی نکند.

همنشین فقرا، هم آهنگ راستگویان و همدست با اهل حق، پدر برای یتیم و شوهر برای بیوه زنان و به مستمندان مهربان است. [\(۱\)](#)

مؤمن برای هر ناگواری امیدوار، برای هر سختی آرزومند است، با نشاط و خوشرو و بسیار خشم فروگر است. بخل نوزد. قناعت دارد و حیایش بر شهوت او برتری دارد. رفتارش فروتنی است و برای خدا خاضع و در هر حال خشنود از خداوند است. نیتش پاک و کردارش بی‌دغلی، نگاهش عبرت و خاموشیش اندیشه، گفتارش حکمت، در نهان و عیان خیر خواه است. از برادر خود قهر نکند و غیبت او ننماید، آنچه از دستش رفته افسوس نخورد و به هر مصیبتی صبر نماید. بردباری را با دانش در آمیزد، آرزوی کوتاه دارد و لغزش اندک و انتظار مرگ، دلش لرزان و در یاد پروردگار خود است.

ص: ۳۳۵

نفسش قانع و کارش آسان است. همسایه از او در آسایش و کارش محکم و ذکرش بسیار. خودش از خویش در رنج و مردم از او در آسایش است.

اگر به او ستم شود شکبیا باشد، تا خدا انتقام گیرد. به اهل خیر اقتدا کند، پیشوای نیکان باشد.

همام بعد از شنیدن سخنان امام فریاد زد و بیهوش شد ... سپس امام فرمودند: پنندهای رسا و عمیق با اهل خود چنین کند. در پایان سخنان امام همام جان را به جانان تسلیم کرد.

تمام فضایل مؤمن، در سخنان امام علیه السلام نمایان گشت، تا مؤمنین در کسب و حفظ این اوصاف با همه وجود تلاش نمایند. وا اسفا بر حالی مثل ما که در دنیا به نظارت پرداخته، نه بر عبادت. خداوندا ما را از خواب غفلت بیدار فرما. (۱)

### خصلت های متقین در کلام امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمودند: شایسته است که مؤمن هشت خصلت داشته باشد: در پیشامدها خوددار و صابر، در موقع بلا شکبیا، در فراوانی نعمت شاکر، به روزیش قانع، بر دشمن خود گذشت داشتن، سربار نبودن بردوستان، برای دوستان زیر بار گناه نرفتن، خود در رنج و مردم از او آسوده باشند. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: شیعَتُنَا أَهْلُ الْهُدَى وَ أَهْلُ التَّقَى وَ أَهْلُ الْخَيْرِ وَ

ص: ۳۳۶

---

۱- شرح خطبه متقین بقلم مرجع عالیقدر آیت الله مکارم شیرازی چاپ شده است.

۲- اصول کافی، ج ۵، ص ۲۵، ح ۲.

أَهْلُ الْإِيمَانِ وَ أَهْلُ الْفَتْحِ وَ الظَّفَرِ؛ (۱) شیعه ما اهل هدایت، اهل تقوا، اهل خیر، اهل ایمان، اهل فتح و ظفر می باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: الْمُؤْمِنُ كَمَثَلِ شَجَرَةٍ لَا يَتَحَاتُّ وَرَقُهَا فِي شِتَاءٍ وَلَا صَيْفٍ. قالوا: يا رسول الله وَ ما هِيَ؟ قَالَ: النَّخْلَةُ؛ مؤمن چون درختی است که برگ آن نریزد، نه در زمستان و نه در تابستان، گفتند: یا رسول الله! آن درخت کدام است؟ فرمود: نخل خرما!! (۲) مؤمن مثل آن همیشه سرسبز، بارور و مورد استفاده است.

امام علی علیه السلام فرمودند: شیعه ما آنهایی هستند که در دوستی ما به یکدیگر بخشش کنند و در مهر ما و برای زنده داشتن کار ما از هم دیدن نمایند و از حد بدر نروند. (۳)

### غربت متقین از نگاه معصومین علیهم السلام

سهل بن زیاد از ابن ابی نجران او از مثنی حنط، او از کامل تمار و او از امام باقر علیه السلام نقل کرده که امام فرمودند: النَّاسُ كُلُّهُمْ بِهَائِمٍ ثَلَاثًا) إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنُ غَرِيبٌ؛ (۴) امام سه بار فرمودند: همه مردم چون بهائم هستند، جز اندکی از مؤمنان. سه بار فرمودند مؤمن غریب است.

پرواضح است که مراد امام مؤمن واقعی است، شاید کسی این کلام امام

ص: ۳۳۷

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۳۳، ح ۸.

۲- اصول کافی، ج ۵، ص ۳۷.

۳- اصول کافی، ج ۵، ص ۴۱، (۶جلدی).

۴- مدرک قبل، ص ۵۵، حدیث ۳۸.

را جسارت به انسان ها تلقی کند، اما انسان غافل و جاهل را قرآن بدتر از حیوان معرفی کرده آیه قبلاً در این مورد بیان شد.

### دنیا زندان متقین

امام صادق علیه السلام فرمودند: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ فَأَيُّ سِجْنٍ جَاءَ مِنْهُ خَيْرٌ؟» (۱) دنیا زندان مؤمن است. کدام زندان است که خوبی و خوشی داشته باشد». برای حفظ ایمان، دنیا برای مؤمنین همیشه زندان است. دلیل قرآنی و روایی درباره زندان بودن دنیا فراوان ذکر شده هست. امام حسین علیه السلام در کربلا این حدیث را از قول پیامبر صلی الله علیه وآله بیان فرمود.

### بی توجهی به متقین

وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، الْمُؤْمِنُ فِيهِ أَذْلٌ مِنْ شَأْتِهِ» (۲) روزگاری بر مردم خواهد آمد که مؤمن از گوسفندش خوارتر باشد». واقعا زمان ما چنین است.

قرآن خطاب به امت اسلام می فرماید: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ، تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (۳)؛ شما مسلمانان مؤمنین نیکوترین امتی هستید که مردم را به نیکوکاری و ادا کردن. یکی از وظائف اساسی مؤمنین امر به خوبی ها و منع از بدی هاست، این ویژگی در بین دیگر انسانها وجود ندارد؛ چون انجام این امر مقدس مشکلاتی را در پی دارد.

ص: ۳۳۸

---

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۷۷.

۲- نهج الفصاحه، سخنان پیامبر صلی الله علیه وآله، ص ۲۰.

۳- آل عمران: ۱۹.

خداوند در قرآن گروه مؤمنین را به خاطر تحمل مشکلات وعده و مژده بهشت داده است. وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ. (۱)

### استقامت متقین از منظر امام صادق علیه السلام

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ، الْجَبَلُ يَسْتَقِلُّ مِنْهُ وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقِلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ؛ مؤمن سخت تر از کوه است، اگر از کوه، چیزی گرفته شود، کم گردد، ولی از دین مؤمن در مشکلات برگرفته نشود تا کاسته گردد. (۲)

### تکالیف متقین به اندازه وسع

اول آیه می فرماید: «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِيَّاهُ وَشِيعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ»؛ (۳) خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش تکلیف نمی کند انسان هر کار نیکی را انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار بدی کند به زیان خود کرده است. در ادامه آیه و پایان سوره مبارکه بقره قرآن احوال و خواست مؤمنان را این گونه مطرح می فرماید: «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا، رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَأَعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا، أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ مؤمنان گویند: پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم ما را مؤاخذه مکن، پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده،

ص: ۳۳۹

۱- آل عمران قسمتی از آیه ۱۵۲.

۲- مدرک قبل، ص ۵۳، حدیث ۳۷.

۳- بقره: ۲۸۶.

آنچنان که [به خاطر گناه و طغیان] بر کسانی که پیش از ما بودند، تکلیف سنگین قرار دادی. پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم بر ما مقرر مدار و آثار گناه را از ما بشوی و ما را ببخش و در رحمت خود قرارده، تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

شش مطلب بسیار اساسی در این آیه شریفه بیان شده و هریک باید جداگانه مورد بحث قرار گیرد.

الف- لا- يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا؛ از مجموع آیات و احادیث استفاده می شود که خداوند بیشتر از توانایی و ظرفیت عادی هرانسان، تکلیفی به او روا نمی دارد. وُسْع به معنای یَسْهَلُ عَلَيْهِ مِنَ الْمَقْدُورِ است. «نفساً» به تَكَ تَكَ انسان ها و ارجاع ضمیر وُسْعَهَا به نَفْسًا می تواند بیانگر این معنا باشد که هر انسانی دارای طاقت و تحمل خاص خویش است. (۱)

در تفسیر آَمَنْ الرَّسُولَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ... تا آخر آیه از امام موسی بن جعفر علیه السّلام روایت نقل شده که پیامبر از طرف خود و امتش جواب فرمود: أَلْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ؛ خداوند فرمود: برای امت اگر تکالیف خود را به جا بیاورند، بهشت و مغفرت است. پیامبر صلی الله علیه و آله جواب داد، اما امتم همین که اوامر صادره حضرت را شنیدند از جان و دل اطاعت کردند. سپس خداوند فرمود: ای پیامبر گرامی تو و امتت آیات مرا با همه عظمت قبول نمودید و حال آنکه بر تمام پیامبران و امتهای گذشته عرضه شده و به علت دشواری امتناع کردند.

ص: ۳۴۰

پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: خدایا احسان خود را بر امتم زیاد کن. خطاب شد: سؤال کن. پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد پروردگارا بار سختی که بر امت های پیشین بود، بر ما تحمیل مفرما که ما تاب سختی ها را نداریم. خدا فرمود: سختی ها را از امت برداشتم، من نمازهای امت های گذشته را قبول نمی کردم، مگر بجای مُعین ولو آن که از آن مکان دور بودند، ولی تمام روی زمین را برای امت مسجد و محل نماز قرار دادم و خاک را از مطهرات قرار دادم. همان طور که آب را از نجاسات مطهر نمودم و قربانی امت را صرف فقراء امت نمودم و نماز را بر امت تو در پنج وقت واجب کردم، برای امت های پیشین بجا آوردن نماز در نیمه شب بود. برای امت های گذشته در مقابل هر عمل خوب یک پاداش می دادیم، ولی به امت در برابر هر کار خیر ده اجر عطا کنیم و گناهان امت را پوشانیم و بین آنها و گناهانشان پرده پوشی کردیم و توبه آنان را بدون شرط پذیرفتیم. خداوند فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله امت تو بر تمام امم دیگر تسلط خواهند یافت و بر من لازم است که دین تو را، که دین اسلام است ظاهر گردانم و در مغرب و مشرق تمام عالم) دینی باقی نمی ماند، مگر دین تو. (۱)

این امر در زمان انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) محقق خواهد شد، این وعده همین قرآن است.

جمال حق که باشد نور باهر

چو ظاهر گشت نورش در مظاهر

ص: ۳۴۱

---

۱- تفسیر جامع ج ۱، ص ۵۶۳ [آیت الله سید ابراهیم بروجردی]؛ و احتجاج مرحوم شیخ طبرسی ج ۱، ص ۳۲۷.

ز صورت نقش گوناگون گرو کرد

بر آنها جمله جان را پیش رو کرد

یکی گشت آسمان دیگر زمین شد یکی پست و آن دگر بالا نشین شد ز عشق آمیزش جان با جسد بین عیان در احمد انوار  
احد بین احد باشد مُسَمَّى احمد اسمش

حقیقت گنجی و صورت طلسمش آسان بودن دین اسلام نسبت به ما قبل از اسلام کاملاً قابل تایید است. پیامبر صلی الله علیه  
وآله فرمودند: «بُعِثْتُ إِلَى الشَّرِيعَةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ؛ به آیینی مبعوث شده ام که عمل به آن برای همه سهل و آسان است».<sup>(۱)</sup>

اما جواب این است که در اصل، تکلیف سنگین بر اُمم گذشته جعل و قرار داده نشده است، از آیات و روایات به وضوح  
استفاده می شود که به خاطر دشمنی با خداوند و پیامبران الهی و نافرمانی های پی در پی تکالیف امت ها و بنی اسرائیل سنگین  
می شده و آنها از خوردن پاره ای گوشت های حلال محروم شدند. [انعام/۱۴۶، نساء

[۱۶۰

در سوره حج آیه ۷۸ خداوند می فرماید: «وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ حَرَجًا؛ قرار ندادیم بر شما در دین مشقّت و رنجی». آیه  
در صدد بیان سنت الهی است بر نبود عسر و حرج در تکلیف. برای امت اسلامی تکلیف عسر و حرجی جعل نشده است، اما  
تکلیف های توان فرسا و فوق اطاعت برای امت های گذشته، بر اثر گناه امت ها سخت و سنگین می شد نه این که تکلیف  
ابتدایی آنان سنگین جعل شده باشد. طبق بیان قرآن گاهی توبه امت های گذشته به کشتن یکدیگر می انجامید: «فَتُوبُوا إِلَى  
بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا

ص: ۳۴۲

---

۱- به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۹۷.



أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ؛ به خود ستم کردید، پس توبه کنید و به سوی خالق خود بازگردید و خود را (نه یکدیگر را) به قتل برسانید، این کار برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است. سپس خداوند توبه شما را پذیرفت». (۱)

فَبُظِّلَمَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ؛ پس به جهت ظلمی که کردند و هم به این جهت که بسیاری از مردم را از خدا منع نمودند ما نعمت های پاکیزه خود را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم. (۲)

مجازات آنها محرومیت از برخی چیزهای طیب و حلال بود. طبق بیان برخی روایات نماز واجب آنها ۵۱ رکعت و واجب مالی آنها یک چهارم کل مال بوده است. (۳)

الف- ادب و ایمان مؤمنان در مقابل خداوند اقتضا می کند که آنان در صورت انجام ندادن برخی تکالیف الهی و یا بر

اثر فراموشی و خطا خودشان را مستحق مؤاخذه می دانند. رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا؛ درخواست گذشت اعتراف ضمنی مؤاخذه و لزوم تلاش برای دور ماندن از خطا و احتمال عقاب به خاطر ترک تکالیف به جهت فراموشی و خطا است. پس لازم است از بروز خطا و فراموشی در حد امکان جلوگیری شود. منشاء فراموشی سهل انگاری خود انسان است. بشر تمام مراحل پیشرفت را از خدا می خواهد و در این خواسته مؤمنان بیشتر از دیگر انسان

ص: ۳۴۳

---

۱- بقره: ۵۴. [تفسیر این آیه درباره قوم بنی اسرائیل بیان شده].

۲- نساء: ۱۶۰.

۳- تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۸۴؛ و در المثنوی ج ۲، ص ۱۶۳.

ها صادقانه تلاش می کنند. فلذا اول عفو که محو آثار گناه و عقاب است آمده است. در مرحله دوم مغفرت و محو آثار گناه بیان شده و در مرحله سوم بهره گیری از رحمت خداوند و پیروزی بر کفار می باشد که هر سه مورد از زبان مؤمنین مطرح شده است.

ث- «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ مِن قَبْلِنَا» در خواست مؤمنان از خداوند مبنی بر تحمیل نکردن تکالیف دشوار بر آنان، بیانگر توجه مؤمنان به تاریخ امت های گذشته و پندآموزی را بیان می کند. «وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ». طبق بیان قرآن «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» مؤمنان عرض می کنند که ما را توان حمل تکلیف سنگین نیست. ای پروردگار ما! بر ما بار و تکلیف سخت واجب مگردان.

وَاعْفُ عَنَّا: گناهان ما را محو و نابود فرما.

وَاعْفِرْ لَنَا: و ما را ببخش. وَارْحَمْنَا: و بر ما رحم کن.

أَنْتَ مَوْلَانَا: تو سرپرست و آقای مایی.

روایتی از امام صادق صلی الله علیه و آله در تفسیر قمی نقل شده که این آیه گفتگوی خداوند با پیامبرش در شب معراج است. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به سِدْرَةُ الْمُنتَهَى رسید، خدا به او فرمود: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ»، طبق بیان تفسیر یاد شده فوق این آیه مستقیماً به پیامبر از جانب خدا ابلاغ

شده و واسطه ای در کار نیست. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از مسجد الحرام تا مسجد الأقصی، مسیر ۵۰

ص: ۳۴۴

---

۱- تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۱، ص ۹۵، و تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۵۳.

هزار ساله آسمان را در کمتر از یک سوم شب طی کرد و عروج نمود. (۱) بر محمد شد ختم پیغمبری نیست این منصب ، نصیب دیگری لیک باشد آن ولایت بر دوام بی شک و شبه الی یوم القیام عفو و غفران جلوه ای از رحمت الهی است. بنابراین مراد از «وَارْحَمْنَا» طلب رحمت خاص خواهد بود. جمله «أَنْتَ مَوْلَانَا» استینافیه و درخواست مستقل است.

ج- نصرت الهی خواسته مؤمنان از خداوند، در مواجهه با کافران است و درگیری دائمی مؤمنان با کفار در طول تاریخ همیشه بوده و مؤمنان به نحوی در گیر با کافران می باشند. نصرت مؤمنان در جبهه های مختلف با کافران از شؤون ولایت الهی بر مؤمنان است. لَذَا فَأَنْصِرُنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، از مقتضیات ولایت خداوند بر مؤمنان و یاری مؤمنین را بیان کند. خدا یاری مؤمنان مجاهد را بر خود واجب کرده است .

این آیه آداب دعا و خواستن را به انسان ها می آموزد. ابتدا به ضعف خود باید اقرار کنیم لا طاقه لنا، سپس به عظمت خدا گواهی دهیم، أَنْتَ مَوْلَانَا. آنگاه درخواست خود را مطرح کنیم. وَأَعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا. وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ؛ خداوند ولی و معین مؤمنین است. (۲)

خ- تکلیف به لحاظ قلمروی طبیعی بشر است نه به جهت حوزه فطری او. همان گونه که به لحاظ جمهور است نه به جهت خواص و

ص: ۳۴۵

---

۱- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۵۴.

۲- آل عمران: ۶۸.

اوحدی از مردم. زیرا رهنمودهای اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی شریعت، تشریف انسان و تکریم اوست نه تکلیف وی. (۱) لذا بعضی جشن تشریف گرفتند نه جشن تکلیف.

خلاصه ی تمام سوره مبارکه بقره، در این دو آیه آخر آمده و روح تسلیم در برابر خداوند را به ما می آموزد. اگر مؤمنان از خدا بخواهند که از لغزش های آنان درگذرد باید برنامه های خود را انجام دهند.

إِنَّ الْمُتَّقِينَ مِنْ عِبَادِهِ، يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُونَ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَيُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الرَّسُولِ مِنْ قَبْلِهِ وَيُوقِنُونَ بِالْآخِرَةِ؛ متقین از عباد ایمان به غیب، اقامه نماز و انفاق از رزق خدادادی و ایمان به آنچه به پیامبر و پیامبران قبل، نازل شده و ایمان به آخرت دارند. (۲)

«وَالْمُتَّقُونَ» هُمُ الَّذِينَ اتَّقَوْا مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفَعَلُوا مَا أَمَرَهُمْ بِهِ مِنْ طَاعَتِهِ؛ متقین کسانی هستند که از حرام خدا دوری می نمایند و انجام می دهند آنچه را که به آن امر شده اند. [از عبادت و طاعت] (۳)

برخی جمله «وَأَعْفُ عَنَّا» را چنین معنا کرده اند: كَثْرَ خَيْرِكْ لَنَا وَقَلَّ بَلَائِكَ عَنَّا، آنچه شایسته تقلیل است کم و آنچه شایسته تکثیر است زیاد فرما. (۴)

ص: ۳۴۶

۱- تفسیر تسنیم، ج ۱۲، ص ۷۱۶ [مراد از جشن تشریف عمل عالم ربانی در جشن ورود به تکلیف سید بن طاووس است].

۲- المیزان ج ۲، ص ۴۴۵، [العفو محو اثر الشیء و المغفرة ستره (این فرق بین عفو و مغفرت)].

۳- این روایت در تفسیر مرحوم طبری، ج ۱، ص ۷۶ از ابن مسعود نقل شده است.

۴- رحمه من الرحمان، ج ۱، ص ۶۹۲.

کلمه عَفُو از لُغَت اضداد است و در برابر کثرت و قَلت قرار می گیرد.

سَنّت خداوند بر استجاب دعا قرار دارد ، لذا باید زمینه اجابت دعا را فراهم کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دو آیه آخر سوره بقره اگر در شب خوانده شود فضیلت نماز شب را کفایت می کند. (۱)

بخشی از دعاهای قرآنی با استجاب عمومی مقرون است مانند ادعیه پایان سوره آل عمران. با توجه به این که سوره مبارکه بقره در مدینه نزل شده، شرائط و مسائل مهاجرین، انصار و جهاد علیه کفار مطرح شده است و در آغاز سوره بقره قرآن در قالب کبرای کَلِّی هدایتگر متقیان گفته «هُدًی لِّلْمُتَّقِينَ» و در پایان سوره، صغرای قضیه بدین گونه بیان شده است.

«وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ» چنین ایمانی با تقوا همراه است. درباره ولایت نیز فرمودند: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا، بقره / ۲۵۷» کبرای کَلِّی بیان شده و اکنون صغرای آن آمده است.

«أَنْتَ مَوْلَانَا» تو فرمودی که خدا ولی مؤمنان است و ما نیز ایمان آوردیم و مؤمن شدیم، تو مولا-ی ماهستی، پس بر کافران پیرو زمان فرما. مراد از قوم کافر، همه دشمنان داخلی و خارجی، شیاطین و کفار [و منافقین به تبعیت از کفار] هستند.

ص: ۳۴۷

---

۱- مجمع البیان ج ۲، ص ۶۹۲.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: **الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ، الْجَبَلُ يَسْتَقِلُّ مِنْهُ وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقِلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ؛** مؤمن سخت تر از کوه است، اگر از کوه، چیزی گرفته شود، کم گردد، ولی از دین مؤمن در مشکلات برگرفته نشود تا کاسته گردد. (۱)

### توصیف متقین از نگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام

بدون تردید قرائت، تلاوت و تفکر و تدبر و عمل به قرآن قلوب اهل ایمان را جلا می بخشد. مگر غیر آن است که قرآن در بین زمینیان فقط در عمل و رفتار مؤمنان تجلی پیدا می کند؟ کلمات ائمه معصومین مثل قرآن نور، هدایت و شفاعت برای متقین می باشد که امام باقر فرمودند: **«إِنَّ عَيْدِيْنَا يَحْيِي الْقُلُوبَ؛** احادیث ما باعث زنده شدن دل هاست». مگر غیر مؤمنین توجه و عمل به گفتار قرآن و ائمه اطهار دارند؟ مگر غیر اهل ایمان ذکر و دعاء به صورت واقعی در زندگانشان مطرح می باشد؟ مگر خوف و رجاء، تضرع و دعای خالصانه در زندگی غیر مؤمنان وجود دارد؟ **أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً؛** پروردگارتان را با تضرع و در پنهانی بخوانید.

اکثر جمعیت دنیا با عقاید خاصی که دارند از اسلام و معارف اهل بیت چیزی نمی دانند. جمعی از کسانی که نماز می خوانند ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان حضرت را ندارند. نماز بی ولایت مثل نماز بی طهارت خواهد بود.

ص: ۳۴۸

۱- مدرک قبل، ص ۵۳، حدیث ۳۷.

۲- اعراف: ۵۵.

اوصاف نمازگزاران مؤمن و منافق در قرآن و روایات مفصل بیان شده و همچنین دعاء و شرائط ایجات در احادیث آمده. جالب این که اهمیت دعا و شرائط آن در کلام نورانی امام صادق علیه السّلام از نماز افضل دانسته شده است. حضرت می فرماید: أَكْثَرُهُمْ دُعَاءً أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ، أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.

سائل یکی از یاران امام علیه السّلام بود. در حضور دو مرد در حال نماز و دعا در مسجد از امام سؤال کرد، فرمود. آن کس که بیشتر دعا می کند، افضل است. مگر سخن خداوند را نشنیده اید که می فرماید: ادعونی، امام علیه السّلام: هی العباده الکبری؛ دعا عبادت بزرگی است.

دعا حضور قلب، خلوص نیت، صفای دل، زبان پاک، چشم گریان، قلب سوزان، یقین و ایمان، لقمه حلال، تربیت سالم و اطمینان به الطاف ارحم الراحمین می خواهد. این شرایط بجز در قلب مؤمنین جایی ندارد.

امام صادق علیه السّلام می فرماید: الدُّعَاءُ أَفْضَلُ مِنْ قِرَائَةِ الْقُرْآنِ، چرا دعا از قرآن افضل است؟ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ: قُلْ مَا يَعْبُؤَا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَائُكُمْ؛ (۱) خداوند به رسولش فرمود بگو: اگر دعای شما نبود، پروردگار من برای شما ارجی قائل نیست و اعتمادی نمی کند.

یکی از شرائط قبولی دعا، لسان پاک و قلب صاف می باشد. این اوصاف بعد از انبیاء و اولیای الهی برای مؤمنین و متّقین اختصاص یافته است.

خداوند می فرماید: دعای مخلصین قبول می شود. پرواضح است که

ص: ۳۴۹

اخلاص در قلب غیر مؤمن وجود ندارد. فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ در حال اخلاص دعا قبول و مستجاب می شود. (۱)

امام صادق علیه السلام در وصف مؤمنین می فرماید: هُمُ الْبِرَّةُ بِالْإِخْوَانِ فِي حَالِ الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ؛ مؤمنان کامل آنانی هستند که در روزگار سختی و آسایش به برادران نیکی می کنند و در عسرت و تنگ دستی دیگران را به خود ترجیح می دهند.

خداوند می فرماید: وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ؛ (۲) مؤمنین از خود گذشتگی می کنند.

اعمال و کردار مؤمنین با همه ارزش ها مانند: عبادت، صبر، فداکاری، جهاد، اخلاص، با دعاء و تقوا رقم خورده است. به همین جهت قرآن درباره مؤمنین می فرماید: لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ. (۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ إَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ؛ بهترین شما کسی است که عیب هایتان را به شما بگوید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي بَيْتِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ أَنْتَ ضَيْفِي وَ زَائِرِي؛ کسی که برادر دینی خود را در خانه او دیدار نماید، خداوند با عزت و جلال درباره او می فرماید: تو مهمان منی و بر منست پذیرایی تو.

هر که خواهد همنشینی با خدا

او قرین است در حضور اولیاء

ص: ۳۵۰

---

۱- سخن خدا، ص ۲۹۱.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۵.

۳- فصلت: ۸.



خوشا بر اخلاص و یقین اهل ایمان که خویشتن را به دنیای پست نفروختند. زین رو مقدمشان را بر قله های معرفت گذارند و مشتاقانه برای رسیدن به کمال و سعادت، همه سختی ها را به جان خریدند تا به جانان رسیدند. الحمد لله رب العالمین.

ص: ۳۵۱

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- امام المشککین، فخر رازی، چاپ قدیم، دار المکتب العلمیه، ۱۳۴۷.

- امام خمینی (ره)، تفسیر قرآن برگرفته از آثار امام خمینی (ره)، تدوین سید محمد علی ایازی، ناظر آیت الله محمد هادی معرفت، قم: تنظیم نشر آثار امام ۵ جلدی، ۱۳۸۶.

- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه دار المجتبی، ۱۴۳۸.

- بروجردی، سید ابراهیم، تفسیر جامع، قم: نشر جلیل، ۱۳۸۰.

- ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه سید مهدی آیت اللهی، قم: جهان آرا، ۱۳۸۳هـ- ش.

- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳.

- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳.

- حرّ عاملی، شیخ محمد حسن (متوفای ۱۱۰۴هـ-ق)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت علیهم السّلام، بیروت: ۱۴۲۹هـ-ق، ۲۰۰۸م.

- خمینی، سید مصطفی، تفسیر قرآن کریم، چاپ نشر آثار امام، قم: ۱۳۹۳.

ص: ۳۵۲

- خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، مترجم سید جعفر حسینی، قم: دار الثقلین، ۱۳۸۳هـ- ش.
- دمشق، عماد الدین ابی الفداء اسماعیل بن کثیر، تفسیر ابن کثیر، بیروت: دار المکتبه الهلال، ۲۰۰۷م.
- رشید رضا، سید محمد، المنار، چاپ قدیم، بیروت: ۱۳۴۷.
- ری شهری، محمدی، میزان الحکمه با ترجمه فارسی، چاپ چهارم، مترجم حمید رضا شیخی، قم: مرکز دار الحدیث، ۱۳۸۳هـ- ش.
- سمرقندی، نصر بن محمد مسعود بن عیاش، تفسیر عیاشی، قم: ۱۳۸۹.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، تفسیر الدر المنثور فی القرآن، عراق: کاظمیه، ۱۳۷۷.
- شبر، تفسیر معین، سید عبدالله، قم، ۱۳۸۹.
- شیبانی، محمد بن حسن، تحقیق حسین درگاهی، چاپ اول، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۷.
- شیخ طوسی، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳.
- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۸۳.
- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، قم: نور وحی، ۱۳۸۸.
- عاشور، سید علی، الجواهر فی تفسیر القرآن، دار نظیر عبود، بیروت: ۱۴۳۱هـ- ۲۰۱۰م.
- عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تهران: مکتب اسلامی، ۱۳۸۶.

- فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر صافی، چاپ ده جلدی در ۵ جلد، قم: نوید اسلام، ۱۳۸۶.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، ۱۴۱۵ هـ - ق.
- قمی، عباس، سفینه البحار، تهران: دار الأسوه، ۱۴۲۲ هـ - ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر ابراهیم قمی، مؤسسه دارالکتب، قم: انتشارات بنی الزهراء، ۱۴۰۴.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ - ق، ۱۹۸۲ م.
- مشهدی، محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق، تحقیق حسین درگاهی، قم: شمس الضحی، ۱۴۳۰ هـ - ق، ۱۳۸۷ هـ - ش.
- مصطفی حسین، کشاف، تفسیر کشاف، مصر: ۱۳۶۵.
- مغنیه، محمد جواد، تفسیر معین، بیروت: مؤسسه دارالکتب اسلامی، ۱۴۲۸ هـ - ق، ۲۰۰۷ م.
- مکارم شیرازی، ناصر با جمعی از فضلا، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا، قم: فاضل، ۱۳۸۱.
- ناصر الدین، سعید عبدالله بن عمر بن محمد، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۰ هـ - ق، ۱۹۹۰ م.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

